

گنجینه

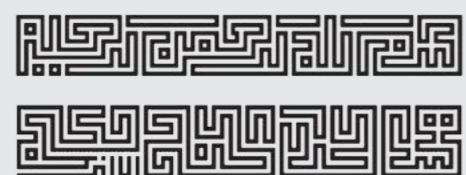


سال هجدهم - شماره ۵۰ - بهار ۱۳۹۸

فصلنامه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان یزد

ویژه نامه معماری معاصر یزد



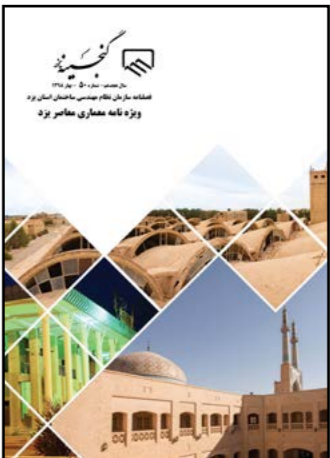


اسفند ۱۳۸۳

مقام معظم رهبری:

ساختن های شهری و روستایی کشور باید به گونه ای طراحی و ساخته شوند که استحکام، زیبایی، تناسب با محیط، صرفه جویی و رعایت شاخص های بومی و اسلامی در آنها لحاظ شود.

نظام مهندسی کشور باید ضوابط و مقررات را به صحنه عمل بیاورد و مهندسین ناظر به طور جدی بر ساخت ساختمان ها نظارت داشته باشند و ترمیم بافتهای فرسوده شهرها و روستاها در اولویت کاری دستگاه های مسئول قرار گیرد.



سال هجدهم - شماره پنجاه - بهار ۱۳۹۸

صاحب امتیاز

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان یزد

مدیر مسئول

در حال تغییر

سردبیر ویژه

سید منصور علاقه بند

شورای همکاران:

احسان نوری - مژگان پاک چشم - بهنام سلطانی

ویراستار

امید علیمی

طراحی جلد و گرافیک:

سعیده شیخ راستی

نقل مطالب این فصلنامه با ذکر منبع بلا مانع است.

فصلنامه فنی - تخصصی گنجینه یزد با روش آموزشی و تحلیلی در زمینه موضوعات مرتبط با ساختمان تدوین می شود و هدف از انتشار آن اطلاع رسانی، ارتقاء دانش فنی - نظری مهندسان و ایجاد ارتباط متقابل مفید میان اعضا و مدیریت سازمان می باشد.

چاپ مقالات و مطالب در فصلنامه گنجینه یزد الزاماً بیانگر مواضع و دیدگاه های سازمان نظام مهندسی ساختمان و فصلنامه نبوده و مسئولیت مندرجات هر مقاله یا مطلب به عهده نویسنده آن می باشد.

فصلنامه گنجینه یزدآماده دریافت مقالات علمی- تحلیلی و نظرات همکاران در زمینه های مرتبط جهت درج در شماره های آتی می باشد. لطفاً مطالب خود را به آدرس سازمان یا رایانامه فصلنامه ارسال فرمایید.

این نشریه در ویرایش یا کوتاه کردن مقالات و مطالب رسیده آزاد است.

نشانی: یزد بلوار امام جعفر صادق(ع) - سازمان نظام مهندسی ساختمان استان یزد - طبقه سوم - دفتر فصلنامه گنجینه یزد
آدرس اینترنتی: www.yazdnezam.ir
رایانامه: yazdnezamro@yahoo.com
تلفن سازمان: ۰۳۵- ۳۸۲۶۰۸۰۱-۳
نمابر: ۰۳۵-۳۸۲۶۰۸۰۰

فهرست

سخن نخست: ۶

سرمقاله: پس از ۹۰ سال، معماری معاصر یزد/ سیدمنصور علاقه بند ۷

مقاله: معرفی ساختار تحقیق کتاب «شناسایی و مستندسازی آثار هم پیوند با زمینه در معماری معاصر یزد»/ مهدی صادق احمدی ۸

معرفی سلسله نشست های معماری معاصر یزد/ سخنرانی: سید منصور علاقه‌بند ۱۳

سلسله نشست های معماری معاصر یزد: نشست اول (در جست و جوی هویت)

گفتارهای مقدماتی نشست اول/ سخنرانی: نریمان فرحزاد، محسن اولیا، سیدمنصور علاقه بند ۱۶

سخنرانی: مروری بر تجربیات حرفه‌ای مهندسان مشاور پلشیر/ محمدرضا قانعی ۲۰

معرفی بناهای شاخص معاصر یزد/ هنرستان پسرانه کار و دانش ذکایی/ مژگان پاک چشم ۳۱

سلسله نشست های معماری معاصر یزد: نشست دوم (راهبردهای بومی سازی کالبدی بدنه خیابان های یزد)

سخنرانی: معرفی ساختار پژوهش نمای بوم سازگار/ سید علی اکبر کوششگران ۳۶

مقاله: ارتقاء کیفیت آموزش، جهت آماده سازی حرفه ای دانش آموختگان معماری/ شیدا چنگیزی ۴۸

سلسله نشست های معماری معاصر یزد: نشست دوازدهم (مهندسان معمار پیشکسوت، درس ها و تجربه ها)

سخنرانی: استارت‌آپ ها، کلید توسعه معماری/ مهدی سالاری ۵۵

سخنرانی: مروری بر سیر تحول معماری معاصر یزد / سید منصور علاقه‌بند ۶۰

گفتگو: دمی در حضور پیشکسوتان ۷۲

مصاحبه با مهندسان معمار پیشکسوت یزد

مقدمه ای بر مصاحبه های انجام شده با مهندسان معمار پیشکسوت یزد/ احسان نوری ۷۹

طراحی را همیشه باید با دست انجام داد/ مصاحبه با سیدولی قریشی ۸۰

دانشجویان معماری هنرهای تجسمی را حتماً بخوانند/ مصاحبه با علی صادقیان ۸۳

کسی می تواند تدریس بکند که معمار حرفه ای هم باشد/ مصاحبه با سید محمدحسین آیت اللهی ۸۶

طراح همیشه آزادی عمل ندارد!/ مصاحبه با محمدرضا شاه حسینی ۹۰

رضایت مردم در طراحی ها، شرط سخت توفیق در معماری/ مصاحبه با مهدی حماسی ۹۲

یک معمار تصمیم گیرنده مطلق نیست/ مصاحبه با محمدحسین مسعودی ۹۶

معماری باید بومی و سازگار با اقلیم باشد/ مصاحبه با سید حمید جلیلیان ۱۰۰

معمار باید خود طراحی را انجام دهد، خود نظارت کند و حتی در مرحله اجرا شرکت داشته باشد/ مصاحبه با علی محمد زارع بیدکی ۱۰۳

معمار باید جامعه شناسی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ مردم را خوب بداند/ مصاحبه با محمود جلالیان ۱۰۵

مقاله: بیرون از المپ - نقدی بر سیر حرفه ای یک معمار (فرزاد دلیری)/ بهنام سلطانی ۱۰۹

معرفی بناهای شاخص معاصر یزد/ مسجد یزدباف/ مژگان پاک چشم ۱۱۲

معرفی پروژه برتر: مسابقه طراحی ایستگاه برداشت آب شرب شهر یزد/ مهندسان مشاور سیزان ۱۱۶

پیش نویس راهنمای تهیه و ترسیم نقشه‌های معماری/ احسان نوری ۱۲۲

سخن نخست



هنر معماری در لحظه‌های گسسته از دیروز

مهدی سالاری

رئیس سازمان

به نام حضرت دوست

که هر چه داریم از اوست

معماری دستاوردی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که در هر عصری متناسب با شرایط جامعه رخ می‌نماید. معماری معاصر ایران چیزی جدای از حال و هوای ایران امروز نیست. در معماری معاصر همانند اعصار مختلف، چندین رویکرد همزمان با هم در شکل‌گیری فضای معماری ایفای نقش می‌کنند. از جریان‌هایی که تا حدودی به ورطه فراموشی سپرده شده‌اند چون، معماری مبتنی بر تاریخ، معماری مبتنی بر سنت و معماری مبتنی بر بوم‌گرفته‌ها تا معماری مبتنی بر نوآوری و تکنولوژی که تنورش این روزها داغ‌تر است. اما بیشترین رویدادی که تمامی جریان‌های معماری کشور را متأثر از خود نموده، «ساختن بدون معماری» است.

آنچه شهرهای ما بیش از پیش از آن رنج می‌برند، ساختن‌های بی‌ریشه و بی‌هویت است. حاکمیت ساختمان‌سازی صرف، بر شهرهای معاصر تا جایی پیش‌رفته، که بحران‌شهرها نه معماری مدرن و نه معماری مبتنی بر سنت بلکه بحران امروز، بحران ساختمان‌سازی است. ناخوشنودی ناشی از تجربه‌های مشترکی که همه ما از فضاهای معاصر شهرمان به یاد داریم، برآمده و پیامد ساختمان‌سازی است. اگرچه در معماری گذشته کیفیت‌فضاها محسوس و قابل ادراک بود، در نیم قرن اخیر فضاهای بی‌روح و تک‌عملکردی، سازه‌ها و سیستم‌های تاسیساتی عربان و سلطه‌اشیاء و مبلمان رو به ازدیاد و تکرار است و آنچه کمتر از همیشه به آن بها داده می‌شود، کیفیت فضاست و نقش و نیاز انسان به عنوان بهره‌بردار واقعی است.

اتخاذ سیاست‌های کوتاه‌مدت و زودبازده و نگاه صرف اقتصادی به بناها، کیفیت فضاهای معماری را کاهش داده و آنها را در حد ساخت و سازه‌های بی‌روح و بی‌هویت تنزل داده است. اگر اقتصاد و سیاست، معماری را احترام نکنند و معماران، اقتصاد و سیاست را بر معماری ارجح‌دارند، بی‌شک در گسترش و توسعه شهرها، ساختمان‌سازی بر معماری پیشی خواهد گرفت و بناها صرفاً به کالاهای مصرفی و کم‌دوام تبدیل خواهند شد. در این شرایط در بهترین حالت، مکان را عملکرد و مصالح را بازار تعیین و زمان، لحظه‌ای می‌شود کمی جلوتر از حال، لحظه‌هایی گسسته از دیروز و امروز و جدا از فردا.

در گذشته‌ای نه چندان دور پدربزرگ‌های یزدی کار احداث قناتی را آغاز می‌کردند، پدران یزدی آن را پیش می‌بردند تا نوه‌های آن‌ها بتوانند روزگاری از آن بهره‌مند شوند، این نوع نگاه بلندمدت در خلق آثار معماری نیز تولیداتی را به منصف ظهور می‌رساند که پس از گذشت قرن‌ها هنوز بر تارک این سرزمین می‌درخشند. امروزه تحول در معماری نیازمند عزم جدی به منظور بازنگری در تمامی عوامل زمینه‌ساز و همچنین تغییر در نگرش و دیدگاه‌هاست. معمار معاصر بیش از هر زمان دیگر می‌بایست تولید ارزش‌کند، کاری که مردمان یزد در طول تاریخ به اعلاء درجه ممکن آن را می‌دانستند و به انجام می‌رساندند. معمار گذشته از خاک که ارزانترین و در دسترس‌ترین مصالح است، به واسطه هنر معماری گوهری خلق می‌نمود که امروز میراث جهانیان است و حال این وظیفه و مسئولیت بزرگ بر عهده دانش‌آموختگان مهندسی معماری در سازمان نظام مهندسی است تا به عنوان پیش‌آهنگ در کنار دیگر رشته‌های مهندسی ساختمان این امانت سنگین را بر دوش کشند و در خور شایسته چون نیاکانشان به نسل بعد انتقال دهند. باشد که دیگر بار، بناهایمان نه فقط ساختمان، که آثار فاخری باشند تا هر بیننده‌ای را مسحور خود سازند و قدرت و عظمت هنر ایرانیان را که برآمده از تفکر، اندیشه ورزی، مهارت و چیره‌دستی آنان است به رخ کشند.

انتظار می‌رود جامعه مهندسين معمار و مرمت‌کاران که در گذشته خوش‌درخشیدند و آثار فاخر و ارزشمندی را در این دیار کهن و میراث جهانی به یادگار گذاشته‌اند در خلق آثار معماری جدید موفق‌تر از گذشته اقدام نمایند.

شهر تاریخی یزد با بیش از ۱۵۰۰ سال سابقه و با حداقل هزار سال تاریخ مدون از حدود ۱۸۰ سال پیش، همزمان با پایان دوره حکومت سلسله خوانین یزد به تدریج روند آشنایی و رویارویی با جهان مدرن را آغاز کرد. معماری و شهرسازی یزد نیز متأثر از مولفه‌های عینی و ذهنی این دوران، سبک و سیاق خاص خود را تجربه کرد. اگر بخواهیم آغازی بر شرایط و ویژگی‌های امروزمان بیابیم سال ۱۳۰۷ و احداث اولین خیابان شهر مبدا خوبی است. چرا که خیابان و ویژگی‌های معماری خیابانی مشخصاتی دارد که هنوز هم با آن الگو ساخت و ساز می‌کنیم. در این ۹۰ سال هیچ‌گاه تلاشی در جهت شناخت و تدوین جریان معماری معاصر یزد و تبدیل آن به یک خودآگاهی حرفه‌ای انجام نگرفته است. اگر وضع موجود معماری استان علی‌رغم گذشته درخشان آن مطلوب نیست بخشی از علل را باید در عدم انسجام هویت حرفه‌ای ما دانست و هویت جمعی از جمله هویت حرفه‌ای و صنفی درگرو تولید و ترویج دانش و ادبیات مرتبط با آن حرفه و تشکیل و رونق کانون‌ها و انجمن‌ها و نهادهای فراگیر و فعال است. عدم نگاه به معماری به مثابه یک امر فرهنگی-اجتماعی و تقلیل آن به امری فیزیکی و صنعتی از آفاتی است که راه را بر تدوین وضعیت کنونی و تاثیرگذاری مثبت بر آینده آن و تفوق بر چالش‌های موجود می‌بندد. طرفه آن که در ۹۰ سال گذشته استانداران و فرمانداران و شهرداران و مدیرکل‌ها و رؤسا آمدند و رفتند، مسئولان و کارمندان عمرانی بازنشسته شدند و درگذشتند، مهندسان و مشاوران، دفاتر و شرکت‌ها تشکیل دادند و بستند، معلمان و اساتید و رؤسای دانشکده و دانشگاه تدریس کردند و گفتند و گفتند و همه گروه‌های بالا طرح‌ها تهیه کردند و اجرا نمودند ولی هیچ کدام کوچکترین اقدامی در جهت مستندسازی اقدامات خود و انگیزه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر آن نکردند. این را چیزی جز نسیان جمعی نمی‌توان نام نهاد. این شماره مجله گنجینه متعلق به سازمان نظام مهندسی ساختمان استان یزد در سال هجدهم انتشار! تلاشی است کوچک در تذکر کارهای نکرده‌ای که باید در این زمینه انجام شود.

مبنای مطالب این شماره عمدتاً محتوای سلسله نشست‌های معماری معاصر یزد که از سال ۱۳۹۳ توسط انجمن صنفی مهندسان معمار آغاز شد از یک سو و از سوی دیگر مطالعه‌ای کاربردی است به نام «شناسایی و مستندسازی تجربیات هم‌پایوند با زمینه در معماری معاصر یزد» که در آن اینجانب و همکارانم برای اولین بار به طور سیستماتیک معماری معاصر یزد را موضوع بررسی خود قرار دادیم. در این راه، پیشکسوتان مهندسی معماری استان در قالب مرور تجربیات خود و انجام مصاحبه همراه این تلاش بوده‌اند. واکاوی سرکار خانم دکتر چنگیزی در امر آموزش در کنار توجه ویژه آقای دکتر سالاری به پویایی و نوآوری جامعه حرفه‌ای، مکمل این شماره از مجله گنجینه است.

ژرف‌اندیشی پژوهشگر جوان آقای مهندس سلطانی در کل از چالشهایی که امروزه گریبانگیر معماری ما شده است، بیدارباشی است برای معماران و درنهایت معرفی پروژه برتر مسابقه طراحی ایستگاه برداشت آب یزدامید ما را به آینده تقویت می‌نماید.

برای بهبود شرایط در آینده، اقدام به تعریف و انجام مطالعات کاربردی در این زمینه توسط سازمان نظام مهندسی ساختمان استان، دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی (اعم از سازمان‌های فرهنگی و عمرانی)، مدیریت شهری و همچنین پژوهشگران و مهندسان و اساتید و دانشجویان گامی است که باید هرچه سریع‌تر برداشته شود. ایجاد گفت‌وگوی حرفه‌ای در قالب نشست‌ها و جلسات نقد و بررسی، مسابقات و نشریات و... نیز گامی دیگر است که امید دارم مجموعه جامعه و اصناف حرفه‌ای و مدیریت عمرانی، اهتمامی ویژه به آن داشته‌باشند. در این زمینه پیشنهاد تاسیس تالار گفت‌وگوی شهر و معماری به عنوان یک نهاد بین‌بخشی مدیریت شهری و جامعه حرفه‌ای پیشنهادی است که تفصیل آن را به فرصتی دیگر می‌سپارم.

سر مقاله



پس از ۹۰ سال، معماری معاصر یزد

سید منصور علاقه‌بند

سردبیر ویژه

معرفی ساختار تحقیق کتاب «شناسایی و مستندسازی آثار هم پیوند با زمینه در معماری معاصر یزد»



دکتر مهدی صادق احمدی
استادیار دانشگاه فنی و حرفه ای استان یزد

مقدمه

معماری تاریخی شهر یزد آنچنان جاذبه ای دارد که هر محقق معماری در این دیار را وادار به مطالعه، شناخت و تحلیل کیفیت های فضایی، تکنیک و خلاقیت درخشان به کار رفته در آن می سازد. «معماری تاریخی یزد» در مقایسه با آنچه امروز به عنوان «معماری معاصر یزد» در حال ساخت و بهره برداری است؛ کامل و مطلوب به نظر می آید، از این رو نتیجه شایع و طبیعی این مقایسه «فسوس» از کف رفتن کیفیت های فضایی و بصری است. اما پاسخ به سؤال «ما چگونه ما شده ایم» و به عبارت دقیق تر «چه دلایل و زمینه هایی موجب شده است تا معماری شهر یزد به نقطه ای برسد که ما بر آن ایستاده ایم؟» نیاز به مطالعه ای سازمان یافته تر و شناخت عمیق تر از ریشه های فرهنگی، اجتماعی، طبیعی و اقلیمی معماری شهر و تکانش ها و تغییراتی است که جامعه ایران در یکصد سال اخیر به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پشت سر گذاشته است.

شناخت معماری معاصر در شهر یزد به عنوان یک جریان اجتماعی یا محصول سلسله ای از تغییرات تأثیرگذار بر معماری، تا پیش از این سابقه جدی ندارد. بسیاری از معماران و سازندگان ابنیه شهر در طول یکصد سال گذشته با نظر به معماری تاریخی یزد و به قصد تداوم برخی از ارزش های آن، قلم بر کاغذ گذاشته و طراحی خود را با الهام از سازماندهی و کیفیت های فضایی، سیما و نمودها و جزئیات ساختمانی معماری تاریخی یزد پیش برده اند و احتمالاً در مرحله اجرا توفیقاتی حاصل نموده اند. بررسی نقاط قوت و ضعف این آثار نیز، به عنوان پاسخ هایی به نیازهای معماری در شرایطی نزدیک تر به امروز، کمتر مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته اند.

در تحقیقی که به سفارش شرکت بازآفرینی شهری از معاونت های وزارت راه و شهرسازی کشور در جهت بررسی معماری زمینه گرای معاصر یزد انجام شده است، سعی بر آن بوده است که آغازگر راهی باشیم که نتیجه غایی آن، وصول به کیفیت معماری معاصر هم تراز و هم شأن با نام «یزد» باشد. یادداشت حاضر به معرفی ساختار این تحقیق می پردازد و امیدواریم نتایج این تحقیق در قالب کتابی مدون در سال پیش رو در اختیار علاقه مندان قرار گیرد تا به یاری همه دست اندرکاران، این مسیر به مقصدی مطلوب منتهی گردد.

معرفی ساختار کتاب

به سفارش کارفرما، مطالعه معماری معاصر یزد بایستی با قید «معماری زمینه گرا» به منظور دستیابی به راهبردها و توصیه هایی در جهت بهبود و ارتقاء معماری امروز و آینده انجام می پذیرفت. با شروع مطالعه و در روند انجام آن با پیشنهاد مشاور، شناسایی و مستندسازی «معماری هم پیوند با زمینه» جایگزین قید مذکور شد. اما به جهت خلاء مطالعه ای سازمان یافته در زمینه معماری معاصر یزد، با نگاهی فراتر از الزامات تحقیق، همه آنچه به عنوان «معماری معاصر یزد» شناخته می شود، در طی تحقیق مورد بررسی و یا تحلیل قرار گرفته است.

این پروژه در چندین مرحله به انجام رسیده است که ترکیبی از مطالعات و پیمایش میدانی، بازدید، مصاحبه، جمع آوری و بررسی اسناد و آرشیو نقشه های معماری تا مطالعات کتابخانه ای، تحلیل و تطبیق نتایج داده ها و در نهایت تدوین و تألیف کتاب را در خود داشته است. خروجی کتاب در چهار فصل کلی تنظیم شده است. فصل اول با عنوان کلیات و مبانی نظری به مباحث نظری مرتبط با موضوع می پردازد. فصل دوم شناخت یزد و تبیین ادوار معماری معاصر آن اختصاص یافته است. در فصل سوم علاوه بر معرفی معیارهای هم پیوندی با زمینه در معماری معاصر، نتایج مستندسازی ابنیه منتخب معاصر یزد معرفی و ارائه شده است. فصل چهارم شامل جمع بندی و ارائه پیشنهادات درباره معماری معاصر هم پیوند با زمینه در یزد است.

بخش اول از فصل اول کتاب به تبیین مساله، اهمیت و ضرورت مطالعه و اهداف تحقیق و فرایند آن می پردازد. اهداف چهارگانه این تحقیق موارد زیر عنوان شده است:

- پیمایش عمومی ابنیه معاصر یزد و تهیه فهرستی از ابنیه شاخص، درخور توجه و تأثیرگذار بر روند معماری امروز.

بسیاری از معماران و سازندگان ابنیه شهر در طول یکصد سال گذشته با نظر به معماری تاریخی یزد و به قصد تداوم برخی از ارزش های آن، قلم بر کاغذ گذاشته و طراحی خود را با الهام از سازماندهی و کیفیت های فضایی، سیما و نمودها و جزئیات ساختمانی معماری تاریخی یزد پیش برده اند .

- مطالعه سیر تحول ادوار معماری معاصر یزد از دوره پهلوی تاکنون و تبیین ویژگی های کلی و تاریخ اجتماعی معماری در هر دوره.

- تدوین الزامات، معیارها و مبانی نظری کاربردی هم پیوندی با زمینه باتوجه به بستر شهر یزد.

- مستندسازی اهم تجربیات شاخص معماری معاصر یزد و تحلیل آن ها به منظور بازآموزی و بکارگیری در معماری آینده یزد.

بخش دوم از فصل اول کتاب به بررسی مفاهیم و نظریات پایه تحقیق در دو حوزه مفهومی «هم پیوندی با زمینه» و «معماری معاصر» اختصاص دارد. مطالعه اجمالی ادبیات جهانی درخصوص مفهوم زمینه گرایی و هم پیوندی با زمینه کالبدی، فرهنگی- اجتماعی، طبیعی و تاریخی در معماری و همچنین بررسی مختصر رویکردهای نظری به معماری معاصر ایران در این بخش ارائه شده است.

فصل دوم کتاب شامل سه بخش است. در بخش اول از فصل دوم «یزد»

در بررسی معماری زمینه گرای معاصر یزد، سعی بر آن بوده است که آغازگر راهی باشیم که نتیجه غایی آن، وصول به کیفیت معماری معاصر هم تراز و هم شأن با نام «یزد» باشد.

از منظر چهار زمینه طبیعی، تاریخی، فرهنگی- اجتماعی و کالبدی معرفی شده است. در این بخش به ویژگی های کلی زمینه های چهارگانه و قوت و استحکام آنها تا دوره معاصر و پیوند معماری یزد با آن اشاره شده است. بخش دوم این فصل با عنوان سیر تحول آبادانی یزد از دوره تاریخی تا دوره معاصر، به بررسی تاثیر زمینه های مذکور بر شکل گیری و سیر تحول و تغییرات عمران و آبادانی شهر یزد در دوره های مختلف می پردازد. دوره بندی معماری معاصر از منظر زمینه های موثر بر شکل گیری آن، خروجی این بخش است که در بخش سوم فصل با نگاهی کالبدی و ویژگی های معماری هر دوره با ذکر نمونه ها معرفی شده است.

در فصل سوم کتاب، ابتدا معیارها و شاخص های معماری هم پیوند با زمینه با توجه به تجربیات معماری و سیر تحول آبادانی در آن ارائه می شود. سپس ابنیه منتخب هم پیوند با زمینه معاصر یزد بر اساس معیارهای مذکور، معرفی می شود. در این فصل ابنیه منتخب در سه سطح ارائه می شود. سطح اول حدود هفتاد بنای منتخب شهر یزد از ادوار مختلف معماری معاصر آن است که فهرست وار معرفی شده اند. سطح دوم معرفی حدود سی بنای شاخص از میان ابنیه منتخب است که با اطلاعات و نقشه و عکس معرفی شده اند و سطح سوم به حدود ده بنای منتخب نهایی اختصاص دارد که به صورت تحلیلی معرفی شده اند.

فصل چهارم کتاب شامل نتیجه گیری، ارائه بایدها و نبایدهای طراحی در راستای معماری هم پیوند با زمینه و ارائه پیشنهادات برای مطالعات آتی است.

فرایند تحقیق و روش مطالعه

راهبرد تحقیق حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیق کاربردی است و از نظر روش در ذیل روش تحقیق کیفی قرار دارد. این تحقیق مبتنی بر مطالعات نظری، مطالعات تاریخی و پیمایش میدانی است که به مطالعه، شناخت و احصاء معماری معاصر در حوزه جغرافیایی شهر یزد، می پردازد.

در مواجهه با شرایط و محصولات دوران تجدد، راهبرد تلفیق، انتخاب و گزینش فرصت بهبود و اصلاح امور را فراهم می سازد، بنابراین بجای نفی و رد کلی معماری معاصر، نقد و اصلاح آن مدنظر است .

تامین اجتماعی شعبه یک

سطح اول حدود هفتاد بنای منتخب شهر یزد از ادوار مختلف معماری معاصر آن است که فهرست وار معرفی شده اند. سطح دوم معرفی حدود سی بنای شاخص از میان ابنیه منتخب است که با اطلاعات و نقشه و عکس معرفی شده اند و سطح سوم به حدود ده بنای منتخب نهایی اختصاص دارد که به صورت تحلیلی معرفی شده اند.

نمای ساختمانهای مدرن و معاصر در شهر یزد

تحقیق حاضر بر این فرض نظری استوار است که در مواجهه با شرایط و محصولات دوران تجدد، راهبرد تلفیق، انتخاب و گزینش فرصت بهبود و اصلاح امور را فراهم می‌سازد، بنابراین بجای نفی و رد کلی معماری معاصر، نقد و اصلاح آن مدنظر است . این تحقیق متأثر از نقد پست مدرنیسم بر مدرنیسم از منظر زمینه‌گرایی است و به دنبال یافتن راه‌هایی برای رفع نقایص و تلاش برای اصلاح و بهبود وضعیت موجود معماری یزد است.

در فرایند چندجانبه تحقیق، بسته به نوع و ماهیت منابع قابل رجوع هریک از بخش‌های مختلف تحقیق، روش و ابزار مطالعه متناسب با همان بخش بکار گرفته شده است. وجهی از تحقیق و بدنه اصلی آن شامل «پیمایش میدانی و مستندسازی آثار معماری معاصر در سطح شهر یزد» است. وجه دوم تحقیق شامل مطالعات نظری در حوزه معماری معاصر و معماری هم پیوند با زمینه است. وجه سوم شامل مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای با هدف جمع‌آوری اطلاعات پراکنده و تاریخ شفاهی روند تغییرات معماری و شهر یزد است و وجه چهارم تحقیق شامل تجزیه و تحلیل اطلاعات وجوه سه گانه قبلی، تدوین مولفه‌ها، معیارها و پیشنهادات مبتنی بر نتایج تحقیق است.

در فرایند انجام هریک از وجوه چهارگانه فوق در این تحقیق، منابع چهارگانه زیر مورد رجوع قرار گرفته است:

نمای ساختمانهای مدرن و معاصر در شهر یزد

نمای ساختمانهای مدرن و معاصر در شهر یزد

نمای ساختمانهای مدرن و معاصر در شهر یزد

- پیمایش میدانی معماری معاصر در سطح شهر یزد
- مصاحبه با افراد مطلع (تاریخ شفاهی)
- مجموعه مستندات، مدارک و اسناد مکتوب ادارات، نهادهای عمومی و شرکت‌های خصوصی
- مجموعه کتب و مقالات پیرامون تاریخ و معماری یزد و کشور
- پیمایش میدانی و مستندسازی آثار معماری معاصر در سطح شهر یزد از اولین اقدامات و مراحل تحقیق بوده است. در این مرحله، ابتدا فهرستی از ابنیه معاصر شهر یزد که واجد کیفیت‌هایی از معماری بودند جمع آوری شد. این فهرست همزمان با اطلاع رسانی در جوامع صنفی و حرفه ای معماران شهر و استان یزد و همچنین پیشنهادهای معماران برجسته و پیشکسوت و سایر دست اندرکاران معماری و ساختمان تکمیل شد. در این مرحله حدود چهارصد بنا و مجموعه معماری انتخاب شده بودند.

نمای ساختمانهای مدرن و معاصر در شهر یزد

تعیین ادوار معماری و شهر سازی و همچنین شناخت ابنیه مهم، معماران و مشاوران برجسته یزدی و غیر یزدی که در یزد طراحی معماری کرده اند، از اولویت های این پژوهش است.

نمای ساختمانهای مدرن و معاصر در شهر یزد

در مرحله دوم، پیمایش میدانی اولیه فهرست تهیه شده در دستورکار قرار گرفت و جمع آوری بانک اطلاعاتی شامل اطلاعات اولیه، عکس و نقشه‌های موجود هر بنا به جریان افتاد. برای این منظور گروه‌های مطالعه

میدانی بر اساس منطقه بندی شهر، به هریک از مناطق مختلف مراجعه و جمع آوری اطلاعات اولیه شامل کاربری، زمان ساخت، نام معمار، سازنده، بانی و کارفرما و عکاسی اولیه را به انجام رساندند. این پیمایش در سطح نسبتاً وسیع اما با عمق کم صورت گرفت. نکته مهم در این موضوع طی مسیر از اثر به معمار و موثر بود که در برخی موارد حتی برجسته، همچنان اطلاعات معمار و یا سازنده بنا در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در مرحله سوم دسته‌بندی‌های مختلفی از فهرست ابنیه پیمایش شده مبتنی بر کاربری، دوره ساخت، الگوهای ساخت، سبک معماری و رویکرد طراحی صورت پذیرفت اما پیش نیاز انتخاب دقیق تر ابنیه، تعیین معیارهاو شاخص‌های انتخاب بر اساس مطالعات نظری بود. پیش نیاز دیگر این انتخاب، تعیین دوره بندی معماری معاصر شهر یزد از طریق پیشبرد همزمان مطالعات تاریخی و بررسی اسناد و مصاحبه‌ها بود.

پس از تعیین معیارهای ابنیه منتخب و تعیین محدوده هریک از ادوار معماری معاصر یزد، در مرحله چهارم ابنیه منتخب بر اساس معیارها و ادوار، برگزیده شدند. روند بررسی و گزینش ابنیه در هیأت راهبری تحقیق با حضور ناظران علمی ابتدا برپایه مدارک و اطلاعات جمع آوری شده و سپس بازدید میدانی از ابنیه منتخب در چند مرحله به انجام رسیده است. این بررسی در نهایت به دسته بندی ابنیه جهت مستندسازی در سه سطح منجر شد. در مرحله پنجم و نهایی، تکمیل مدارک و اطلاعات بناها، انجام عکاسی و در صورت لزوم رولوه بناها، مصاحبه با معمار و بانیان بناها انجام پذیرفت.

نکته قابل توجه، وضعیت نامناسب نگهداری اسناد و نقشه‌های ابنیه معاصر در برخی مراکز است که متأسفانه به امحاء و نابودی بسیاری از اسناد و نقشه‌ها انجامیده است.

نمای ساختمانهای مدرن و معاصر در شهر یزد

در بخش مصاحبه با افراد مطلع، پس از تهیه فهرستی از شهرداران دوره‌های مختلف، مسوولان عمرانی استان، کارمندان باسابقه مدیریت

شهری و معماران پیشکسوت استان، مصاحبه و گردآوری تاریخ شفاهی شهر یزد ، همزمان با سایر مراحل انجام تحقیق صورت پذیرفت. نتایج این بخش در تعیین ادوار معماری و شهرسازی و همچنین شناخت ابنیه مهم، معماران و مشاوران برجسته یزدی و غیر یزدی که در یزد طراحی معماری کرده اند، موثر بوده و مکمل سایر مسیرهای فرایند تحقیق بوده است.

در بخش رجوع به مستندات، مدارک و اسناد مکتوب ادارات، نهادهای عمومی و شرکت‌های خصوصی به‌منظور شناخت ویژگی ها و فرایند ساخت و ساز در ادوار مختلف معماری شهر یزد و یافتن نام اشخاص موثر و نقشه‌های ابنیه تأثیرگذار بر تحولات معماری و شهرسازی یزد؛ اسناد و نقشه‌های بایگانی ارگانهایی چون شهرداری یزد، استانداری، اداره کل راه و شهرسازی استان، مدیریت اسناد و کتابخانه ملی، مرکز اسناد بنیاد انقلاب اسلامی، بنیاد ایران‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و شرکت های خصوصی و وابسته، مورد بررسی و واکاوی قرارگرفته‌اند. نکته قابل توجه وضعیت نامناسب نگهداری اسناد و نقشه‌های ابنیه معاصر در برخی مراکز فوق است که متاسفانه به امحاء و نابودی بسیاری از اسناد و نقشه‌ها انجامیده است. درمجموع می توان گفت که مجموعه اسناد مطالعه شده، به چند بخش قابل‌تفکیک هستند: اسناد مرتبط با تحولات مسکن، اسناد مرتبط با ساخت مدارس، اسناد شهرداری و پروانه‌های ساختمانی، اسناد احداث ادارات، اسناد ساخت‌وسازهای تاسیسات شهری و خیابان کشی، اسناد احداث و توسعه صنعت، اسناد مربوط به آمار و ارقام و اسناد مربوط به ثبت سندها. نتایج بررسی اسناد و مدارک در این تحقیق در تبیین تحولات معماری و شهرسازی شهر یزد و تعیین ادوار مختلف آن تأثیر



بازدید گروه تحقیق و تالیف کتاب به همراه ناظران علمی از ابنیه منتخب معاصر یزد

معرفی سلسله نشست های معماری معاصر یزد

سید منصور علاقه‌بند
رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی مهندسان معمار
استان یزد
دبیر سلسله نشست ها

از ابتدای قرن تاکنون؛

- برگزاری جلسات در مورد طرح های عمومی در دست تهیه توسط مشاوران استان جهت آگاهی همکاران و ...

از اواخر سال ۱۳۹۳ تاکنون دوازده نشست در این حیطه برگزار شده‌است که عناوین، ارائه کنندگان و تاریخ آن‌ها در جدول زیر نمود می‌یابد:

| ردیف | تاریخ | عنوان | سخنران |
|--------------|----------|---|--|
| نشست اول | ۹۳/۱۲/۱۴ | در جستجوی هویت (مروری بر تجربیات حرفه‌ای مهندسان مشاور پلشیر) | دکتر محمدرضا قانع |
| نشست دوم | ۹۴/۵/۲۶ | راهبردی در بهبود کیفی نمای معابر شهری یزد | دکتر کوشگران |
| نشست سوم | ۹۴/۸/۲۰ | مروری بر تجربیات حرفه‌ای مهندسان مشاور امین | مهندس مسعودی و صالحی |
| نشست چهارم | ۹۴/۱۰/۳۰ | رسم شمشه (میانمداری در معماری) مروری بر تجربیات حرفه‌ای مهندسان مشاور شمشه | دکتر مندگاری، مهندس سهرابی |
| نشست پنجم | ۹۴/۱۲/۱۲ | مروری بر تجربیات حرفه‌ای پویاخزالی | مهندس پویا خزالی |
| نشست ششم | ۹۵/۳/۱۶ | یادبود اصالت (مروری بر تجربیات حرفه‌ای مهندس معمار هنرمند مرحوم علی علوی راد) | مهندس احمد علوی راد، دکتر محمد رضا اولیا، مهندس سید منصور علاقه‌بند، مهندس علی امیری اردکانی، مهندس مهدی شرافت |
| نشست هفتم | ۹۶/۹/۲۵ | بررسی ابعاد فنی پرونده ثبت جهانی و پلان مدیریت بافت تاریخی یزد | پنل اول: مهندس علومی، خسروی راد، پهلوان زاده، بهرا، حسینی پنل دوم: مهندس فرهنگند، نادری، دکتر وطن دوست، دکتر مختاری، مهندس رعیتی مقدم |
| نشست هشتم | ۹۶/۱۰/۱۹ | مروری بر تجربیات حرفه‌ای علی صادقیان | مهندس علی صادقیان |
| نشست نهم | ۹۶/۱۲/۱۵ | مروری بر تجربیات حرفه‌ای محمدرضا اولیا | دکتر محمد رضا اولیا |
| نشست دهم | ۹۷/۴/۲۷ | مروری بر تجربیات حرفه‌ای محمود جلالیان | مهندس محمود جلالیان |
| نشست یازدهم | ۹۷/۸/۲۲ | مروری بر تجربیات حرفه‌ای سید محمد حسین آیت اللهی | دکتر سید محمد حسین آیت اللهی |
| نشست دوازدهم | ۹۸/۲/۱۴ | مهندسان معمار پیشکسوت یزد، درسها و تجربه ها | دکتر سالاری، مهندس علاقه‌بند، پنل گفت‌وگو: مهندس جلالیان، جلیلیان، مسعودی، حماسی، قریشی، صادقیان، امیری اردکانی، جانفدا و دکتر اولیا |

علی‌رغم این‌که از اواخر دوره قاجار مهندسان معمار به تدریج در کشور شروع به فعالیت کردند و این‌که از سال ۱۳۱۹ آموزش کلاسیک معماری در دانشگاه آغاز شد، در یزد، اولین مهندس معماری در سال ۱۳۴۹ ساکن شد، دفتر تأسیس نمود و مشغول به کار حرفه‌ای گردید. سپس چند تن انگشت‌شمار نیز در ابتدای دهه پنجاه به تدریج به یزد آمده و تا اواخر دهه ۷۰ که هنوز نتایج توسعه کمی دانشکده‌های معماری کشور ملموس نبود تنها مهندسان معمار استان یزد بودند. با تأسیس دانشکده معماری دانشگاه یزد و افزایش تعداد معماران استان فقدان هویت صنفی و چالش‌های برآمده از آن گروهی از مهندسان معمار را بر آن داشت تا از سال ۱۳۸۴ نسبت به تشکیل یک انجمن صنفی اقدام نمایند. این انجمن از سال ۱۳۹۳ نسبت به برگزاری سلسله نشست‌های معماری و شهرسازی معاصر یزد به منظور تعریف و تثبیت جایگاه معماری و شهرسازی معاصر استان به‌عنوان یک جریان فرهنگی-اجتماعی جهت بازشناسی گذشته، تدوین وضعیت کنونی و تأثیرگذاری بر روند آینده اقدام نموده‌است. جامعه هدف این نشست‌ها به ترتیب اهل حرفه، مدیران عمرانی و مردم هستند و برنامه‌های آن عمدتاً شامل موارد زیر بوده و یا خواهد بود:

- دعوت از مشاوران درجه یک کشور و مشاوران محلی جهت ارائه تجربیات حرفه‌ای و معرفی پروژه‌های برتر خود؛

- برگزاری جلسات موضوعی با دعوت از سخنرانان مطلع؛

- بررسی تاریخچه و نتایج مدیریت عمرانی شهرهای استان و طرح‌ها و برنامه‌های آن‌ها؛

- چالش‌های موجود در معماری و شهرسازی استان و بررسی علل آن و راهکارهای برون‌رفت از آن؛

- احصاء و معرفی آثار خوب معاصر

آغازی بر مسیری است که پیش از این مغفول مانده است. برای تشخیص راه آینده، شناخت دقیق مسیری که طی کرده ایم از زوایای دیگری نیز قابل بررسی و مطالعه است که در زمان تحقیق مقدور نشد. امید است این مسیر با حضور بیشتر دانش‌جویان معماری و علاقمندان به تداوم هویت معماری یزد با هدایت علمی اساتید محترم دانشگاه و پشتیبانی دستگاه‌های مدیریت شهری پی گرفته شود و در آینده ای نزدیک شاهد تحقیقات مشابه در حوزه معماری معاصر یزد با رویکرد کاربردی باشیم.

معرفی سازمان انجام پروژه
عنوان: شناسایی و مستندسازی آثار هم پیوند با زمینه در معماری معاصر یزد
کارفرما: دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی شرکت بازاریابی شهری ایران
مدیر پروژه: سیدمنصور علاقه‌بند
مولفان: سید منصور علاقه‌بند، مهدی صادق‌احمدی
مشاوره عالی: دکتر کاظم مندگاری
ناظر علمی: دکتر اسکندر مختاری
گروه مطالعات معماری: مژگان پاک‌چشم، بهنام سلطانی، سمیرا دهقانی، سارا کارگر
گروه مطالعات شهری: مسعود قادریان، نگار مجری، میثم امیری، زهره مختاری
گروه پیمایش میدانی: احسان نوری، امین اخوان، صفورا برناجی، فاطمه فلاح، علیرضا فلاح، آیناز حسینیان، فاطمه السادات موسوی، علیرضا گلوردزاده، محمد ابویی فر
گروه عکاسی: الهام رئیس زاده، مژگان پاک‌چشم، بهنام سلطانی

بسیاری داشته است. از آنجا که تحقیق یک فرایند چندجانبه بوده است، دستاوردهای تحقیق در بخش پیمایش میدانی و مدارک و اسناد مکتوب سرنخ‌های جستجو برای رجوع به افراد مطلع جهت انجام مصاحبه و کتب و مقالات مرتبط را آشکار می‌کرد. به عنوان مثال در پی یافتن یک بنای فاخر در پیمایش میدانی و جستجوی نام مهندس معمار مجموعه از طریق مصاحبه، تعداد دیگری از ابنیه طراحی شده و آثار همان معمار مورد شناسایی قرار گرفت. همچنین پس از پیمایش اولیه و تعیین فهرست کلی ابنیه، تبیین دقیق معیارهای معاصر بودن و هم پیوند بودن بنا با زمینه ضرورت می‌یافت و این موضوع نیازمند رجوع به مطالعات کتابخانه‌ای و تقویت مطالعات میدانی تحقیق و اندیشه پشتیبان تحقیق بود.

رجوع به کتب و مقالات به عنوان مکمل مطالعات میدانی حاصل شده از منابع سه گانه دیگر جهت پیشبرد بخش مطالعات نظری و تبیین اندیشه پشتیبان تحقیق ضرورت داشت. نتایج این مطالعه کتابخانه‌ای در تبیین مفاهیم و نظریات پایه در دو حوزه مفهومی معماری معاصر و هم پیوندی با زمینه، بستر لازم جهت انجام تحلیل‌ها و تبیین راهبردها، معیارها و شاخص‌های هم پیوندی با زمینه در معماری معاصر یزد را فراهم نمود. همچنین انجام مطالعات تاریخی از طریق رجوع به کتب و مقالات مرتبط با تاریخ معماری و شهرسازی شهر یزد نیز مکمل مطالعات میدانی و تاریخ شفاهی جهت تبیین و تدقیق ادوار معماری صورت پذیرفته است.

از آنجا در اکثر پروژه‌های شاخص معماری معاصر یزد، رد پای توجه به زمینه و الهام معماری از ارزش‌های معماری دوره تاریخی و تلاش برای روزآمدکردن و انطباق آن‌ها با زندگی امروزی قابل مشاهده بود. بنابراین با توجه به ماهیت کاربردی تحقیق در تکوین و تدوین معیارها و شاخص‌های هم پیوندی با زمینه بجای تکیه بر مباحث صرفاً نظری، راهکارهای پروژه‌ها و تجربیات شاخص تحقق یافته و رویکردهای خلاقانه هم سویی با زمینه دخیل و تأثیرگذار بوده است.

در مجموع نتایج این تحقیق علاوه بر مستندسازی معماری معاصر یکصدسال اخیر، تعیین دوره بندی و شناخت مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر تغییرات معماری در هر یک از این دوره‌ها، تبیین معیارها و شاخص‌هایی است که هم پیوندی با زمینه در معماری معاصر یزد را به عنوان معیاری برای قضاوت معماری معاصر حاصل نموده است.

این تحقیق سنگ بنای مطالعه در حوزه معماری معاصر یزد است اما تنها

سلسله نشست‌های معماری معاصر یزد: نشست اول (در جست و جوی هویت)



پوستر سلسله نشست‌های معماری معاصر یزد

فیلم‌ها، عکس‌ها و محتوای تولید شده هر کدام از این نشست‌ها از منابع معماری معاصر یزد هستند و مجله گنجینه در نظر دارد به تدریج با تلخیص محتوایی، متون تمامی این نشست‌ها را جهت مستندسازی و ترویج آن منتشر نماید. در این شماره متن کامل نشست اول و دوم و همچنین نشست دوازدهم که با عنوان «پیشکسوتان معماری استان، درس‌ها و تجربه‌ها» با همکاری سازمان



عکس گروهی مهندسان معمار یزد - نشست چهارم



مراسم یاد بود مهندس علی علوی راد - نشست ششم

گفتارهای مقدماتی نشست اول

سخنرانی دکتر نریمان فرحزا



بسم الله الرحمن الرحيم

من ابتدا عرض سلام داشته باشم خدمت دوستان و همکاران محترم . بعضی از دوستان نقش استادی بنده را دارند و سیاست‌گزارم از اینکه دعوت ما را پذیرفته اید . تلاش قریب به یک سال اخیر انجمن صنفی منجر به برگزاری این جلسه شد که باعث افتخار ماست قبول زحمت دوستان و قبول دعوت ما.

انجمن صنفی یک جلسه مقدماتی همگانی در سال ۱۳۸۴ داشته که بعضی از دوستان و پیشکسوتان در آنجا حضور داشتند . ثبت رسمی انجمن و شروع به کار آن در سال ۱۳۸۷ اتفاق افتاده که من در آن موقع مشارکتی نداشتم و دوستان با چراغ خاموش حرکت می‌کردند.

وقتی هم که ما وارد شدیم سوال داشتیم که شما در این مدت که انجمن صنفی بودید، چه می‌کردید؟ یک گزارش خیلی مفصلی دادند که جلسات متعددی تشکیل شده ولی به صورت ارائه بیرونی هیچ وقت اتفاق نیفتاده است. کارهای خیلی خوبی انجام شده بود که من در حال حاضر فشرده آن را عرض می‌کنم. البته مدت یک سال و نیم انجمن تعطیل بوده و فعالیتی نداشته است که این محاقی است که برای همه نهادهای مردمی در آن دوره خاص تاریخی اتفاق افتاده. از نیمه دوم سال ۹۲ فعالیت‌ها و گفتگوهای را شروع کردیم و نشست‌هایی را داشتیم تا مجدداً انجمن را فعال کردیم . در ابتدای سال ۹۳ همزمان با روز معمار ، جلسه ای را به صورت مجمع داشتیم و در آنجا انتخابات مجددی انجام شد و رسماً برنامه مجدد انجمن شروع شد و با هیئت مدیره جدید که البته آقای مهندس سید علاقه بند از هیئت مدیره قبلی این افتخار را به ما دادند و با هیئت مدیره جدید همراهی کردند که خیلی هم مفید است و یکی از آثار خیر و مفید آن همین جلسه ای هست که در حال حاضر شما حضور دارید.

اما در باره اقداماتی که انجام شده باید عرض بکنم که اساسنامه در این فاصله کوتاه تهیه شده و مکانی هم که خانه اولیا هست و در چهار راه امیر چخماق قرار دارد آماده کرده ایم و سایت اینترنتی راه اندازی شده و با یکسری ضوابطی نشست‌های تقریباً منظم هیئت مدیره اتفاق افتاده است. بعضی وقت ها ما به صورت یک هفته در میان و بعضی وقت ها به صورت هفتگی برنامه داشتیم و مرتب آن را تکرار کردیم و به‌ندرت جلسه تعطیل شده و دوستان برای حضور در جلسه مقید بودند.

ما کارگروه‌های انجمن را تعریف کردیم که من در انتها قدری آن را تشریح می‌کنم. اهداف و دیدگاه‌ها و چشم انداز و نظامنامه انجمن تدوین و تنظیم شده است که هدف صنفی انجمن را تامین می‌کرد و آن استیفای حقوق همکاران و ارائه خدمات مهندسی متناسب با نیازهای استان تنظیم شده است. ما برگزاری همایش‌ها و مسابقه معماری که از دوره قبل برگزار شده و کارگاه‌های آموزشی و اجرایی یا مشارکت انجمن داشته ایم که عموماً با مشارکت پژوهشکده معماری بومی و دانشکده معماری به صورت مشترک برگزار شد.

بعضی وقتها ضرورت داشت که در انجمن برخوردها و اظهارنظرهایی را در مواردی داشته باشیم که از جمله آنها اظهار نظرهای مکتوب در امور عمرانی استان بوده که در جای خود وارد شدیم و اطلاع‌رسانی‌هایی در این زمینه‌ها صورت گرفت. آخرین اقدامی هم که انجام شد تلاش چندین ماهه اخیر دوستان

ما کارگروه‌های انجمن را تعریف کردیم که من در انتها قدری آن را تشریح می‌کنم. اهداف و دیدگاه‌ها و چشم انداز و نظامنامه انجمن تدوین و تنظیم شده است که هدف صنفی انجمن را تامین می‌کرد و آن استیفای حقوق همکاران و ارائه خدمات مهندسی متناسب با نیازهای استان تنظیم شده است. ما برگزاری همایش‌ها و مسابقه معماری که از دوره قبل برگزار شده و کارگاه‌های آموزشی و اجرایی یا مشارکت انجمن داشته ایم که عموماً با مشارکت پژوهشکده معماری بومی و دانشکده معماری به صورت مشترک برگزار شد.

بعضی وقتها ضرورت داشت که در انجمن برخوردها و اظهارنظرهایی را در مواردی داشته باشیم که از جمله آنها اظهار نظرهای مکتوب در امور عمرانی استان بوده که در جای خود وارد شدیم و اطلاع‌رسانی‌هایی در این زمینه‌ها صورت گرفت. آخرین اقدامی هم که انجام شد تلاش چندین ماهه اخیر دوستان

ما کارگروه‌های انجمن را تعریف کردیم که من در انتها قدری آن را تشریح می‌کنم. اهداف و دیدگاه‌ها و چشم انداز و نظامنامه انجمن تدوین و تنظیم شده است که هدف صنفی انجمن را تامین می‌کرد و آن استیفای حقوق همکاران و ارائه خدمات مهندسی متناسب با نیازهای استان تنظیم شده است. ما برگزاری همایش‌ها و مسابقه معماری که از دوره قبل برگزار شده و کارگاه‌های آموزشی و اجرایی یا مشارکت انجمن داشته ایم که عموماً با مشارکت پژوهشکده معماری بومی و دانشکده معماری به صورت مشترک برگزار شد.

بعضی وقتها ضرورت داشت که در انجمن برخوردها و اظهارنظرهایی را در مواردی داشته باشیم که از جمله آنها اظهار نظرهای مکتوب در امور عمرانی استان بوده که در جای خود وارد شدیم و اطلاع‌رسانی‌هایی در این زمینه‌ها صورت گرفت. آخرین اقدامی هم که انجام شد تلاش چندین ماهه اخیر دوستان



برعهده دارد .

اظهار نظر و اعلام موضع در مورد نکات معماری و شهرسازی و مدیریت آن جزء وظایف این کارگروه است. ۴/کارگروه پشتیبانی که وظیفه مالی و اداری و رفاهی اعم از مکان و تجهیزات، بودجه و برنامه‌های رفاهی اعضا و خانواده‌های آنها را برعهده دارد.

امید است همکاران، دانشجویان و علاقه‌مندان حوزه معماری و شهرسازی با هم اندیشی در موارد بالا و شرکت فعال در انجمن و کارگروه‌های آن دستیابی به این اهداف را سرعت بخشند.

والسلام

سخنرانی مهندس محسن اولیا

عضو موسس انجمن صنفی معماری

اطلاع‌رسانی، نظام مدیریت ساخت و ساز و آبادانی، روابط بین حرفه‌ای و فرهنگ سازی عمومی، اهداف زیر را تامین نماید:

۱/ ارتقای معماری و شهرسازی استان

۲/ بهبود محیط کسب و کار و آموزش حرفه‌ای

۳/ کمک به بهبود امور اجتماعی اعضا

انجمن این اهداف را از طریق کارگروه‌های خود به شرح زیر دنبال می‌کند: ۱/ کارگروه امور صنفی که وظیفه تهیه و تصویب نظامنامه‌های خدمات گوناگون مهندسی و تیپ قراردادهای آنها را برای ایجاد وحدت رویه و حمایت صنفی و حقوقی از اعضا بر عهده دارد.

۲/ کارگروه آموزش که وظیفه ایجاد زمینه‌های لازم جهت ارتقای علمی و فنی اهل حرفه و دانشجویان را با تدوین و اشاعه مباحث مربوط به معماری و شهرسازی استان و همچنین برگزاری دوره‌ها و همایش‌ها و سفرها و انتشارات برعهده دارد.

۳/ کارگروه روابط عمومی و فرهنگ سازی که وظیفه اشاعه نگرش صحیح به امور معماری و شهرسازی را در جامعه (اعم از عموم مردم یا مسئولین)





قرار گرفت و بعد از پیگیری هایی که انجام شد، امروز فعالیت رسمی خود را آغاز کرده و مایه سربلندی و افتخاری برای استان است. بنده از موضع جامعه مشاوران هم عرض کنم که فعالیت های انجمن صنفی معماران در راستای فعالیتهای جامعه مشاوران تلقی می شود و به همین مناسبت این همکاری صورت گرفته و انشاءالله در آینده این همکاری توسعه یابد و تقویت شود.

فعالیت های انجمن صنفی معماران در راستای فعالیتهای جامعه مشاوران تلقی می شود و به همین مناسبت این همکاری صورت گرفته و انشاءالله در آینده این همکاری توسعه یابد و تقویت شود.

به استحضار شما عزیزان می رسانم که آقای دکتر محمدرضا قانعی (متولد سال ۱۳۳۲) فارغ التحصیل رشته معماری هنرهای زیبا در سال ۱۳۵۶ از دانشگاه تهران است. وی همچنین در دانشکده فارابی از سال ۵۶ تا ۵۸ دوره‌های مرمت ابنیه شهر را طی کرده است. در سال‌های ۶۰ تا ۶۵ در فرانسه ادامه تحصیل خود را پی گرفت و مدرک دی پی ال جی معماری را از بوزار فرانسه دریافت کرد . در دانشگاه پاریس فوق لیسانس خود را در ارتباط با آوای سرزمین اخذ کرد. این موضوع را در دکترا پی گرفت و در سال ۸۵ از رساله دکترای خود در دانشگاه پاریس دفاع کرد.

ایشان طی سال‌های تحصیل در فرانسه به مدت سه سال تجربیاتی در دفتر معماری اورسل و دورلهی داشته است و در آمریکا نیز یک و نیم سال با شرکت جیو وارد در شعبه میامی همکاری داشته‌است. فعالیت حرفه‌ای وی در ایران از سال ۶۶ آغاز شد. وی پروژه های متعددی را در وزارت مسکن به انجام رسانیده و فعالیت‌های پرشمار و ارزشمند وی به کسب جوایز متعدد معماری انجامید ازجمله:

- * رتبه اول آبادی در سال ۷۱ در رده‌ی ساختمان های عمومی.
 - * رتبه اول و سوم جایزه معمار در سال ۸۱ برای خانه های صدری و سرحدی
 - * جایزه سوم نقش جهان در سال ۲۰۰۲ از یونسکو
 - * رتبه سوم از وزارت مسکن و شهرسازی به خاطر ساختمان سفارت ایران در اردن
 - * رتبه اول معماری داخلی در سال ۸۸
 - * رتبه سوم معماری داخلی در سال ۸۵
- دکتر محمدرضا قانعی هم‌چنین در شهر یزد دارای پروژه‌های فاخر و ارزشمندی‌اند

و جوایزی در اولین جشنواره مهندسی پردیس یزد و اولین جشنواره داروسازی در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد هم کسب کرده‌اند. از جمله کارهای ارزشمند وی در یزد سلف سرویس دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده داروسازی و خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی است. تجربه‌های ایشان در سطوح مختلف بین‌المللی، ملی، شهری و محلی و از جمله در یزد فرصت خوبی فراهم‌آورد تا از ایشان دعوت به عمل آوریم.

_____سخنرانی مهندس سیدمنصور علاقه بند
_____رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی معماری

به نام خدا

محیط حرفه ای ما از نظر نوع کارکرد و نوع محصول و از نظر ارتباطی که با کارفرما و مدیران داریم ، چالش های زیادی را داشته است که بارها در باره آنها صحبت و از جوانب مختلف آن را بررسی کرده ایم.

در مورد بناها و بافت های تاریخی ما که خیلی در باره آنها صحبت شده و یزد در سراسر کشور به این مورد شناخته می شود، از سال ۱۳۱۰ تا بحال که معماری معاصر را در یزد داشته‌ایم هیچ‌کس از فهرست بناهای خوب معماری ما فهرست تهیه نکرده است.

به نظر می رسد همه اینها به یک مسیر کلی بر می گردد که دچار اشکال است. راهی که باید باز باشد باز نیست. وقتی که ساخت و ساز در حیطه حرفه ای یا در تصمیم گیری های مدیریتی امری متصل از زمینه های اجتماعی-فرهنگی



بدانیم بدون آنکه توجه شود که این طرح در حیطه کلی‌تری به نام معماری وشهرسازی قرار دارد به نظر می رسد که هویتی برای یک جریان علمی، فنی، هنری و اجتماعی به نام معماری و شهرسازی استان قائل نشده ایم و در نتیجه این یک موضوع غیر قابل پایش و غیرقابل پیرایش و غیر قابل ارتقا است چرا که ما نه از گذشته آن خبر داریم و نه به آینده آن نگاه می کنیم و نه وضعیت کنونی آن را تدوین کرده ایم .

شواهد موجود زیاد است. فقط یک مورد به عنوان شاهد عرض می کنم. از ابتدای قرن تا الان کدام شخص و در چه زمانی آمده است بناهای خوب معاصر ما را فهرست بندی کند؟ در مورد بناها و بافت های تاریخی ما که خیلی درباره آنها صحبت شده و یزد در سراسر کشور به این مورد شناخته می شود، از سال ۱۳۰۷ تا بحال که معماری معاصر را در یزد داشته‌ایم هیچ‌کس از فهرست بناهای خوب معماری ما فهرست تهیه نکرده است. آیا شما ملاحظه کرده اید که هیچ گاه مسابقه‌ای بین آثار معماری امروز ما برگزار شود و یا ارزیابی صورت بگیرد؟

هیچ گاه ارزیابی صورت نگرفته است، چون ما هویتی برای آن قائل نیستیم و چیزی به این عنوان برای ما یعنی ما و همکاران و مردم شناخته شده نیست ما هم برای اینکه مجموعه ای را اصلاح کنیم باید گفتمان حاکم بر آن متن را اصلاح کنیم. فکر می‌کنم این جلسه اولین قدم را برداشته است و انسانهای فرهیخته ای برای این منظور دور یکدیگر جمع شده‌اند و ما این موارد را با یکدیگر تفاهم کرده و پذیرفته ایم. پذیرفته ایم که هویتی به نام معماری و شهرسازی معاصر استان را به رسمیت بشناسیم و برای شناخت بیشتر باید گذشته موضوع را بررسی کنیم که این نیاز به پژوهش دارد و ممکن است به صورت منفرد به نتیجه نرسد.

ما فکر کرده ایم که یک دبیرخانه دائمی (اگر داشته باشیم) پژوهش‌های مرتبط با موضوع را تعریف و حمایت کند و حامی وبانی برای آن پیدا کنیم.

این پژوهش ها را باید مکتوب و تبدیل به مقاله و گزارش کنیم تا تبدیل به یک

گفتمان شوند. من متنی را نوشته ام که به صورت مفصل همه این صحبت ها را در آن درج کرده و در نهایت پرسشنامه ای را تنظیم کرده ام که خواهش می کنم نظر خود را در مورد اجزا و ابعاد مختلف موضوع بنویسید تا در جلسه های بعد راهنمای ما باشد .

به نظر من این جلسات به صورت هم اندیشی یا بازشناسی و هر عنوان دیگر به صورت ماهیانه برگزار شود و مشاوران درجه یک کشوری برای حضور در آن دعوت و نگرش های خود را توضیح دهند و ما بتوانیم در این جلسه اتفاقاتی را که در استان در حال رخ دادن است با استان های دیگر مقایسه کنیم و از تجربیات آنها استفاده ببریم و در مجموع کلیه موارد به صورت جزئی از تاریخچه معماری شهر و استان ما محسوب خواهد شد .

نهایتاً باید برای آینده فکری بکنیم و تعریفی برای معماری و شهرسازی معاصر داشته باشیم. این گونه موارد فقط یک نشست نیست و باید به همراه خود یک سلسله مطالعات، پژوهش‌ها و تبادلات فکری را داشته باشد

همچنین می توانیم در جلسه ای دیگر از مشاورین محلی دعوت کنیم ؛ چون این نیز جزئی از تاریخچه معماری معاصر است.

ما می‌توانیم جلساتی را با حضور نهادها و سازمان هایی که امور عمران را بر عهده دارند، برگزار کنیم تا آنها دیدگاه های خود را بیان و تدوین کنند. مانند سازمان حفاظت آثار باستانی که به سازمان میراث فرهنگی تبدیل شده و تاریخچه جالبی دارد. این مطالب باید مطرح و اعضا با آنها آشنا شوند، تا گذشته خود را در زمینه معماری و شهرسازی معاصر بشناسیم و وضعیت کنونی خود را تیپ بندی و دوره بندی کنیم .

نهایتا باید برای آینده فکری بکنیم و تعریفی برای معماری و شهرسازی معاصر داشته باشیم. این گونه موارد فقط یک نشست نیست و باید به همراه خود یک سلسله مطالعات، پژوهش‌ها و تبادلات فکری را داشته باشد که خواهش می کنم پرسشنامه ها را تکمیل و راهنمایی بفرمایید. ضمناً حامیانی هستند که می‌توانند در این زمینه کمک کنند، اعم از دانشگاه‌ها و و نهادهایی که می توانند یاور ما باشند تا انشاءالله کار به نتیجه برسد .

از آقای دکتر قانعی به خاطر حضور در این جلسه تشکر می کنم .

ایشان یکی از بهترین گزینه ها به شمار می روند. مشاورى هستند که از شهرستان و مکانی غیر از پایتخت شروع کرده‌اند و تجربه ایشان برای ما بسیار ذی قیمت است .

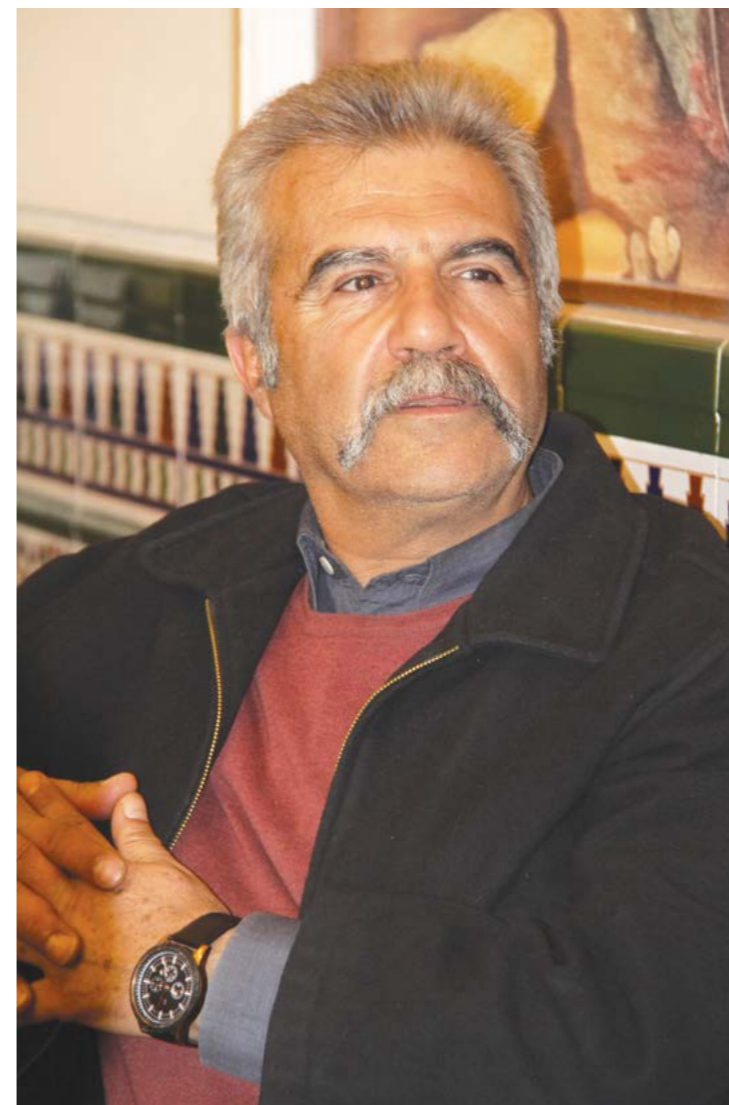
ایشان تعلق خاطر به یزد دارند و در یزد فعالیت داشتند و نوع کاری که انجام داده اند و هویت کاری ایشان نشان دهنده آن است که ایشان بهترین گزینه برای حضور در این جلسه هستند و این ارتباط در آینده هم انشاءالله برقرار خواهد بود.

سخنرانی:

در جستجوی هویت

مروری بر تجربیات حرفه‌ای مهندسان مشاور پلشیر

دکتر محمدرضا قانعی



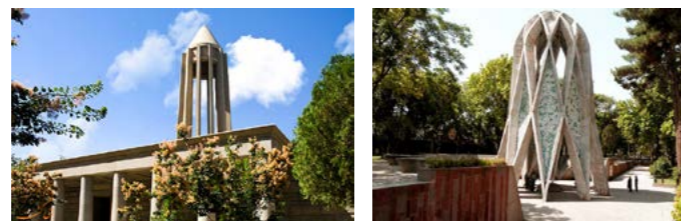
به نام خدا
بسیار خوشوقتم که این فرصت فراهم آمد تا دیداری با شما تازه کنم و دوستان قدیمی خودم را ببینم. من خودم را لایق این همه تعریف و تمجید نمی بینم. یزد شهری است که بیش از هر شهر دیگری آن را دوست دارم و به دلایل متعدد از شهر یزد خیلی چیزها یاد گرفته ام و این شانس بزرگی در زندگی من بوده است که سال‌های ۶۶ و ۶۷ برای ساختمانی که در احمد آباد پایین آمده بود طرحی پیاده کردیم و این سبب شد که من مدت‌ها در بافت تاریخی یزد گردش کردم و شاید دانشکده اصلی من یزد بوده است.

من برای کل ایران و بیرون از ایران کار کرده‌ام و در کل ایران و برای هر منطقه از ایران تاریخی قائل هستم. بعضی جاها را جهان سوم می دانم ولی یزد را ژاپن ایران نام گذاشتم که دلایلی برای خود دارم. یزد برای من ویژگی‌هایی دارد که بسیار مشابه ژاپن است و همیشه گفته‌ام که اگر در ژاپن زمین نیست در یزد هم آب نیست ولی مردمی دارد که به فرهنگ خود علاقه مند هستند. بسیار سخت کوش هستند و با آرامی و ملاحظت رفتار می کنند که ویژگی مشترک آن‌ها با ژاپنی‌ها است. خیلی ممنونم که من را دعوت کردید و امیدوارم این نشست‌ها تداوم پیدا کند و چنین کارهای فرهنگی و زیرساختی به نتیجه می رسد.

شهر یزد و استان یزد یک استان فرهنگی است. من زمانی در گذشته مجموعه دانشگاه علوم پزشکی را کار کرده ام.

این اقدام در سال ۱۳۶۸ بوده است. در آن سال هر خانوار یزدی ۱/۲ نفر لیسانسیه به بالا داشت که آماری ممتاز و رتبه اول در سطح کشور به حساب می آمد. قدر خودتان را بدانید که در چنین شهر و استانی زندگی می کنید. من دعوت دوستان را برای حضور در این جلسه اجابت

کرده ام و پاورپوینتی را که برای نمایش در دانشگاه وین تهیه کرده بودیم در این جا تقدیم شما می کنم؛ چون ما درد و دغدغه مشترک داریم. عنوانی که من برای این پاورپوینت در زمان نمایش در دانشگاه وین انتخاب کرده ام در واقع دغدغه زندگی من بوده است و آن عبارت است از «در جستجوی هویت»، تا ما بتوانیم گذشته خود را به آینده مان وصل کنیم.



آرامگاه بوعلی سینا

آرامگاه خیام

آثاری مثل سر در دانشگاه بوعلی سینا، مقبره الشعرا خیام یک نوع دغدغه هویتی دارند و سعی می کنند ارتباطی با گذشته برقرار کنند. شما این آثار را می شناسید و نیازی به تکرار مجدد نیست. البته در این میان یک اما وجود دارد و آن اینکه افرادی که به دنبال این دغدغه‌ها بوده‌اند عموماً روی پروژه‌های خاص کار کرده اند. است. مثلاً مقبره‌ی یا یادمانی را کار می کردند ولی اعتقادی را که باید به چنین خط فکری باشد، نداشتند.



هتل هیلتون

همین آقای سیحون وقتی به ساختمان بانک کشاورزی می رسد آن دغدغه‌ها را فراموش می کند یا مثلاً وقتی به ویلای خودش می رسد باز چون بحث معماری ارگانیک در دنیا در حال مطرح شدن بوده است او نیز تقلید می کند و به آن مشغول می شود. آقای فروغی نیز وضعیت مشابهی دارد. او وقتی به هتل هیلتون یا همان هتل استقلال فعلی می رسد، دیگر آن



مجتمع ورزشی رفسنجان

خط فکری رعایت نمی شود و از بحث دغدغه هویتی فقط آن ساختمان‌هایی که شاید نمادین هستند می مانند. تحولی که بخشی از آن را در بحث معماری گذشته خدمت شما عرض کردم و دغدغه ارتباط با گذشته را دارد از سال ۱۹۷۰ شروع می شود که با اولین کنگره معماری در اصفهان برگزار شد موضوع این کنگره چگونگی آشتی بین مدرنیسم و سنت است.

از نظر من معماری بیان فرهنگ و تجسم و تجسد فرهنگ هاست و اگر معماری در فرهنگ خود ریشه نداشته باشد نمی‌توان آن را معماری تلقی کرد و معلوم می‌شود که از جای دیگری وارد شده و کپی می‌باشد.

یک آقای رویکانی است که به بهترین وضع علم و هنر را در هم آمیخته است و این چیزی است که کمتر در معماری امروز دیده می‌شود.

این کنگره تأثیراتی را روی این معماری با دغدغه هویتی ایجاد می کند که از فرم به فضا تبدیل می شود در آثار نادر اردلان و کامران دیبا می بینیم که دیگر از فرمها خبری نیست و جوهره فضایی معماری مورد نظر قرار می‌گیرد و با فضا دنبال ارتباط هویتی هستند که این‌ها همه مربوط به آثاری است که همه می‌شناسند و در فرهنگسرای نیاوران و شوشتر نو ملاحظه می‌شود. پس از انقلاب جریانی که توضیح دادم با اتفاق تازه ای روبرو می‌شود.

آقای میرمیران در ابتدای کار خود یک سری پروژه‌ها را کار می‌کند که به صورت فرمی یا فضایی است. اما در این اواخر چرخش پیدا می‌کند و اصلاً دغدغه‌های هویتی در این جریان مطرح نیست. با آن که مهندس میرمیران خود را متعلق به جریان نوین در معماری ما می‌داند ولی متأسفانه در این دوران تحت تأثیر ورود آقای شیردل و تفکرات فولدینگ و آنچه که در غرب است مانند هر معمار ایرانی دیگر در آن زمان قرار می‌گیرد و تغییراتی در شیوه کار و اعتقادات ایشان انجام می‌پذیرد. مسکن و شهرسازی اصفهان کار آقای میرمیران است که از یخچال الهام گرفته است. همچنین فرهنگستان و کانون وکلا از این دست است که در حقیقت به نوعی تمام استعاره‌ها و اشاره‌های آن‌ها در وهله اول فضاهای ایرانی بوده است.

زین الدین، در مهمانسرای اجلاس



ساختمان حافظیه، مهمانسرای اجلاس سران

سران (حافظیه) کاملاً کپی قاجار دیده می شود و وقتی به سفارت ایران در توکیو می رسد و کارهای متاخر او را می بینیم، این خط فکری فراموش می شود. آقای فرهاد احمدی ابتدا کار دزفول خود را در اوایل انقلاب تحت تاثیر آن جریان ارائه می کند. بعد به سفارت ایران در سئول می‌رسد که «فرشته» کار ایشان است که ملاحظه می کنیم کاملاً جهت عوض شده است. با آنکه آقای مهندس احمدی در این دوره اعتقاد به معماری سبز دارد و یا حداقل درباره بحث های معماری به هنگام ایده دارد ولی همین شخص در کنار رودخانه اصفهان یک برج برای دانشگاه طراحی می کند.این جریان امروز ماست.

جریان امروز معماری ما که در سال‌های اخیر برند شده است، به نوعی الگوی جوان‌های ما قرار گرفته است که هیچ گونه ارتباطی با مکان و زمان خود ندارد فکر می کنم چون یک پروژه در ایران رتبه اول را کسب کرده و اساس آن برپایه رویکرد های تک شکل گرفته می تواند مصداق معماری خوب باشد؟ (البته اگر از نظر بین المللی اول شده باشد باز حرفی نیست) این موضوعات جای سوال و صحت دارد. آنچه تا به حال عرض کردم مربوط به اوضاع و احوال گذشته است که خیلی‌ها برای آن زحمت کشیده اند و پروژه های مطرح در سطح بین المللی داریم مربوط به دوره ۵۰ تا ۵۶ که قبل از انقلاب بوده است و بعد از انقلاب در دوره کوتاهی ما جریانی را در ایران داریم که از جریانات معماری بین المللی متأثر است. آن موقع بحث پست مدرنیسم در دنیا و در ایران مطرح می‌شود و ما معمولاً در ایران یک جریان فکری را که نه آن مولفه های اجتماعی و نه مولفه های اقتصادی و فرهنگی خود را دارد با حدود ده سال تأخیر می آوریم و از آن تقلید و آن را کپی می کنیم. مثلاً همین بحث پست مدرنیسم در آن زمان که جریان فکری آن از دهه های ۶۰ و ۷۰ در غرب اتفاق افتاده بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ناگهان در اوج مباحث معماری ما قرار می گیرد.

تنها راه رسیدن به هنر عشق است و علاقه در حد عشق باید باشد. یعنی در آن سوختن هم باید باشد. همانگونه که گفتیم باید مثل برده وارد عمل شود و عمل کند. کار را به نتیجه رساندن ساده نیست.

مثلاً آقای مهندس صارمی یا آقای جودت کسانی می شوند که تمام جریانات پست مدرنیسم را پیگیر می‌شوند. شما کارهای زین الدین را دیدید و هنوز تازه شروع شده که جریان فرامدرنیسم مطرح می شود و ما

به جامپینگ یونیورس و بحث های فولدینگ می رویم که جریان کامل عوض می شود و معلوم است کسی هم که این کارها را می کرده با اعتقاد و درک و دریافت آن نبوده است. در هر صورت این خلاصه ای است که من خواسته‌ام حداقل نظر خودم را در مورد این جریان عرض کنم. البته سال ۵۰ که من در دانشگاه تهران، کار خود را شروع کردم سال خاصی بود. سال قبل از آن اولین کنگره معماری برگزار شده بود و یکسری تغییرات در نظام آموزشی دانشگاه تهران ایجاد شده و دو جریان تاثیر گذار راه افتاده بود که یکی همان کنگره ای است که عرض کردم ویکی کتاب آقای ونچوری بود که آغاز جریان پست مدرنیسم بود.

جریان امروز معماری ما که در سال‌های اخیر برند شده است، به نوعی الگوی جوان‌های ما قرار گرفته است که هیچ گونه ارتباطی با مکان و زمان خود ندارد

این کتابی بود که ما در دوره دانشجویی به عنوان آخرین جریان فکری دنبال می‌کردیم و دانشکده ما در آن زمان معجونی خیلی عجیب و غریب بود. عده ای از ایتالیا آمده بودند که قدیمی تر ها را قبول نداشتند و یکسری جریانات فکری جدید از غرب سرایت کرده بود و در این جریانات بود که ما نمی دانستیم چه باید بکنیم و به طرف چه کسی برویم و حرف چه کسی را قبول کنیم؟ من در اینجا یک فاصله ای را بین این جریان عرض می کنم. در سال ۵۰ که من دانشگاه را شروع کردم و در سال ۵۶ که دانشکده را با همان سردرگمی تمام کردم و به پایان رساندم. ما در آن موقع نگاه می کردیم و ملاحظه می کردیم که مثلاً آقای کاتوزیان پروژه بیمه ایران را طراحی می کند و در کشور رتبه نخست را به دست می آورد که از لوکوبوزیه کپی کرده است.

معمار می تواند پرچمدار زمانه شودو باید به جلو رود. این جمله چرچیل را همه شنیده ایم که «ما ساختمان ها را می‌سازیم و ساختمان ها ما را می‌سازند».

آقای پروین برای سایت وزارت کشور فعلی هم پروژه دیگری را انجام داده و یک سری کارهایی را می‌بینیم. مثلاً موزه هنرهای معاصر از کارهای آقای دیبا و کارهای آقای اردلان که تیترا اول همه مجلات معماری شده است و در این شرایط و جریانات فکری هیچ کس به ما توضیح

نداد که اصلاً معماری چه هست و چه شکلی باید کار شود؟ آیا همانطور فقط کپی کنیم؟ مادرآن خلانی که دانشکده برایمان درست کرد نمی دانستیم که چه باید بکنیم؟ آن زمان یک رشته مرمت ابنیه شهر در دانشگاه فارابی گذاشتند. گفتیم شاید جوابمان را اینجا بگیریم. رفتیم دیدیم آن هم اگرچه یک ذهنیت در من ایجاد کرد و ارزش این فضاها بود ولی جواب من به این که معماری چیست و چه کار باید کرد را نگرفتیم. یک وقفه افتاد و ما به فرانسه رفتیم.در آنجا هم در دو رشته شرکت کردیم. اما آن لذتی که باید از ابتدا در معماری می‌بردیم و به این دلیل هم جذب دانشکدهمعماری شده بودیم، حاصل نشد.

به نظر من معماری نظم فضا نیست، شعر فضااست. یعنی چیزی فراتر از نظم است. یعنی وقتی شما معماری می کنید همانند آن است که در مدرسه به تدریج الفبا را یاد گرفتید و جمله را ساخته اید.

شاید شانس می که در آن زمان آوردم این بود که فرصتی کردم که در دفتر معماری در پاریس کار بکنم و آنجا بود که شاید اصلاً فهمیدم که معماری چیست؟ چون در اینجا وقتی بحث معماری می‌کردیم یک پلان معمولی هم در این دفاتر کمی روی آن کار می کردند و به دست دیگری می دادند. البته در این پروژه ها مقبره الشعرا بود و من شانس داشتم که با غلامرضا فرزانه مهر روی این پروژه در ایران و در دفتر مرجان کار بکنم ولی آن درک و دریافتی که باید از معماری بکنم واقعاً میسر نشد. در دفتر مرجان ما با ایتالیایی‌ها کار می کردیم ولی شانس می که برای ما به وجود آمد در همان دفتر معماری در پاریس بود که واقعاً فهمیدم تعریف معماری چیست و آن اینکه چیزی را از هیچ خلق کردن . در آنجا من یاد گرفتم و به من فرصت داده شد که بتوانم آن جسارت را پیدا بکنم که در مورد هر حرفی و هر رویایی بتوانم صحبت بکنم. این بود که وقتی ما کمی جستجو کردیم برای خود اصول و طرز فکری را تدوین کردیم و بعد به ایران برگشتیم .من فکر کردم که اگر بخواهم معماری کار بکنم شاید هیچ وقت نمی توانم یک غربی باشم که بتوانم برای آنها طراحی بکنم و باید به ایران برمی گشتم و کار معماری خود را با همان خطوط فکری که توضیح دادم شروع کردم.

مشکل معماری ما تصویری است که می بینید . یعنی معماری ما مجسمه ای است که در موزه مردم شناسی کاخ گلستان است و من از همه دعوت می‌کنم که این مجسمه را ببینید. خوشبختانه زیر مجسمه نوشته شده است معمار تهران ولی تاریخ آن ۱۸۵۰ میلادی یعنی حدود ۱۷۰ سال پیش است. آن موقع لباس مردم عادی عبا و عرقچین بوده است ولی این آقا با کت و شلوار و شاپوست و نام آن هم معمار تهران است. یعنی این کار تقلیدی معماری ما از همان دوره شروع شده است و همین طور ادامه پیدا می کند . در حقیقت مشکل ۱۵۰ ساله ما یک نوع معماری ترجمه است نه معماری تالیف و مثل بقیه ترجمه‌های ماست که نمی‌تواند مفهوم اصلی را برساند و همان‌طور هم ادامه پیدا می کند. یعنی در این جریان هر چقدر که حرف از آن طرف باشد،

من همیشه گفته ام که خداوند ما را از بهشت بیرون کرده و گفته است که بهشت را در زمین بسازید و این وظیفه ما معماران است که بهشت را بسازیم.

خیلی زود و اصلاً چشم بسته پذیرای آن هستیم ولی اگر صحبتی از اینجا باشد، سخت پذیرفته می شود و آن خودباوری مورد نیاز اصلاً وجود ندارد. به نظر من معماری یک هنر است و اگر تقلیدی باشد آیا می شود اصلاً آن را معماری به حساب آورد یا نه؟ هنر یعنی اینکه تازه و بدیع و نو باشد. در حالی که آثاری که به شما نشان دادم همان هایی است که شما دیدید و تمام پروژه هایی که برنده شده است پروژه هایی است که برای همه آشنا بوده و همه در مجلات و سایت ها دیده اند و چیزی نبوده است که نو و تازه باشد. باور کنید که معماری ما یک معماری کپی هست، یک معماری تقلیدی و یک معماری ترجمه ناقص است. در حالی که معماری باید تالیف باشد. از نظر من معمار یا هنرمند کسی است که جامعه را جلو می برد آنها در نوع خود رسالتی را قائل هستند و باید به جلو بروند تا عده ای دیگر بتوانند به دنبالشان حرکت کنند و جامعه را تغییر بدهند. انسانهایی هستند که از راه‌های نیپموده خوششان می آید. به تعبیر خیلی ها دیوانه هستند ولی به هر حال آنها هستند که تغییر و تحول را ایجاد می کنند.

من فکر می‌کنم که هنر آن است که شما با فکر خود ارزش ایجاد کنید و اگر بخواهید رویای خود را محقق کنید، به جیب خود و به جیب کارفرما هم باید نیم نگاهی داشته باشید.

این سخنان جالب است که می گویند در خلاقیت مثل خدا باشید، در فرمان دادن مثل پادشاه و در کار کردن مثل برده. این ویژگی هایی است که یک معمار باید داشته باشد ولی در آخر باید رسالت خود را به انجام برساند. من برای اینکه کار خود را شروع کنم نگاهم این بود که بینش ما به منش و روش ما تبدیل می شود. من یک ایرانی هستم پس باید ببینم که ما اصلاً چه جور به دنیا آمده ایم و چگونه به دنیا نگاه می کنیم؟ کاتماندو در صفحه اول کتاب می گوید که من وقتی زیر گنبد پانته‌آ قرار گرفتم فهمیدم که تفاوت معماری غرب با معماری شرق و معماری شرق دور چیست؟ یعنی تناسبات



عجیب و غریب و یک حالت حاکم و غالب در می آید . پس باید ما ابتدا آن بینش را در مورد معماری خود داشته باشیم و ببینیم ما چگونه به دنیا نگاه می کنیم و چه تعاریفی از این جریان داریم؟ واقعیت آن است که از نظر من معماری یک هنر است. در بحث تکنیک، به‌هرحال همه هنرها، فنی را دارند و باید اصول اولیه آن را دانست. ولی وقتی اثری را از خود خلق می کنید ، چیز متفاوت و عجیب و غریبی است.معماری هنر است و از نظر من هنر موقعی است که بدیع و منحصر به فرد باشد.

معماری باید زمینه گرا باشد ولی باید زمانه گرا نیز باشد ،یعنی در هر زمان باید نو و بدیع هم باشد، یعنی معمار باید درست روح زمانه را تشخیص بدهد. در هر صورت قرار است معماری به جلو حرکت کند و بقیه هم به دنبال آن به جلو بروند.

از نظر من این هنرمند است که فرهنگ سازی می کند و به جلو می رود تا عده ای دیگر را دنبال خودش ببرد. البته من در این مورد خاطرات زیادی دارم و خیلی چیزها تأثیرات خود را گذاشته است. از نظر من معماری بیان فرهنگ و تجسم و تجسد فرهنگ هست و اگر معماری در فرهنگ خود ریشه نداشته باشد نمی‌توان آن را معماری تلقی کرد و معلوم می شود که از جای دیگری وارد شده و کپی است.

همانگونه که عرض کردم معمار می تواند پرچمدار زمانه بشود و باید به جلو رود. این جمله چرچیل را همه شنیده ایم که «ما ساختمان ها را می سازیم و ساختمان ها ما را می سازند». او این حرف را موقعی می گوید که می خواسته مجلس کشور خود را خراب کند و یک مجلس مانند ما بسازد که همه در آن خوابشان ببرد. در حالی که مجلس آنها کاملاً متفاوت است و ردیف های آن انگار همه با هم حرف می زنند و کسی هم خوابش نمی برد و اینگونه است که انگلیس همان انگلیس می شود و آن مجلس است که انگلیس را می سازد. ما هم می‌توانیم بسازیم و پشت سر خود جامعه را هم بسازیم .

دو مرحله عمده در کارهای من وجود دارد که به آنها اشاره کردم و قسمت مهم آن مدیون یزد است که دوره اول به حساب می آید و دوره ای است که به نظر من می خواهم معماری ایران رابشناسم.

تنها راه رسیدن به هنر عشق است و علاقه در حد عشق باید باشد. یعنی در آن سوختن هم باید باشد. همانگونه که گفتم باید مثل برده وارد عمل شود و عمل کند. کار را به نتیجه رساندن ساده نیست. آن هم به ویژه در این دوره و زمانه. یعنی یک کارفرما مثل آقای اولیا پیدا می شود ولی ۹۹ و نه دهم درصد کسانی هستند که پوست شما را می کنند.

پس شما آن عشق را نیاز دارید که بتوانید در تمام جبهه ها مبارزه کنید. من امروز صبح به دوستان گفتم که پشتوانه معماری، امید است. اگر شما مثبت فکر کنید که می توانید تغییر ایجاد کنید و عوض کنید حتما این رویایی که من دیدم به حقیقت پیوند می خورند و این ها با هم جوش می خورند و آن بهشت پیدا می شود.

من همیشه گفته ام که خداوند ما را از بهشت بیرون کرده و گفته است که

بهشت را در زمین بسازید و این وظیفه ما معماران است که بهشت را بسازیم. پس باید امید داشته باشیم که با کاری که می کنیم بهشت را بسازیم. به نظر من معماری نظم فضا نیست، شعر فضاست. یعنی چیزی فراتر از نظم است. یعنی وقتی شما معماری می کنید همانند آن است که در مدرسه به تدریح الفبا را یاد گرفتید و جمله را ساخته اید. در معماری هم شما به جلو حرکت می کنید و به تدریح نثر قابل قبولی پیدا می کنید و بعد که خیلی پیشرفت کنید یک نظم پیدا می کنید. آنگاه در مرحله شعر است که شما جمله ای را می گویند و شعری را می گویند که معانی مختلف دارد و هر کسی می تواند تفسیر خود را داشته باشد و هر کسی در هر بار مطالعه چیز تازه ای در آن پیدا می کند.

من پل خواجه را جلوی خود قرار دادم و استعاره پل خواجه را گرفتم و آن را شکستم و اصلاً ۶۰ درصد را رعایت نکردم. این بود که مسئولین شهر داری را مجاب کردم که این عدم رعایت کمترین آسیب را می رساند.

پس اگر ما در مورد معماری صحبت می کنیم مقصود ما آن قسمتی است که اعجاز کند و یک شعری را بگوید که این شعر در همیشه تاریخ تازگی خود را دارد و بتواند جواب همه را بدهد. البته ممکن است هر کسی تعریف خاصی را از آن داشته باشد، این است که من آن را در یک کانتکست فیزیکی می بینم. یعنی اینکه در فیزیکی قرار گرفته است که باید با بستر خود هماهنگ شود و یعنی زمینه گرا باشد ولی باید زمانه گرا نیز باشد، یعنی در هر زمان باید نو و بدیع هم باشد، یعنی معمار باید درست روح زمانه را تشخیص بدهد. در هر صورت قرار

است معماری به جلو حرکت کند و بقیه هم به دنبال آن به جلو بروند. پس معماری باید یک گام جلوتر از بقیه باشد وباید شناخت وضع زمانه برای این جلو رفتن به او کمک کند. این تعریفی است که ما داریم و تعریفی است که من برای کارهایی که دراین ۳۰ سال انجام داده‌ام برای خودم داشتم. در سال ۱۳۷۱ دراولین مسابقه معماری که بعد از انقلاب بود و قرار بود که بگوییم که بعد از انقلاب چه کرده ایم، چند پروژه ما رتبه اول را به دست آورد. ما گفتیم دلمان می‌خواهد این جایی و این زمانی باشیم. اگر می‌گوییم زمینه گرایی و اگر می‌گوییم معماری با هویت؛ هویت امروز ما هم مهم است و باید بتوانیم گذشته را به آینده وصل کنیم .

من در کارم اصول مهم را به نظر خودم رعایت می کنم: اولین آنها فرهنگ است. اینکه فرهنگ چگونه در کار جاری می شود، این تفسیر و کار یک معمار است و شاید ما معمارها در ابتدا با یک شناخت علمی شروع می کنیم. من به نیجریه که رفته بودم و می خواستم در



کتابخانه و مرکز چندرسانه ای مشهد

نباشد.

حالا اگر در ایران بحث پست مدرنیسم است اجازه بدهیم آنها حرف‌شان را بزنند ولی ما کار خود را انجام دهیم. دوره ای را که گذراندم از همان سال ۶۶ شروع شد و در سال ۶۷ پای من به یزد باز شد. ما کارهایی را انجام دادیم که یکی از آنها ساختمان پلی اکریل می باشد که ما در یک مسابقه برنده شدیم .آن موقع ما تازه آمده بودیم و کسی ما را نمی‌شناخت و در مسابقه شرکت کردیم و اینکه مقررات ۶۰ درصدی ساختمان را به هم ریختیم جای خود دارد.

این پروژه در نزدیکی پل خواجه است . در آن دوره ای که به نظر من دوره شناخت معماری است من خوش شانس بودم که این بحث پست مدرنیسم بین بزرگان معماری ایران خیلی داغ بود و دیدیم که مجلس یا ساختمان های دیگر را می ساختند و اگر من این کارها



ساختمان پلی اکریل

نیجریه کار کنم رفتم و هر چقدر کتاب بود مطالعه کردم و آن حسی را که فرهنگ آن جا داشت ، مشاهده و احساس کردم و به شناخت حسی رسیدم . شناختی در من ایجاد شد که بتوانم ادامه بدهم و طبیعت آنجا نیز نقش مهمی داشت . معماری اگر بتواند به طبیعت بصری خود جواب بدهد، کار مهمی کرده و آن شرط اول است. آن بستر فیزیکی که از آن یاد کردم شاید همان کانتکست است که بستر گرا ها بیشتر درباره آن فکر و صحبت می کنند.

به نظر من یک اثر معماری موقعی معماری تلقی می‌شود که بتواند در جایی که قرار گرفته است یک کامیونیکیشن برقرار کند. این ارتباط با ساختمان های اطراف، با بدنه شهری و با دید و نگاه است که در آن قرار گرفته. شاید فیزیکی در کنار شما نباشد و شما در یک طبیعت بکرخلق کنید و بسازید و بتوانید یک اثر را با طبیعت اطراف آن پیوند بدهید.

من فکر می کنم که شرط سوم آن است که معماری با تکنولوژی زمانه خود پیوند بخورد.

بحث دیگر بحث اقتصاد است. من فکر می کنم که هنر آن است که شما با فکر خود ارزش ایجاد کنید و اگر بخواهید رویای خود را محقق کنید، به جیب خود و به جیب کارفرما هم باید نیم نگاهی داشته باشید. این فکر باید آنقدر ناب و خالص باشد که بتواند با آن مقدورات پیوند بخورد و محقق گردد و نه اینکه روی کاغذ بماند. من در دوره کار حرفه‌ای خود دوره‌هایی را سپری کرده‌ام مانند هفت شهر عشق.

دو مرحله عمده در کارهای من وجود دارد که به آنها اشاره کردم و قسمت مهم آن مدیون یزد است که دوره اول به حساب می آید و دوره ای است که به نظر من می خواهم معماری ایران رابشناسم. من با آن شعرهایی که عرض کردم و آن ایده آل ها و آن آرزوها برگشتم که کاری انجام دهم و تعریف آن را خدمت شما توضیح دادم. کاری که از خودم باشد و کپی

را می‌کردم زیاد هم حرف نداشتند و فکر می‌کردند که ما در همان سبک و سیاق در حال کار هستیم.

ما به جای اینکه برج‌ها را به صورت عمودی بسازیم آن‌ها را به یکدیگر وصل کردیم و با کنار هم قرار دادن آنها باتوجه به فواصلی که داشتند زیر آنها را خالی کردیم و نام آن را یک تالار بزرگ گذاشتیم.

این ساختمان را که در نزدیکی پل خواجه قرار دارد من پل خواجه را جلوی خود قرار دادم و استعاره پل خواجه را گرفتم و آن را شکستم و اصلاً ۶۰ درصد را رعایت نکردم. این بود که مسئولین شهرداری را مجاب کردم که این عدم رعایت کمترین آسیب را می‌رساند. آنجا یک زمین بزرگ و درشت دانه بود. ما پل خواجه را جلوی خود قرار دادیم و شاید در طول ۴ ماه تمام، هر روز صبح می‌رفتیم و این را همینطور نگاه می‌کردیم که چه حس و هوایی دارد و چگونه روی زمین قرار گرفته است و چه تناسباتی در آن رعایت شده است و اصلاً این سکانسی که در این طبقات ایجاد می‌کند به چه صورت است؟ شروع و پایان این پروژه به چه صورت هست؟ و در نهایت منتهی به این پروژه شد. همانطور که خدمت شما عرض کردم این پروژه ای بود که در سال ۷۱ رتبه اول را در میان ساختمان‌های عمومی به دست آورد.

من به دلایلی به پروژه‌ها و شهرک‌هاو پارک‌های علمی و پارک‌های تکنولوژی به دلیل سابقه‌ای که در فرهنگ فرانسه داشتم خیلی علاقمند بودم و جزء آن گروهی بودم که در مسابقه‌ای برای شهرک علمی تحقیقاتی اصفهان شرکت کردم که در آن مسابقه آقای علیزاده و آقای شیردل و من و دو نفر دیگر بودیم که ما برنده شدیم. این هم به دلیل عشقی بود که ما داشتیم.

ما وقتی به فرانسه رفتیم چند ماه بعد دیدیم آقای میتران که با آن همه رای انتخاب شده بود ، بعد از سه ماه با تظاهرات میلیونی روبرو بود . ما متوجه جریان نمی‌شدیم بعد فهمیدیم که او ۳۰ کارخانه ذوب آهن در منطقه لیل فرانسه را تعطیل کرده است.او آمد و سخنرانی کرد

و دو ساعت سخنرانی او طول کشید و گفت که ما در عصر خرد عقب هستیم . در فاز سوم انقلاب صنعتی عقب هستیم. از آمریکا ۸۰ سال و از ژاپن هم ۱۵ سال عقب هستیم و ما باید ذوب آهن را به کشورهای جهان سوم بدهیم که فولاد تولید کنند. چون حمل و نقل فولاد سنگین است و انبارداری آن سخت است، آب زیاد می‌طلبد و آلودگی ایجاد می‌کند. ما باید فکر تولید بکنیم. این بود که وقتی بحث شهرک‌ها پیش آمد ، من به خاطر می‌آورم که رفتیم و این شهرک‌ها را در فرانسه بازدید کردیم و دیدیم که فضاها پر از جوانان است و با عشق و علاقه سی‌دی‌های بازدیدهای مان را نیز در بین جوانان که در پارک علمی و فناوری این جا کار می‌کنند، توزیع کردیم. ما علاوه بر طرح جامع، چند پروژه را در آنجا انجام دادیم و هنوز هم به نوعی درگیر بعضی پروژه‌های دیگر آنجا هستیم .

حالا اگر در ایران بحث پست مدرنیسم است اجازه بدهیم آنها حرفشان را بزنند ولی ما کار خود را انجام دهیم.

این پروژه بانک مسکن در موقعیتی است که دید نزدیک به سی و سه پل و دید کوه صفه اصفهان را دارد که نقطه مشخص و دارای المانی از نظر طبیعی در اصفهان است.در این پروژه شاید کانسپت ما همان کاری است که آیینه‌خانه می‌کرده است . یعنی کاخ‌هایی که در آن موقعیت بودند، بیشترین دید را برای خودشان ایجاد می‌کردند .

فکر دیگری که کردیم برای این ساختمان و جبهه بعدی آن به این صورت بود که مثل روینده‌های زنان عرب ، این ساختمان را در مقابل حرارت حفظ کند.یعنی رو به بیرون، همه چیز مخفی است و رو به داخل همه چیز



مدیریت شعب بانک مسکن اصفهان



پارک آبی آبسار

شفاف است. وقتی داخل قرار می‌گیریم همه مناظر را می‌بینیم و همه چیزها دقیقاً در دسترس است. این چیزی که اینجا می‌بینید یک بافرزون (Buffer Zone) هست که مابین دو ساختمان ایجاد کرده‌ایم یعنی بین ساختمان و جبهه بیرونی آن و مصالحی را برای این نما گرفته‌ایم که بتواند به همسایه‌اش، سی و سه پل که در کنار آن قرار گرفته دهن کجی نکرده باشد.

این یک پروژه استخر است یعنی یک مجموعه استخر و پارک آبی که نوع کاربری آن تفریحی و ورزشی است. ولی من نوری را که در حمام‌های عمومی قدیمی خودمان بود خیلی برایم جالب بود و اینجا یک بیان



ساختمان چند مستاجر شهرک علمی تحقیقاتی اصفهان

متفاوت تری با توجه به موقعیت آن در سپاهان شهر اصفهان و ارتباط یک کار مصنوعی با طبیعت بیرونی، کانسپت کار ما بود.

مورد دیگر، یکی از پروژه‌های شهرک تحقیقاتی اصفهان هست که به آن ساختمان چند مستاجر می‌گویند و در آن شرکت‌هایی که قدری رشد کرده و دفاتر بزرگ مستقل برای خودشان می‌خواهند، مستقر هستند. نمونه دیگر پروژه اداره ثبت اسناد و املاک اصفهان که کنار چهارباغ است و این پروژه را ما به عنوان پروژه مقاوم سازی شروع کردیم و اصل ساختمان یک حالت بسازبفروشی داشت و آپارتمانی بود. ما آنها را حذف کردیم و در آن ساختاری را پیدا کردیم و کانسپت آن بیشتر از این جا گرفته شد که چون مرکزی برای ثبت بود و اسنادی در آن بود، جعبه‌ای بود که شفاف بود. در تاریخ هم وقتی که ما در مورد اصفهان

صحبت می‌کنیم و به خصوص چهارباغ اصفهان همه مستشرقین می‌گویند که دیوارهای چهارباغ دیوارهای مشبک بوده و ما این مشبک بودن را از نماد تاریخی آن گرفته‌ایم. شفافیت آنرا به دلیل وضعیت امروز گرفته‌ایم و جعبه بودن و سادگی آن را از همان معیار که قبلاً عرض کردم. یعنی معماری است که بیرون آن تظاهرات آنچنانی ندارد.

پروژه دیگر را در یک پارک تکنولوژی در اصفهان کار کرده‌ایم و جنس آن به نوعی مثل مرکز رشد است و ساختمانی است که در آن یک سری دفاتر که در حال رشد هستند (مثل دفتر فناوری) مستقر می‌شوند. ابتدا قرار بود که این پروژه در نزدیکی‌های فرودگاه اصفهان در زمره یک پروژه شهرک صنعتی نزدیک فرودگاه ساخته شود که بعداً به صورت یک پارک تکنولوژی در شرق اصفهان طراحی و ساخته شد. البته اینجا یک مقدار طبیعت اطراف آن در این عکس نیفتاده است ولی کوه‌های اطراف آن تاثیرگذار بوده است و مثلاً ما خطوطی را برای این در نظر گرفته‌ایم و رنگ‌هایی برای آن در نظر می‌گیریم که از پایین به بالا اتصال آن را به طبیعت بیشتر ایجاد می‌کند و عکس داخلی آن حرکتی هست که در آن انجام می‌شود که از نظر معماری رو به تکامل و تعالی است.

پروژه‌های متأخرتر ما مجموعه‌های تفریحی در کنار رودخانه زاینده رود است. اینها کومه‌هایی است که ما برای اتراق یک روزه یا دو روزه مسافران درست کرده‌ایم که این پروژه نیز یک جایزه اول را در یکی از مسابقات گرفته است.

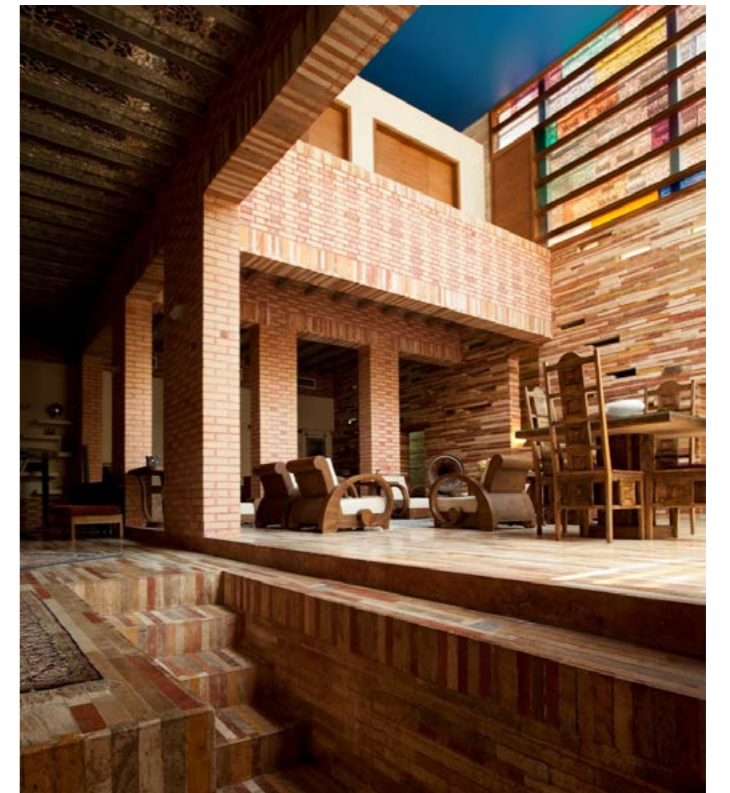
این خانه خود ماست که داستان‌های عجیب و غریبی دارد. یک خانه سنتی بود و وضعیتی داشت که ما از آن لذت می‌بردیم و خیلی ساده بود ولی سقف‌های آن چوبی بود و خانه کیفیت آنچنانی نداشت. خانه ما در خیابان میرفندرسکی قرار دارد یعنی جایی که باغ‌های صفوی بوده است و بعداً در دوره ظل‌السلطان رها شده است. خانه کیفیت و قدمت آنچنانی نداشت و شاید مربوط به اوایل پهلوی بود. ولی چوبی بود و بعد که بچه‌ها بزرگ شدند همسرم گفت که ما باید دو اتاق برای اینها اضافه کنیم. آمدیم دو اتاق اضافه کنیم خودمان را گرفتار کردیم و این پروژه هفت سال طول کشید و از آن پروژه‌هایی بود که ما برعکس شروع کردیم .

فکر می‌کنم که معمار باید از روی کوه بالا برود و از آن بالا نگاه بکند و از خودش شروع کند یعنی از یک کانسپت کلی شروع کند. ما در این پروژه گفتیم می‌خواهیم دو اتاق اضافه کنیم. بعد گفتیم بهتر است که یک سقفی بزنیم وقتی آقای رایت طراحی‌خانه می‌کند، می‌گوید: ابتدا یک شومینه می‌گذارد و می‌گوید این خانواده دور شومینه جمع می‌شوند. ما وقتی می‌گوییم یک خانه منظور یک سرپناه است که دور هم جمع باشیم. بنابراین برای اینکه سقفی برای خانه بگذاریم گفتیم یک باکسی را اضافه می‌کنیم که چیزی بین امروز و دیروز ما باشد

ولی به تدریج به نتایج امروزی رسیدیم ما از مصالح بازیافتی استفاده کردیم و وقتی به جلو رفتیم دیدیم در تمام دیوارها موربانه دیده می شود و سقف ها هم به شکل دیگری مشکل دارند. بعد تصمیم گرفتیم که این ها را نیز عوض کنیم و سپس به تدریج تغییر کامل کرد. خانه پدری من هم طرف پشت این ساختمان بود بعد گفتیم که بهتر است یک ارتباطی هم با خانه پدری ایجاد بکنیم و به همین دلیل تغییراتی در آن انجام شد. درست است که ما از یک دکمه به یک پالتو رسیدیم و از ناچیز شروع کردیم. پله هایی که من در این خانه طراحی کرده ام پله هایی است که در دفتر خودمان هم داریم.

همانگونه که عرض کردم اعتقاد من آن است که در معماری ما حرکت در فضا یک حرکت ممتد و ادامه دار است و اتاق به اتاق ادامه دارد. این حرکت همچنان جریان دارد و در دفتر ما هم به گونه ای است که دو پله روی هم قرار دارد یعنی شما از این پله که به طرف بالا می روید می توانید از طرف دیگر به سوی پایین بیایید و همیشه این جریان ادامه دارد. حالا در خانه ما این تبدیل به سه پله شد. سه پله که روی هم قرار گرفته اند و این جریان که می تواند در این خانه ادامه پیدا کند. اینجا سه پله شده است که بتوانیم سه نوع ارتباط را در این فضا ایجاد بکنیم. من برای نمای این ساختمان همان ایده دابل اسکین را داشتم؛ چون دلم می خواست که طبیعت را حس کنم ولی نمی خواستم که پرده هم بگذارم که این پرده ها باز و بسته شود. تلاش کردیم و آلومینیوم را دادیم سی ال سی کردند و شبکه های دور ساختمان ایجاد کردیم که اگر عکس داخل آن را ببینید ملاحظه می کنید که آن درختی که ما از گذشته حفظ کرده ایم همیشه در فضای ما حضور دارد.

ما یک سری پروژه هایی را اخیراً کار کرده ایم. مثلاً امسال ما یک کار یک ماه و نیمه کردیم که به یکی از روستاهای اطراف اصفهان رفتیم و خانه ای را خودمان به نیت خیر خریدیم و تبدیل به یک خانه فرهنگ کردیم که الگویی برای بنیاد مسکن بنام صندوق خرد بانوان شده است.



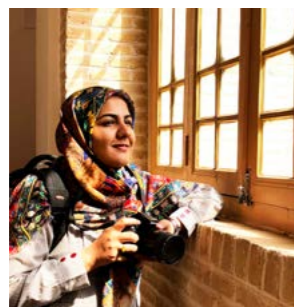
خانه ی قانعی

ولی اینجا هم سعی کردیم با روحیه قبلی به جوانها و اهالی روستا بگوییم که خانه هایی را که شما به سرعت خراب می کنید قابل استفاده است. این اقدام را ما با خریداری این ساختمان انجام دادیم و به جای این که محل نگهداری گوسفندان باشد تبدیل به محلی شده که یکسری خانم های روستایی به هم وصل شده اند و سعی کرده ایم که یک کار اجتماعی بشود و آنها مشارکت کنند. ما تیمی از خانم های تحصیل کرده روستا را دور هم جمع کردیم و آنها به عنوان شورای مدیریت، کارها را پیش می بردند. بحث من با بنیاد مسکن آن بود که بنیاد مسکن اغلب روستاهای ما را خراب کرد و چیزی از هویت روستاهای ما باقی نگذاشت و ما تصمیم گرفتیم که حداقل یکی از آنها را حفظ کنیم.

این خوشبختانه به گوش دوستان و مسئولین رسید و این الگو را به ما نوید داده است که در هر روستا بتوانیم یکی از این خانه های قدیمی را بگیرند و مرمت کنند و به صندوق خرد بانوان اختصاص بدهند. این صندوق خرد بانوان الگویی است که از بنگلادش گرفته شده. این الگوی بنیاد مسکن است و به من قول داده اند که آن را تکثیر کنند و این فکر به عنوان یک الگو در روستاها به عنوان الگوی مسکن روستایی معرفی شود. ستاد مرکزی شهرداری اصفهان دیگر پروژه ما است که روبروی کتابخانه ای است که نشان دادیم. برای نظام مهندسی اصفهان هم یک پروژه را ما کار کردیم که در این مورد خیلی ساده رفتار کردیم ولی عمده ترین فضا داخلی است و فضای داخلی بود که برای ما اهمیت داشت، برای ما نظام مهندسی جایی بود که قرار است تعدادی را دور هم جمع کند. این فضای داخلی مربوطه است. مثل اینکه یک چهار طاقی در ذهن من قرار گرفت که بتوانیم در پایین که جرم ساختمانی کم است، وقتی به طرف بالا می رود مرتب دفاتر می آیند و می آیند تا سقف نهایی را می سازند. وسط آن تهی ست که مثلاً شما دارید سقف را برعکس تماشا می کنید. یعنی دفاتر ماست که به تدریج به جلومی آید و مثل کاربندی هایی که ما داشتیم تا سقف نهایی را می سازد. این کانسپت کار است. در اصفهان می خواستند یک سری برج بسازند. ما به جای اینکه این برج ها را به صورت عمودی بسازیم آن ها را به یکدیگر وصل کردیم و با کنار هم قرار دادن آنها باتوجه به فواصلی که داشتند زیر آنها را خالی کردیم و نام آن را یک تالار بزرگ گذاشتیم. هراتفاقی می تواند در این سالن بزرگ بیفتد. اینجا فضای نیمه روشن است ضمن اینکه هم آفتاب و هم سایه دارد و می تواند برای مراسم بزرگتر نیز مورد استفاده قرار گیرد. سعی ما این بود که در ورودی از طرف ذوب آهن اصفهان است، یک گیت ورودی داشته باشیم که کنار آن پر از تپه ماهور و کوه می باشد. فکر کردیم یک المان باشد و از آن طرف می گفتیم که خوب با این کاری که ما انجام می دهیم یک فضای مثبت مفید دیگری را ایجاد بکنیم که می تواند نمایش شهر اصفهان

معرفی بناهای شاخص معاصر یزد

هنرستان پسرانه کار و دانش ذکایی*



_____ مهندس مژگان پاک چشم
_____ کارشناس ارشد معماری

اطلاعات بنا:

- * موقعیت: یزد، محله حسن آباد، کوچه مفتح
- * معمار: مهندسین مشاور پدیده خاک، محسن پدیدار، غلامحسین رسولی نراقی
- * زمان ساخت: ۱۳۷۹-۱۳۸۸
- * مساحت کل زمین: ۶۳۰۰۰ مترمربع
- * نوع کاربری: آموزشی
- * کارفرما: سازمان آموزش و پرورش
- * سازه: اسکلت بتنی

در شرقی ترین محله یزد، حسن آباد مشیر، مدرسه ای صنعتی با عنوان هنرستان پسرانه کار و دانش ذکایی در سال ۱۳۸۸ به بهره برداری رسید. این هنرستان به همت آقای حمید گرامی و به یاد و نام مادر گرامیشان، فردین دخت ذکایی، در زمینی به مساحت ۶۳۰۰۰ مترمربع تأسیس شد. طراحی هنرستان در چهار فاز توسط شرکت مهندسین مشاور پدیده خاک، مهندس محسن پدیدار و مهندس رسول نراقی، در سال ۱۳۷۸ آغاز گردید.



تصویر ۱: پلان موقعیت مجموعه، تنها در جبهه جنوب شرقی سایت، شش کارگاه و سالن ورزشی برپا شده است؛ و در سالن خانم دُرودی مدیریت مجموعه برقرار است. همچنین در شمال سایت ستون های بتنی برپا شده اند که وضعیت ناتمام فاز اول پروژه را حکایت می کند.

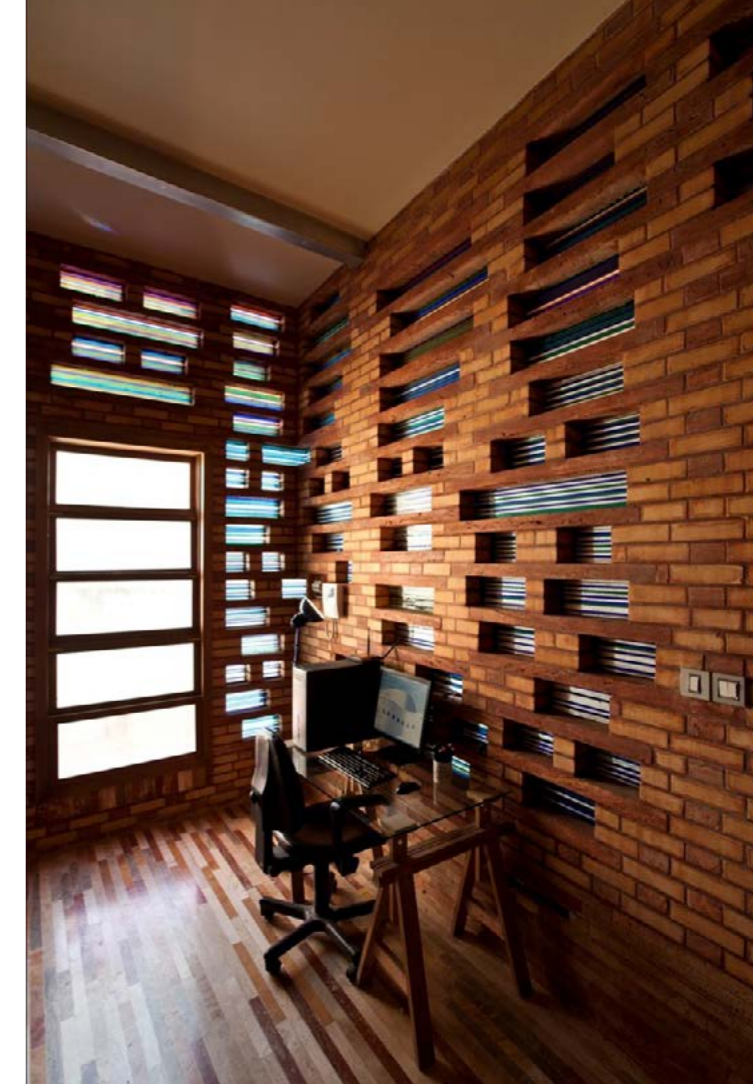
فاز اول پروژه، مدرسه ای ۲۴ کلاسه تعریف شد که متأسفانه به دلیل هزینه های ساخت تا به الان تکمیل نگردیده است. فاز دوم که تنها فاز تکمیلی است، شامل شش کارگاه برای دروس عملی به مساحت ۲۶۰۰ مترمربع است. فاز سوم و چهارم نیز به ترتیب فضاهای جنبی عمومی از جمله کتابخانه، آمفی تئاتر، نمایشگاه، سالن های چند منظوره، اتاق جلسات، سالن و زمین ورزش را در بر می گیرد. در حال حاضر مجموعه آموزشی معرفی شده شامل دو بخش اصلی است. حوزه کارگاهی که همان فاز دوم پروژه است و سالن مرحومه نجمه دُرودی که پیشتر توسط خیری دیگر در این زمین برپا شده و تنها جهت هم آهنگی با کلیت مجموعه با نظر مشاور در نمای آن تغییراتی حادث گردیده است.

* نوشته حاضر دستورالعمل پروژه «شناسایی و مستندسازی آثار هم پیوند با زمینه در معماری معاصر یزد» است که توسط شرکت بازآفرینی شهری ایران در سال ۱۳۹۴ به مدیریت مهندس سید منصور علاقه بند انجام گرفت.

باشد. این یک پیشنهاد برای ساختمان جدید و یا ادامه مسکن و شهرسازی اصفهان محسوب شود. ادامه این مقال فرصتی ونشستی را می طلبد. از اینکه حوصله فرمودید تشکر می کنم.



خانه ی فرهنگ آفتاب

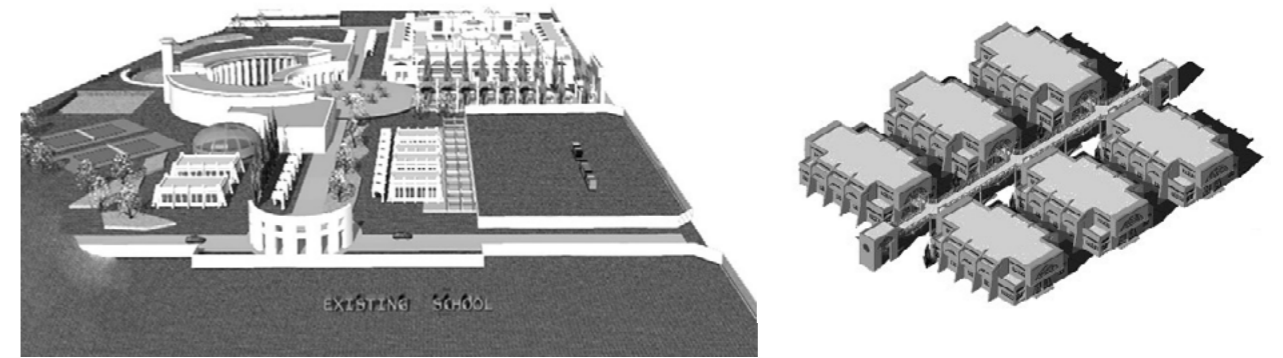


خانه ی قانعی





تصویر ۴: از بالا به پایین: یکی از مدول های کارگاهی، برج پله، فضای مابین کارگاهها، ورودی کلاس های نظری در طبقه اول، مراحل ساخت از آرشيو مدرسه

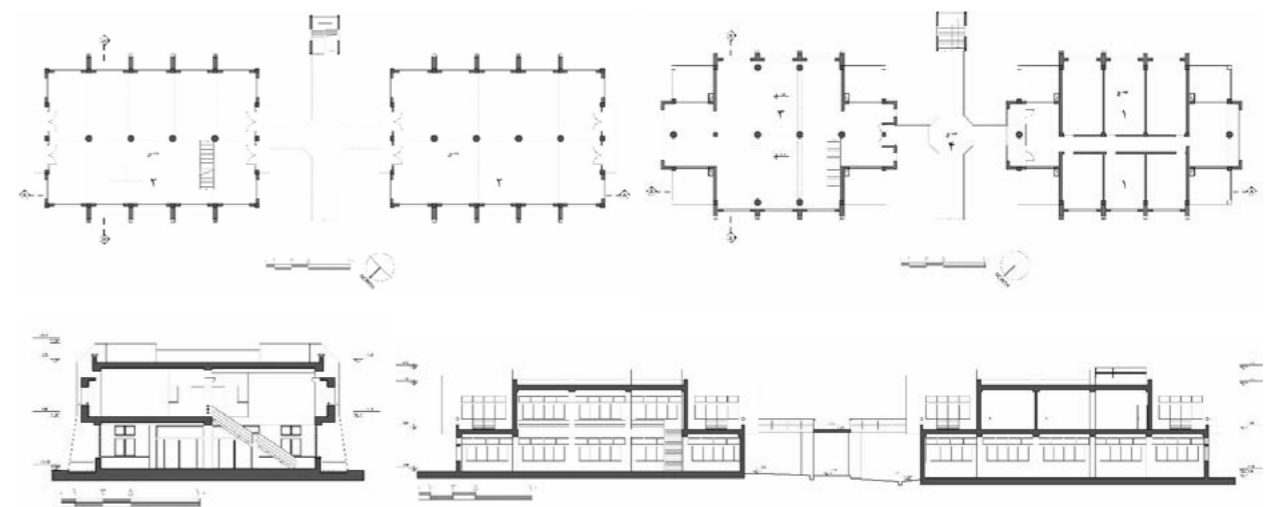


تصویر ۲: از چپ به راست؛ سایت کلی مجموعه به همراه محصل فازهای مختلف آن، شش کارگاه فعلی پروژه

حوزه کارگاهی از تکرار شش مدول دو طبقه در جهت جنوب شرقی- شمال غربی، گرداگرد یک پل فلزی شکل گرفته است. نقش کارکردی این پل منطبق بر نقش ساختاری آن، جهت تسهیل دسترسی به فضاهای نیم طبقه کارگاه ها می باشد، که ابتدا و انتهای آن به واسطه دو برج پله آزاد تعریف شده است. طبقه همکف در هر مدول، به کلاس های عملی و فضای نیم طبقه به کلاس های نظری اختصاص یافته است. این رویکرد طراحانه در کاهش هزینه های اولیه ساخت در مقایسه با فاز اول پروژه، همچنین در روان سازی فرآیند ساخت و تسهیل توسعه های آتی بسیار موثر بوده است.

نحوه چیدمان کارگاه ها تداعی کننده الگوی حیاط مرکزی در معماری گذشته یزد با کیفیتی جدید و متفاوت است. فضای باز محصور در این مجموعه در دو سطح تعریف می شود و دانش آموز در یک فضای باز، پویا و فعال گام بر می دارد. در سطح همکف، سایه های تولید شده به واسطه پل و پوشش گیاهی حاشیه آن، محلی برای درنگ و گفتمان فراهم می آورد و در سطح بالاتر شبکه ارتباطی معلق کلاس ها با نزدیک کردن دانش آموز به سر شاخه درختان کیفیتی دیگر را خلق می کند که حیاط را به حیات پیوند می زند.

سازه مجموعه که در زمان خود پیشرو بوده، بصورت درجا و توسط پیمانکارانی غیر بومی با همکاری افراد محلی در سایت پروژه اجرا شده است. به گفته مجری طرح، حداکثر تلاش بر این بوده تا شیوه ساخت به افراد محلی آموزش داده شود و از نیروی عملی آنها در فرآیند



تصویر ۳: از بالا به پایین پلان طبقه همکف و اول یکی از مدول ها (۱. کلاس های نظری، ۲. کلاس های عملی ۳. نیم طبقه)

سلسله نشست‌های معماری معاصر یزد:
نشست دوم (راهبردهای بومی سازی کالبدی
بدنه خیابان‌های یزد)



نما و جانمایی عناصر عمودی در جهت تولید سایه، تعدیل نور ورودی و تلطیف نما موثر است که این مهم در شهر یزد اهمیت دو چندان می یابد. همچنین خلل و فرج ناشی از شکل سقف در تخفیف صدا برای چنین مدرسه کارگاهی تدبیری هوشمندانه بوده است.

در کنار تمهیدات اقلیمی در نما و پوسته بنا، صفحات خورشیدی منطبق بر شرایط اقلیمی یزد در کنار تاسیسات زنت و هواساز برای تامین انرژی سرمایشی، گرمایشی مدرسه در نظر گرفته شده است. به گفته مدیر مدرسه، این عمل به کاهش هزینه ها کمک فراوانی کرده است لیکن مرکزی بودن سیستم تاسیسات موجب هدر رفتن بخشی از انرژی تولیدی در زمان انتقال و همچنین نقص کارایی آن می شود.

به هر شکل هنرستان ذکایی با تمام کمبود های مالی در حال حاضر به همت خیرین، اساتید و ۳۴۰ دانش آموز پرتلاش خود به زندگی اش ادامه می دهد و نسل جدید مهارتمندان جامعه را پرورش می دهد. رسیدگی سازمان های متولی برای تعمیر و تکمیل بنا شایسته و قابل قدردانی خواهد بود، چرا که مدرسه ای چنین ساختارمند و برپا شده بر نظامی متقن، در اواخر دوره معاصر کمیاب و حفظ آن بایسته است.



معرفی ساختار پژوهش نمای بوم سازگار



پژوهش حاضر به منظور تبیین چرایی بومی سازی بدنه خیابان های یزد در دو شاخه کلی موضوع را پیگیری می کند. در شاخه نخست و از منظر و نگرشی موضوعی به شناخت آنچه هست، در حوزه خیابان به طور عام و خیابان های یزد به طور خاص می پردازد.

براین اساس، ابتدا برمبنای نگرش فوق چستی خیابان مورد جستجو قرار می گیرد. شناخت جایگاه خیابان، گونه شناسی خیابان، تعاریف موجود از خیابان، تاریخچه، کارکردها، کیفیات محیطی و نهایتاً اجزای سازنده فضای خیابان مورد شناسایی قرار می گیرد. بدین ترتیب ادبیات زمینه ای خیابان با محوریت خیابان در یزد نیز پیمایش می شود. دستاورد مهم این پیمایش، شناخت عناصر نیازمند طراحی در بدنه خیابان خواهد بود.

چگونگی شکل گیری خیابان های یزد نیز به عنوان محور دیگر این مرحله از پژوهش برمبنای شش نگرش متمایز از یکدیگر مورد بررسی قرار می گیرد. بر این اساس از منظر عملکردی، کالبدی، زیبایی شناسی، مفهومی ادراکی، طیف شناسی و ترافیکی به چگونگی تکوین خیابان در یزد پرداخته می شود. مهم ترین دستاورد این بررسی، گونه شناسی خیابان های معاصر یزد از منظر پدیدارشناختی است.

با تکمیل شناخت هستی خیابان در یزد که از پس دریافت چستی و چگونگی تکوین آن به دست می آید، زمینه برای درک درست از آنچه

بایست، در حوزه خیابان فراهم خواهد آمد. برای نیل به این مهم یعنی بیان بایستگی های طراحی و ساماندهی بدنه معابر در دو محور مهم، به شروط لازم و شروط کافی تحقق موضوع توجه می شود. بی تردید شرط لازم برای هر نمایی اعم از بومی یا غیربومی، موجه و مطلوب بودن آن نما از حیث ویژگی های فضایی است.

در این پژوهش این شروط لازم بر مبنای پارادایم محیط پاسخده برگرفته از آراء بنتلی و همکاران در کتابی به همین نام احصاء می گردد. نمای شهری به عنوان یکی از اجزاء و ارکان محیط شهری می تواند مشمول شروطی باشد که ضمانت پاسخدهی و مطلوبیت را برای طراحان، مالکان و کاربران به ارمغان می آورد. تعیین حد مطلوب از نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف پذیری، تناسبات بصری، غنای حسی و رنگ تعلق یا همان معیارهای هفت گانه محیط پاسخده در مقیاس و محدوده نمای شهری، پارادایم نمای پاسخده را قابل تبیین می سازد.

دستیابی به این معیارها و وجوه و حدود آنها، شرط لازم برای یک نمای مطلوب فارغ از وجه بومی آن خواهد بود. با تشخیص الزامات طراحی یک نمای پاسخده و مطلوب، زمینه برای ورود به محور بعدی تحقیق حاضر یعنی تبیین بایستگی های یک معماری و شهرسازی بومی در محدوده نمای شهری به عنوان شرط کافی پژوهش فراهم می آید.

برای نیل به این هدف از سه وجه فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی موضوع نمای معابر یزد مورد بررسی و بازبینی قرار می گیرد. به عبارت دیگر برآیند سه رویکرد زمینه گرایانه، مردم گرایانه و طبیعت گرایانه در ارائه معیارهای پارادایم نمای پاسخده نقشی اساسی خواهند داشت. این امر زمینه تشخیص و تبیین اصول طراحی نماهای بوم سازگار و راهبردی مطلوب برای هدف اصلی این پژوهش خواهد بود.

با پیمایش چهار محور مورد اشاره یعنی تعیین عناصر طراحی بدنه خیابان، گونه شناسی خیابان های یزد، تشخیص الزامات طراحی نمای پاسخ ده و تشخیص اصول طراحی نمای بوم سازگاره شرحی که گذشت، راهبردها و سیاست های بومی سازی کالبدی بدنه خیابان های یزد قابل تشخیص و دسترسی گردیده و نتایج آن تبیین می گردد.

سخنرانی:

راهبردهای بومی سازی کالبدی بدنه خیابان های یزد

دکتر سید علی اکبر کوششگران

توافق رسیدیم که با این شرط که در اقدامات بعدی برای چهره یزد و در قدم اول برای بومی سازی اقدام کنیم. پروژه ای که امروز می خواهیم درباره آن گفت و گو کنیم، تنها راهبردهای بومی سازی را پیشنهاد می دهد. به عبارتی این گزارش به معیارها و ضوابط بومی شدن چیست اشاره نمی کند. زیرساخت ها، مبانی تئوری و نگاه هایی که باید در میان باشد و شیوه مواجهه با آن ها باید در کار باشد و راهبردی که اگر درست تدوین شود، در مرحله دوم می شود درباره آن توضیح داد که آیا نیاز به الگو یا ضابطه داریم یا خیر؟ آیا طرح کاملاً مشخص و موضعی برای مناظر شهری و سیمای معابر و خیابانها داریم یا بیشتر یک بحث مدیریتی است و از منظر دیگر باید به این موضوع نزدیک شد.

نکته ای که می خواهیم عرض کنیم آن است که بحث امروز می خواهد راهبردهایی را که بر مبنای آنها با خطا و خطر کمتری می توان به سراغ موضوع رفت، مطرح می کند تا الگو و ضابطه طرح را باز کنیم و گامی برای معماری و شهرسازی اسلامی در شهر برداریم.

امروز باید روی این موضوع بحث کرد که آیا این فرض درست است که ما از طریق مداخلاتی که در حوزه طلایی داریم، به معنای واقعی بتوانیم شهر اسلامی یا نمای شهری اسلامی داشته باشیم؟ این یک بسته تئوریک است که در این محافل می توان خوب درباره آن گفتگو کرد. نظر من این است که در بازه زمانی مناسب، این نشست گذاشته و پاسخ به سوالات داده شود.

به نظر می آید یک مفهوم ترکیبی به اسم «معماری شهری» به عنوان یک خلأ وجود دارد که این مسائل را نکاویده است. ما معماران این مشکل را به گردن شهرسازان می اندازیم و شهرسازان به گردن ما. به نظر می آید در حوزه آکادمیک این مفهوم را یعنی معماری شهری را به عنوان تخصص کم داریم.

برای انجام این داستان اول، باید این مسئله را توضیح بدهیم که اصلاً چه ضرورت دارد ما به بومی سازی نمای شهری مان بپردازیم؟ به نظر می رسد در مرحله اول به دلیل اعمال سلیقه های غیرکارشناسی که در حوزه

ضمن عرض سلام خدمت دوستان و همکاران گرامی با کسب اجازه از مسئولین برگزاری این نشست و تشکر از این که اجازه می دهید مرحله اول طرح پژوهشی که در قالب قرارداد با شهرداری در پژوهشکده معماری بومی دانشگاه یزد به کمک همکاران به انجام رسیده امکان طرح پیدا کند. شاید بهتر بود به جای من آقای دکتر ماندگاری به عنوان مجری اصلی طرح گزارشی ارائه کنند که ایشان به علت سفر، این موضوع را به من محول کردند. ممنونم از اینکه وقت گرانبقدر خود را در اختیار اینجانب گذاشتید و از دوستان انجمن صنفی معماری و شهرسازی هم متشکرم و به معاون محترم هماهنگی امور عمرانی استانداری و معاون محترم معماری و شهرسازی شهرداری یزد هم خیرمقدم عرض می کنم.

مبانی به کار گرفته شده در این حوزه اگر هم وجود دارد، یا ترجمه است، یا حتی ترجمه هم نیست و ایرانیزه یا یزدیزه هم نشده است. این صرفاً مثل همه علوم دیگر است که ما فقط ترجمه علمی آن را انجام می دهیم و مکان مند نمی کنیم.

آنچه که من امروز به خاطر آن در خدمتتان هستم بیشتر به منظور طرح مسئله است تا یک گفتمان بین متولیان پژوهش و همکارانی که در این نشست حضور دارند، صورت گیرد. انشالله بتوانیم از نظراتتان برای تکمیل این بحث استفاده کنیم و شهرداری عنایتی به اجرای مرحله دوم که اجرای ضوابط و الگوهای بدنه شهری است، داشته باشد.

همانگونه که مطرح شد این گزارش مربوط به قسمت اول از یک طرح پژوهشی است که به عنوان راهبرد های بومی سازی کالبدی بدنه خیابان های یزد مطرح شده است. شهرداری و شورای اسلامی شهر یزد یکبار در گفتگوبا بعضی از دوستان پژوهشکده، خواهان یک طرح پژوهشی برای ارتقای هویت شهری و به عبارت غیرکارشناسانه آن برای اسلامی شدن چهره شهر یزد ارائه بشود. ما سعی کردیم با ادبیاتی که در گفتگوی بین ما و اعضای شورا مطرح بود توضیح بدهیم که باید قطعاً شرط لازم اتفاق بیفتد تا بتوانیم بگوییم که می شود چهره شهر را اسلامی کرد یا خیر؟ پیشنهاد ما این بود که ابتدا به این سوال پاسخ دهیم که چهره شهر چگونه می تواند بومی شود؟ شهری که بومی باشد شاید بتواند قدم هایی در جهت تقویت بردارد که قطعاً با مفهوم اسلامی شدن همراه می شود.

شهر ما حتی بومی هم نیست. همه شهرهای ما به دلایل زیاد فاقد هویت سرزمینی می باشند. حتی ما مباحثی داریم که اشاره می کند که منظورمان از بومی بودن فقط تاریخی بودن نیست.

بومی و بوم آوری و بوم ساخت، واژگان کلیدی این حوزه است که طیف وسیعی از مولفه های سازنده را در بر می گیرد و خود احتیاج به گفتمان زیادی دارد تا بتوانیم به مفهوم بوم و بومی سازی برسیم. با دوستان به

طرح و در حوزه اجرا صورت می گیرد ، ما عملاً دچار بحران چه از نظر حوزه حاکمیت و چه در حیطه اختیار کارفرما هستیم. در حوزه معماری و شهرسازی نهایتاً آن چیزی که مجریان به انجام می رسانند، برخوردار از نظرات کارشناسانه متولیان این موضوع در حوزه طرح و مبانی تخصصی آن نیست .

هر از گاهی ما می بینیم که معماران دوست دارند تجلیات هنری داشته باشند که بهترین نمود آن نماهای شهری است که بخاطر در اختیار داشتن امکانات حوزه مصالح و اجرا، اولین چیزی که حادث می شود هرج و مرج در کارهایی است که با در کنار هم قرار گرفتن آنها یک نمونه از بی نظمی به نمایش درمی آید.

مسئله دوم که ایجاب می کند ما به موضوع نمای شهری بپردازیم، فقدان تئوری و رویکردهایی است که برای نما به کار می بریم. یعنی علاوه بر آن که مجریان شهر و مالکین دوست دارند عرض اندامی داشته باشند و آنها مقصرند که نمی آیند از نظرات مبتنی بر مبانی نظری به درستی استفاده کنند، با مشکل دیگری روبرو هستیم و آن اینکه مبانی به کار گرفته شده در این حوزه اگر هم وجود دارد، یا ترجمه است، یا حتی ترجمه هم نیست و ایرانیزه یا یزدیزه هم نشده است. این صرفاً مثل همه علوم دیگر است، که ما فقط ترجمه علمی آن را انجام می دهیم و مکان مند نمی کنیم. آقای علاقه‌بند اشاره کردند که ما بر مبنای رویکردی که در خارج از تعهد مطرح شده است، داریم پیشنهاد می دهیم ولی به نظر می‌آید نگاه به تجربه‌ها و پیشنهادها یا حتی تئوری‌هایی که مطرح است، ایرادی ندارد. ایراد آنجاست که با چه راهکار و رویکردی به راه حل هایی که با نیت ما سازگار باشد، می پردازیم؟

مسئله سوم در حوزه مصالح که ایجاب می کند به سراغ بحث بدنه سازی خیابان برویم، این است که ما امروز به لحاظ توانمندی که در حوزه مصالح و اجرا داریم، لاقلاً با آن چیزی که می سازیم و محتوایی که در داخل آن وجود دارد، ارتباط برقرار کنیم. امروزه دست معمار



خیابان مسجد جامع یزد

باز است که با سلیقه شخصی کار کند. این نابسامانی و غیرهمخوانی که در صورت و ظاهر یک پدیده که نمای شهری می‌نامند و در متن آن جریان دارد، باعث می شود که ما ناهنجاری هایی را در کار داشته باشیم. به تبع این موضوع مسائل زیادی وجود دارد که در این قسمت روی آنها درنگ می کنم.

یک مسئله وجود دارد که نه در حوزه معماری و نه در حوزه شهرسازی به صورت خاص و مطلق بیان نمی شود. به نظر می‌آید یک مفهوم ترکیبی به اسم «معماری شهری» به عنوان یک خلأ وجود دارد که این مسائل را جست و جو نکرده است. ما معماران این مشکل را به گردن شهرسازان می‌اندازیم و شهرسازان به گردن ما. به نظر می‌آید در حوزه آکادمیک این مفهوم را یعنی معماری شهری، به عنوان تخصص کم داریم. جایی که نگرش به موضوع از جنس معماری، مصداق و معیار هست ،این موضوع وجه شهری پیدا می کند ولی نمی توان گفت که کار معمار یا شهرساز باشد. اتفاقاً دوست عزیزم آقای دکتر نقصان محمدی بر همین مبنا در مدرسه هنر و معماری یزد این پیشنهاد را داشتند دپارتمانی با عنوان «معماری شهری» که از دوستان خارج از دانشگاه دعوت می کنیم تا این قبیل راهکارها را به جریان بیندازیم.امیدوارم این حلقه مفقوده در آنجا مورد توجه قرار بگیرد.

۱- اعمال سلیقه و دخالت‌های غیر کارشناسانه:

– حاکمیت فرهنگ ساخت و ساز غیرحرفه ای (بساز بفروشی)

– اعمال سلیقه شخصی مالک یا کارفرما

– عدم استفاده از نظرات کارشناسان شهری در طراحی و اجرا

– هنرنمایی اغراق آمیز برخی طراحان

۲- ضعف تئوریک:

– عدم آگاهی به اصول معماری و شهرسازی ایرانی

– فقدان تعریف الگوهای مناسب بدنه سازی

۳- ناهنجاری های مربوط به عدم رعایت اصول طراحی نما:

– عدم همخوانی فرم و کاربری

– الحاقات زائد و غراضولی

– استفاده از گرایش های معماری غیر بومی

این موضوع یک اغتشاش یا ناهماهنگی را در نمای شهری ایجاد کرده است. شهری که اگر چیزی برای افتخار کردن به آن دارد، سابقه تاریخی آن است که تمام هویت این سرزمین را از لحاظ شهری یک تنه به دوش می کشد. به هر شهر دیگری که بروید، بافت تاریخی آن اینگونه نیست. در شهر یزد ما با این گنجینه گرانبها مواجه هستیم. اما واقعیت آن است که بافت شهری جدید هم پر از وانفسا است که در بحث آسیب شناسی به آن اشاره می کنیم.

در مورد ضوابط انجام این پژوهش باید بگویم که در واقع این خیابان است که محل ارتباط عمومی افراد با هم است و خاطره عمومی ما را از شهر می سازد. مخصوصاً برای گردشگرانی که برخورد اول را با شهرمان دارند، آنچه به دستشان می دهیم از همین نماها و مغازه های شهری است که ایجاد کرده ایم و اگر کسی به یزد بیاید در برگشت به شهر خود وقتی می‌خواهد وصفی از یزد بگوید صرفاً از آن چیزی که در حضور اندک وی در شهر اتفاق افتاده است، بیان می‌کند که چیزی جز سیمای شهری نیست.

یزد شهری است که اگر چیزی برای افتخار کردن به آن دارد، سابقه تاریخی آن است که تمام هویت این سرزمین را از لحاظ شهری یک تنه به دوش می کشد. به هر شهر دیگری که بروید، بافت تاریخی آن اینگونه نیست. در شهر یزد ما با این گنجینه گرانبها مواجه هستیم

وقتی از خیابان نام می بریم، نمای شهری یکی از اجزای مهم است که باید با نگاه درست و کلان به آن اشاره شود، تا بشود عملاً به هویت اصلی خود بازگردانده شود. آن خاطره که یک مخاطب به عنوان یک گردشگر از این شهر دارد، همان چیزی است که نهایتاً مورد قضاوت قرار می‌گیرد و گفته می‌شود که شهر یزد مثلاً خیلی زیبا بود. ولی وقتی وارد حوزه جدید شهر می‌شویم نه فرهنگ و نه هویتی در سیمای شهری احساس نمی شود. این نشان می دهد که باید به عنوان یک محل برای چیزی که به اسم هویت و فرهنگ از آن یاد می کنیم، بسترسازی شود.

به هر حال در بحث هایی که در آنها اقلیم و انرژی و از این قبیل نکات هست، باز بدنه های شهری می‌تواند به عنوان یک موضوع مهم مورد توجه قرار بگیرد. این یکی از ضرورت‌هایی است که ما سعی می کنیم در آخر گزارش به آن اشاره کنیم. مالکین هم به لحاظ شرعی و هم به لحاظ عرفی و هم به لحاظ حقوقی بر ملک خودشان حق مالکیت دارند و اجازه دارند که حق مالکیت شان را نهایتاً در نمای ملک خود نیز تسری بدهند. اما به نظر می‌آید یک اتفاقی از بیرون باید آن را مدیریت کند تا ضمن به رسمیت شناختن حق مالکیت، بتوانیم یک هماهنگی کلی در سیمای شهری خودمان داشته باشیم.

در دوره معاصر، ما احتیاج به یک نظام دهنده از بیرون داریم. در دوره تاریخی و در زمانی که ما به آن سنتی می‌گوییم نیاز نبود که یک نهاد بیرونی چهره شهر را مدیریت کند. چون محدودیت استفاده از مصالح وجود داشت و صرف نمی کرد که از خارج از سرزمین مصالح نو را وارد کنید. این محدودیت به نوبه خود محدودیت های دیگری را در اجرا ایجاد می کرد و فرم ها هم به تبع آن محدودیت ها، در یک بازه مشخص از تنوع و گوناگونی در اختیار سازنده قرار می گرفتند. این موضوع به عنوان یک عامل نظام دهنده اجازه نمی داد هر کس هر طور که می خواهد بسازد و نهایتاً یک هارمونی و هماهنگی و وحدت کلی در کار بود. ولی امروزه به نمایشگاه مصالح هرچند نا معتبر مانند نمایشگاه های سالانه که مراجعه می کنید وقتی وارد آن می شوید، با فراوانی مصالحی مواجه می شوید که در گذشته وجود نداشته است. هرکدام از این مصالح، روش های ساخت خود را دارد. این را در حوزه اختیار سازنده بیاورید و ببینید چه تنوعی به وجود می آید؟ اینجاست که ضرورتاً یک بردار بیرونی بر کار وارد می‌شود و به طرق مختلف از سیاست‌گذاری‌ها تا اهرم های مالی و تشویق ها و امثال آن چهره شهرتان را مدیریت می کند.

البته دوستان بهتر از من می دانند که ما از همه این اهرم ها نه برای مدیریت چهره شهر بلکه به عنوان درآمدی برای شهرداری استفاده می‌کنیم که بتواند شهر را اداره کند. مثلاً می‌گوییم فلان مورد در ابعاد یک متر در ۲ متر بیشتر نباشد. خوب شهرداری خوشحال می‌شود. نه به آن دلیل که بر مبنای آن چهره شهر نظام می‌یابد، بلکه برای آن است که بتواند از اضافه آن جریمه بگیرد و با آن جریمه زباله های شهر را جمع کند. سیاستگذاری یک اقدام بسیار عالی در بسیاری از کشورهاست. اما حاکمیت خودش مستقیم وارد عمل می‌شود و از اهرم ها استفاده می کند. و چهره شهر بسیار آراسته و زیبا می شود. ما هم از این سیاست گذاری استفاده می‌کنیم اما با طمع و هدف دیگری. مثلاً شما می‌گویید ۳ متر بیشتر ارتفاع ندهید اما وقتی یک نفر تا سی متر ارتفاع می‌گیرد، شما از او میلیون ها پول می‌گیرید و شهر را با این پول مدیریت می کنید. این چرخه غلط وجود دارد.با این وصف آیا این راهبردها واقعاً مثمرثمر است یا خیر که این بحث پژوهشی جداگانه است.

در واقع این خیابان است که محل ارتباط عمومی افراد با هم است و خاطره عمومی ما را از شهر می سازد. مخصوصاً برای گردشگرانی که برخورد اول را با شهرمان دارند، آنچه به دستشان می دهیم از همین نماها و مغازه های شهری است که ایجاد کرده ایم

| اهداف کالبدی و بصری | اهداف فضایی و ادراکی | اهداف فرهنگی و اجتماعی |
|--|--|---|
| ایجاد سیمای بصری مناسب و منسجم از یزد | هویت بخشی به خیابان های شهر یزد | حفظ هویت مذهبی و اصولی معماری ایرانی |
| استفاده از پتانسیل های موجود در بدنه های ارزشمند | سازگار نمودن فرم فضاها با فعالیت کاربران | بستر سازی جهت انتقال امور فرهنگی به فضاهای باز شهری |
| هماهنگی بین اجزاء جداره ها | توجه به کیفیت ادراکی انسان در هر خیابان | تاکید بر فضاهای فرهنگی و مذهبی خیابان ها |

در این پژوهش ما سه هدف عمده مشخص کرده ایم:

- اهدافی که کالبد و منظر را و آن چیزی که در حوزه دیدار و پدیدار اتفاق می‌افتد، هدف قرار می‌دهد؛
- اهدافی که به جنبه های فضایی و برانگیزشی انسان ها مربوط است.
- اهداف و زمینه‌هایی که در فرهنگ و اجتماع مطرح است.

من معتقدم در همه جاهایی که مسئله هست، در همان جا هدف هم هست و پاسخ هم هست و به نظر می‌آید ما باید به صورت مجزا گفتگویی داشته باشیم تا نتیجه گیری کنیم.

در حوزه اهداف بصری به نظر می‌آید ما باید یک سیمای بصری مناسب و مطلوب داشته باشیم که البته سعی می‌کنیم حداقل شروط لازم و کافی آن را عنوان کنیم.

اینکه اصلاً «مناسب» یعنی چه و در حوزه سیمای خیابان وقتی می‌گوییم مناسب باید باشد به چه معنی است، باید این واژه مناسب را باز کرد تا وقتی می‌گوییم «مناسب» متوجه بشویم که یعنی چه و چه ویژگی‌هایی وجود دارد؟

قطعاً در حوزه بصری ما باید متوجه آن بدنه های ارزشمند باشیم. البته وقتی می‌گوییم ارزشمند، منظورمان صرفاً بدنه تاریخی نیست. تاریخی بودن یکی از ارزش‌ها می‌باشد. اگر فرصتی پیش‌آمد ما بحثی متفاوت را از ارزش‌ها در میراث شهری داشته باشیم. مثلاً بنای مسجد جامع با ارزش است. این یک بحث تخصصی است و باید بگوییم که چه ارزشی دارد و یک اثر به چه دلیل ارزشمند است تا بفهمیم که به چه شکل می‌توان از آن حفاظت کرد. اما گاهی اوقات به دلیل همین عدم شناخت ارزش، راهکار حفاظتی ما آن اثر را تخریب کرده است.

وقتی از خیابان نام می‌بریم، نمای شهری یکی از اجزای مهم است که باید با نگاه درست و کلان به آن اشاره شود، تا بشود عملاً به هویت اصلی خود بازگردانده شود. آن خاطره که یک مخاطب به عنوان یک گردشگر از این شهر دارد، همان چیزی است که نهایتاً مورد قضاوت قرار می‌گیرد و گفته می‌شود که شهر یزد خیلی مثلاً زیبا بود.

مثلاً در عقدا یک پروژه بهسازی کار کردم که دیواری متعلق به هزار سال پیش بود. این یک قطعه از باروی قدیمی عقدا به ارتفاع ۲ متر و نیم تا هشت متر بود. این دیوار با ارزش بود چون تاریخی بود و هزار سال از

عمر آن می‌گذشت و به عنوان قطعه ای از باروی اولیه شهر تاریخی عقدا به حساب می‌آید. این دیوار ارزش داشت چون یک بافت کاملاً طبیعی ایجاد کرده بود که در طول هزار سال شلاق باد و باران را خورده بود و الان در معیارهای یونسکو به عنوان یک ارزش طبیعی مطرح است. این دیوار با ارزش بود به این دلیل که یک بافت زیبا را از نظر زیبایی شناسی ایجاد کرده بود. خوب اگر پنج یا شش ارزش برای یک دیوار ساده گفتیم، برای این است که آن را حفاظت کنیم. اما آمدیم آن را کاهگل کردیم. شاید با این کار آن پنج ارزش را نابود کردیم و این دیوار هم شبیه همه دیوارهای دیگر شد. پس تا ما ارزش را ندانیم، حفاظت معنا پیدا نمی‌کند. قطعاً این دیوار باید به گونه ای نگهداری می‌شد که بافت زیبا، وجاهت طبیعی، نادر بودن و خیلی از جنبه‌های دیگر در آن ماندگار می‌ماند و دیده می‌شد.

ما می‌گوییم امیرچخماق یک اثر با ارزش است. کدام یک از ارزشهای امیرچخماق را در نظر گرفته‌ایم و چگونه آن را حفاظت می‌کنیم؟

می‌خواهم به شما بگویم که چه موافقین و چه مخالفین، هنوز ارزش‌ها را برای خودشان روشن نکرده‌اند و خیلی شیک و سطحی در حد شبکه‌های اجتماعی (که جای مناسبی برای این گفتگوها نیست) موضوع را از آنچه که هست غیر تخصصی تر می‌کنند و به جدال می‌کشاند. واقعاً این مفهوم ارزش‌ها که ممکن است بعضی از آثار درون شهر ما داشته باشد، قطعاً در بحث کالبدی باید مورد توجه قرار بگیرند و ما نباید در رویکرد های انتخابی خود برای بدنه سازی آنها را دچار تهدید و تحدید کنیم. در مورد اهداف فضایی ادراکی می‌خواهم خیلی مفصل‌تر صحبت کنم اما وقت نیست. فقط می‌خواهم این را عرض کنم که حتی ما نمی‌دانیم وقتی می‌گوییم چهره شهر باید اولویت داشته باشد، اصلاً چه دلیلی دارد که شهر بومی باشد، قبل از اینکه هویت داشته باشد؟ ما اگر به این سوال درست پاسخ دهیم، راهبردها مشخص می‌شود.

شهروند های یک شهر باید از شهرشان خاطره داشته باشند. شهروندان یک شهر باید به شهرشان بنازند. در شهرشان سالم تنفس و زندگی کنند. همه اینها به معنای

برانگیزش مطلوب شهروند است که به دست نمی‌آید مگر اینکه ما وقتی نمای شهری را طراحی می‌کنیم، ببینیم این نما به عنوان یک کنش، چه واکنش‌های ادراکی را می‌تواند و باید برای شهروندان خود داشته باشد؟ آیا نمای یک محدوده مسکونی، شکل برانگیزش و شکل برانگیزاندگی آن، جنس برانگیزنده و میزان آن، با نمای یک بدنه تجاری باید یکی باشد؟ آیا خاطره من از خیابان‌هایی که با یکبار عبور از یزد حتماً از آنها گذر خواهم کرد به نوع و برانگیزاندگی آنها با بدنه شهری که یک شهروند در طول عمرش هر روز و همواره با آن مواجه هست یکسان است؟ هر کدام از اینها وجوه ادراکی داستان را پیمایش می‌کنند که ما کمتر به آنها می‌پردازیم.

ما هیچ وقت نپرسیده ایم که وقتی می‌گوییم «هویت»، آن هویت به چه کارهایی می‌آید؟ اگر جواب می‌دهیم به کار خاطره سازی شهروندان می‌انجامد، می‌پرسیم جنس این خاطره سازی چه هست و تفاوت‌های آن کدام است و منطق آن چیست؟

در مورد اهداف فرهنگی و اجتماعی هم قدری صحبت کنیم. بالاخره یزد را به درست یا غلط، دارالعباده می‌گویند. این عنوان چگونه در فعالیت و کالبد شهر باید منعکس بشود؟ این سوالاتی است که باید هدف پژوهش قرار بگیرد و بعد اگر ما کاربرد، ادراک و فعالیت را هم ببینیم آن موقع بگوییم در جمع این سه با هم، اثر معماری یک شهر و اهداف همه جانبه آن را در نظر گرفته ایم تا پاسخ دهیم و به نتیجه هم می‌رسیم.

برای اینکه به سوال جامه عمل ببوشانیم، در دو حوزه متفاوت، شهر یزد و خیابان‌های آن را تحلیل کرده ایم: یکی در حوزه هستی شهر و آنچه هست و دوم در حوزه بایستگی شهر؛ آن چیزی که باید باشد. پس ما بر مبنای دو محور آن روزه‌هایی را که بتواند فضا را باز بکند و به پیشنهاد یک راهبرد برسیم، پیگیری کرده‌ایم. در مورد هستی شهر و هر آنچه که هست باز در دو حوزه موضوع را نگاه کرده ایم. یک بار نگرش موضوعی به خیابان داشته ایم یعنی سوال کرده ایم که خیابان در یزد چیست و اصولاً خداوند خیابان را چه موقع در یزد آفرید؟ می‌دانید که در

یزد خیابان سابقه طولانی ندارد و یک محصول وارداتی است و این مفهوم باید باز شود که از کجا می‌آید و اینکه خیابان چه ماهیتی، هویتی و چه جوانبی دارد و کیفیت آن چگونه است؟

مالکین هم به لحاظ شرعی و هم به لحاظ عرفی و هم به لحاظ حقوقی بر ملک خودشان حق مالکیت دارند و اجازه دارند که حق مالکیت شان را نهایتاً در نمای ملک خود نیز تسری بدهند. اما به نظر می‌آید یک اتفاقی از بیرون باید آن را مدیریت کند

درحوزه چیستی، ما چند محور را باز کردیم که به زعم من یکی از مهمترین آنها، آسیب شناسی خیابان‌ها است. ما اگر به عنوان یک طراح بخواهیم برای یزد طراحی کنیم، آیا شمرده ایم که واقعاً برای این صحنه و تنوع تردد از خیابان می‌شود الگو و ضابطه گذاشت و طرح ارائه کرد؟ آیا ما به سراغ آن رفته ایم که برای دسته بندی خیابان‌های یزد از مکانیزم‌ها استفاده کنیم؟

نکته بعدی در این عوامل هفتگانه و در بحث چیستی خیابان، بحث مهم اجزای فضایی خیابان است. در حوزه نگرش موضوعی و اینکه خیابان‌های یزد چگونه موضوع و موضوعیت پیدا می‌کنند، از بین عوامل شش‌گانه ای که می‌بینید آن چیزی که به عنوان نگرش طیف شناسانه اشاره شده است، مد نظر ما قرار می‌گیرد. البته واژه آن ممکن است برای شما زیاد روشن نباشد. این دو محور



در حوزه آنچه هست خیابان در یزد، اجازه می دهد ما به یک شناخت برسیم. شناختی که عام نیست و صرفاً برای دستیابی به راهبرد مد نظر است. ممکن است بعضی از فاکتورها را حتی نه تسامحا بلکه عامدانه مورد شناسایی قرار نداده باشیم. چون احساس کردیم شناخت عام غلط است و با توجه به نیازی که داریم باید حوزه شناختی مان را باز کنیم و فرصت برای پژوهش داشته باشیم .

اما در حوزه دوم که بایستگی ها را می رساند، همانطور که عرض کردم ما به دوستان شورای شهر توانستیم بقبولانیم که قبل از اسلامی شدن چهره خیابان، شرط لازم آن بومی شدن است. وقتی وارد گود این داستان شدیم ، دیدیم آن قدر وانفسا در بحث سیمای شهری ما هست که شرط لازم اولیه برای این موضوع مطرح می‌شود .

اصلا آیا ما نمای مطلوب داریم که بگوییم بومی هست یا نیست؟ ما می توانیم یک نمای مطلوب داشته باشیم و یک نمای زیبا، اما ضرورتا بومی نباشد.

وقتی وارد حوزه جدید شهر می‌شویم نه فرهنگ و نه هویتی در سیمای شهری احساس نمی‌شود. این نشان می‌دهد که باید به عنوان یک محل برای چیزی که به اسم هویت و فرهنگ از آن یاد می‌کنید، بستر سازی شود.

یک مثال می‌زنم. الان یک ساختمان قشنگی در نزدیکی میدان اطلسی ساخته شده است و با یک نمای سنگی کار کرده‌اند. به نظر من حداقل به لحاظ ظرافت‌های اجرا قابل دیدن است. خطوط لازم را دیده‌اند. تناسب بصری را خوب انجام داده‌اند و نمود آن در شهر یک نشانه پیدا کرده است. کاری نداریم که این ساختمان خوب است یا خیر؟می‌خواهم بگویم به عنوان یک اثر خوش ترکیب می‌تواند پذیرفته بشود ولی الزاما بومی نیست.

شهر ما پر از زشتی و پلشتی است. در جایی فضای سبز مانع دید سیمای شهر و معماری شهر می‌شود. اولین روزی که به خیابان دهم فروردین آمدیم تمام این درختان را سر زده بودند. به دلیل کار پلشتی که در نمای خیابان صورت گرفته بود، اصلا خیابان پر از هرج ومرج شده بود. من گفتم خدا کند این درخت‌ها زودتر رشد کند و پوشش بدنه شهر دیده نشود. برعکس، در خیابان امام بعد از زحمتی که دوستان کشیدند، در

یک دوره طلایی که بدنه خیابان امام حد فاصل میدان مجاهدین تا چهارراه امیر چخماق را بازسازی کردند، وقتی که درختان سر زده شد دیدیم این نما تازه دارد دیده می‌شود و چقدر زیباست.

می‌خواهم بگویم ما خیلی در ایجاد بدنه‌ها موثر و گاه مقصر هستیم. چون نگاه استراتژیک به آنها نداشته ایم ما اهرم‌های مدیریتی خودمان را خوب فعال نکرده و به امان خدا رها کرده ایم و فقط به عنوان کسب درآمد به آن نگاه می‌کنیم . به نظر می‌آید ما باید هم وضع موجود و هم پیشنهادهای آینده‌مان را با شرط لازم شروع کنیم که من با استفاده از تئوری جناب بنتلی و همکاران واژه «پارادایم نما» را استفاده کردم. حالا چرا پارادایم و چرا از این واژه استفاده کردیم؟ اینقدر شهر ما پر از پارادوکس است که ما از بومی سازی احکام و ضوابط، الگوهایی ارائه بدهیم تا قبل از هرچیز یک نمای مطلوب داشته باشیم. سپس آن گزاره‌هایی را که برای مطلوبیت ارائه می‌دهیم از فیلتر بومی بودن بگذرانیم و احتجاج کنیم که مثلا خوانایی برای یزد به دلایل اقلیمی و فرهنگی و عملکردی (که اینها بومی هستند) ضرورت دارد، آن موقع شما توانسته‌اید هم پاسخ داده و هم بومی کار کنید. حتی اگر بومی هم کار نکنیم و ما اگر فقط معیارهای پاسخ دهی را برای یک نمای مطلوب ارائه دهیم، توانسته‌ایم یک حوزه از مخاطبین را قانع کرده باشیم.

عرض من آن است که مالک هر ملکی از خیابان، چه مسکونی و چه تجاری، اولاً باید بداند که با چه ضوابط و معیار ها و بایدها و نبایدهایی باید نمای ملک خود را سامان بدهد؟ تا ضمن اینکه حق مالکیت رعایت شده سهم شهر خود را در حوزه حقوق هویت انجام دهد. استفاده از کارشناس های شهرداری برای ارائه پایان کار نمای ساختمان، اقدام خیلی خیلی موثر می‌تواند باشد. پایان کار برای نمای ساختمان که این نکات در آن رعایت شده باشد، بسیار مهم است و کارشناس شهرداری باید بداند چه چیز را ارزیابی می‌کند و شاید مهم‌تر از آن مشاورین هستند. مشاور و طراح دوست دارد و باید

دست او برای خط کشیدن باز باشد. باید به گونه‌ای آزادانه اما با ضمانت از دست نرفتن فرصت‌های هویت بخشی و عمومی سازی، بتواند کار کند. قرار بر آن بود که خروجی این پروژه در قسمت دوم دقیقاً در پیوست طرح تفصیلی شهر یزد که جدید نوشته می‌شود، قرار گیرد و ضمانت حقوقی و اجرایی پیدا کند.

اما در قسمت دوم از محور دوم، ما شروط کافی را گفتیم و حالا بعد از این که جریان پاسخ دهی نما را توانستیم احصا کنیم. شرط کافی آن است که ما بیابیم و بوم را مورد مطالعه قرار بدهیم و همه آن مولفه‌هایی که به عنوان الگو یا ضابطه قرار داده ایم، از جنس بومی باشد.

اگر این اتفاق بیفتد، در مقام عمل ما سه مورد را در اختیار داریم :

۱/ نماهای مان خوب شده است

۲/ نماهای مان بومی شده است

۳/ به لحاظ علمی به سمت هویت مداری جلو رفته‌ایم

بر مبنای این موضوع به نظر می‌آید که چند خروجی داریم که در محور اول به مولفه های خیابان دست پیدا می‌کنیم.

در محور دوم خیابان‌ها در شهر یزد را شناسایی می‌کنیم.

در مرحله سوم، انواع خیابان و معیارهایی که شروط لازم مطرح می‌کنند، احکام طراحی و … به دست می‌آوریم و در مرحله بعد با ارائه ریز اهرم های ضوابط می‌توانیم پیشنهادهای متناسب با بوم و بومی سازی داشته باشیم. اگر این مسیر طی شود ما می‌توانیم به یک ضریب اطمینان برسیم که حداقل در حوزه طرح و پژوهش احتمالاً کمتر به خطا رفته ایم. ما اگر این چهار محور را که تعیین عناصر طراحی بدنه، گونه شناسی خیابانها، تشخیص الزامات خیابان‌ها و تشخیص اصول طراحی نماهای بومی سازگار است درست انجام بدهیم، حاصل آن تعیین راهبردی است که هدف اصلی این پژوهش می‌باشد.

در اینجا سیر تحولی از خیابان را به صورت اجمالی بیان می‌کنم. در یزد مفهومی که ما از خیابان شهری می‌شناسیم در دوره پهلوی اول تجربه شده است. یعنی نه این که قبلاً خیابان نداشته ایم، بلکه این مربوط به زمان ورود اتومبیل است و اینکه اجازه داد لبه های تجاری شکل بگیرد و خود خیابان به عنوان یک هدف تفرج، مورد استقبال مردم واقع شود. این که در خانه تصمیم می‌گیرند که دلمان گرفته برویم خیابان؛ اصطلاح این دوره است. در دوره پهلوی ظهور خیابان را به معنای فعلی داریم. جنس و شکل خیابان در دوره پهلوی با معابر تاریخی ما تفاوت عمده دارد در آن دوره خیابان کارکردهایی پیدا

خیابان امام خمینی (ره) یزد (خیابان پهلوی سابق)



می‌کند که مرحوم مشروطه (که بعضی از عکسها متعلق به ایشان است) از میدان امیرچخماق می‌گوید. او می‌گوید که این میدان عرصه ای برای فعالیت های سیاسی و فرهنگی است.

ما در آن دوره احداث خیابان پهلوی سابق را داریم و مهم‌ترین شاخص‌های خیابان در این دوره آن است که متولی خیابان خود دولت می‌باشد. در مورد خیابان امام حد واسط میدان مجاهدین تا میدان شهدا، پروژه را خود دولت به عنوان یک عامل مستقیم ، چه در نظارت و چه در مدیریت اجرایی، متولی می‌شود و به عنوان خیابان رضاخانی می‌شناسیم. از این جهت می‌بینیم که در این دوره، مدیریت دولتی در شکل گیری نهایی خیابان و جنس آن فرق می‌کند.

شهروندان یک شهر باید به شهرشان بنازند و در شهرشان سالم تنفس و زندگی کنند. همه اینها به معنای برانگیزش مطلوب شهروند است که به دست نمی‌آید مگر اینکه ما وقتی نمای شهر را طراحی میکنیم ببینیم این نما به عنوان یک کنش چه واکنش‌های ادراکی را می‌تواند و باید برای شهروندان داشته باشد.

از دیگر ویژگی‌های خیابان آن است که سازماندهی و نظام سازمانی قابل تشخیص دارد و هماهنگی کلی در خیابان شکل می‌گیرد به گونه‌ای که برای گردشگر میدان مجاهدین و خیابان امام ویژگی های قابل درک از یزد معاصر را شکل می‌دهد. یعنی تنها جایی که ما عامدانه اسکیمی سازی کردیم و تصور ذهنی مطلوب برای مخاطب ایجاد نمودیم در همین نقطه است که با حضور دولت و برای اولین بار خیابان احداث می‌شود و طرح های از پیش طراحی شده به کار می‌رود.

معمولا فضاهای عمومی سنتی ساختارشان از خشت و گل است. از این جهت به نظر می‌آید با همه نقدهایی که به معماری و شهرسازی پهلوی اول داریم حضور آجر به عنوان نوعی از مصالح هویت بخش توانسته مثبت عمل کند. در مرحله بعد، خیابان‌هایی که قبل از انقلاب در دوره پهلوی دوم ساخته شده بر عکس خیابان های پهلوی اول، کم کم فقدان هویت را ملاحظه می‌کنیم. آن هارمونی و هماهنگی رخت بر می‌بندد و کم‌کم شهرداری‌ها به جای اینکه مستقیم وارد عمل شوند به طرح های تفصیلی و شهری ورود می‌یابند. این‌جا یک مقدار جنبه‌های التقاطی در نما حضور پیدا می‌کند و نگرش به هویت ماحصل آن، حضور جنبه های التقاطی در نماها و کم رنگ شدن هویت می‌باشد. بعد از پیروزی انقلاب با حضور و تاسیس دانشکده معماری و تحولاتی که در نظام آموزش معماری شکل می‌گیرد توجهی



میدان شهید بهشتی یزد



بدنه بلوار بسیج یزد

متفاوت به بافت و معماری صورت می‌گیرد. تجربه جناب آقای مهندس توسلی را در یزد داریم و اتفاقاتی که افتاده است و کارهایی که بعد از ایشان رواج پیدا کرد.

ما بلوار بسیج را داریم. دوره‌ای از اتفاقات شهری از اوایل انقلاب تا سال ۱۳۷۰ که به نظر می‌آید یک بازه زمانی قابل مطالعه است جلوه های جدیدی از بافت تاریخی ظهور پیدا می‌کند که مبنای آنها اتفاقات غلطی است که ما صورت داده ایم. همه ما می‌دانیم بلوار بسیج یکی از غلط ترین طراحی های شبکه ای بود که اتفاق افتاد و فقط یک کار ترافیکی می‌خواست انجام شود که آیا شد یا نه؟

اما به هر حال اجازه داد فرصت هایی از سیمای شهری متفاوت ظهور پیدا کند. این نهضت متفاوت حتی در طراحی شبکه های بافت تاریخی صورت گرفته است. می‌خواهم بگویم همیشه در قالب فرصت‌ها، تهدیدهایی صورت گرفته و به نظر می‌آید بلوار بسیج با همه اشتباهات صورت گرفته در آن می‌توانند یک موزه معماری شهری قشنگ در یزد باشد.

می‌رسیم به دوره قابل تاملی در یزد که اجازه داد ما شبکه‌هایی احداث کنیم و برای اولین بار عنوان بلوار در مفهوم شهرسازی این شهر نهاده شد. دوره ای که شبکه های ساختاری شهر را پر می‌کند و صرفاً قصد آن حل مسئله ترافیک است. البته کسی تا

به حال توضیح نداده است که این شبکه ها به حل چه چیزی کمک کرده است؟

در مرحله بعد می‌بینیم که جنبه‌های اصلاحی زیرگذر و روگذر ها شهر را پر می‌کنند و ما نه یا ده

زیرگذر داریم که افتخار شورای شهر است. ما زیر گذر می‌زنیم برای اینکه سرعت ماشین زیاد شود و دوباره سرعت گیر می‌گذاریم که سرعت ماشین کم شود. تنها چیزی که این وسط اتفاق می‌افتد آن است که آمار

تصادفات را بالا می‌بریم. تصادف هایی که قبلاً منجر به جرح می‌شد و الان شانس منجر به قطع شدن اعضای بدن در آنها بالا می‌رود که این یک اتفاق جالب است. یک چشم و هم چشمی بین شورای شهرها در این زمینه بالا گرفته که بگویند ما این قدر کار کرده ایم.

طراح این رو گذر و زیرگذر چقدر فکر کرده است که اینها به عنوان عناصر بسیار بزرگ و تاثیرگذار می‌تواند اسکیمای بسازد. آیا زیرگذر یزد با زیرگذر تهران یا رشت یک جلوه بصری دارد؟ چرا ما فکر می‌کنیم فقط باید کارهای ترافیکی انجام بدهیم و عناصری را در میدان مثلاً با هنر برپا کنیم که علاوه بر اینکه چهره زشت ایجاد کرده است، مردم را به آن بالا می‌بریم و زشتی هایی که در این ۳۰ سال در بافت جدید ایجاد شده به آنان نشان می‌دهیم.

به تازگی از این نمونه ها هم بالاتر رفته است و شهر را برای شب طراحی می‌کنیم. شهر ما یک زباله دان از تیر و تخته است که شب ها دیده می‌شود و تابلوهای نئون را به غلط از شهرهایی گرفته‌ایم که در محله های بدنام از این تابلوها استفاده می‌کنند. این تابلوها زیباست و این زیبایی را تعریف نکرده‌ایم، که آیا عنصر هویتی است؟

در مرحله سوم ما شاید تیر خلاص را داریم به بافت شهر می‌زنیم. در بهترین حالت این روگذر ها و زیرگذرها، شهرهای ما را به شهرهای ژنریک تبدیل می‌کند. بعد از انقلاب اولین بار در داروسازی واژه ژنریک مطرح شده است. در اوایل انقلاب گفتند که یک دارو کالا نیست و نمی‌توانید شما بیست مدل قرص را برای سرماخوردگی داشته باشید. شهر ژنریک به این معنی است که همه شهرهای ما مثل هم باشند. اگر همه زیرگذرها و روگذرهای دنیا به عنوان عناصر شهری بخواهد عمل کند و مثل هم بسازید آن موقع این شهر ژنریک می‌شود. ما آن بخش اختصاصی شهر متأثر از بومی بودن را با این سازه های بزرگ کاملاً از بین می‌بریم. فکر می‌کنم خیابان امروز نه به وجه ترافیک پاسخ می‌دهد و نه حضور انسان و این اولین اتفاق از دوره رضاشاه، پهلوی اول، می‌باشد. هر چند در این دوره جنبه‌های هویتی هم اتفاق افتاده است.

آسیب های پنجگانه

در ابعاد ساختاری و یا معماری می‌باشد.

آسیب های انسانی به عنوان یکی از آسیب های پنجگانه است و چهار

آسیب دیگر می‌تواند انسانی

باشد یا نباشد. گاهی اوقات ما یک آسیب

تاسیساتی داریم که به خاطر جنبه های اقلیمی ممکن است پیش بیاید.

مثلاً باران سنگین در یزد ببارد که معمولاً به عنوان یکی از آسیب‌های

پنجگانه یاد می‌کنند.

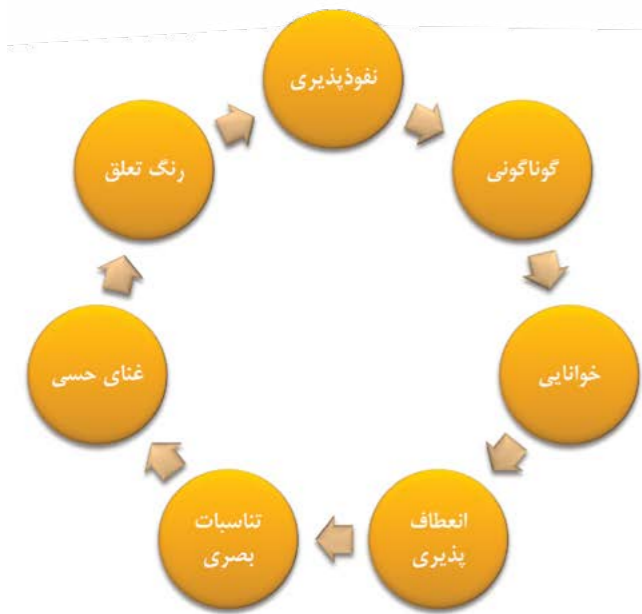


زندگی هم هست. من قرار نیست اجازه بدهم کسی که می‌خواهد خانه مسکونی بسازد نمایی را به کار بگیرد که به معنی عامیانه آن، در چشم بزند. در نگاه ما بحث ترافیکی هم مطرح است. اتفاقاً بدانید که بسیاری از خیابان های برخورد اول خیابان های ترافیکی ما و خیابان های ساختاری ما هستند، و حداقل آن که درجه یک هستند. آنجا سرعت هم هست. من باید در سرعتی که ماشین دارد و می‌خواهد از این زیرگذر و آن روگذر رد شود، متناسب با آن سرعت، در آن پارادایم

یک نگاه اجمالی حد اقل برای تفنن به چند نمونه داشته باشیم: مثلاً از آسیب هایی که در حوزه بصری اتفاق می‌افتد، به نمای بانک ملی در خیابان دهم فروردین نگاه کنید همه مولفه های شعب بانک ملی در سراسر کشور که در طراحی بانک ابلاغ شده در اینجا هم اتفاق افتاده است. به گونه‌ای که همه بانک های ملی را بدون تابلو می‌توانید از بانک های تجارت و ملت و غیره تشخیص دهید. اما آسیب انسانی اینجا به چه شکل عمل می‌کند؟ سهم تابلو بانک ملی در این نما چقدر زیاد است. یعنی تقریباً ۷۰ درصد نما زیر تابلو رفته است. چون می‌خواهد بگوید بنده بانک ملی هستم. این از آثار شهرداری است که برای اداره خود از عوارض این اقدامات بهره می‌گیرد. آیا بهتر نبود این بانک در طراحی خود برای کاربر جایی را مشخص کرده بود که بتواند رنگ تعلق خودش را بزند؟ این چیزی است که ما در پارادایم نما باید به آن توجه کنیم. جالب است که بدانید در اینجا اگر این تابلوها را بردارید یک نمای ساده می‌بینید که بسیار زشت است. بدانیم که هویت در هارمونی است. وقتی من این همه قابلیت استفاده از مصالح را دارم چه ضمانتی برای هماهنگی وجود دارد؟ به عقیده من خیابانی که برای برخورد اول جایگاه پیدا کرده است، شکل برانگیزش، شکل به یاد ماندن و ماهیت برانگیزش آن با بقیه متفاوت است. به عبارتی هم گردشگر فرصت کمی برای آشنایی دارد و هم معمار فرصت کمی برای احداث خیابان و در واقع باید در همان فرصت اندکی که گردشگر در اختیار دارد، طراح ضربه خود را نواخته باشد. اما جنس برانگیزش خیابان از جنس زندگی، فرصت زیادی به مخاطب می‌دهد که خاطره در آن ثبت کند.

در راهبردی که می‌خواهیم مطرح کنیم باید بگویم که یکی از محورها به دلیل آنکه برانگیزش خیابان برخورد اول جنس متفاوت دارد و از جنس نوازش است، ضابطه متفاوت هم می‌خواهد. این داستان در مورد نمای





نقد بدنه سازی خیابان بر مبنای مدل محیط پاسخده

نفوذپذیری: قابلیت دسترسی و عامل محوری دستیابی به فضا

گونگونى: تنوع قابلیت های عرضه شده به مردم از سوی فضا

خوانایی: درک سامان فضایی مکان و آنچه در آن می گذرد

انعطاف پذیری: قابلیت استفاده از فضا برای مقاصد مختلف

تناسبات بصری: آشناکردن کاربر با حق انتخاب ها از طریق

کیفیات ظاهری

غناى حسى: فراهم نمودن موجبات لذت و خوشایندی کاربران

رنگ تعلق: ایجاد و ارتقاء مشارکت مردم در نهایی شدن ماهیت مکان

اعضای سخت را آن چیزی بگیریم که می تواند هارمونی ایجاد کند، یعنی دقیقاً کاری که در معماری خیابان امام در دوره پهلوی اول اتفاق افتاد. اگر اجازه بدهیم کل دهانه مغازه در اختیار مالک قرار بگیرد یکی ممکن است همه آن را ویترین کند دیگری می آید و تابلو میزند که دفتر فروش بلیط به شهرهای مختلف دایر شده است. اگر ما بیاییم و انعطاف پذیری را در بناهایی که مثلاً تجاری هستند به نحوی که اجزای سخت و نرم را تشخیص بدهیم و اجزای سخت را به حداقل برسانیم آن موقع اجازه می دهیم که رنگ تعلق توسط کاربر در فضا درج شود و آن هویت بخشی کلی از طریق تکرارها احصا می شود. ببینید در این راهبردچقدر مفهوم می تواند اتفاق بیفتد.

تجاری ها باید به آنها اجازه داد که نفوذپذیری بصری آنها به گونه ای باشد که بتواند بگوید من چه هستم؟ اگر نما را محدود کنیم مالک نمی تواند توفیق داشته باشد. در بعضی جاها، برعکس، این نفوذپذیری باید محدود بشود. دقت کنید در تجاری هایی که جدیداً در حال ساخت هستیم، هیچ جایی را به سمت بیرون باز شو نمی دهیم برای این که یک منفعت اقتصادی سنگین پشت آن است. گوناگونی هم به همین نسبت است و گاه اجازه می دهد که ما فضا را جذاب تر کنیم. گوناگونی ممکن است در فعالیت باشد، ممکن است در معنا و ممکن است در کالبد باشد. گوناگونی صفر هیچگاه مناسب نیست و به همان نسبت، اگر از حد هم بگذرد باز هم مشکل ایجاد می کند. باید در طراحی حد تنوع را رعایت کرد. کمی هم در مورد انعطاف پذیری بگیریم. من اگر اجازه ندهم فضای تجاری من انعطاف لازم را داشته باشد آن موقع برای اینکه او به هدف خود برسد چهره شهر من را خراب میکند. پس من باید چه کنم؟ اگر ما بیاییم اجزای سازنده نما را به اعضای سخت و نرم تقسیم کنیم و

| احکام طراحی نمای پاسخده | | |
|---|---|---|
| استراتژیک | تاکتیکی | تکنیکی |
| رنگ تعلق | خوانایی - غناى حسى | نفوذپذیری - گوناگونی - انعطاف پذیری - تناسبات بصری |
| تعیین شکل و میزان رنگ تعلق در بدنه های تجاری- استفاده از کرکره هایی با قابلیت درج نام کاربری در ساعات تعطیل- تعیین شکل و میزان رنگ تعلق در واحدهای مسکونی | اعمال پاسخهای اقلیمی در جداره- تعیین تناسبات و ارتفاع تابلوهای نشون واحدهای تجاری- استفاده حداکثری از عناصر نما در خوانایی جداره های شهری | تعدد دسترسی فیزیکی(ورودی و خروجی) برای فروشگاههای بزرگ و هایپرمارکتها- اطمینان نفوذپذیری فیزیکی و بصری در خرده فروشها- تعیین شکل و میزان نفوذ بصری به ویترین واحدهای تجاری- تطبیف پوشش گیاهی در مقابل واحدهای تجاری جانب- تأمین سایه در جداره های تجاری رو به افتاب- تعیین سهمی از نما برای پاسخگویی به انعطاف پذیری- کاهش نفوذ بصری بلاکهای مجاور به واحدهای مسکونی- تعیین تناسبات کلی پنجره ها و سایر بازشوهای واحدهای مسکونی- شفاف سازی جداره محوطه های اداری دارای فضای سبز- تقسیم بندی ارتفاعی کاربریهای درشت دانه با تأکید بر حوزه همکف |
| کاهش فرصتهای ایجاد رنگ تعلق جهت افزایش خوانایی- درج نام محلات بر ورودیهای اصلی آنها | حرکت به سمت حداکثر خوانایی با ایجاد نشانه در معابر ساختاری- افزایش خوانایی ورودیهای اصلی محلات- حرکت به سمت شناسه های انسان ساخت و دوری گزینی از شناسه های طبیعی- شاخص سازی عناصر مذهبی در طول خیابان | کاهش پوشش گیاهی در مقابل عناصر هویتی- اطمینان سبک و سیاق حاکم بر تناسبات جداره های جدید با بدنه های پارزش موجود |
| کاهش فرصتهای رنگ تعلق جهت افزایش خوانایی در معابر ساختاری- حرکت به سمت حداکثر رنگ تعلق در جداره های مسکونی | حرکت به سمت حداکثر خوانایی در معابر برخورد اول- شاخص سازی عناصر مذهبی(با اولویت: مساجد، هیات و حسینیه ها، فعالیتهاى مذهبی)- حفظ و ارتقاء عناصر هویتی در صورت وجود- نورپردازی مناسب عناصر هویتی و بناهای تاریخی در صورت وجود | کاهش پوشش گیاهی در مقابل عناصر هویتی- اطمینان سبک و سیاق حاکم بر تناسبات جداره های جدید با بدنه های پارزش موجود |
| | تعیین شکل و ارتفاع تابلوهای نشون به منظور افزایش غناى حسى شبانه- افزایش تراکم پوشش گیاهی در مقابل نماهای ناهماهنگ | تأکید بر تناسبات کلی و اجسام در بدنه ها- اطمینان ارتفاع و طبقات با عرض معبر- تأکید بر جزئیات نما و تزئینات |



پاسخ دهم و عوامل را تشدید کنم تا بر انگیزش متناسب داشته باشد. اینکه می گویم معمار فرصت ندارد، چون سرعتش بالاست و زمان حضور کم است. بنابراین حالا که گفته می شود مسائل ترافیکی مهم است، اگر خیابان برخورد اول بود چه اقدامی باید انجام شود و اگر های دیگر. من با این شرایط می توانم جدولی درست کنم که بگویم این خیابان، خیابان زندگیست، یا خیابان ساختاری است و بر مبنای آن حکم بدهم که در آن پارادایم به این سمت تمایل یابد.

می گوئیم فلان مورد در ابعاد یک متر در ۲ متر بیشتر نباشد. خوب شهرداری خوشحال می شود. نه به خاطر این که بر مبنای آن چهره شهر نظام می یابد. بلکه برای آن است که بتواند از اضافه آن جریمه بگیرد و با آن جریمه زباله های شهر را جمع کند.

در نگرش کالبدی ما نگاه می کنیم که آیا در ساختار شهری، دسترسی ها مطرح است یا فقط تردد؟ اینکه معابر دسترسی و معابر تردد چیست؟ با آن درجه بندی معابر متفاوت است. البته باید توضیح بدهیم که مسیر چیست و معبر کدام است؟ من این را به زبان غیر فنی توضیح بدهم که یک سری خیابانها هستند که اگر شما با دوربین به سراغ آنها بروید و از آن ها به عنوان یک گردشگر عبور کنید اصلاً به ذهن شما نمی رسد که باید از آن عکس بگیرید. اینها را ما معبر می گوئیم. اما یکسری خیابانها هستند که شما احساس می کنید کلیت قابل درک دارند و بد نیست از آنها یک عکس بگیرید. در فارسی اصل، وقتی می خواهند بگویند یک چیزی را خوب نگاه کن می گویند سیر کن. سیر کردن یعنی نگاه از روی تامل داشتن. شما همه معابر تان جای سیر ندارد. اگر خیابانی انباشت از جاهایی باشد که باید در آن سیر کرد، آن را مسیر می گوئیم و گذر، آن جایی است که محل درنگ نیست اما در ذهن اثر می گذارد. سوال اینجاست که آیا یک خیابان مسیر باشد یا ساختاری باشد یا برخورد اول؟ بر مبنای این معیارها آیا واقعاً خیابان امام دارای کاربری تجاری است؟ آیا دسترسی منطقه ای را جواب می دهد؟ آیا نشانه های انسان ساخت دارد؟ آیا گذر است؟ آیا برخورد اولی می باشد؟ این اجازه می دهد که ما با یک سواد مناسب به معاینه خیابان پردازیم. حالا اگر شخصی ملکی را در خیابانی داشت مشخص است که بر مبنای این معیارها در کجا قرار میگیرد و نمایی که باید کار بکند آیا باید با حاکمیت بیشتر، طرح او را سامان داد یا خیر؟

من معتقدم در همه جاهایی که مسئله هست ، در همان جا هدف هم هست و پاسخ هم هست و به نظر می آید ما باید به صورت مجزاً گفتگویی داشته باشیم تا نتیجه گیری کنیم.

در اینجا به پارادایم نمای پاسخده می رسمیم. تا اینجا مرتبه و جنس خیابان را شناسایی کرده ایم . این به ما اجازه می دهد که بر مبنای آنچه در طرح جامع داریم در مورد خیابان هایی که هنوز احداث نشده اند از ابتدا تصمیم بگیریم که کدام یک از این موارد باشند، مثلاً بلوار

مقاله:

ارتقاء کیفیت آموزش، جهت آماده سازی حرفه ای دانش آموختگان معماری

مهندس شیدا چنگیزی



زیر نظر استادان فرزانه:

جناب آقای دکتر حمید ندیمی و

جناب آقای دکتر علی علایی

چکیده

با اینکه دانشکده‌های معماری با هدف تربیت نیروی کارآمد برای طرح و سازماندهی فضای زیست انسانی شکل گرفته‌اند، مطالعات موردی و میدانی دفاتر معماری مؤید این نکته است که نیاز جامعه‌ی حرفه‌ای با برنامه‌های آموزشی معماران در طول تحصیل هم‌راستا نبوده و به میزان لازم و کافی بر توانایی این دانش‌آموختگان برای انجام کار در محیط‌های حرفه‌ای تأثیرگذار نیست. پرسش اصلی این مقاله با هدف بررسی تأثیر دروس ارائه شده‌ی دانشگاهی در کار حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری، این‌گونه مطرح می‌شود که با توجه به نیازهای واقعی جامعه و گذشت سالها از آموزش معماری در دانشکده‌های معماری کشور و عدم پاسخگویی کافی این دروس در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری چه پیشنهاد یا پیشنهادهایی برای بهتر شدن وضع موجود و پیوند محیط آکادمیک و کار حرفه‌ای می‌توان ارائه داد. در این نوشتار ضمن بررسی مشکلات دانش‌آموختگان در محیط حرفه‌ای و کمبودهای آموزشی در محیط آکادمیک به بیان راهکارهایی برای ارتقای کارآمدی ایشان در محیط حرفه‌ای پرداخته می‌شود.

کلید واژگان:

دانش آموخته ی معماری، آموزش معماری، حرفه ی معماری، سرفصل دروس معماری



جمع فارغ التحصیلان دانشکده معماری دانشگاه یزد

مقدمه

این روزها، اغلب شاهد آن هستیم که دانش‌آموختگان دوره‌ی کارشناسی معماری بعد از ورود به بازار کار و اشتغال به حرفه‌ی معماری، موضوع‌هایی را دال بر ناتوانی خود در کار حرفه‌ای و یا متفاوت بودن نیازها و توانایی‌های لازم جهت طراحی در بازار کار نسبت به توانایی‌هایی که در دانشکده فراگرفته‌اند، اظهار می‌کنند.^۱ ناراضیاتی دانش‌آموختگان از یک سمت و عدم رضایت کارفرمایان و مشاوران از کار دانش‌آموختگان نوپا، حکایت از عدم برنامه‌ریزی صحیح برای کسب دانش، بینش و مهارت دانشجویان در دوران تحصیل دانشگاهی دارد. مقاله‌ی حاضر در سه بخش اصلی شناخت، آسیب‌شناسی و راهکارهایی برای درمان برخی مشکلات دانش‌آموختگان، قابل پیگیری است.

در آغاز مقاله، نسبت به اهداف دوره‌ی کارشناسی معماری، حرفه‌ای شدن و مشکلات دانش‌آموختگانی که می‌خواهند وارد کار یا حرفه‌ای شوند، شناختی پیدا خواهد شد. سپس به جای خالی برخی مباحث در این دوره آموزشی تعریف شده پرداخته، در انتها در خصوص پیوند هر چه بیشتر این دو حوزه-محیط آکادمیک و محیط حرفه‌ای- در رشته معماری تلاش شده و راهکارهایی پیشنهاد خواهد شد.

* معانی حرفه ای بودن

با توجه به اهداف دوره‌ی کارشناسی معماری در تربیت معماران حرفه‌ای که می‌گوید: «سطح کارشناسی به تربیت معماری با کارآیی‌های عمومی «حرفه‌ای» اختصاص دارد.»^۲ نیز با توجه به تعریف و هدف رشته مهندسی معماری که کارشناسی معماری را این‌گونه تعریف کرده است: «دوره‌ای است حرفه‌ای که، پرورش استعداد خلاقه، انتقال دانش‌ها و

مهارت‌های عمومی حرفه‌ی معماری و حصول کارآیی عمومی در این رشته را هدف قرار می‌دهد»^۳ و زمینه‌هایی که فارغ‌التحصیلان این دوره بر اساس توانایی‌هایی که در روند آموزش کسب نموده‌اند، می‌توانند ایفای نقش کنند، می‌توان اظهار کرد که معمار حرفه‌ای آن دانش‌آموخته‌ی معماری محسوب می‌شود که حداقل یکی از شرایط زیر را احراز کند:

«۱- در یکی از نقش‌هایی که طبق سرفصل برعهده‌ی او گذاشته شده است و با فرض داشتن دانش و مهارت لازم به آن نقش، مشغول به فعالیت باشد.

نقش‌هایی از قبیل: طراح، ناظر اجرایی، همکار طراحی مشاور، عضو کادر فنی ارگان‌هایی مثل شهرداری و مدرس معماری

۲- ویژگی‌هایی را که در سرفصل برای دوره‌ی حرفه‌ای کارشناسی معماری قائل شده است و صاحب‌نظران از یک کارشناس معماری انتظار دارند، داشته باشد؛ شامل قدرت خلاقیت، دانش حرفه‌ای، مهارت‌های فنی، توانایی حل مسائل جامعه، تعامل با دیگران و رعایت اخلاق حرفه‌ای.»^۴

«اهمیت بذل توجه به حرفه ای شدن در آموزش معماری در جوامع تا حدی است که شرایط بیان می‌نماید از اهداف اولیه آموزش معماری، تربیت طراحان یا سازندگان حرفه ای، ذیصلاح، خلاق، دارای تفکر نقادانه و اخلاقی است که منجر به توسعه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه، در هر دو سطح ملی و جهانی، می‌گردد.»^۵ (Schreiber, 2010)

«در تعریف حرفه ای بودن، نویسندگان کتاب نظریه در عمل (Argyris & Schon, 1974) از قول پژوهشگری دیگر چنین نقل می‌کنند: آن چه امروز حرفه (Profession) می‌نامیم به روشنی ریشه در مذهب دارد... از یک حرفه ای انتظار می‌رفت که به نوعی ایمان یا باور اقرار کند، شهادت دهد و گواه آورد. وی تنها بخاطر آنکه چنین می‌کرد، شایسته عنوان حرفه ای (professional) دانسته می‌شد... در مقابل، آدم‌های حرفه ای در زمان حاضر، خود را نه حاملان یک باور یا گواهان یک ایمان، بلکه عاملان یک فن می‌بینند، یک فن محض، تجربی، عملگرایانه و ... قابل معامله، که دیگر آن را نیازی به ایمان نیست.»^۶

در یک جمله آموزش حرفه ای را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد:

«مفهومی برای دسترسی به یک وحدت و استاندارد در ... همان، ص ۴

۴. مهدوی پور، حسین و شریعت‌راد، فرهاد، ارزیابی نقش درس طرح نهایی در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری دانشگاه یزد، صفحه ۵۹، ص ۲۵، تهران، ۱۳۹۱.

۵. حقیر، سعید و شوهانی زاد، یلدا، بازان‌دیشی در آموزش درس «آشنایی با معماری معاصر» در مقطع کارشناسی رشته معماری در دانشگاه های ایران (نشریه هنرهای زیبا، پاییز ۱۳۹۱

۶. ندیمی، حمید، روش استاد و شاگردی از نگاهی دیگر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۸۹



کارگاه عملی ابرخشت با حضور دانشجویان معماری به سرپرستی استاد محبی فر

میان دیگر حرفه های غیروابسته است.»^۷

* مشکلات دانش آموختگان معماری

با توجه به اهداف دوره‌ی کارشناسی معماری در تربیت حرفه‌ای و تعریف هدف رشته مهندسی معماری از تربیت دانش‌آموختگان در این رشته و از سوی دیگر مشکلات دانش‌آموختگان نوپا در سالهای اولیه حضور در محیط‌های حرفه‌ای، به نظر می‌رسد آنچه در محیط‌های آکادمیک آموزش داده می‌شود و دانش‌آموخته باید به عنوان کوله‌بار به محیط حرفه‌ای بیاورد، کاربردی و کامل نیست.

اما سؤال اینجاست که کوله‌بار حاصل از تحصیل برای یک دانش‌آموخته معماری چه باید باشد؟

*با توجه به تنوع حوزه‌های مرتبط با معماری^۸ معمار ملزم به آگاهی از طیف وسیعی از مهارت‌ها، دانش و بینش است. مهارت‌های معمار را

۷. کاف، دانا، ترجمه ی علایی ، علی، مهارت‌های اجتماعی طراحی در حرفه و آموزش معماری، صفه ۳۷، صفحه ۱۲۲

۸. علایی ، علی، تنوع دانشها در رشته معماری، صفه ۳۲، صفحه ۱۰۴

می توان در ۴ گروه مهارت‌های دستی، شامل طراحی دست‌آزاد و ترسیمات فنی، مسائل اجرایی و کارگاهی، نرم‌افزاری و اجتماعی^۹ دسته‌بندی کرد که در این میان جای خالی آموزش و ارتقاء مهارت‌های نرم‌افزاری و اجتماعی حتی در سرفصل دروس رشته معماری به چشم می‌خورد. به همین دلیل با وجود ادعای دانش‌آموختگان در زمینه کار با نرم‌افزارهای معماری از قبیل Auto Cad و SketchUp، توانایی کافی در استفاده کاربردی از این نرم‌افزارها در کار حرفه‌ای به ندرت در میان آنان دیده می‌شود.

*در زمینه مهارت‌های اجتماعی نیز اهمیت رابطه با دو دسته مشتریان داخلی و خارجی برکسی پوشیده نیست؛ «مشتریان داخلی افرادی هستند که برای موفقیت خود به شما احتیاج دارند و در مقابل شما نیز برای موفقیت در کارتان به آنها وابسته هستید؛ همکاران، کارمندان، مشاوران حرفه ای از قبیل وکیل و حسابداران دفاتر و شرکته‌ها در این دسته قرار می‌گیرند. مشتریان خارجی از جمله افرادی هستند که کالاهای شما را خریداری می‌کنند»^{۱۰}. امروزه ارتباط با کارفرما از سویی و از سوی دیگر موضوع هماهنگی و ارتباط با دیگر متخصصان بخش ساخت و ساز همچون مهندسی سازه، برق، مکانیک، پیمانکار و ... اهمیت خود را بیشتر از همیشه نمایان می‌سازد.

* معمولا دانش‌آموختگان نوپا در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت مالی فعالیت‌های حرفه‌ای خویش از توانایی کافی برخوردار نیستند و این امر موجب تحمل هزینه‌های زیاد و متضرر گردیدن آنان می‌شود. حقوق پرسنل و مسایل مربوط به بیمه و مالیات و مخارج دفتری^{۱۱} از دیگر مواردی هستند که به دلیل آشنایی‌نداشتن معماران جوان با این قبیل مباحث، سرخوردگی و عدم رضایت ایشان و افرادی که با آنان کار می‌کنند را در ابتدای راه، در پی دارد.

* در زمینه‌ی کوله‌بار دانش می توان به نبود مجموعه قوانین و استانداردهای ساخت و ساز در درس های آموزشی و عدم آشنایی با مقررات ملی، ضوابط و معیارها اشاره نمود که در برخی موارد حتی به گوش دانش‌آموختگان معماری آشنا نمی‌آید و فارغ‌التحصیلان پس از فراغت از تحصیل باید دوره یا دوره هایی را بگذرانند تا بتوانند خود را برای شرکت و قبولی در آزمون نظام مهندسی ساختمان آماده نمایند.

* بسیاری از این مشکلات ناشی از این امر است که دانش‌آموختگان در طول تحصیل، محیط واقعی کار حرفه‌ای را تجربه نکرده‌اند. برخلاف پزشکان که بسیاری از ساعات تحصیل ایشان در بیمارستانها و مراکز درمانی

۹. کاف، دانا، ترجمه ی علایی ، علی، مهارت‌های اجتماعی طراحی در حرفه و آموزش معماری، صفه ۳۷، صفحه ۱۱۹

۱۰. تریسی، برایان و بل فریزر، کمپ بل، اسرار موفقیت تجاری و شغلی، ۱۳۹۳، ص ۴۱

۱۱. علایی ، علی، تنوع دانشها در رشته معماری، صفه ۳۲، صفحه ۱۱۳

سپری می‌شود و به معاینات بالینی در حضور استادان خویش می‌پردازند و محیط واقعی کار خویش را قبل از فراغت از تحصیل بارها و بارها تجربه می‌کنند و در آن حضور دارند و با همه‌ی مسائل آن دست و پنجه نرم می‌کنند، دانشجویان معماری کمتر در معرض کوران محیط حرفه‌ای آینده خویش قرار می‌گیرند. مگر عده‌ای که بر اساس امکان یا علاقه ایشان به کسب تجربه در دفاتر یا کارگاه‌های معماری- محیط واقعی کار ایشان در آینده- مشغول می‌شوند.

برای دانشجویان معماری برخلاف دانشجویان رشته‌ی پزشکی که کارآموزی و کارورزی‌های فراوانی سپری می‌کنند و پس از پایان درس‌ها یک دوره در روستاها و مناطق محروم به کار مشغول می‌شوند، کارآموزی‌های معماری بی‌هدف و پراکنده و بدون سرپرستی و نظارت کافی انجام می‌شود، یا معمولاً انجام نمی‌شود- و به نتیجه و کارایی لازم و موردنظر دست پیدا نمی‌کنند. در هر حرفه‌ای، قرارگرفتن در محیط واقعی، ابعادی را روشن می‌سازد که هیچ درس و کلاس و پشت میز نشستن، بر مسائل مبهم و تاریک و ناگفته‌ی آن حرفه چنین نوری نمی‌اندازد. در این میان حضور در کنار استادان فن و موسسیدان این رشته سبب یادگیری و ارتباط بین نسل‌های مختلف و حرفه‌ای می‌شود؛

«مهندسان قدیمی‌تر، تجربه‌ای دارند که بسیار ارزشمند است و جوانان همیشه خلاقیتی دارند که شاید برای آدم‌های پایه سن گذاشته ذره‌ذره رو به خاموشی می‌رود.» (فولادی‌نسب، ۱۳۹۳)

از آنجا که رشته ی پزشکی در کشور ما برنامه ی کارآموزی مشخص، مدون و کاربردی ای دارد، در اینجا خالی از لطف نیست که نیم نگاهی به آموزش این حرفه در کشورمان بپردازیم:^{۱۲}

آموزش دوره پزشکی شامل ۵ مرحله است :

علوم پایه، فیزیوپاتولوژی (نشانه‌شناسی)، کارآموزی، کارورزی بالینی و کارورزی

مرحله علوم پایه عامل ارتباطی بین درس‌های دبیرستان و پایه با درس‌های تخصصی پزشکی است. طول این دوره ۲ سال است که در پایان این دوره دانشجو در آزمون شامل کلیه دروس این دوره شرکت می‌کند و در صورت موفقیت به دوره بعدی راه می‌یابد. هر دانشجو حداکثر دوبار می‌تواند در این آزمون شرکت کند.

مرحله فیزیوپاتولوژی (نشانه‌شناسی) شناخت نشانه و علایم بیماری و چگونگی پیدایش علایم بیماری، در ارتباط با عامل بیماری‌زا و چگونگی پیدا کردن آن در معاینه‌ها و آموزش نظری دستگاه‌های تشخیص، بدون توجه به درمان است. در این دوره، دانشجو مفهوم بیماری و علایم آن و نحوه تشخیص آن را به صورت نظری مطالعه نموده، چگونگی آن را با توجه به درس‌های علوم پایه فرا می‌گیرد. طول این دوره ۶ ماه است.

دوره سوم که از آن به عنوان دوره کارآموزی یاد می‌شود، شامل دو مجموعه درس‌های نظری و کار عملی است.

اساس تدریس درس‌های نظری مانند سایر درس‌های علوم پایه و فیزیوپاتولوژی است ولی در برنامه عملی، دانشجو در بالین بیمار با مجموعه‌ای از دانسته‌های نظری خود با نشانه‌های بیمای به صورت مستقیم مواجه می‌شود و با صحبت با بیمار و به دست آوردن تاریخچه بیماری، نوع آن را تشخیص داده، اقدام‌های درمانی لازم را فراخواهد گرفت.

برنامه کار در دوره کارآموزی به طور خلاصه شامل کنفرانس‌های صبحگاهی در مورد بیماران بستری در بخش، صحبت در بالین توسط

۱۲. برگرفته از مصاحبه با خانم دکتر شیما چنگیزی، مدیر بیمارستان تامین اجتماعی گرگان و سایت www.pezeshk.us

استاد مربوطه و یادگیری معاینه‌ها و گرفتن شرح حال، انجام کارهای تشخیصی و تا حدودی نسخه‌نویسی است. عموماً درس‌های نظری بعد از ظهرها تدریس می‌شود و صبح‌ها به کار در بیمارستان و برنامه‌های آن اختصاص دارد. محل گذراندن کارآموزیها بیمارستانهای آموزشی است. طول این دوره ۲۰ ماه است و هدف از آن شناخت آثار و علائم بیماریها از دیدگاه بالینی و آزمایشگاهی به دست آوردن توانایی‌های لازم در به کاربردن اندیشه، استدلال و نتیجه‌گیری سریع، به منظور برخورد منطقی و صحیح با بیمار و طراحی عملیات پیشگیری درمانی است.

دوره ی چهارم کارورزی بالینی نام دارد که پرورش مهارت ها، تقویت قدرت تصمیم گیری در مقابل با مسائل بهداشتی و درمانی و قبول مسئولیت در مقابل اقدام لازم هدف های این دوره مهم است.

طول دوره ۱۸ ماه است و هدف آن پرورش مهارت‌ها، تقویت قدرت تصمیم‌گیری ، افزایش اتکاء به نفس و تکمیل پرورش اندیشه از طریق رویارویی مستقیم کارورز با مسائل بهداشتی ، درمانی و تقبل مسوولیت مستقیم امور بهداشتی، درمانی به عهده همه است.

دوره انترنی یا کارورزی در واقع نقطه عطف آموزش بالینی دانشجویان رشته پزشکی است. دانشجویان قبل از شروع مرحله کارورزی، در کنکور کارورزی که شامل کلیاتی از دروس پایه و اصلی و عمومی فیزیولوژی علوم بالینی است و به طور سراسری برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند چون گذراندن موفقیت‌آمیز این آزمون برای راه‌یابی به دوره کارورزی ضروری است. کارورز پس از آموختن علوم پزشکی و گذراندن یک دوره کارآموزی بالینی در تمام بخش‌های بیمارستانی، اینک بدان حد از اطلاعات پزشکی و قضاوت بالینی رسیده است که به طور مستقل در مواجهه با بیماران قرار بگیرد و با به کار بستن عملی تمام آموخته‌ها ، به طور مستقیم با بیماران در تماس باشد و با انجام معاینه‌های بالینی و دستور آزمایش‌های پاراکلینیک، به تشخیص رسیده، به درمان بیمار بپردازد. فارغ‌التحصیلان ملزم به خدمت در مناطق محروم کشور هستند.

از آنچه درباره ی دوره های پزشکی گفته شد، می توان سه نکته برداشت کرد:

۱-تعداد ساعات طولانی کارآموزی بیش از دو سوم ساعات آموزش در این رشته را به خود اختصاص می‌دهد.

۲- دانشجو سال ها زیر نظر استاد خویش آموزش می بیند، جهت جلوگیری احتمالی از اشتباهات در مراحل اولیه که در هر رشته ای به دلیل عدم آشنایی کافی دانش آموخته ی نوپا ممکن است رخ دهد تحت نظر استاد تشخیص داده و به درمان می پردازد.

۳- دانشجو قبل از انجام کار تخصصی سال ها محیط حرفه ای آینده ی خویش را تجربه می کند، با مسائل و اتفاقات احتمالی که در آن رخ می دهد، آشنا می شود

| مشکلات آموزشی دانشجویان | | | | | | |
|-------------------------|-----------------|--------------------------|---------|--------|--------|----------|
| بینش | مهارت | دانش | | | | |
| اجتماعی | نرم افزاری | فنی(کارگاه واجرایی) | سنی | مدیریت | اقتصاد | حسابداری |
| ارتباطات | انجام کار گروهی | | | | | |
| مشتریان خارجی | مشتریان داخلی | | | | | |
| ارگان های اداری | کارفرمایان | نیروهای تکنسین و کارگاهی | همکاران | | | |
| | | مهندسیین رشته های دیگر | معمار | | | |

در مقابل هر مشکل، راه حل ها و تصمیمات گرفته شده را از نزدیک می آموزد.

از این سه نکته در آموزش معماری آکادمیک می توان استفاده کرد.

✱ همان طور که قبلا اشاره شد، دانشجوی معماری با انبوهی از دانش ها سر و کار دارد که به نقل از ویتروبیوس، «معمار را ملزم به آگاهی وسیع از علوم، فنون، دانش ها و ادراکات می نماید.»^{۱۲} در این میان دانشجوی تازه وارد با دست و پا زدن در این طوفان دانش و مهارت هرلحظه خود را دست–آویز این حوزه ها می بیند که تا بخواهد افسار آنان را در دست گیرد، دستخوش طوفانی دیگر می شود.

✱ برای دانشجوی تازه وارد به حوزه ی معماری بسیار دشوار است که جایگاه هریک از این علوم را در آینده ی حرفه ای خویش تجسم کند و در پی آن انگیزه ی لازم برای آموختن آن حوزه را ندارد، لذا لازم است این تنوع دانش ها در ترم های ابتدایی به وی گوشزد شود و هدف کلی از ارائه ی این درس ها به وی ارائه شود.

بدیهی است رابطه ی رفت و برگشتی به این علم در هر ترم با بینش جدیدی که دانشجو نسبت به رشته ی معماری پیدا کرده است، به وی کمک می کند تا راه خویش را بهتر و راحت تر پیدا کند و از این رو پیشنهاد می شود «تنوع دانش ها در معماری» در ترم های ابتدایی دانشگاه برای وی بازگو شود.

✱ زمینه ی دیگری که در محیط های آموزشی می توان به آن اشاره کرد، دروس عمومی هستند. برای مثال ادبیات فارسی که از طرفی زمینه ساز هویت در فعالیت های آینده ی دانش پژوهان معماری است و از طرفی نگارش صحیح و درست متون را به معماران می آموزد و به ایشان در تهیه ی گزارش های حرفه ای، نامه های اداری، قراردادها و بسیاری موارد دیگر، کمک می کند^{۱۴} ، مغفول مانده است و دانشجو ارتباط این درس با حرفه ی خویش را پیدا نمی کند.

بنابراین در درس ادبیات به جای تدریس متون پراکنده، برای مثال

۱۳ . علایی ، علی، همان، صفحه ۱۰۵

۱۴ . علایی ، علی، همان، صفحه ۱۱۰

مشکلات آموزشی دانشجویان

| مهارت | دانش | | | | | |
|-----------------|-----------------|--------------------------|---------|--------|--------|----------|
| اجتماعی | نرم افزاری | فنی(کارگاه واجرایی) | سنی | مدیریت | اقتصاد | حسابداری |
| ارتباطات | انجام کار گروهی | | | | | |
| مشتریان خارجی | مشتریان داخلی | | | | | |
| ارگان های اداری | کارفرمایان | نیروهای تکنسین و کارگاهی | همکاران | | | |
| | | مهندسیین رشته های دیگر | معمار | | | |

۱۵ . برای مثال به تجربه ی نگارنده در آموزش درس زبان تخصصی معماری می توان اشاره کرد که در بعضی جلسات متن تخصصی در زمینه ی اخلاق حرفه ای تدریس شد و دانشجویان با انگیزه ی بیشتری به یادگیری مطلب پرداختند.

۱6 . Human Centered Design (HCD)

۱۷ . علایی، همان صفحه ۱۱۴

اما به دلیل این که چنین قابلیت‌هایی در آموزش معماری، نسبتاً بَرنام‌ه ریزی نشده است، نتیجه ناخواسته این است که بسیاری از معماران حرفه‌ای آموزش لازم را درِ مهارت‌های اجتماعی طراحی معماری و کار با کارفرمایان و مشاورین مثلا در بحث قراردادها، سرمایه گذاری و همکاری با ارگان های قانون گذار ندیده اند و نمی دانند و «...عاقلانه‌تر است که دانشکده‌ها را جهت آموزش مهارت های اجتماعی طراحی آماده کنیم»^{۱۸}.

جمع بندی

با توجه به صحبت‌های گفته شده، مشکلات دانش آموختگان معماری را در محیط حرفه ای به شرح زیر می توان دسته بندی کرد:

ارایه ی چند پیشنهاد

۱. امکان آشنایی با دانش‌هایی نظیر مدیریت کاربردی، علم اقتصاد و حسابداری در محیط آکادمیک بی شک به دانش آموختگان در محیط حرفه ای کمک شایانی خواهد کرد.

۲. بازیینی در متن درس‌های عمومی مانند ادبیات فارسی و رابطه داشتن متنها با حرفه ی معماری برای مطالعه و یادگیری آن درس‌ها، به دانشجویان انگیزه ی بیشتری خواهد بخشید.

۳. ارایه ی درسی با عنوان «ارتباطات» باعث رشد قابلیت‌ها و مهارت‌های اجتماعی معماران خواهد شد و آنان را برای آغاز و انجام کار حرفه ای آماده خواهد کرد.

۴. بالا بردن زمان کارآموزی ها و اعمال جدی تر آنان در محیط های حرفه ای، دانش آموختگان را برای تصمیم گیری های تخصصی ورزیده کرده، اعتماد به نفس آنان را بالا برده، احتمال اعمال اشتباه از سوی آنان را پایین خواهد آورد.

۵. آشنایی با قوانین و مقررات ملی، ضابطه ها، معیارها و دستورالعمل‌های مورد نیاز معماران، سرگشتگی سال‌های ابتدایی کار حرفه ای را کمتر و آنان را برای انجام صحیح حرفه خویش آماده خواهد کرد.

۶. انجام بیشتر کارهای گروهی در محیط آکادمیک از قبیل کار با همکلاسی ها، دانشجویان رشته های دیگر مهندسی^{۱۹} و مردم عادی^{۲۰} در انجام کار موفق حرفه ای بسیار تاثیرگذار است. چرا که کار حرفه‌ای درست جز از طریق انجام گروهی کار با دیگر مهندسیین و رشته های مرتبط به بار نخواهد نشست.

۷.برقراری آزمون‌های جامع در دوران تحصیل معماری، همچون رشته ی پزشکی، جدیت دوران تحصیل را به دانشجویان یادآور خواهد شد.

قدردانی

در این جا از استادان بزرگوار جناب آقای دکتر حمید ندیمی و جناب آقای دکتر علی علایی که این تحقیق حاصل آموختن در کلاسهای ایشان بوده است، نیز از همسر مهربانم آقای مهندس پدرام پسران که همیشه همکار و همراه و مشوق اینجانب در حرفه ی معماری بوده اند، قدردانی می کنم.

این تحقیق ناچیز را به پسرم کوروش که در طول نگارش این مقاله صبورانه نبود مرا در کنار خویش تحمل کرد، تقدیم می کنم.

مراجع

- ↑ Anderson, Stanford, *The Profession and Discipline of Architecture: Practice and Education, The Discipline of Architecture*, University of Minnesota Press Minneapolis, London, 2001

[۲] علایی ، علی، تنوع دانش‌ها در رشته معماری، مجله ی صغه، شماره ۳۲

[۳] کاف، دانا، ترجمه ی علایی ، علی، مهارت‌های اجتماعی طراحی در حرفه و آموزش معماری، مجله ی صغه، شماره ۳۷.

[۴] ندیمی، حمید، روش استاد و شاگردی از نگاهی دیگر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۸۹.

[۵] مهدوی‌پور، حسین و شریعت‌راد، فرهاد، ارزیابی نقش درس طرح نهایی در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری دانشگاه یزد، صغه ۵۹، ۱۳۹۱.

[۶] حقیر، سعید و شوهانی زاد، یلدا، بازاندیشی در آموزش درس « آشنایی با معماری معاصر»در مقطع کارشناسی رشته معماری در دانشگاه های ایران (، نشریه هنرهای زیبا، پاییز ۱۳۹۱.

[۷] شورای برنامه‌ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره ی کارشناسی مهندسی معماری، مصوب ۱۳۷۷/۸/۲۴.

[۸] صدرایی، گلرخ، پردیس معماری دانشگاه هنر شیراز با تأکید بر تعامل آموزش و حرفه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده معماری دانشگاه شیراز

[۹] زرکش، افسانه، کیفیت آموزش و کار حرفه ای در ایجاد همسازی بین فضا و سازه در معماری معاصر غرب، نشریه هنرهای زیبا شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۴.

[۱۰] تریسی، برایان و بل فریزر، کمپ بل، اسرار موفقیت تجاری و شغلی، ۱۳۹۳.



استارتاپ ها، کلید توسعه معماری

_____ برگزیده سخنرانی دکتر مهدی سالاری رئیس سازمان
 _____ در مراسم بزرگداشت معماران پیشکسوت
 _____ استان یزد

سپاس از آن خداوندی است که خودش نیز معمار هستی است. معمار همان کاری را انجام می دهد که خداوند انجام داده است. هنر آفریدن و خلق کردن. روز معمار را که مزین به ولادت شیخ بهایی از حکیمان و معماران نام آور ایرانی هست خدمت شما تبریک عرض می کنم و بسیار خوشحالم که فرصتی فراهم شد تا در قالب این جلسه با همکاری انجمن معماران استان از همه شما عزیزان به خاطر افتخاراتی که برای یزد و برای سازمان و مردم آفریده اید تقدیر و تشکر کنم. بر خود لازم می دانم از همکاران خودم در سازمان نظام مهندسی ساختمان و عزیزان در انجمن معماران استان و از یکایک شما دوستان که قدم رنجه فرمودید و در این همایش شرکت کرده اید و بخصوص اساتید محترمی که در این جلسه حضور دارند سپاسگزاری کنم.

در حوزه کاری ما، معماران متمایزان و متفاوتان حوزه مهندسی هستند. ما در سازمان نظام مهندسی ساختمان با مهندسان متعدد و رشته های گوناگون سر و کار داریم. مهندسان معمار خیلی با بقیه مهندسان متفاوت هستند و به دلیل روح لطیف و احساس زیبایی که دارند باید بیشتر از آنها مواظبت و مراقبت کرد. معماران نقش موثری در ایجاد و خلق یک ساختمان و یک اثر معماری ارزشمند دارند. معمولا شما یک اثری را ایجاد می کنید و چون ایجاد آن اثر همراه با احساس و همراه با عشق می

سلسله نشست های معماری معاصر یزد:
 نشست دوازدهم (مهندسان معمار پیشکسوت،
 درس ها و تجربه ها)



باشد، پس از سال های سال جهان آثار شما را به عنوان میراث جهانی به ثبت می رساند، به آن احترام می گذارد، تکریم می کند و از سراسر دنیا می آیند که ببینند معماران یزدی در سال های گذشته چه کارهایی انجام دادند که این قدر می تواند ارزشمند باشد. این ارزش کار شما است که باید به جامعه معماران احترام گذاشت و تقدیر و پشتیبانی کرد که این روند خلق کردن و هنر آفریدن در استان یزد استمرار داشته باشد. من چون یک مدیر اجرایی هستم و افتخار نمایندگی شما را در سازمان دارم، می خواهم در ادامه صحبت هایم از جنس مسائل اجرایی صحبت کنم. ملاحظه بفرمایید کشورمان در شرایط خاص اقتصادی است و در حال حاضر ایجاد اشتغال و ثروت آفرینی از دغدغه های مهم همه مسئولین است. جامعه مهندسی هم در این بازه زمانی

با کمترین هزینه بیشترین منفعت را برای صاحب طرح به دنبال داشته باشد، ارائه دهد. مردم از ما چه انتظاری دارند؟ جامعه از معماران چه توقعی دارد؟ آیا جز این است که یک مالک باید به یک معمار اعتماد کند؟ کار ساختمانی کار تخصصی و کار هر کسی نیست و فقط متخصصان می توانند به این صنعت ورود کنند. یک مالک و یک سرمایه گذار چه انتظاری از مهندسی به خصوص مهندسی معمار دارد؟ آیا جز این است که کسی که پول می دهد انتظار دارد کالایی با رعایت استانداردهای لازم را دریافت کند؟ کالاهایی که ما طراحی و تولید می کنیم باید از استاندارد کافی برخوردار باشد و منطقی را به دنبال داشته باشد. باید کیفیت به گونه ای باشد

که موسساتی بیایند و به ما تأییدیه (certificate) بدهند. کسی که با سرمایه گذاری کالایی دریافت می کند، از ما گارانتی می خواهد. او می گوید من هزینه را پرداخت کردم و شما باید تضمین کنید که این ساختمان مثلاً ۵۰ سال به من آرامش و ایمنی می دهد و این چیزی است که ما باید در قالب فرایند حرفه ای بتوانیم ایجاد کنیم و در اختیار مشتریان قرار بدهیم.

آیا ساختمان هایی که می سازیم و طرح هایی که می زنیم وقتی اجرا می شود از ایمنی لازم برخوردار است؟ آیا دوام لازم در یک دوره عمر مفید ساختمان برای ما فراهم است؟ و از همه مهمتر آیا آسایش و آرامش مشابه معماری سنتی یزد و انرژی مثبتی که در معماری سنتی یزد حس می کنیم، در معماری مدرن و جدید وجود دارد؟ اینها مسائل و دغدغه هایی است که باید به آنها بپردازیم و مراقبت کنیم. در دنیا ساختمانهایی ساخته می شود که از جنس نسل ششم است. ساختمان های نسل ششم یعنی ساختمان های

برای ایجاد یک شغل در طول یک سال در صنعت ساختمان ۲۵ میلیون تومان مورد نیاز است ولی برای همین کار در صنعت پتروشیمی ۴۵۰ میلیون تومان مورد نیاز است. در صنعت نیروگاهی بالای ۹۰۰ میلیون تومان باید سرمایه گذاری شود تا یک شغل درسال ایجاد شود. با ۱۰۰ متر مربع زیربنا که شما طراحی می کنید و ساخت انجام می شود، بالغ بر ۱۴۴ شغل مستقیم ایجاد می شود. ساختمان خیلی صنعت موثر و عجیبی است. نمی دانم چرا بعضی از مسئولین متوجه این مسائل نمی شوند و اهمیت نمی دهند و احترام نمی گذارند؟ باید به کسانی که دست اندرکاران این صنعت مهم و کلیدی هستند به دیده احترام نگریم.

یک رسالت تاریخی دارد. امروز زمانی است که ما می توانیم نقش و تاثیر خودمان را در حل مسائل و مشکلات کشور به مسئولین نشان بدهیم. مهندسی یعنی اینکه مجموعه ای از انسان های خلاق و زبردست در زمانی که کار از دست خیلی ها بر نمی آید آنها تاثیر خودشان را برای حل مسائل و مشکلات مردم بگذارند. ما عمدتاً درگیر صنعت مهم و اساسی ساختمان هستیم ساختمان صنعتی بسیار کلیدی و مهم است. شاید صنعتی به اندازه ساختمان نمی تواند در کشور ایجاد اشتغال کند. اینها مستند به پژوهش هایی است که در وزارت راه و شهرسازی انجام شده است. بررسی ها نشان می دهد که برای ایجاد یک شغل

در طول یک سال در صنعت ساختمان ۲۵ میلیون تومان مورد نیاز است ولی برای همین کار در صنعت پتروشیمی ۴۵۰ میلیون تومان مورد نیاز است. در صنعت نیروگاهی بالای ۹۰۰ میلیون تومان باید سرمایه گذاری شود تا یک شغل درسال ایجاد شود. با ۱۰۰ متر مربع زیربنا که شما طراحی می کنید و ساخت انجام می شود، بالغ بر ۱۴۴ شغل مستقیم ایجاد می شود. ساختمان خیلی صنعت موثر و عجیبی است. نمی دانم چرا بعضی از مسئولین متوجه این مسائل نمی شوند و اهمیت نمی دهند و احترام نمی گذارند؟ باید به کسانی که دست اندرکاران این صنعت مهم و کلیدی هستند به دیده احترام نگریم.

در شرایطی که ما در وضعیت رکود به سر می بریم بالغ بر ۳۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی در صنعت ساختمان انجام می شود. متخصص بودن در این صنعت و حرف از بیکاری و بی پولی زدن اشتباه است. اگر اینطور باشد خطای خودمان و اشتباه خودمان است. جامعه مهندسی یک جامعه فاخر است که معمولاً نخبگان می آیند و رشته مهندسی را انتخاب می کنند و درس می خوانند. ما باید در مسائل تخصصی فرایند حرفه ای گری را پیش بگیریم و باید حرفه ای عمل کنیم. در شرایطی که هزینه ها روز به روز واقعی تر می شود و قیمت تمام شده بالا می رود یک مهندس و یک معمار باید به شکل بسیار حرفه ای عمل کند و طرحی که



هوشمند و ساختمان های سبز که با کمترین انرژی در خدمت شماسست در ایران ساختمان های مادر چه نسلی است؟

خیلی ها معتقدند که نسل دوم هستیم و کسانی که تعصب دارند معتقدند در نسل سوم هستیم.

یعنی ما سه نسل از ساختمان هایی که در دنیا ساخته می شود بر اساس نظر خبرگان علم مهندسی عقب هستیم. این عقب افتادگی توسط چه کسی و چگونه باید جبران شود و چقدر زمان لازم است و چه مقدار باید هزینه بدهیم؟

مهمتر از همه اینکه آیا به جز این است که باید این مهم به دست شما مهندسان اتفاق بیفتد؟ سه نسل عقب ماندگی ساختمان را باید شما مهندسی معمار با حرفه ای گری در یک زمان کوتاه جبران کنید. ما هزینه را پرداخت می کنیم ولی این کار باید با سرعت انجام شود. در کشور ما هزینه انرژی و مصالح و دستمزد واقعی شده و گران است. دیگر نمی توانیم ساختمان های ارزان مثل گذشته بسازیم ساختمان های ما همچنین باید با دوام و همراه با آسایش و آرامش در این بخش باشد.

ساختمان ها در کشورهای پیشرفته از نسل ششم، یعنی ساختمان های هوشمند و ساختمان های سبز که با کمترین انرژی در خدمت شماسست لیکن ما از نسل دوم و حداکثر در نسل سوم هستیم.

قطعاً باید به سرعت از حاشیه هایی که در حوزه نظام مهندسی و در صنعت ساختمان مطرح است عبور کنیم و رها شویم. باید سودجویان را که در صنعت ساختمان و در حوزه معماری ورود کرده اند شناسایی و از خود دور کنیم و کسانی که سواد لازم در صنعت ساختمان را ندارند شناسایی و آنها را توانمندسازی کنیم. ما باید به سرعت نقش و رسالت خودمان را که مطرح کرده ام به عهده بگیریم و در شرایط خاص انجام بدهیم. من می خواهم یک راه حل پیشنهاد کنم که برگرفته از شناخت خودم در سال هایی است که در حوزه نظام مهندسی و سایر حوزه ها با آنها درگیر بوده ام. دید بنده این است که در این حوزه بزرگ مهندسی و این صنعت گسترده ساختمان یک بخش اگر خوب کار کند انتظاری که همه بخش های دیگر موفق بشوند وجود ندارد. ما در درون یک اکوسیستم قرار داریم. یک طرح خوب معماری را یک ناظر بد خراب می کند و یک طرح خوب معماری را یک مجری بد از بین میبرد.

یک ناظر خوب و یک طرح معماری خوب را یک مجری ضعیف یا مصالح غیر استاندارد خراب می کند. ما امروز در صنعت ساختمان با چالش های متعددی روبرو هستیم. اینها را شما آشنا هستید و تکرار این چالش ها



باعث شده است که جامعه مهندسی حساسیت خود را نسبت به این چالش‌ها از دست بدهد. ما باید مراقب باشیم که اگر قادر به حل این مشکلات نیستیم آنها را تکرار نکنیم. این ها چالش هایی است که در صنعت ساختمان امروز با آنها دست به گریبان هستیم و باید به دنبال یک راه حل برای آنها باشیم. چه باید انجام بدهیم که از این چالش‌ها عبور کنیم؟ آیا جز این است که باید ببینیم بازار و مشتری که هزینه‌های طراحی ما را می دهد از ما چه انتظار و توقعی دارد؟ یعنی باید به درستی ببینیم که انتظارات و توقعات مردم و زمینه رضایت مشتریان چیست و چه توقعی از ما دارند؟ در حال حاضر ارتباط سازمان نظام مهندسی ساختمان و مردم خیلی کم است. یکی از محورهایی که هیات مدیره هشتم دنبال می‌کند این ارتباط است.

یک طرح خوب معماری را یک ناظر بد خراب می‌کند و یک طرح خوب معماری را یک مجری بد از بین می برد.

کارشناسان و مهندسین که در سازمان نظام مهندسی و در شبکه ساخت و ساز و شهرداری و راه و شهرسازی می باشند، اینها متولی موضوع خدمات مهندسی و ساخت و ساز هستند که باید آدم های حرفه‌ای باشند و با سرعت توانمند سازی شوند و قابلیت سازی در آنها صورت گیرد. این نگاه وظیفه نگری در کار، دیگر کارساز نیست. اگر صرفا نظام مهندسی به وظیفه اش عمل کند و شهرداری و راه و شهرسازی نیز به وظیفه شان عمل کنند همان چیزی می شود که امروز در بازار می‌بینید. وظیفه نگری باید به نگاه فرایند محوری تبدیل شود . باید دست به دست هم بدهیم و کارهای ما بر روی بقیه تاثیر بگذارد و نگاهمان نگاهی فرایند محور باشد که این نیاز به آموزش و یادگیری در این بخش دارد. چاره ای نیست که اکوسیستم و یا زیست بوم جدید در حوزه نظام مهندسی ایجاد شود و این سیستم به کارآفرینی و نوآوری و فناوری‌های جدید توجه کند.

صنعت ما صنعت مهمی است و چاره‌ای نداریم که وارد نسل ششم ساختمان سازی بشویم. باید سراغ این گونه تفکرات برویم. در این مسیر یک سری پیشرانها و کلان روندها هستند و نهایتاً ابعاد اقتصاد مبتنی بر دانش و نوآوری داریم. امروز اقتصاد چرخشی و اقتصاد سبز و اقتصاد های اشتراکی مطرح می باشد و مصادیق آن کم کم در یزد و در ایران

در نظام مهندسی باید همه عناصر و عوامل را پیش بینی کنیم و در کنار هم قرار بدهیم تا کار شما تاثیر لازم را در جامعه داشته باشد . مجموعه این فرایندها که من مصادیق آن را آوردم .

برنامه‌ریزی به معنای رشد و اعتلای حرفه‌ای در صنعت ساختمان ، همکاری با مراجع مسئول در امر کنترل ساختمان، برنامه ریزی در جهت تقویت و توسعه فرهنگ در معماری و شهرسازی مجموعه فعالیت‌هایی است که باید صورت بگیرد تا اکوسیستم شکل بگیرد .

شما بخشی از این اکوسیستم بزرگ صنعت ساختمان هستید . در این اکوسیستم و در چهارچوب کلی ، بحث ترویج و فرهنگ سازی و بحث شناسایی استعدادهای بالقوه مطرح است. ما در نظام مهندسی و همکاران در شهرداری می خواهیم کاری بکنیم که آدم‌های نخبه به رشته های مهندسی بیایند. کاری بکنیم که مهندسان خوب عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان شوند و علاقه داشته باشند که در فرآیند نظام مهندسی کار کنند.

باید در حوزه اجتماعات نوآورانه کار کنیم و شبکه ایجاد بکنیم . شبکه است که قدرت دارد. تک تک شما قدرت تان کم است. شبکه است که هم افزایی ایجاد می‌کند. در این بخش خیلی چیزهاست که باید مقررات زدایی کنیم تا شبکه شکل بگیرد.

امروز خیلی از مهندسان خوب هستند که هنوز عضو سازمان نشده اند و خیلی از مهندسین خوبی که فعال نیستند و آدم‌های با استعدادی که اگر غفلت کنیم، به سوی سایر رشته‌های صنعتی می‌روند. در صنعت ساختمان آدم‌های نخبه و با استعداد جامعه باید باشند و جذب این صنعت بشوند . پس باید ثروت آفرینی کنیم و صنعت ساختمان را جذاب سازیم تا پدر و مادرها فرزندانشان را توصیه کنند که در این صنعت درس بخوانند و مهندسان نخبه معمار جامعه شوند. ما امروز در جایگاه واحدهای شتاب دهنده هستیم . یعنی ایده هایی که از دانشگاه می آید در واحدهای شتابدهنده به تجاری‌سازی تبدیل می‌شود.

امروز خیلی از ایده های خوب در صنعت ما از بین می‌رود. چون این فرایندها وجود ندارد و همه فقط چاله است .برای دانشجویی که از دانشگاه فارغ التحصیل می شود وظیفه ماست که شتاب دهنده و بسته تجارب پیشکسوتان و سایر عناصری که اینجا وجود دارد ، ایجاد شود. باید در حوزه اجتماعات نوآورانه کار کنیم و شبکه ایجاد بکنیم . شبکه است که قدرت دارد. تک تک شما قدرت تان کم است. شبکه است که هم افزایی ایجاد می‌کند. در این بخش خیلی چیزهاست که باید مقررات زدایی کنیم تا شبکه شکل بگیرد. ما باید خدمات مهندسی را و همه اجزای آن را در کنار همدیگر قرار بدهیم و آنگاه وظیفه محور و در جزیره‌های متعدد عمل نکنیم که هیچ کمکی به ما نمی کند.

ما هزینه می‌کنیم، وقت می‌گذاریم ، ولی تاثیرش آن چیزی می شود که در پشت این دیوار ها به مردم می‌دهیم. باید همه اینها را تبدیل به روند کنیم و روند ها باید شکل بگیرد و بازار باید برای این خدمات ایجاد کنیم. این خودش یک صنعت و حرفه است. صرف مسائل حرفه ای که شما در دانشگاه یاد می گیرید، برای کسب و کار کافی نیست. مهندسین ما باید امروز علم کسب و کار و اخلاق حرفه‌ای را هم یاد بگیرند. اقتصاد مهندسی را نیز باید بیاموزند . یک معمار خوب باید علاوه بر تخصص معماری

به این موارد مسلط باشد تا بتواند از صنعت معماری ثروت ایجاد کند. تا به بازارهای بین المللی و مشاوره‌ها و نتایجی که از این‌ها حاصل می‌شود، دست پیدا کنیم.

این موارد فرایند است که در اینجا بیان می‌کنم: ترویج؛ کار دانشگاه است. جذب؛ کار انجمن های تخصصی و کار نظام مهندسی است.ایجاد جذابیت در کار ؛ وظیفه

انجمن های تخصصی و حرفه ای و کار نظام مهندسی شتابدهی؛ برای اینکه ایده ها به تجاری سازی تبدیل شود. هم اکنون در دانشگاه یزد شرکت پیشگامان کویر یک شتاب دهنده در حوزه آی تی ایجاد کرده است. آیا در حوزه صنعت ساختمان چه کسی قرار است سرمایه گذاری کند؟ و چه کسانی قرار است حمایت کنند؟ این کاری بسیار لازم است که یک سری مراکز هم باید ایجاد شود که ایده هایی که تبدیل به تجاری سازی شده اند، آنها را رشد دهد و آماده بازار کند. در حال حاضر پارک علم و فناوری داریم و در صنعت ساختمان پارک های علم و فناوری تخصصی باید داشته باشیم تا ایده هایی که تجاری شده در آنجا مثل گلخانه‌ای رشد کند و آماده ورود به بازار شود. نهایتاً در بحث بازارسازی باید ببینیم چه کسی باید بازار لازم و این جذابیت را ایجاد کند؟ این کار تک تک ما در نظام مهندسی و خیلی از سازمان‌های دیگر است که باید این فرآیند در آنها اتفاق بیفتد وگرنه کار تک تک ما به تنهایی نمی تواند در این بخش موثر باشد. من از همه شما تشکر می کنم. ما در حوزه سازمان‌های غیردولتی تشکیل دهنده نظام مهندسی هستیم و همکاری های خیلی خوبی بین انجمن پیمانکاران، انجمن انبوه سازان و سازمان به وجود آمده است. ما پیشنهادهای خوبی را به حوزه های بخش دولتی ارائه کرده‌ایم و آمادگی همکاری با این بخش داریم. ما به پشتوانه این ظرفیت خوبی که در استان داریم این ادعا را کرده ایم و امیدواریم که شما هم اجازه بدهید تا تغییراتی در فرایندهای کار در نظام مهندسی در سال جاری اتفاق بیفتد. قطعاً رویکرد تعامل شهرداری و نظام مهندسی و راه و شهرسازی امسال به شدت تغییر پیدا می‌کند و از افتخارات ما حضور آقای مهندس فرهمند در شهرداری است که به درستی و هوشمندانه همراهی و پشتیبانی می کند. آقای دکتر عباسی در شورای شهر فهم خوبی به مسائل دارند و بعید می دانم که چنین فرصتی در سال‌های آینده برای ما ایجاد شود. ما فرصت چندانی نداریم و باید بتوانیم یکسری فرایندهای حرفه ای را در ارتباط با شهرداری و نظام مهندسی ایجاد کنیم تا اگر خدای نکرده در سال های آینده افرادی نه چندان دلسوز به نظام مهندسی و شهرداری آمدند به سادگی نتوانند این فرایندها را به هم بزنند و باید یک فضای کاملاً سالم رقابتی در این بخش ایجاد شود .

برای همه شما آرزوی موفقیت روز افزون دارم.

سخنرانی:

مروری بر سیر تحول معماری معاصر یزد

برگزیده سخنرانی مهندس سید منصور علاقه‌بند

در مراسم بزرگداشت معماران پیشکسوت

استان یزد

حدود ۹۰ سال پیش یعنی در سال ۱۳۰۷، در دوران حکمرانی سدیدالملک و همزمان با سفر رضاشاه به شهر یزد، اولین خیابان در این شهر به طول حدود ۱۰۰ متر از جلو ارگ حکومتی تا سردر خانه صدر العلما احداث شد. از آن موقع ما وارد پارادایم معماری معاصر شدیم و تقریباً با آن سیستم تا به حال کار می‌کنیم.

خیابان در شهرسازی برای ما یک اصل است و بناهای رو به خیابان و آغوش گشوده به خیابان را از آن زمان به تدریج شاهد بوده ایم. در این نود سال متأسفانه ما این روند و ویژگی‌های آن را تا به حال مستند نکرده ایم. یک بار برنگشتیم ببینیم چگونه کار کردیم و چه کارهای خوبی یا بدی انجام دادیم. ما دچار بحران مستندسازی هستیم. حتی بناهای تولید شده و بناهای خوب مان را لیست نکرده ایم. معماری را انگار فقط یک صنعت و امری کاملاً مادی فرض کرده ایم در حالی که معماری یک جریان فرهنگی و اجتماعی است. تا چند سال پیش در استان ما معماری معاصر به عنوان یک جریان فرهنگی موضوعیت نداشت. در انجمن صنفی معماران، ما تلاش کردیم که سلسله نشست‌های معماری معاصر را برگزار کنیم برای اینکه این مسئله در ذهن اهل حرفه و در ذهن مردم و مسئولان ما جا بیفتد ما باید گذشته و اکنون معماری مان را بررسی کنیم و برای آینده آن تصمیم بگیریم که چه کار باید انجام بدهیم. این همایش یک جمع بندی از ۱۱ نشست قبلی است که با پیشکسوتان که قبلاً تجربیاتشان را مرور کرده ایم، گفتگویی داشته باشیم و به نوعی آن بخش از کار را جمع بندی کنیم. من مطالعه‌ای را با عنوان «شناسایی و مستندسازی آثار هم‌پیوند با زمینه در معماری معاصر یزد» به طور خلاصه خواهم گفت و ادوار معماری معاصر و مولفه‌های موثر در آن را تشریح می‌کنم. ما در این مطالعه بی توجه به ریشه‌های معماری معاصر نبوده ایم و دو دوره تاریخی را در نظر می‌گیریم: یکی دوره خوانین یزد که سلسله‌ای از حکمرانان یزد از دوره افشار تا اوایل دوره قاجار بوده‌اند و بعد، دوره قاجار که دوره گذار به معماری معاصر است. ما در این بررسی به بحث تجارت جهانی در ارتباط با هند بریتانیا و اینکه چه تأثیری بر بافت قاجاری یزد گذاشته است هم می‌پردازیم. یزد به عنوان هاب منطقه عمل می‌کرده‌است و به لحاظ تجاری تاجران بزرگی از سراسر کشور مثل رشتی‌ها، تبریزی‌ها و لاری‌ها را به خود جذب کرده و تمرکز تجارتی

جدید ایجاد کرد.

مردم و تحولات اجتماعی، اقتصادی

ایجاد تدریجی طبقات جدید اجتماعی مثل کارگران، معلمان، کارمندان همگام با نیازهای جدید اجتماعی در یزد شکل گرفت. طبقات اجتماعی در دوره قاجار در یزد تشکیل شد مخصوصاً تجار و ملاک‌ها و از این جهت روحانیون. ریشه‌هایی که تاکنون همچنان تداوم آنها را می‌بینیم و خاندان‌های امروز را اگر دنبال کنیم، تاریخ آنها در همان اوایل و اواسط دوره قاجار قابل بررسی است. این نسل بر مبنای ثروت و سازوکارهای اقتصادی جدید در صنعت سرمایه‌گذاری کردند و به این ترتیب تعریف یک نوع سکونت جدید در ذهن آنها شکل گرفت که مبتنی بر ارتباط با خودرو و اتومبیل و درشکه بود و مسائل و شیوه‌هایی از زندگی که در مسیر به سمت تفت یا مهریز شکل می‌گرفت. آنها از بافت خارج شدند و در خانه باغ‌ها ساکن گردیدند که هنوز غالب این خانه باغ‌ها موجود است و سکونت حدود ۸۰ تا ۹۰ ساله در آن باغ‌ها همچنان جریان دارد. و اما در زمینه ساختار و روش شناسی حرفه‌ای و فناوری ساخت و تهیه نقشه‌های آرشیکتور توسط مهندسان معمار برای بعضی از ساختمانها، مثل آندره گدار برای ایرانشهر و برزو سهراب آقا برای مدرسه مارکار باید اشاره کرد.

انجام عمده ساخت و ساز توسط معماران سنتی و با فناوری سنتی مربوط به این دوره می‌باشد. الگوگیری از ساخت و سیمای بناهای پایتخت و شهرهای بزرگ را در این زمان داریم که همراه با توسعه کوره‌های آجرپزی است. می‌دانید که بناهای خشتی در این دوره بیشتر به سمت بناهای آجری گرایش یافته است. از ویژگیهای معماری این دوره هم ساده‌سازی ساختار پلان و حذف کامل اندام‌های ساختاری مثل تخته‌گاه در ورودی اتاق‌ها و اضافه شدن اندام‌هایی مثل حوض‌خانه و کلاه فرنگی می‌دانیم.

اقدام مهم در این دوره احداث خیابان از جلو ارگ حکومتی تا سردرخانه صدر العلما و در ادامه تا بیرونی شهر در محل تلاقی جاده تهران، کرمان و شیراز که البته از میدان مهم امیرچخماق عبور می‌کند. میدان پهلوی (شهید بهشتی) پشت دیوار دوم شهر ساخته می‌شود و دبیرستان ایرانشهر



بناهای شاخص در محور خیابان امام و میدان پهلوی سابق



خانه تبریزی زاده

و عناصر مشابه آن و خانه‌ها در ادامه این مسیرها ساخته شده است و سکونت دائم به سمت آنها رفت و این فرهنگ و این الگوی سکونت همچنان در میان متمکنین شهر یزد و در محل‌هایی مثل بلوار جمهوری ادامه دارد و خانه‌هایی با وسعت ۵-۶ هزار متر مربع می‌سازند و سکونت می‌کنند.

این تلقی از سکونت همچنان طی این ۹۰ سال ادامه دارد و در مسیر خیابان آیت‌الله کاشانی در دهه چهل و پنجاه به همین گونه است. بعضی از این بناها هنوز مستند نشده و از آنها نگه‌داری و حفاظت نمی‌شود و در معرض خطر است و بعضی از آن‌ها در سال‌های اخیر تخریب شده است. نمونه‌هایی از خانه‌هایی که هنوز زندگی در آنها جریان دارد، مثل خانه تبریزی‌زاده و خانه رسولیان با آن حال مرکزی که حوض هم دارد دیده می‌شود و یا خانه‌باغ گلستان در محله رحمت آباد که نوعی از سکونت بیرون از بافت را داشته است.



حمام روضه محمدیه

| دوره اول معماری معاصر یزد (۱۳۲۵-۱۳۰۷ ه. ش) | | دوره و بازه زمانی آن |
|--|---------------------------------|-----------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> • ترویج و توسعه فرهنگ اجتماعی مدرن • تقویت مدیریت تمرکزگرای کشور • تاسیس، ساخت و ترویج ساخت موسسات تمدنی جدید مثل مدارس جدید، سینما، ادارات دولتی، کارخانجات صنعتی و... • ایجاد زمینه حمل و نقل موتوری، احداث خیابان و ساخت ابنیه دولتی در حاشیه آن و تخریب بخشی از ساختارهای سنتی • تاسیس شهرداری | حاکمیت و مدیریت شهری | عوامل موثر بر دوره |
| <ul style="list-style-type: none"> • ایجاد تدریجی طبقات جدید اجتماعی چون کارگران، معلمان و کارمندان با نیازهای جدید اجتماعی • ایجاد یک طبقه سرمایه‌دار البت بر مبنای ثروت نسل قبل و سازوکارهای اقتصادی جدید و تعریف نوع دیگر سکونت و شکل‌گیری فضاهای مسکونی بر آن اساس • شیوع استفاده از سوخت‌های فسیلی برای گرمایش • ورود بخش‌هایی از جامعه به تاسیس موسسات تمدنی جدید • رونق زندگی اجتماعی در حاشیه خیابان و ساخت‌وساز مردمی در آن مانند فضاهای تجاری، دفتری، گاراژ، سرا، تیمچه، حمام و... | مردم و تحولات اجتماعی و اقتصادی | |
| <ul style="list-style-type: none"> • تهیه نقشه آرشیوتکتور توسط مهندسان معمار برای بعضی از ساختمان‌های مهم (آندره گدار، برزو سهراب‌آقا) • انجام عمده ساخت‌وساز توسط معماران سنتی و با فناوری سنتی • الگوگیری از ساختار و سیمای بناهای پایتخت و یا شهرهای بزرگ • توسعه کوره‌های آجرپزی | حرفه (ساختار، روش و فناوری) | |
| <ul style="list-style-type: none"> • کاربری‌های جدید، سازمان فضایی جدید، فناوری ساخت سنتی • بازسازی خانه‌ها به سبک جدید در مرکز شهر تاریخی و حتی با ایوانی به سمت شهر (به طور مثال خانه‌های میدان وقت و ساعت) • توسعه شهر پشت حصار دوم به صورت بافت‌های شطرنجی با دانه‌های بزرگ در دو الگوی درون‌گرا و کوشکی برون‌گرا (محدوده کوچه برخوردار و میدان پهلوی) • ساخت خانه و خانه باغ‌های برون‌گرا در مسیرهایی به سمت بیرون شهر مخصوصاً به سمت کرمان و به سمت شیراز • احداث خیابان و میدان پهلوی از جلوی ارگ حکومتی تا خروجی شهر در محل تلاقی راه‌های تهران، کرمان و شیراز • ساخت‌وساز با آجر و حذف تدریجی خشت و کاه‌گل • ساده‌سازی ساختار پلان و حذف کامل اندام‌های ساختاری مثل تختگاه و ورودی اتاق‌ها، ساخت حوض‌خانه و کلاه فرنگی در اغلب خانه‌ها | | ویژگی‌های معماری و شهرسازی دوره |
| <ul style="list-style-type: none"> • شروع مداخلات غیرمشارکتی و ضد اجتماعی در ساختار شهر ناشی از تشکیلات اداری جدید و عدم شناخت عمیق ویژگیهای سرزمینی منتج از مدیریت تمرکزگرا • نفی گذشته با تخریب در بافت‌های شهری موجود بویژه بازار و برج و بارو • تقلید شکلی از الگوهای بیگانه به خاطر تنظیم سیر فرهنگی و ساختار اجتماعی و سبک زندگی با بینش و الگوهای بیرونی • ترویج تصور تفوق بر عوامل سرزمینی به علت دستیابی به تکنولوژی و همچنین تسهیل رفت و آمد و حمل و نقل • تغییرات سریع و بی‌ملاک ناشی از مداخله ساختارها و روش‌ها که از درون تجربیات حرفه‌ای و اقتصادی اجتماع برنیامده است. | گسست‌ها | تحلیل دوره بر اساس پیوند با زمینه |
| <ul style="list-style-type: none"> • تلاش معماران و مردم برای امتزاج و انطباق بین تحولات از یک طرف و فرهنگ و الگوهای خودی • اثبات توانایی ظرفیت‌های درونی جامعه با استفاده خلاقانه از فناوری ساخت سنتی و بداعت در الگوهای سابق • پشتیبانی موثر و شاخص از عمران و آبادانی با تقویت مالی و ساختاری بخشی از جامعه | پیوند‌ها | |



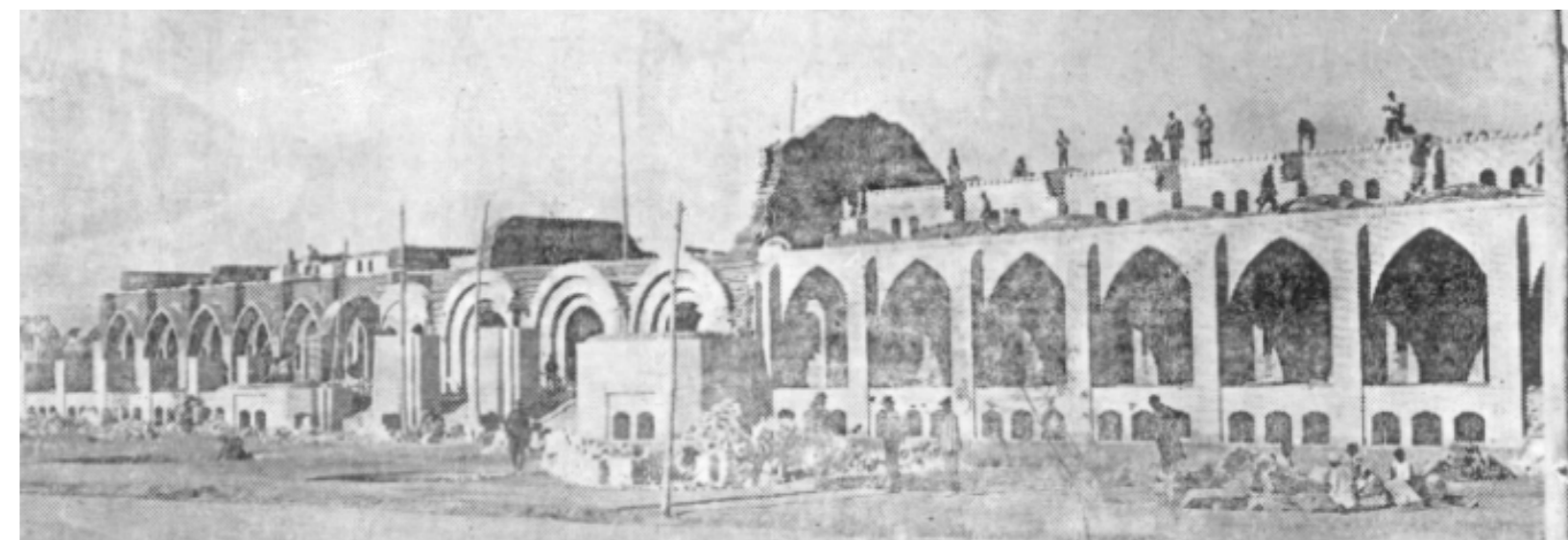
سینما گلشن



کارخانه اقبال

گلشن را داریم که برای برادران گلشن بوده است و ۱۱ متر طاق که هنوز موجود است. اینکه یک معمار سنتی چگونه یک مسئله جدید را حل کرده خیلی دیدنی است. تیمچه‌ها و سراها و اداره مالیه، آتشکده زرتشتیان و کارخانه‌ها که شامل کارخانه اقبال و هراتی است، مربوط به این دوره می‌باشد.

این مجموعه و مغازه‌ها و دفاتر تجاری بالای آن و حمامی که زیر آن ساخته است (که نمونه آن رو به روی مجموعه حظیره است)، از طرفی عناصر حمام‌های سنتی و از طرف دیگر حمام‌های دوش نمره جدید را دارد. در آن دوره خانه‌هایی را می‌توان دید که هم دارای حیاط مرکزی و کوشکی است و در آن دوره ساخته شده است. مخصوصاً در اطراف کوچه برخوردار که هر دو نوع سکونت را شاهد هستیم. در کنار خیابان، سینما



مدرسه ایرانشهر

نوع رابطه آنها با معماری و شهرسازی امروز جالب است. بناهای مدرن این دوره مثل خانه دکتر رفیعی، خانه دیهیمی و مجموعه بناهای مربوط به راه آهن از بناهای خوب دوره معاصر است. ایستگاه‌های فاخر مثل ایستگاه یزد و میبد با استفاده‌ای که از مشبک‌ها آجری کرده است، یا بانک ملی مسجد جامع که کار محسن فروغی معمار معروف کشوری است، یا بانک سپه که از سنگ استفاده کرده است و عناصری از معماری سنتی ایرانی در آن نمایش داده شده است، همگی در این دوره پدید آمده‌اند.



خانه رفیعی

بنازاده و آقای مطلبی‌زاده که امضاهای آنان پای نقشه‌ها در آرشیو شهرداری مشهود است. آن‌ها با نحوه تهیه نقشه در شهرهای بزرگ آشنا بودند. نقش معلمین هنرستان‌ها در ساختار حرفه‌ای و تولید و نیز در این دوره تأثیرگذار بوده‌است. تولید و واردات مصالح جدید که عمدتاً آهن و سیمان است، مشاهده شده است. نزدیک به سال ۱۳۵۰ نقشه‌های اوزالید معماری را داریم یا مثلاً دفتر تکنو، که عده‌ای از معلمین آن را در یزد تأسیس کردند. بناهای این دوره مثل کارخانه سعادت و جنوب که بناهای بی نظیری هستند و هر کجا ارائه داده ایم متخصصین از این سبک کار متعجب شده‌اند. محله اکبر آباد، کوچه حنا و مسجد رسولیان که کار آقای جهانگیر مظلوم معمار مسجد الغدیر تهران است، همگی ساختمان‌های خوبی هستند و



کارخانه سعادت نساجان



ایستگاه راه آهن



مسجد رسولیان

به موازات یکدیگر داشته ایم ولی از سال ۱۳۵۰ به بعد دیگر تمام شده است.

روابط و مبادله اطلاعات مردم با کشورهای دیگر و شهرهای بزرگ در این دوره توسعه پیدا کرده و فعالیت فرهنگی اجتماعی وسیع مردم بعد از سقوط رضاشاه و تلاش مردم در تعیین نسبتشان با جهان مدرن در ایران قابل بررسی است. گروه‌های مذهبی و گروه‌های چپ فعالیت خود را آغاز کرده و به ساخت و سازهای وسیعی نیز منجر شده است که نمونه‌های آن را در یزد مانند ساختمان‌های مرتبط با آقای وزیری و آقای صدوقی در بین مذهبی‌ها می‌توان دید. تولید و تمرکز ثروت مبتنی بر اقتصاد جدید تأثیر خودش را در این دوره گذاشته است. مثل بحث بورس زمین و ساخت آثاری از سبک معماری مدرن با مصالح جدید و پشتیبانی دستگاه‌های دولتی توسط مسئولین شهر در دهه ۴۰ و فعال شدن بورس املاک و نقش آن در ساخت و ساز و همچنین تأثیرگذاری وسایل ارتباط جمعی مثل سینما بر الگوهای فرهنگی از ویژگی‌های این دوره است.

استفاده وسیع از سوخت‌های فسیلی هم در حمل و نقل و هم در گرمایش ساختمان‌ها کاملاً در معماری تأثیر خود را گذاشته است. در ساختار و روش شناسی حرفه‌ای و فناوری ساخت، آموزش‌های جدید معماری و مهندسی در کشور و نقشه‌هایی که از تهران و شهرهای بزرگ در یزد اجرا می‌شد، همه مربوط به این دوره است. دانش آموخته معماری مستقر در یزد در این دوره نداشتیم. اما آشنایی معماران سنتی با کار در شهرهای بزرگ مربوط به این دوره است. معماران سنتی ما به تهران رفتند و نحوه کار در آنجا را آموختند و در اینجا پیاده کردند. شهرداری دو معمار سنتی داشت. آقای

دوره دوم معماری یزد از بازه زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ است. ویژگی‌های مهم این دوره، تهیه مقررات شهری مؤثر بر ساخت و ساز شهری و الزام به گرفتن پروانه ساخت می‌باشد. سال ۱۳۲۱ قانون شهرداری تصویب می‌شود و «یک طرف ساخت» مربوط به این قانون است که طی ۷۰ یا ۸۰ سال اخیر در این ویژگی هیچ شکل دیگر را تجربه نکرده‌ایم. پیشنهاد می‌کنم که دستگاه‌های دولتی بخشی از شهر و یا بخشی از آماده‌سازی در مکانی را نوع دیگری طراحی کنند و از شیوه ۶۰ درصد ساخت عدول کنیم تا بازخوردهای آن را بتوانیم بررسی نماییم.

تأسیس هنرستان ساختمان و نقش معلمان معماری در تهیه نقشه‌های معماری از ویژگی‌های این دوره است. ساخت آثاری از سبک معماری مدرن با مصالح جدید و پشتیبانی دستگاه‌های دولتی در این دوره دیده می‌شود و در دهه چهل ساختمان‌های سنگی را داریم. یعنی فقط ما در یک دهه در یزد ساختمان‌های با غلبه سنگ و شیشه را داریم که هم در بخش دولتی اتفاق افتاده است مثل بانک ملی و هم در بخش خصوصی مثل خانه دیهیمی در سه‌راه هراتی که اینها مواردی است که هنوز موجود است. احداث خیابان‌های بیشتر در درون بافت و بیرون محدوده توسعه شهر را امکان پذیر کرده است. ترویج و توسعه هنجارهای جدید اجتماعی و توسعه ساختار اقتصادی و اقتصاد سیاسی جدید عموماً مبتنی بر نفت و واردات کالا بوده است. ماجرای ملی شدن صنعت نفت و ثروتی که از طریق آن وارد شد تأثیر خودش را گذاشت و تأمین آب و برق شهری، در معماری این دوره تأثیر گذاشته است.

محله‌های زیادی داریم که در تمام این ۳۰ سال شکل گرفته است. مثل اکبرآباد که معلوم است یک کار تفکیک زمین بوده و هنوز هم موجود است و در آنجا خانه‌های کوچک ۱۵۰ متری حیاط مرکزی ساخته شده که در تمام این ۳۰ سال در حال ساخت بوده‌اند. یا کوچه حنا که از سال ۱۳۲۰ و کمی قبل از آن ایجاد شده و تا سال ۱۳۵۰ همچنان در آن ساخت و ساز با سیستم حیاط مرکزی جریان داشته است. ما آرشیو شهرداری را که بررسی کردیم از سال ۱۳۲۵ اسنادی داریم که در تمام طول آن دوره هم درخواست حیاط مرکزی و هم یک طرف ساخت را



بافت محله اکبرآباد



بازه زمانی دیگر از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ می باشد. در آن دوره یک واکنش فکری نسبت به مدرنیزاسیون آمرانه ای که در کشور اتفاق افتاده است دیده می شود. متفکرین ما در این دوره به دیدگاه بازگشت به خویشتن را پی گرفتند: مثلاً آقایان شریعتی و مطهری مربوط به این دوره می باشند. در معماری و شهرسازی هم این اتفاق افتاد. ما در این دوره نادر اردلان یا سیدحسین نصر را داریم که سعی می کنند یک نوع بازگشت به خویشتن را در هنر و معماری تعریف نمایند.

در این دوره ۳۰ ساله بافت آجری یک دست تک مصالح در یزد شکل گرفته است که زمینه عمده شهر کنونی یزد را تشکیل می دهد. تاسیس دانشگاه ها و دانشکده های مرتبط همچنین شروع به کار پروژه های دولتی و شرکت های مهندسی مشاور در سالهای اولیه دهه ۵۰ از دیگر مشخصات این دوره است از جمله کمربندی یزد و ابنیه اطراف آن را به مشاور مورد تایید سازمان برنامه و بودجه سپردند. تهیه طرحهای توسعه و هدایت شهری و توسعه فیزیکی شهر را در این دوره شاهد هستیم. از این پس تشبیت کامل ضوابط موثر را داریم که دیگر در هیچ بنایی حیاط مرکزی مجوز نگرفت. کسب درآمد وسیع از اقتصاد سیاسی و عمدتاً مبتنی بر نفت بر ساخت و سازها و توسعه ها اثر گذاشت. بورس بازی زمین در این زمان اوج گرفت و این کاملاً موثر بر بافت شهری و معماری شد، ملاکان ما در دوره قاجار در کار تولیدی بودند، آب را استخراج می کردند و یک باغ اربابی



خانه صادقیان

| دوره و بازه زمانی آن | | دوره دوم معماری معاصر یزد (۱۳۵۰-۱۳۲۵ ه. ش) | |
|-----------------------------------|---------------------------------|---|---------------------------------|
| عوامل موثر بر دوره | حاکمیت و مدیریت شهری | <ul style="list-style-type: none"> تهیه و ابلاغ مقررات شهری مؤثر بر ساخت و ساز و الزام به اخذ پروانه ساختمان تاسیس هنرستان ساختمان و نقش معلمان معماری آن در تهیه نقشه های معماری ساخت آثاری از سبک معماری مدرن و با مصالح جدید با پشتیبانی دستگاه های دولتی احداث خیابان های بیشتر، اعم از داخل محدوده موجود بافت یا خارج از آن ترویج و توسعه هنجارهای جدید اجتماعی توسعه ساختار اقتصاد سیاسی جدید عموماً مبتنی بر نفت و واردات کالا تامین آب و برق شهری | مردم و تحولات اجتماعی و اقتصادی |
| | مردم و تحولات اجتماعی و اقتصادی | <ul style="list-style-type: none"> تغییرات جمعیتی، ازدیاد جمعیت و مهاجرت به شهرها روابط و اطلاعات مردم با کشورهای دیگر و شهرهای بزرگ فعالیت فرهنگی و اجتماعی وسیع مردم با گرایش های مختلف و ساخت و ساز مبنی بر آن تولید و تمرکز ثروت مبتنی بر اقتصاد جدید ساخت آثاری از سبک معماری مدرن و با مصالح جدید با پشتیبانی دستگاه های دولتی و بعضی متمدین شهر در یزد از دهه چهل فعال شدن موضوع بورس املاک و نقش آن در ساخت و ساز تاثیرگذاری وسایل ارتباط جمعی بر الگوهای فرهنگی ابتدای ابعاد مختلف زندگی بر استفاده وسیع از سوخت های فسیلی از جمله گرمایش ساختمان ها | |
| ویژگی های معماری و شهرسازی دوره | حرفه (ساختار، روش و فناوری) | <ul style="list-style-type: none"> آموزش جدید معماری و مهندسی در کشور و نقش آن در ترویج شیوه های جدید و طرح و ساخت در یزد آشنایی معماران سنتی با کار در شهرهای بزرگ نقشه های تهیه شده توسط مهندسان شهرهای بزرگ نقش معلمان هنرستان ها تولید و واردات مصالح جدید عمدتاً آهن و سیمان رواج سبک مدرن معماری در طرح و مصالح از جمله سنگ و شیشه | گسست ها |
| | گسست ها | <ul style="list-style-type: none"> تغییر تدریجی فناوری ساخت و مصالح جدید با ورود آهن و سیمان رواج تدریجی خانه های بدون حیاط مرکزی انجام ساخت و ساز گونه های برونگرا و درون گرا به طور موازی توسعه های شهری گسترده با طرح یا بدون طرح خارج از محدوده موجود شهر به صورت مردمی و با ساخت و ساز سنتی و یا ساخت و ساز به صورت مدرن استفاده از نفت و تکنولوژی در ساخت و ساز و حتی تغییر الگوی گرمایش فضاها و پایان یافتن ضرورت و اجبار رعایت اقلیم در سبک زندگی نقش تبلیغات و ایجاد هنجارهای جدید اجتماعی و ارزش گذاری طبقه ثروتمند جامعه بر نوعی از معماری کاربرد وسیع سنگ در ساختمان های آرشیتکتور طراحی بعضی از ساختمان ها توسط آرشیتکت های غیر بومی | |
| تحلیل دوره بر اساس پیوند با زمینه | پیوند ها | <ul style="list-style-type: none"> تضعیف ملاکها و حریم ها و حدود و رعایت های درونی جامعه با جایگزینی ضوابط و مقررات تغییرات نامطلوب ناشی از گسترش آموزش و تجربه اندروزی با مبانی وارداتی تغییر در ارتباط مردم با عوامل طبیعی در سبک زندگیشان ناشی از عواملی چون برق و لوله کشی آب و استفاده از سوخت های فسیلی توسعه و تنوع در عوامل و نتایج آغاز شده دوره قبل چون تغییرات جمعیتی و فرهنگی و الگوهای بیکانه و از جمله عوامل رسانه جمعی گسست هویتی و ناهماهنگی و ناهمگونی در بافت با استفاده وسیع از مصالح غیر بومی و سبک های وارداتی | پیوند ها |
| | پیوند ها | <ul style="list-style-type: none"> ادامه تلاش بخشی از مردم و معماران برای حفظ و انطباق و تلفیق الگوهای بومی و ثبت تجربیاتی موفق از این دست | |



شهرداری یزد

می ساختند و سرزمین پایین دست را کشت و کار می کردند . ولی در دوره جدید ملک در خدمت بورس بازی و خرید و فروش در آمد. از لحاظ حرفه ای ورود و استقرار اولین گروه معماران تحصیل کرده را در یزد به صورت محدود شاهد بودیم که هم اکنون در خدمتشان هستیم. آقایان در دهه پنجاه وارد یزد و مستقر شدند. اولین آنها در سال ۱۳۴۹ مرحوم آقای مهندس مؤیدعلایی بودند که تاثیر زیادی در نوع معماری این ۳۰ ساله یزد داشتند.

دومین نفر آقای مهندس علی صادقیان هستند که خدمتشان هستیم و در معماری مسکونی یزد تاثیرگذار بوده اند. در این دوره تداخل کاری حرفه ای شدید بین مهندسان معمار و مهندسان دیگر و همچنین معمار-بناها و همه کسانی که دستی در کار داشتند، دیده می شود. رواج تهیه نقشه هرچند به صورت ناقص در این دوره مشاهده می شود که تفاوت های بین طراحی این دوره و دوره بعد وجود دارد. در این دوره،



پایانه مسافری

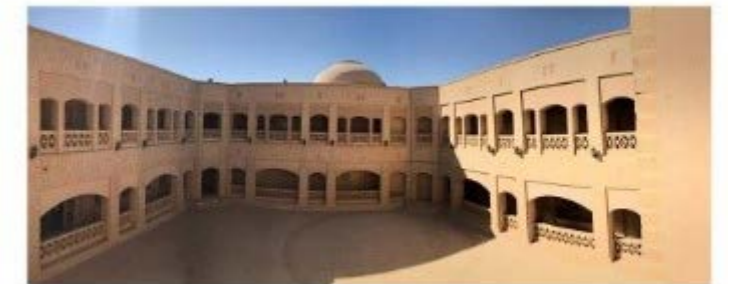
| دوره و بازه زمانی آن | | دوره سوم معماری معاصر یزد (۱۳۸۰-۱۳۵۰ ه. ش) |
|-----------------------------------|--|---|
| عوامل موثر بر دوره | حاکمیت و مدیریت شهری | <ul style="list-style-type: none"> تاسیس دانشگاه ها و دانشکده های مرتبط شروع ارجاع کار به شرکت های مهندسان مشاور تهیه طرح های توسعه و هدایت شهری و توسعه فیزیکی شهر تثبیت کامل ضوابط شهری موثر کسب درآمد وسیع از اقتصاد سیاسی عمدتاً مبتنی بر نفت |
| | مردم و تحولات اجتماعی و اقتصادی | <ul style="list-style-type: none"> گسترش تفکر و فرهنگ بازگشت به خویشتن در زمینه های مختلف اجتماعی-سیاسی تحولات وسیع جمعیتی و توسعه فیزیکی شهر مبنی بر اقتصاد ملک و افزایش جمعیت |
| | حرفه (ساختار، روش و فناوری) | <ul style="list-style-type: none"> ورود و استقرار اولین گروه معماران تحصیل کرده دانشگاهی در یزد به صورت محدود ارجاع کار بخش خصوصی و دولتی به مهندسان مشاور کشوری و تهیه طرح های معماری توسط آن ها تداخل کاری بین حرفه های گوناگون اعم از مهندسان معمار و مهندسان رشته های دیگر و معماران و بناها و... رواج تهیه نقشه هر چند به صورت ناقص و ابتدای روش طراحی عمدتاً بر اساس پلان و بعضاً حل جزئیات نما تولید آجر به روش صنعتی و کاربرد وسیع آن تاسیس اولین مهندسان مشاور در سال ۱۳۶۵ |
| ویژگی های معماری و شهرسازی دوره | <ul style="list-style-type: none"> آغاز به کار فارغ التحصیلان انگشت شمار معماری در بخش خصوصی و دولتی ساکن در یزد تهیه طرح توسعه شهر یزد پایان ساخت و ساز با مصالح سنتی و طرح های درونگرا نحوه طراحی و ساخت در این دوره عمدتاً مبنی بر پلان دوبعدی و پیروی از الگوهای تکرار شونده بود. نقص نقشه ها و تصمیم گیری عوامل غیر طراح در فرآیند طراحی و ساخت بنا تاسیس دانشکده معماری دانشگاه یزد در سال ۱۳۶۷ بازگشت از کاربرد سنگ و شیشه های وسیع به سمت آجر و الگوهای نمادین معماری گذشته تک مصالح بودن سیمای ابنیه و بنابراین ایجاد بافت همگون وسیع آجری در این دوره گسترش محدود شهر | |
| تحلیل دوره بر اساس پیوند با زمینه | گسست ها | <p>انقطاع در رابطه ساختاری حرفه و مردم با شروع ارجاع کار به مشاورین غیر محلی توسعه فضای غیر مشارکتی با تسلط کامل ضوابط طرحها و برنامه های شهری توسعه ساختار زدایی کالبدی و اجتماعی با توسعه بی حد و حصر شهر و تغییرات جمعیتی پایان شیوه های بومی و سنتی و تثبیت شیوه های وارداتی، گسترش ناپایداری و ناهماهنگی با سیطره تولید صنعتی بر مواد مصالح نفی گذشته با پایان معماری مسکونی بر طبق سازمان فضایی سنتی</p> |
| | پیوند ها | <ul style="list-style-type: none"> ترویج و تقویت تفکر هویت مدار بر مبنای ظرفیتهای درونی با تولید و نشر محتوا ایجاد جریان بازگشت به خویشتن و بروز جلوه های آن در معماری و شهرسازی روی گردانی از مصالح غیر زمینه گرا و استفاده وسیع از مصالح مالوف منطقه |

| دوره و بازه زمانی آن | دوره چهارم معماری معاصر یزد (۱۳۹۷-۱۳۸۰ ه. ش) | |
|-----------------------------------|---|---|
| عوامل موثر بر دوره | حاکمیت و مدیریت شهری | <ul style="list-style-type: none"> • گسترش فیزیکی وسیع شهرها مبنی بر طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولتی • طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی، ارتباطات و توسعه در دولت‌های سازندگی و اصلاحات • توجه و اهتمام دولت بر موضوع میراث فرهنگی و بافت تاریخی و تهیه طرح‌ها و ضوابط مربوط به آن • احداث یا حمایت از ساخت ساختمان‌های بلند • بهره‌برداری از طرح انتقال آب یزد • نارسایی سازوکارهای مدیریت شهری در ارتباط با ساخت و ساز و برخورد با تخلفات • مداخلات غیرکارشناسی و عدم توجه به پیشنهادها و حرفه‌ای در مدیریت دولتی |
| | مردم و تحولات اجتماعی و اقتصادی | <ul style="list-style-type: none"> • تحول خواهی و نوجوانی ناشی از عصر انفجار اطلاعات و شرایط فرهنگی پس از جنگ • توسعه تجاری و صنعتی و تکنولوژیک جامعه • توسعه کمی طبقه ثروتمند و نقش آن‌ها در گسترش ساخت و ساز و بورس املاک و سنت‌های مبتنی بر تفاخر • مهاجرت وسیع به یزد بر اساس توسعه صنعتی و انتقال آب |
| | حرفه (ساختار، روش و فناوری) | <ul style="list-style-type: none"> • ورود انبوه فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط به بازار کار علی‌رغم افول کیفیت آموزش • تاسیس نظام‌ها و انجمن‌ها و شرکت‌های حرفه‌ای • استفاده وسیع از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای جدید در امر طرح و ساخت و تاثیر آن بر سبک‌های معماری • نقش گروه‌های حرفه‌ای در بازاریابی مصالح و تکنیک‌ها و تغییر ذائقه اجتماعی • انتشار وسیع کتب و مجلات معماری و برگزاری مسابقات معماری و تاثیر آن بر سبک‌های معماری در تمام کشور از جمله یزد |
| ویژگی‌های معماری و شهرسازی دوره | <ul style="list-style-type: none"> • شروع به کار تدریجی انبوه فارغ‌التحصیلان معماری • تأثیر کامپیوتر بر نحوه طراحی و اهمیت طراحی حجم بنا • نفوذ موج تحولات معماری از شهرهای بزرگ و تأثیر مسابقات معماری بر آن • طرح‌های شهری و افزایش جمعیت بلندسازی را در شهر رواج می‌دهد. • ترکیب و تنوع در مصالح • ترکیب و تنوع در فرم‌ها • گسترش وسیع سطوح شهری • تخلف وسیع در ساخت و سازهای این دوره • ایجاد اغتشاش دوچندان در بافت شهر | |
| | گسست‌ها | <ul style="list-style-type: none"> • تشتت ساختارهای کالبدی و فرهنگی ناشی از تغییرات جمعیتی و توسعه کمی سطوح شهری • هرج و مرج در ساخت و ساز محصول وادادگی مدیریت شهری در مقابل تخلفات ناشی از منفعت طلبی سرمایه • افت کیفیت معماری ناشی از افول کیفی آموزش و توسعه کمی نیروها در بازار کار • عدم حراست از مرزهای فکر و بینش جمعی در مقابل الگوهای وارداتی ناشی از فرآیند انفجار اطلاعات • گوناگونی و ناهماهنگی در استفاده از مصالح و فناوری‌های ناشی از رونق و کثرت در بازار مصالح • شیوع سبک‌های معماری گوناگون وارداتی ناشی از رویکردهای مجلات و اینترنت |
| تحلیل دوره بر اساس پیوند با زمینه | پیوند‌ها | <ul style="list-style-type: none"> • ترویج تفکر و گفتگو در مورد پیوندها و گسست‌های زمینه و واکاوی عمیق تر آن با گسترش تولید و محتوا و نشر و مطالعات و رویداد های علمی و فنی • تثبیت و استحکام موضوعات مربوط به میراث فرهنگی در متن جامعه حاصل از فعالیت‌های عمدتاً دولتی در مرمت و احیاء و معرفی و آموزش |

تاسیس سازمان‌ها و نظام‌های صنفی و شرکت‌های حرفه‌ای در این دوره اوج گرفت. استفاده وسیع از سخت‌افزار و نرم‌افزار در تغییر نوع طراحی کاملاً موثر بوده و از حدود سال ۸۰ تأثیرات خودش را به وضوح نشان داده است. توسعه کمی طبقه ثروتمند و نقش آنها در گسترش ساخت و ساز و بورس املاک، ورود انبوه فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط به بازار کار علی‌رغم افول کار و کیفیت آموزش، گسترش نقش گروه‌های حرفه‌ای در بازاریابی و تغییر ذائقه اجتماعی، از مشخصات این دوره است. انتشار کتاب، مجله و برگزاری مسابقات معماری و تاثیر آن بر سبک‌های معماری در تمام کشور را در این دوره شاهدیم و در معماری این دوره تنوع در فرم‌ها و مصالح و ایجاد اغتشاش دوچندان در بافت شهر را شاهد هستیم. تخلفات وسیعی نیز در ساخت و سازها و بلندمرتبه سازی داریم که خود حدیث مفصل است.



دوره زمانی کنونی از سال ۱۳۸۰ تاکنون است. در این دوره از طرف حاکمیت و مدیریت شهری گسترش فیزیکی وسیع شهرها مبتنی بر طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولتی، طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی، ارتباطات و توسعه آن اتفاق افتاده که در دولت‌های سازندگی و اصلاحات منجر به تغییرات اتماعی وسیعی شده است. توجه و اهتمام دولت به موضوع میراث فرهنگی و بافت تاریخی و تهیه طرح‌ها و ضوابط مربوطه در این دوره دیده می‌شود که پیش از این رعایت نشده است مثلاً در دهه چهل ساختمان بانک سپه با حدود ۶ طبقه در کنار امیرچخماق ساخته شده است. تدوین ضوابط و حمایت از ساختمان‌های بلند در این دوره انجام شده است. بهره‌برداری از طرح انتقال آب به یزد، نارسایی ساز و کارهای مدیریت شهری در ارتباط با ساخت و ساز و برخورد با متخلفان بحران امروز ماست. مداخلات غیرکارشناسانه و عدم توجه به توصیه‌های حرفه‌ای در مدیریت دولتی را به صورت مفصل شاهدیم. نمونه آن بیمارستان شهید رهنمون است که لکه ننگی برای معماری یزد است. تحول خواهی و نوجوانی ناشی از عصر انفجار اطلاعات و شرایط فرهنگی پس از جنگ از عوامل موثر این دوره است. توسعه تجاری و صنعتی و تکنولوژیک که مصالح جدید و تنوع مصالح را به دنبال آورد.



کتابخانه وزیری



سازمان تامین اجتماعی



خانه اطلسی



خانه آیت الهی

منبع تصاویر: آرشیو پروژه شناسایی و مستندسازی آثار هم پیوند با زمینه در معماری معاصر یزد



گفتگو:

دمی در حضور پیشکسوتان

سیدمنصور علاقه بند: از همه حضار محترم و پیشکسوتان عزیز که ما را مفتخر و مستفیض کرده اند تشکر می‌کنم. تجربیات و درس‌هایی که در دوران حرفه‌ای خود کسب کرده ایم فتح بابی است که می‌تواند در این نشست مورد گفتگو قرار بگیرد. سوال اصلی ما این است که شما مهندسين محترم که در دهه ۵۰ به محیط حرفه‌ای شهری ورود پیدا کرده اید در آن موقع با چه موانع و ظرفیت‌هایی روبرو بودید؟ چه چیزهایی در این زمینه مانع شما بوده اند و یا بالعکس چه چیزهایی به شما کمک می‌کرد و فکر می‌کنید چگونه با موانع برخورد کردید؟ همچنین تجربیات دیگری را که صلاح می‌دانید اشاره فرمایید.



به ترتیب از راست به چپ: مهندس جلالیان، مهندس جلیلیان، مهندس مسعودی، مهندس حماسی

مهندس جلالیان

ضمن عرض سلام خدمت شما بنده در دهه پنجاه وارد این حرفه شدم. مسئله‌ای را که می‌خواهم بگویم، برخورد تحصیل کرده‌ها و معماران دانشگاه رفته با معماران سنتی فعال است و موضوع به جایی کشیده شده بود که یک حالت تعارض بین این دو گروه وجود داشت. جالب است بگویم که بنده بر حسب تصادف به یک معمار سنتی برخورددم که به دلایلی در پروژه‌ای به همدیگر متصل شدیم. بنده خیلی چیزها از وی آموختم و به اعتراف خودش او هم از بنده چیزهایی را یاد گرفت. او از من بزرگتر بود و باعث شد که در طول مدت کاری که انجام می‌دادم شاید با پنج یا شش نفر دیگر از اساتید سالخورده معماری سنتی حشر و نشر پیدا کنم و درس آموزم.

اواخر سال ۶۸ بود که در تهران به من پیشنهاد شد تا یک بنای مسکونی رضاشاهی را تبدیل به یک مرکز پزشکی کنیم تا در آنجا ام‌آر‌آی نصب کنند. این دستگاه ام‌آر‌آی وزن بسیار سنگینی داشت و نمی‌شد آن را روی سقف گذاشت. باید داخل زیرزمین ساختمان قرار می‌گرفت. آن ساختمان پی‌هایی داشت که شامل چند ردیف خشت و آجر بود و ما مجبور بودیم سه تا از این پی‌ها و دیوارها را برداریم و تبدیل به یک سالن بزرگ کنیم تا ام‌آر‌آی را بتوان در آن جای داد. در آن موقع حذف این ستون‌ها و دیوارها برای من بسیار دشوار بود.

پس از مشاوره با یک معمار سنتی سرانجام کار انجام شد و هنوز آن دستگاه ام‌آر‌آی در حال کار می‌باشد. این در حالی بود که در طبقه‌های بالا زندگی و کار انجام می‌شد و در طبقه پایین ما درگیر اصلاح ساختمان بودیم. خوشبختانه هیچ ترکی روی دیوارها و حتی کاشی و سرامیک زیرزمین اتفاق نیفتاد و به مشکلی بر نخورد. مسئله تعارض بین معماران قدیم و جدید هنوز هم گاه در بین تحصیل کرده‌های قدیمی و جدید دیده می‌شود. یادم هست در آن زمان که تازه تیرچه بلوک رونق می‌یافت، معماران سنتی با زدن سقف‌های تیرچه بلوک مخالف بودند و می‌گفتند با آب و هوای یزد هماهنگی ندارد در صورتی که این اقدام فقط کار نشده بود و در مقابل تغییر مقاومت نشان داده می‌شد. همچنین در مورد استفاده از انواع سنگ در ساختمان پیش از این صرفاً از سنگهای تیشه‌ای استفاده می‌کردند اما ما اراده کردیم که سنگ سفید و تراورتن استفاده کنیم که کم‌کم این اقدام جنبه عمومی پیدا کرد. به نظر من در طرح تفصیلی نباید معماران و هنر معماری محدود شود. شما به یک هنرمند اجازه بدهید و به او خط مشی را آموزش دهید ولی در جزئیات اجازه بدهید خودش آنگونه که سلیقه دارد عمل کند.

مهندس جلیلیان

من برای مدتی خارج از کشور بودم. در سال ۶۲ به ایران برگشتم و از همان موقع کار را در بنیاد مسکن شروع کردم. در سال ۶۸ زمانی که از بنیاد بیرون آمدم بصورت امانی با مسکن و شهرسازی همکاری‌هایی را داشتم. خاطرم می‌آید که موضوع طرح آماده سازی در کشور تازه مطرح شده بود و قرار بود برای اولین بار طرح آماده سازی ۲۷ هکتار اراضی در بخش دهم امام شهر توسط اداره مسکن و شهرسازی انجام شود. بنده به عنوان معمار در کنار آقای مهندس فلاحتیان و دکتر نورمحمدزاده و دکتر صالحی این کار را در قالب یک دفتر شروع کردیم. آن موقع روی ابعاد زمین و جهت ساخت و اینکه کاری جدید ارائه شود، ما موضوع دو جهت ساخت را مطرح کردیم و ابعاد زمین را تغییر دادیم به نحوی که ابعاد زمین به صورت ۱۴ در ۱۷ مشخص شد و نتیجه بسیار موفق بود تا زمانی که روی کاغذ به صورت طرح بود. ولی متأسفانه در زمانی که اجرا شد شهرداری آن ریزه کاری‌هایی که باید انجام می‌داد انجام نداد و به هر حال اجرا، آن گونه که باید و شاید خوب در نیامد. خاطرم هست که در یک زمین در سیلو به عنوان آماده سازی از همان طرح استفاده شد و موفق بود. اینکه یک طرح به نتیجه برسد، بخش مهم آن به معمار برمی‌گردد. ولی این کافی نیست و لازم است خیلی از فاکتورهای دیگر در کنار آن در نظر گرفته شود. ادارات، ارگانها و مسئولین می‌توانند کمک موثری به موفقیت داشته باشند. یک مهندس معمار با سابقه کم و یا زیاد طرحی را تهیه می‌کند اما مهم آن است که این

وقتی ضوابط زیاد باشد خلاقیت در معماری از بین می‌رود. معمار باید چیزی را خلق کند و وقتی می‌گویند که چیزی را که طراحی می‌کند باید ابعاد و مشخصه‌های آن این گونه باشد و همه چیز به معمار دیکته می‌شود، دیگر خلاقیت جایی ندارد

طرح در کجا بررسی و تایید یا رد شود. برای اینکه این اثر را جبران کنیم نباید فقط ضوابط بدهیم وقتی ضوابط زیاد باشد خلاقیت در معماری از بین می‌رود. معمار باید چیزی را خلق کند. وقتی می‌گویند که چیزی را که طراحی می‌کند باید ابعاد و مشخصه های آن این گونه باشد و همه چیز به معمار دیکته می‌شود، دیگر خلاقیت جایی ندارد. به نظر بنده معمار کارش این است که در طراحی ها مسائل را حل کند .هر معمار با نظر خودش مسائل را حل می‌کند و بعضی ها نیز ممکن است موفق نباشند. نکته اصلی آن است که معمار باید خلاق و عاشق باشد اگر عاشق معماری نباشد موفق نخواهد بود .

در دهه ۶۰ و تا حدودی در دهه هفتاد قرارداد های بنده طوری بود که باید ۶ یا ۷ نسخه از طرح را تحویل می‌دادم. قراردادها به قدری از نظر مبلغ ناچیز بود که مجبور بودم نقشه اصلی را هم تحویل بدهم و با این علاقه و همین وضعیت مالی، سبب شد که هیچ درآمد و نفع مالی نصیب من نشود و متاسفانه الان افسوس می‌خورم که بایگانی درست و حسابی نیز ندارم چون نقشه های اصلی را نیز تحویل داده ام. انشالله روزی برسد که کسی که روی طرح معمار بررسی می‌کند آموزش دیده باشد و دست ما را تا حدودی باز بگذارد.

مهندس مسعودی

درباره مسئله خلاقیت در معماری باید بگویم خلق یک اثر به معنای آن است که یک سیر کامل از جز به کل داشته باشیم. یعنی یکسری اجزا جمع شوند و پل هایی را به وجود آورند و این پل‌ها به صورت اجزا بار دیگر پل های جدیدی را ایجاد کنند. در این روند ترکیبی خلاقیت صورت می‌گیرد. ما باید از اجزای دم دست اعم از مصالح و چیزهای دیگر و شاید بتوانیم ترکیبات خلاقانه ای را به وجود بیاوریم که نام آن را معماری می‌گذاریم. پراکندگی و عدم کیفیتی که در آثار معماری معاصر به چشم می‌خورد از نظر بنده دلایل متعددی دارد که می‌توان در دو بخش خلاصه کرد، بخشی به جامعه و بخشی دیگر به معماران برمی‌گردد. درباره بخشی که مربوط به جامعه است، معماری هر شهر و هر جریانی آینه ارتباطات اجتماعی آن جامعه می‌باشد. اگر می‌بینید آشفتنگی در جامعه وجود دارد، چشم و هم چشمی دیده می‌شود، همه به سر و کله هم می‌زنند، کلاه سرهم می‌گذارند و با هم رقابت ناسالم می‌کنند ماحصل این وضعیت در معماری ما نیز دیده می‌شود و معماری چیزی شبیه آن می‌گردد. همه ما به دنبال کمیت هستیم. در دانشکده مبنای ایجاد کیفیت در ساختمان را می‌خوانیم ولی در کارهای خودمان آن را عملی نمی‌کنیم. ساختمان های ماندگار چه مبنای می‌توانند داشته باشند که ماندگار شده اند و چهار صد سال دیگر نیز آیندگان می‌توانند به آن افتخار کنند.

چه بسا ما بتوانیم ارتباطات خودمان را به صورت مجازی قوی کنیم و بتوانیم شرکتی را با ۵-۶ نفر راه بیندازیم ولی نزدیک به ۱۵۰ نفر جوان در رشته های مختلف با ما همکاری داشته باشند و به راحتی تلفن بتوانیم آنها را در اختیار بگیریم

شخصی می‌آید که یک ساختمان را با ۵۰ هزار متر مربع زیربنا برای او طراحی کنیم. می‌گوید من می‌خواهم با شخص قرارداد ببندم و مشاور نمی‌خواهم. چون گرانتر در می‌آید. چه کار می‌توان کرد؟ این یک مشکل

ساختاری است و باید جای دیگر حل شود و خیلی در دست ما نیست و باید اقرار کنیم که بخشی از آن هم البته از طرف معماران است. این نیست که ما کاملا بی تقصیر باشیم. ما همه جدا و فارغ از همدیگر و بدون ارتباط با هم یکسری کارها را انجام می‌دهیم. قبلا سعی می‌شد که شرکتی تاسیس شود و از رشته های مختلف افراد جوان و پیر با یکدیگر متصل شوند و با یک کار گروهی، فعالیت معمارانه داشته باشند و در رشته های مختلف و یا حتی با توانایی های مختلف کار به انجام برسد. اما حالا می‌گوییم اگر ما ارتباط مان قوی باشد به صورت مجازی می‌توانیم از خدمات دیگر یکدیگر استفاده کنیم. یعنی بنده به عنوان یک معمار ۱۸۰ نفر یا صد نفر با من همکاری داشته باشند آنها کار خودشان را انجام می‌دهند و در موقع نیاز من به راحتی در قالب یک ساختار از خدمات آنان و مشاوره آنها استفاده می‌کنم و آنها هم می‌توانند از مشاوره من استفاده کنند. دیگر نیازی نیست که شرکت ثبت بدهیم و گرفتاری‌هایی که برای شرکت‌ها وجود دارد تحمل کنیم. چه بسا ما بتوانیم ارتباطات خودمان را به صورت مجازی قوی کنیم و بتوانیم شرکتی را با ۵-۶ نفر راه بیندازیم ولی نزدیک به ۱۵۰ نفر جوان در رشته های مختلف با ما همکاری داشته باشند. به راحتی با تلفن بتوانیم آنها را در اختیار بگیریم و وقتی پروژه تمام شد دوباره آنان به فعالیت قبلی خود باز خواهند گشت.

مهندس حماسی

باتوجه به حرف های آقای مهندس علاقه‌بند که گفتند برای معماری یزد از ۹۳ سال پیش تا الان چه اتفاقاتی افتاده است، باید عرض کنم که چقدر خوب است ما از اینها سرمشق بگیریم و چیزهای تازه بیاموزیم. اگر اجازه بدهید برگردیم به سال ۱۳۰۵ و قبل از آن که اگر کسی می‌خواست خانه‌ای بسازد واقعاً به آن معمار سنتی ایمان داشت و می‌گفت: فلانی خانه را خوب می‌سازد. این معمار شاید سواد نداشت و شاید نقشه نداشت ولی علم شهرسازی را خوب می‌دانست. هوشناسی را خوب می‌فهمید و جهت باد را می‌دانست. یزد یک شهر مذهبی است و خانه‌ها را طوری می‌ساختند که حتما قبله در آن رعایت شود و زندگی و مسائل آن پاسخ داده می‌شد و ساکنان به همراه چهار فصل می‌چرخید و چقدر تنوع بود و چقدر راحت بودند.

در کنار در ورودی منازل سکوهایی بود که اگر خسته می‌شدند می‌نشستند و درد دل هایشان را با هم می‌گفتند و خبرها را به هم انتقال می‌دادند. از آن موقع به جایی رسیدیم که به قول مهندس علاقه بند اجر و آهن پیدا شد و نقشه‌هایی که نمی‌دانیم برخی از آنها از کجا آمد؟

آن موقع که ما دانشجو بودیم یک هال مرکزی را می‌گذاشتند وسط و دور تا دور آنرا اتاق و سرویس و پاسیو می‌گذاشتند و خیلی هم خوب بود و این برایشان



به ترتیب از راست به چپ: مهندس قریشی، مهندس صادقیان، مهندس امیری اردکانی، دکتر اولیاء، مهندس جانفدا

ملاک شده بود. اما بعد معماران آمدند و آن را عوض کردند و اندرونی و بیرونی گذاشتند و راحت کردند. الان هم گاهی که دانشجویان به دفتر ما می‌آیند فضاها را به صورت پازل کنار هم می‌چینند و من از آنها کار یاد می‌گیرم .

از بلوار مدرس عبور می‌کردم که دیدم آن دودکش چگونه در قدیم بدون این که دسترسی به دوربین و یا بالابری باشد ساخته شده است. این ساختمان چگونه شاقول شده است که مرکز است . سازنده آن را پیدا کردم و همه این شیوه‌ها را برای من تعریف کرد که چگونه ساخته شده است و بنده نشستم و با حوصله حرف‌هایش را گوش کردم و لذت بردم. حالا به این زندگی جدید رسیده ایم که در خانه‌ها یک بخش برای زندگی خصوصی است که اندرونی نامیده می‌شود، یک قسمت عمومی که پذیرایی است. اما مسئله دیگری وجود دارد و آن نمای ساختمان هاست. بیرون از خانه‌نمایی ساخته می‌شود که خوشبختانه آقای مهندس فرهنگد محبت کردند و گفتند که اگر کسی کلاسیک بسازد آن را خراب می‌کنند و این کلاسیک ساختن سنگها را روی هم گذاشتن است که بنده خود شاهد بودم یکی از سنگ‌ها جدا شده و خوشبختانه به سر کسی نیفتاد. خواهشمندم یک گروهی از طرف نظام مهندسی مامور شوند و با معمارانی که اینگونه طراحی می‌کنند گفتگو کنند و آن‌ها را از این کار باز دارند. نمای ساختمان‌ها در شهر ما نباید اینگونه باشد و من خجالت می‌کشم که با این شهرت جهانی، خیابان‌ها و نمای ساختمان‌ها به این گونه است. شهر ما و نما‌ها باید در نظام مهندسی ساختمان کنترل شود و مهندس ناظر معماری موظف باشد که اگر خلاف طراحی عمل شده گزارش کند.

نمایی که در نظام مهندسی تایید شود مطابق مقررات است و نباید چیز دیگری خلاف نقشه پیاده شود.

مهندس علی صادقیان

خدمت همه عزیزان همکار درود می‌فرستم و از انجمن معماری و سازمان نظام مهندسی ساختمان که این برنامه را تدارک دیدند تشکر می‌کنم. خدا می‌داند ما در طول مدتی که مشغول کار هستیم هر راه و هر کاری توانستیم انجام داده ایم که این انجمن معماری و این دفاتر سر و سامان بگیرد و آرزوی ما این بود که این اتفاق بیفتد .

اما مشکل ما در این شهر، شهرداری است. خدمت شما عرض می‌کنم که هر طرحی می‌زنیم که می‌خواهیم نوآوری و تازگی داشته باشد، بعضی از بررسی کنندگان متوجه نمی‌شوند و باید چند بار برویم و برگردیم و بگوییم به این دلیل ما این کار را انجام داده‌ایم. مورد دوم نظام مهندسی است

که آنها هم این مشکلات را برای ما به وجود می‌آورند. انشالله بتوانیم کارمان را انجام بدهیم و التماس نکنیم که ناظر پیدا شود و التماس نکنیم که طراح پیدا کنیم . چراکه این امضا فروشی است

ریاست محترم سازمان قول داده‌اند که این کار را انجام بدهند و به همین دلیل ما پیروی و اطاعت کرده ایم. از ایشان خواهش می‌کنیم این مشکلات نظام مهندسی را برطرف کنند.

باید مهندسین رشته های مختلف کنار هم بنشینند و با هم کار کنند و نقشه را با هم به اتمام برسانند. نه این که به عنوان مثال بنده یک نقشه معماری بدهم. مهندس عمران هر کاری می‌خواهد انجام دهد و بعد هر دوی ما با کارفرما درگیر شویم.

آقای دکتر گفتند که ما ۳۴۰ رشته شغلی وابسته به معماری داریم. اما خدا رحمت کند مرحوم مهندس مویدعلایی در آن زمان می‌گفتند معماری و ساختمان ۳ هزار شغل وابسته دارد. همچنین خوب است از استاد پیرنیا یاد کنیم که بر گردن ما حق زیادی دارند و ما هر چه یاد گرفته ایم از ایشان بوده است ما هم باید سعی کنیم به همان شکل عمل کنیم. باید سعی کنیم با معماران قدیمی همنشینی داشته باشیم و اگر چیزی می‌دانند از آنها یاد بگیریم. ولی متاسفانه امروز استادکاران و بنایان ما آن چیزی که باید بدانند نمی‌دانند . ما یک مقدار پله را کج می‌کنیم یا گرد می‌کنیم می‌گویند ما نمی‌توانیم اجرا کنیم . نقشه مهندس صادقیان مشکل است و این پله نمی‌تواند به این شکل اجرا شود. لطف کنید برای معماران هم یک کلاس آموزشی بگذارید. ما وقتی که دفاتر مهندسی را راه انداختیم برای معماران سنتی جلسه گذاشتیم و برنامه داشتیم. خواهش می‌کردیم که بیایند یاد بگیرند و الان هم هیچ مشکلی ندارد. سازمان می‌تواند معماران را جمع کند و برای

معماران سنتی کلاس بگذارد. متاسفانه هنوز مجریان نیز کار یاد نگرفته اند و نمی توانند خوب کار کنند. اما گفته اید هر ساختمان بالای ۲۰۰۰ متر باید مجری داشته باشد. ابتدا بگویید به مجری چه چیزی یاد داده اید و چه کار باید بکند؟ به همین دلیل است که مجری سهمش را می‌فروشد و می‌گوید اینقدر به من بدهید و این کار را خودتان انجام دهید.

مشکل دیگر ما تفکیکی های گذشته است. هر کسی به اداره ثبت می رفت و نقشه زمین را می برد و می گفت مثلا پنج هزار متر زمین دارم و می خواهم آن را تفکیک کنم، کارمند ثبت بلافاصله آن را تفکیک می کرد و هیچ دقتی نمی کرد. نتیجه این شده است که امروز در شهر یک ساختمان رو به قبله و ساختمان کنار آن رو به شمال می باشد. این ناهماهنگی که در یزد به وجود آمده یکی از دلایل آن همین شیوه تفکیک است.

مورد دیگری که سعی کردم به خاطر داشته باشم آموزش و هماهنگی های میان معمار، کارفرما و مهندس ناظر است. باید مهندسين رشته های مختلف کنار هم بنشینند و با هم کار کنند و نقشه را با هم به اتمام برسانند. نه این که به عنوان مثال بنده یک نقشه معماری بدهم. مهندس عمران هر کاری می خواهد انجام دهد و بعد هر دوی ما با کارفرما درگیر شویم.

امیدوارم که دفاترمهندسی واقعی شود و مهندسين متخصص رشته‌های مختلف با هم بنشینند و مشکلاتشان را حل کنند.

مهندس قریشی

در سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان یزد و دفتر فنی استانداری حدود ۱۳ سال کار کرده ام و ۵ سال نیز سابقه تدریس دارم. بعد از آن مدتی مشاور بانکها و مسکن و شهرسازی بوده ام و در یزد کارهای زیادی انجام داده ام. روی سخن من با جوانان است. خواهش می کنم هیچ موقع اتود را زمین نگذارید و همیشه کاغذ پوستی و اتود را به همراه داشته باشید. شاید کار اول یا دوم و حتی کار دهم خوب نباشد. حوصله به خرج دهید .آقای حاج حسینعلی معمار که معمار مسجد جامع یزد بود می گفت: معمار نباید خسته بشود و باید حوصله به خرج بدهد. دیگر سخنی ندارم. نظرات من با آقای مهندس صادقیان تقریبا یکسان است.

مهندس امیری اردکانی

آنچه می خواهم بگویم این است که ما معماران نباید فقط حرف بزнім بلکه کار ما باید حرف بزند. این را جدی می گویم. همه می آیند و از کارشان تعریف می کنند و مخاطبان را اغفال می کنند. ما مقصر هستیم چون معماری را نفهمیدیم. من می خواهم خودم را مقصر کنم. معماری بازتاب جهان بینی یک جامعه است. ریشه در فرهنگ دارد . مرد خردمند می‌خواهد . اشاره می کنم به شعر فردوسی که میگوید به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد؛ معمار مقام والای خرد را می خواهد. جای دیگر فردوسی می گوید: توانا بود هر که دانا بود زدانش دل پیر برنا بود. دانش فرق می کند. معماری آموختنی نیست. معماری خرد است. معماری دانش نیست که دانشجو آن را کسب کند. معماری یک خرد جمعی است. خواهشی که دارم ویژگی های شهر یزد را بررسی کنیم و بینیم شرایط آن چیست و چه روندی را طی می کند؟ آیا همین روند در نایین یا هر شهر دیگر اتفاق افتاده است؟ شما نمی توانید یزد را ایزوله کنید. معمار کسی است که جامعه شناسی بداند. باور مردم،

فرهنگ مردم، و مذهب مردم را بدانند به دانش شعر آشنا باشد. ادبیات بدانند. نه اینکه به محض رفتن به دانشکده و گرفتن مدرک بگوید من معمار هستم . دکتر فلامکی یک دانشجوی طرح بافت قدیم گرفته بود که دو سال نزد او می آمد و می رفت. سرانجام دکتر به او گفت باید بروی و یک سال در آن شهر زندگی کنی و بعد بیایی و طرح بدهی.

ما باید مدام با مردم باشیم و نفس مردم را حس کنیم، مشکلات شان و باورهایشان را ببینیم و همه اینها را وقتی فهمیدیم دقیقا متوجه می‌شویم که انتقاد به خود ما معماران است.

ما گوهری داریم که اگر از دست بدهیم خائن هستیم. اینها هزینه دارد و همه جا معماری یک خرد جمعی می‌خواهد. یعنی معمار باید همه چیز را کنار بگذارد، خالص شود و خردمند باشد و با رفتن دانشکده و خواندن و مدرک گرفتن به سوی کمال حرکت کند. ما باید مدام با مردم باشیم و نفس مردم را حس کنیم، مشکلات شان و باورهایشان را ببینیم و همه اینها را وقتی فهمیدیم دقیقا متوجه می‌شویم که انتقاد به خود ما معماران است.

دکتر محمدرضا اولیا

فکر می‌کنم که فقط می‌توانم روی فهرست موارد بخوانم چون مجال پرداختن به انها نیست. اخیراً مقاله‌ای منتشر شده است به نام «چینه» درباره چینه شناسی.

از این تصاویری که مهندس علاقه‌بند به خوبی انتخاب کردند و کنار هم قرار داده بودند به راحتی می توان فهمید چه وصله ناجوری امروز بر پیکره شهر چسبانده می شود.

دلایل زیاد و در هم تنیده ای دارد که فکر می‌کنم لازم باشد یک بار دیگر درباره معنای لغت معماری و درباره معنای مهندسی تامل کنیم.

آن چیزی که احساس می‌کنم یک مقدار جای آن خالی است این است که بین سرگذشت معماری این مملکت و سرنوشت آن رابطه برقرار نیست. این گسست که در نمود و نمای ساخت و سازها خودش را نشان می دهد علامت شکاف ذهنی بین معماران دیروز و سازندگان امروز می باشد. بنابر این ریشه قضیه جنبه نظری دارد. من از آن جنبه هایی که عزیزان به ان پرداختند احساس می کنم که علایم یک بیماری نیست و آن بیماری یک چیز دیگری می باشد. بنده یک بار در استفاده نادرست از مصالح یا در جهت گیری بنا صحبت می کنم. مثل طبیب که باید نبض را بگیرد و رنگ چهره را ببیند و از علائم ظاهری پی ببرد بیماری از درون در چه وضعیتی

است؟

ما علائم را با خود آن بیماری نباید اشتباه بگیریم. چه بسا ممکن است با یک پمادی این علایم بیماری از بین برود ولی خود بیماری به قوت خودش باقی باشد. بنده می‌خواهم خدمتتان عرض کنم که اگر قبول کنیم که اساس معماری اندیشه است. جایگاه اندیشه در شکل گیری معماری چیست؟ چه نسبتی وجود دارد بین هزینه ای که ما می پردازیم برای مصالح و مواد ساختمانی و مصرف تفکر؟

وقتی از نظام مهندسی صحبت می شود خیلی فکر کردم که بینم این نظام مهندسی ما چه نسبتی با نظام خلقت دارد؟ اساساً نسبتی با نظام خلقت دارد یا ندارد اگر داشته باشد ،احکام معماری جنبه انشایی به خودش می‌گیرد و اگر نداشته باشد جنبه املایی به خودش می گیرد و اصلا داستان عوض می شود.

گرفتاری ما در فقر مبانی نظری استوار است و پیروی به طور مشخص از الگوها و روش‌هایی که از جاهای دیگری وارد کرده ایم بدون آن که سختیتی با آنها نسبت به زمینه و زمانه خودمان داشته باشیم.

مجزه ای که صورت گرفت این بود که ما در جو مدرن و در جبر مدرن از معماری سنتی سخن گفتیم کوشش هایی که صورت گرفت به هر حال درصد خفیفی از موفقیت حاصل شد اما آن کسانی که در این مدرسه به تحصیل پرداختند کسانی شدند که خودشان در جاهای دیگر کشور منشاء تحولات چشمگیری بودند.

مجزه ای که صورت گرفت این بود که ما در جو مدرن و در جبر مدرن از معماری سنتی سخن گفتیم کوشش هایی که صورت گرفت به هر حال درصد خفیفی از موفقیت حاصل شد اما آن کسانی که در این مدرسه به تحصیل پرداختند کسانی شدند که خودشان در جاهای دیگر کشور منشاء تحولات چشمگیری بودند.

من یک نمونه آن را بگویم اگر بررسی کنید که لغت هایی را که ما وارد کردیم و در مدارس معماری رایج است چه هستند و بعد یک پرس و جوهایی با هم بکنیم می‌بینیم که آیا فهم ما از معنای این لغاتی که وارد کرده ایم همسان است یا همسان نیست؟ به جرأت می‌توانم بگویم که مایه شرمندگی است که نشان می‌دهد نظام دانشگاهی ما متأثر است از تفکر کلیشه‌ای است بدون اینکه حتی به سطوح خیلی رویین آن توجه شود.

حاصل ماجرا این شده است که ارزش هایی را که در متن معماری بوده است نوعا به فراموشی سپرده شده است .

احساس می‌کنم اگر این روند ادامه پیدا کند حداقل برای یزدباید فاتحه یزد را خواند .نگرانی بنده این است که اگر آن گسست فرهنگی را داشته باشیم نیاز به ترمیم این گسست ذهنی داریم .

بنابراین در ۴۰ سال گذشته هم وغم خود را صرف کار بر روی اصطلاحات معماری سنتی به خصوص در یزد کرده ام. اندیشه تاسیس مدرسه ای در این خطه که بتواند به این موضوعات مهم بپردازد از جمله این اقدامات بود، هرچند که سازمان مدرن آموزشی جایی برای طرح این مباحث را نداشت به عبارتی معجزه ای که صورت گرفت این بود که در جو مدرن و در جبر مدرن ما از معماری سنتی سخن گفتیم کوشش هایی که صورت گرفت به هرحال درصد خفیفی از موفقیت حاصل شد خوشختانه آن کسانی که در این مدرسه به تحصیل پرداختند کسانی شدند که خودشان در جاهای دیگر کشور منشاء تحولات چشمگیری بودند. مدرسه معماری یزد نقطه عطفی در تاریخ معماری ایران است.

مهندس جانفدا

ما در سال ۵۵ یزد آمدم و رفتیم دفتر فنی استانداری که آقای مهندس صادقیان تشریف داشتند. چند ماهی کار کردیم و دیدیم با استانداری آن زمان نمی‌توانیم کار کنیم .ما ضعیف هستیم و باید برویم و آنها باشند و رها کردیم و رفتیم.

آجر سه پارامتر مهم و مصرفی دارد یکی بحث میزان انرژی است یکی بحث آب است و یکی بحث خاک می باشد ما هر سه را باید صرف کنیم تا آن را بسازیم.

بعد هم بنده یک مهندس معمار و هنرمند مثل این آقایان نشدم و نتوانستم ان دانش های هنری که آقایان دارند را کسب کنم .خوب ، اسپانسر اینجا تولید کننده

آجر است و طبعاً نباید اینگونه بگویم ولی خود همین آجر سه پارامتر مهم و مصرفی دارد یکی بحث میزان انرژی است یکی بحث آب است و دیگری بحث خاک می باشد ما هر سه را باید صرف کنیم تا آن را بسازیم. این را یادمان نرود که انسان ها کلا آدم های مادی هستند و این در وجود ما است و ما باید کارهایی انجام بدهیم که ارزان در آید و با تکنولوژی روز سازگار باشد.

این را یادمان نرود که انسان ها کلا آدم های مادی هستند و این در وجود ما است و ما باید کارهایی انجام بدهیم که ارزان در آید و با تکنولوژی روز سازگار باشد.

بنده یکی از کارهایی که انجام دادم در طرح کپر زدایی

استان کرمان و سیستان و بلوچستان واحدهایی را با سازه های ال اس اف از ساخت دستگاه تا تولید و نظارت بر آن انجام دادم و حدود ۳ هزار واحد را بالاخره به انجام رساندم . سازه جدید که ال اس اف در مشهد و در شهرک گلپهار ۴۶۹ واحد را طراحی کردیم در یزد قطعات راساختیم و بردیم آنجا و نصب کردیم و الان موجود است و ساختمان آنها تحویل داده شده است. بنابراین حتی در مورد همین آجر خوشبختانه دیدم این شرکت تولید کرده و معایبی داشت که باید رفع شود و بالاخره ما می خواهیم نما را آجرکنیم و سفال کنیم چه چیزی بهتر از این است که هم گیرایی دارد وهم خوب است وهم مصالح جدید است.

مقدمه ای بر مصاحبه های انجام شده با مهندسان معمار پیشکسوت یزد



مهندس احسان نوری

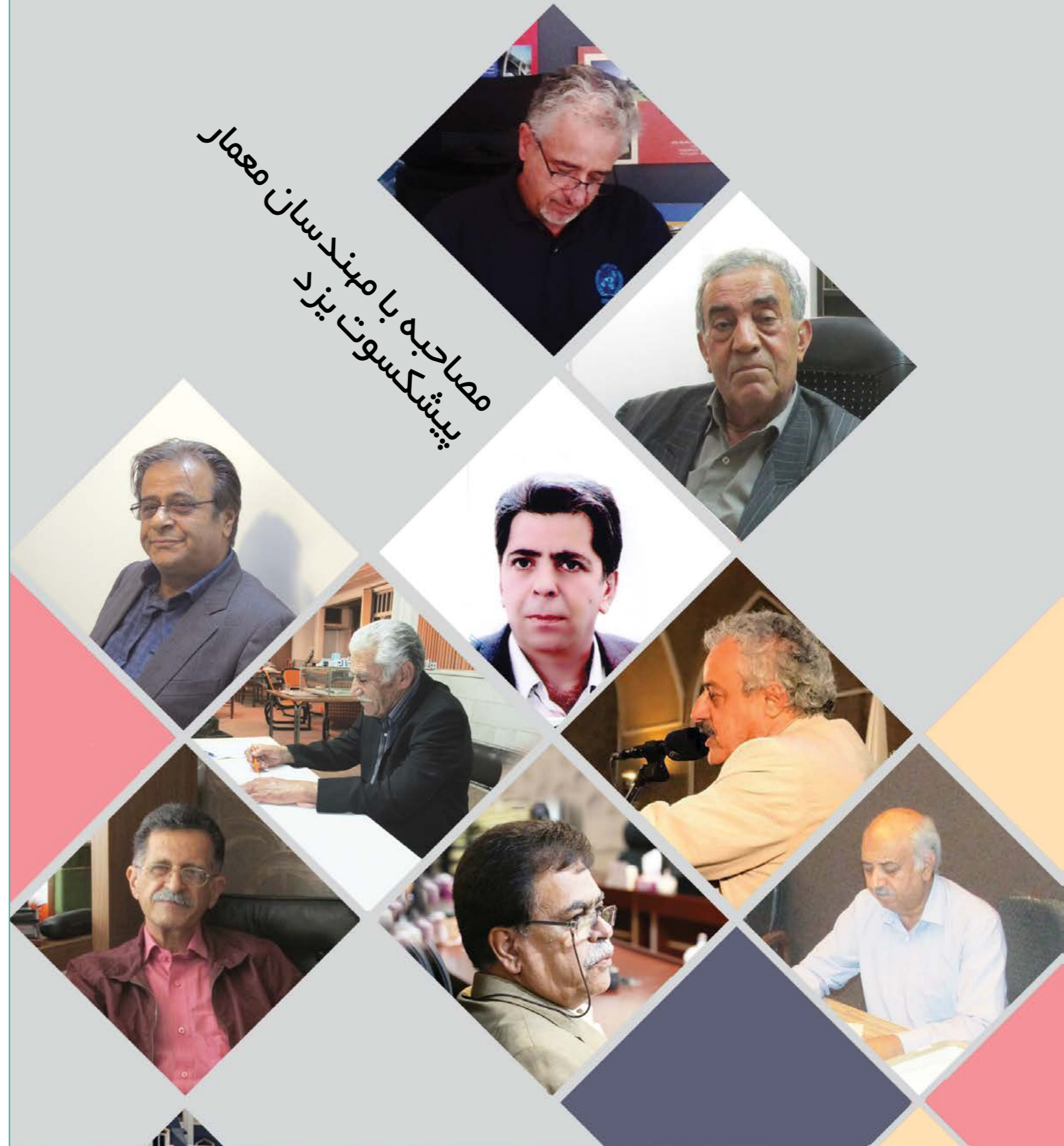
آن چیز که امروز به عنوان چهره شهر می بینیم دست آورد عوامل مختلفی است که خوب یا بد تعاملی بوده میان مردم، مسئولین و متخصصین. این چهره فارغ از آن که در زمانه ای نه چندان دور از یک معماری بسیار غنی سرچشمه می گرفته است و صدها سال بر یک الگو پیش رفته، در زمانی با تغییر تفکر حاکمان و پیشرفت علم و کوچک تر شدن مرزها دچار دگرگونی شد و کم کم در جامعه عمومیت یافت. این روند با شکل گیری دانشکده های معماری در دنیا و پرورش مهندسان معمار رنگ و روی تازه ای به خود گرفت. این افراد با درک علوم روز و در جستجوی نیازهای جامعه دست به تغییراتی در ساختار ساخت و سازهای آشفته و بعضا کم کیفیت آن دوره زدند و شروعی بر شکل گیری مجدد شهرهای ما شدند.

با توجه به این مهم انجمن صنفی مهندسان معمار یزد که وظیفه اصلی خود را کیفیت بخشی به ساخت و سازها و اعتلاء جایگاه حرفه معماری می داند، در پی بازشناسی ریشه های این تغییرات و بررسی عوامل موثر بر آن و همچنین انتقال تجربیات مهندسان معمار پیشکسوت استان یزد اقدام به انجام سلسله مصاحبه هایی با آنان نمود. ملاک انتخاب این مهندسان ورود به دانشگاه در رشته معماری قبل از سال ۱۳۵۷ بوده است که انجمن توانست قریب به ۱۸ نفر را شناسایی نماید متأسفانه ۴ نفر از آنها - آقایان مهندس مویدعلایی، عرب شاهی، اخوان تفتی و علوی راد - در قید حیات نبودند. اسامی دیگر پیشکسوتان به ترتیب الفبا به شرح ذیل می باشد:

مهندس امیری اردکانی، دکتر اولیا، دکتر آیت اللهی، مهندس جانفدا، مهندس جلالیان، مهندس جلیلیان، مهندس حماسی، مهندس زارع، مهندس شاه حسینی، مهندس فهیمی هنزایی، مهندس قریشی، مهندس صادقیان، مهندس مسعودی و دکتر یزدانفر

پس از تماس با این افراد اینجانب موفق به انجام مصاحبه با ۸ نفر از آنان تا کنون شده ام که خلاصه ای از آن در ادامه خواهد آمد. این مصاحبه ها در قالب چند سوال مشخص در پی بیان اجمالی از زندگی نامه، سوابق حرفه ای و تجربیات این افراد بوده است. امید است در فرصت های پیش رو بتوانیم با بقیه این افراد نیز مصاحبه داشته باشیم و در شماره های بعدی این مجله به چاپ رسانیم. همچنین جهت دریافت فایل تصویری یا صوتی مصاحبه ها می توانید به دبیرخانه انجمن صنفی مراجعه فرمایید.

مصاحبه با مهندسان معمار
پیشکسوت یزد





مصاحبه با مهندس سیدولی قریشی

دکتر سیدولی قریشی در حال سخنرانی در کلاس درس

لطفاً خودتان را بصورت کامل معرفی نمایید؟
متولد ۱۳۲۲ هستم. در سال ۱۳۴۲ دیپلمم را از هنرستان فنی یزد گرفتم و پس از آن استخدام آموزش و پرورش شدم و البته قبل از آن دوره سربازی را گذرانده بودم. در همان سال هایی که در آموزش و پرورش بودم، از تهران فوق دیپلم ساختمان گرفتم و در سال ۱۳۴۸ هم به دانشگاه علمی دانشکده علم و صنعت رفتم. همزمان در یک شرکت ساختمانی کار می کردم و شبانه درس می خواندم. سال ۱۳۵۶ هم در مقطع لیسانس فارغ التحصیل شدم. چون شبانه درس می خواندم زمان زیادی سپری شد. پس از آن به یزد آمدم چون خانواده یزد بودند و در سازمان نوسازی مدارس مشغول به کار شدم. ۱۰ سال تمام در مدارس استان، سالن های ورزشی و ادارات مشغول به کار بودم و بعد از ۱۰ سال یعنی حدود سال۱۳۶۶ برای تدریس به آموزش و پرورش برگشتم و مشاور مدیرکل در امور ساختمانی شدم.در سال ۱۳۷۱ بازنشسته شدم و باز هم به صورت مشاور حقیقی فعالیت می کردم. از سال ۱۳۷۱ تاکنون طراحی های زیادی انجام دادم. مشاوره بانک های صادرات،تجارت و ملی بوده ام.در آن ده سالی هم که در سازمان نوسازی بودم طراحی های بسیاری کردم که تعداد دقیق آنها را ندارم. معمولاً طراحی های کاروانسرای طراحی های حیاط مرکزی و برای زمینهایی که خانه ها و بناها را برای تبدیل شدن به مدرسه خراب می‌کردند یا خیرین واگذار می کردند طراحی می کردم. مثل مدرسه ای نزدیک به مسجد جامع یا مدرسه ای پشت بیمارستان فرخی و جاهای مختلف دیگر و همچنین اطراف یزد زیاد طراحی

کرده ام. نمونه دیگر که مرحوم آقای سلطانی از من خواستند و من ۱۱ دانشکده را طراحی کردم. بعد از آن کارهای شخصی انجام دادم. خانه های مسکونی شخصی خیلی طراحی کرده ام. همچنین مجتمع هنرستان های یزد را و مدرسه ملک ثابت. مشاور بانک ۷ طبقه ملی بودم که طراحی آن را آقای مهندس طلائی انجام دادند و بسیار طراحی عالی داشت.

پایه گذار طرح نیم طبقه دوبلکس در یزد بودم و اولین ساختمان را در کوچه بیمارستان افشار سال ۱۳۵۸ طراحی کردم

دستاورد بزرگ و منحصر به فرد زندگی شما چه بوده است؟

من عاشق طراحی هستم. دوران دبیرستان و هنرستان هم به نقاشی خیلی علاقه داشتم و نقاشی های خوبی هم می کشیدم. یک طرحی را که دادم صاحبکار در آن دخالت نداشته است که خوب هم روی آن کار کردم. طرحی که ارزش هنری داشته برای من خیلی ارزشمند است. این یک واقعیت است.پایه گذار طرح نیم طبقه

دوبلکس در یزد بودم و اولین ساختمان را در کوچه بیمارستان افشار سال ۱۳۵۸ طراحی کردم و بعد از آن چند کوچه آن طرف‌تر در سال ۵۹ هم طرح دوبلکس را ارائه دادم و بعد از آن مردم این طراحی را به کار گرفتند. البته سیستم دوبلکس برای زمین های کوچک خوب است و برای خانواده هایی که چند اتاق خواب لازم دارند و پیشنهاد می کنم در زمینه های بزرگ این کار انجام نشود.

مهندس طراح باید دست قوی داشته باشد باید اگر در اجرا هم به موردی برخوردند، طراح سرکار هم آن را نشان صاحب کار بدهد و دلیل اینگونه طراحی را برای او توضیح دهد.

تجربه ویژه ای یا نکاتی که در زمینه کار حرفه ای با آن برخورد داشته اید و فکر می کنید الان می تواند راهگشای همکاران جوان باشد را مطرح کنید؟

طراحی را همیشه باید با دست انجام داد. یک اتود خوب، یک قلم نرم و کاغذ مناسب باید همیشه همراه طراح باشد. و طراحی که بخواهد به غیر از دست طراحی بکند، طرح آن چیزه دلخواه به دست نمی‌آید. این نظر من است و فقط با قلم نرم و دست خط کشیده شود. طراحی موفق است که خطی که می کشد دقیقاً ۱۰ متر در طراحی روی کاغذ ۱۰ سانتی متر باشد و بعد روی آن خط کشیده شده،خط صاف را بکشد. این طرح ارزش دارد و نشانه احاطه طراح است. غیر از این باشد این طرح، طرح دلخواه نیست. متأسفانه در یزد در قدیم طراح، زیاد خریدار نداشت.البته الان هم نسبت به شهرهای بزرگ مثل تهران آن خریدار را ندارد. برای این که هر کسی یک طرح دارد و همه اعضای خانه و حتی استاد بنا و کارگر یک حرفی می‌زنند و نظر می دهند که این باعث می شود روی کار اثر بگذارد و صاحبکار از طرح ایراد بگیرد. بدبختانه ما همکاری هم داشتیم که با تحصیلات بالاتر طرح های خوبی هم نمی‌دادند و این باعث می شد که به طراحی اعتمادی نداشته باشند. حتی من پیشنهاد دادم که در کنکور هم علاوه بر کنکور اصلی، یک کنکور دیگر گرفته شود که حرکت دست و قابلیت طراح بررسی شود و از او خواسته شود یک نقشی یا یک طرح خوب ارائه دهد. در دانشکده علم و صنعت هم که ما دو سال عمومی را تمام کردیم برای اینکه رشته معماری برویم آقای دکتر فرهنگ که رئیس دانشکده معماری بودند یک کنکور داخلی از ما گرفتند و از ما خواستند یک خط ۱۰ سانتی یا مثلاً ۷ سانتی بکشیم. یک شکل میز یا مثلاً شکل بعضی از وسایل را بکشیم. به من با اینکه چند واحد از ترم قبل مانده بود به راحتی گفتند که می توانم مرحله بعدی را ادامه بدهم. اما اکنون می بینی یک دانشجوی فارغ التحصیل شده که بهترین ریاضی و فیزیک را بلد است، یک خط را به خوبی نمی تواند بکشد. صد در صد یک طراح خوب بایستی بر طرحش هم نظارت کند و خودش هم مجری باشد. البته برای اجرای کار مهندس ساختمان نقش اصلی را دارد ولی طراح هم باید در کنارش باشد چون که ادامه کار طرحی در اجرا مشخص می شود. ببینید اول باید نقشه پزرانته بشود و حجم را نشان بدهند. خوشبختانه با بودن کامپیوتر می توان نشان داد و قبلاً ما ماکت می ساختیم. یا اسکیس با دست می زدیم. اگر یک مهندس نتواند اسکیس بزند طراح خوبی نیست. مهندس طراح باید دست قوی داشته باشد باید اگر در اجرا هم به موردی برخوردند، طراح سرکار هم آن را نشان صاحب کار بدهد و دلیل اینگونه طراحی را برای او توضیح دهد. البته خیلی از صاحبکارها هم هستند که نمی فهمند یا طرز استفاده از مواردی را که

در طراحی می‌خواهند را نمی دانند. صاحبکارهای الان اغلب پول دارند و فقط می خواهند یک قصری بسازند که کسی نداشته باشد. خواسته‌هایی دارند که مثلاً می خواهند همه چیز همه چی تمام باشد.

چند مورد از کارهایی که در ذهنتان است و خیلی آنها را دوست دارید و به آن علاقه دارید را بگویید؟

بیشتر کارهای من کارهای دولتی بوده که دستم باز نبوده و مجبور بودم طبق یکسری نکات اداری که گفته می‌شد طراحی کنم. مثلاً اداره تعاون شهری، ساختمان نوسازی مدارس، ساختمان اداری استانداری در قسمت اداری استانداری سابق، مدارسی که طراحی کردم مثل مجتمع هنرستانهای یزد، از بانک ها بانک ملی تفت در ورودی شاه ولی که ۲۴ سال پیش کار کردم، بانک ملی خیابان طالقانی، بانک تجارت بازار که حالت کاسه مانندی دارد. حتی گاهی هم کار بدون راویز کردم که هیچکس تا حالا انجام نداده است.

آقای مهندس از سابقه ورود آرشیتکت ها به یزد چه چیزی یادتان است؟

طراحی را همیشه باید با دست انجام داد. یک اتود خوب، یک قلم نرم و کاغذ مناسب باید همیشه همراه طراح باشد.

دکتر سیدولی قریشی در حال سخنرانی در کلاس درس

آقای مهندس صادقیان و آقای مهندس مؤید اعلائی که پیشکسوت بودند و خدا رحمتش کند و مدیر بسیار خوبی بود و تحصیلکرده تهران بود که همکار بودیم. معماری مدرن که شروع شد متأسفانه ساختمان ها خراب شد. خانه های مسکونی که از آنها استفاده می‌کردیم دچار تحولی شد که همه چیز فرق کرد. تیپ کار هم یک تیپ به خصوصی بود که تغییر کرد. بعد از آن طراحی هایی که انجام شد دیگر همه درها در حال مرکزی باز نمیشد. مخصوصاً در بحث سرویس بهداشتی که این کار خیلی خوبی بود. ولی باز هم کمی دنبال رو طرح های قدیمی بودند. بعضی از سیستم های طراحی را مردم در تهران دیده بودند و می‌خواستند اینجا کار شود. مد شده بود که ما به آن تنوع دادیم. در سال ۱۳۵۸طرح نیم طبقه دوبلکس اجرا کردیم. در خانه ای که در کوچه بیمارستان افشار بود.حتی بعد از سی و چند سال که نمای آن را می بینی فکر می کنی جدید است و با آجر کار شده است. بعد از آن در طرح هایی که در همکف ساخته می‌شد تنوع ایجاد کردیم. اتاق‌های خواب را جدا کردیم با سرویس بهداشتی مخصوص خود و در واقع یک حوزه بندی در طراحی ایجاد شد. سیستم پذیرایی را از حالت الِ درآورد ایم و یک فضای وابسته به پذیرایی ایجاد کردیم که در واقع یک نشیمنگاه بود که امروزه شاه نشین می گویند و معمولاً با یکی دو پله جدا

می شود. در واقع محلی بود که دور هم بنشینند و صحبت کنند. البته برخی خواسته های خیلی خاص دارند که در طراحی شان انجام شود.

افراد ویژه و مهمی که در دوران کاری با آنها تجربه همکاری داشتید اعم از همکار، کارفرما، مسئول و حتی استاد بنا؟

استاد حسین لرزاده از استادان بزرگ قدیم بودند و یک قسمت از سقف حظیره را طراحی کردند و طراحی شان را دارم و روی مقوا طراحی شده بود. در پروژه ای باهم همکاری نداشتیم ولی طراح عالی بودند که من با ایشان رفت و آمد داشتم و نقاشی‌های بسیار قشنگی داشتند. سخنرانی نیز در مسجد جامع داشتند که ما همه طرح‌ها و معماران را جمع کردیم تا استفاده بکنند و می‌گفتند دست زحمتکش شما را باید ببوسیم و از تجربیاتتان استفاده کنیم. حسینیه آقا را به ایشان نشان دادند و گفتند این حسینیه چگونه است؟ گفت این اجزا و مفرداتش خوب است اما ترکیبی که یکجا ساخته شده است خوب نیست. سنگ، کاشی، شیشه و همه چیز درجه یک است اما ترکیب ندارد. در یزد آقایان اعلایی، صادقیان، حماسی، عربشاهی و اخوان که در نظام مهندسی بود همه را می‌شناسم. از مسئولان تاثیر گذار کسی در معماری نداشتیم.

سیستم پذیرایی را از حالت ال درآور دیم و یک فضای وابسته به پذیرایی ایجاد کردیم که در واقع یک نشیمنگاه بود که امروزه شاه نشین می‌گویند و معمولاً با یکی دو پله جدا می‌شود. در واقع محلی بود که دور هم بنشینند و صحبت کنند. البته برخی خواسته های خیلی خاص دارند که در طراحی شان انجام شود.

همکارانی که در دوران کاری می‌شناسید چه کسانی بودند؟

مهندسین ساختمان بودند. آقای مهندس مصدق و یا آقای مهندس مظهری در دفتر فنی استانداری بودند. آقای عربشاهی که معمار بودند و مهندس گرجیان، آقای مهندس حُسنی و آقای حسین اعلایی که رئیس نظام مهندسی ساختمان شدند. دوستان زیادی هستند که همکار بودیم.

چند نمونه از کارهای معماری که به نظر تان کارهای خوبی هستند در سطح شهر و پیرامون نام ببرید؟

مشاوره بانک ملی مرکزی بودم که من طراح نبودم و در طراحی با من مشورت کردند. آقای مهندس طلائی که زمانی رئیس میراث فرهنگی یزد بودند و کار بانک ملی کار بسیار خوبی است. اولین ساختمان ۷ طبقه ساخته شده و واقعا محکم کاری صورت گرفته و کار خیلی خوبی شده است. اداره تعاون شهری هم کار کردم که متاسفانه در آن دستکاری کردند و من همیشه درمقابلم سنگ اندازی شده است. مدیرانی بودند که ناوارد بودند و می‌خواستند اظهار نظر کنند بدون اینکه این علم را داشته باشند. مسجد دانشگاه تربیت معلم پاکنژاد کار من است و مدارس و سالن های ورزشی زیادی را طراحی کردم و همچنین ادارات زیادی و بانک‌ها. که البته الان خیلی از آنها را فراموش کردم ولی طرح های خیلی زیادی زده ام. همیشه گرفتاری اصلی این بود که صاحبکارها اظهارنظر می کردند.

چگونه می‌توان فرهنگ سازی کرد برای صاحبکارها ؟

یزد ما مهد معماری است و همه معمار هستند. ولی خب از همه جالب تر

اینکه همه صاحب نظر شده اند. مثلاً حالت شبکه ای که در استانداری کارشده کاربردی ندارد ولی همین شبکه ها در مسجد ملا اسماعیل بسیار کاربرد دارد و از دیدن آن ها لذت می بری. حتی در دفتر فنی به من گفتند که استانداری را طراحی کنم ولی متاسفانه بنا به دلایلی خاص این طراحی انجام نشد و پس از شش ماه پروژه به مهندس مؤید علایی واگذار شد. حتی من اتودهای اولیه طراحی استانداری را زدم ولی کسی از آنجا نیامد که با من صحبت کند و اتودها بررسی شود.

صاحبکارهای الان اغلب پول دارند و فقط می‌خواهند یک قصری بسازند که کسی نداشته باشد. خواسته‌هایی دارند که مثلاً می‌خواهند همه چیز همه چی تمام باشد.

شما ملاک های معماری خوب در شهر یزد را چه می‌دانید و یک ساختمان خوب در شهر یزد چه مشخصاتی باید داشته باشد؟

حیاط مرکزی خیلی خوب است. حتی در مجموعه آپارتمان سازی شهری حیاط مرکزی ارزشمند است. باعث هماهنگی بین کل مجموعه می‌شود. یک زمانی آقای دکتر مؤیدی استاد تاریخ و هنر و شهرسازی بودند و می‌گفتند که شهر یزد را دوست دارم که کوچه های باریک دارد و همسایه ها دور هم می‌نشینند و درددل می‌کنند و از هم خبر دارند. درست است که الان منسوخ شده است و گرفتاری ها آنقدر زیاد شده است که کسی خبری از کسی ندارد ولی همین حیاط مرکزی باعث ایجاد صمیمیت بین افراد یک مجتمع می‌شود و باعث می‌شود از هم خبر داشته باشند به هم کمک کنند. یا حتی یک سلام گرم به هم می‌کنند که این ارزشمند است. طرح‌های بزرگ اداری اگر در زمین های بزرگ باشد و حیاط مرکزی به وجود بیاید خیلی بهتر است.این نظر من است و خوب در یک سری موارد هم دست طراح بسته است. واقعا طراح نمی‌داند چه کار کند ولی معتقدم که خیلی بر روی نما کار شود که هم جذب کننده و زیبا باشد و هم از مصالح سنتی استفاده شده باشد و حداکثر سه مدل مصالح استفاده شود. نه اینکه در بعضی نماها می‌بینیم که خیلی از مسائل مختلف استفاده شده است. در طراحی بازارچه ها برای سقف از گچ استفاده کرده بودیم که در آن زمان که وزیر وقت آمده بود گفت که چرا سقف را مثل دیوارها آجر کار نکرده ایم؟ گفتم که انگشتر فیروزه ای که دست من است بدنه اش از نقره و نگین آن فیروز است. اگر این هم نقره بود قطعاً جذابیتی نداشت. از گچ استفاده کردیم هم زیبایی و تنوع و داشت و هم در هزینه ها صرفه جویی شد.

دانشجویان معماری هنرهای تجسمی را حتماً بخوانند



_____ مصاحبه با مهندس علی صادقیان

لطفاً سال شمار زندگی خود را با تکیه بر وقایع مهم، تحصیلات و دوره شناسی تفضیلی حرفه ای خود بیان کنید؟

از دوره راهنمایی عشق و علاقه به ساختمان سازی داشتم. حتی در آن زمان ابتدایی بود که پدر من یک خانه حیاط مرکزی را تخریب و می‌خواست در آن خانه ای یک طرفه بسازد. معمار به ساخت حوض که رسید پرسید: حالا چه می‌کنید؟ من از روی طرح تاج شاه که روی سیگار همای خود آن معمار بود طرح حوض را پیاده کردم. در دبیرستان پهلوی آن زمان دو ماه تحصیل کردم و بعد از آن گروهی از مدرسین از اصفهان آمدند و مهندس مهرافزا کار من را دید، وقتی کار چوب من را در ساخت چوب لباسی و عسلی دید گفت : چرا اینجا هستی؟ تو باید به هنرستان بروی. من به همراه چند تن از دوستان دیگر به هنرستان شهیدرجایی رفتیم که آقای شمس الدینی رئیس آن بود. در رشتهٔ ساختمان شروع به تحصیل کردم و در آنجا تحصیلات خود را گذراندم. بعد از آن اعلام شد که رشتهٔ معماری هم در هنرسرای عالی راه افتاده که دانشگاه علم و صنعت الان هست. رشتهٔ معماری را آغاز کردم. تقریباً سال ۴۶ بود که وارد دانشگاه شدم. بعد از یک سال که گذشت چون نقاشی من خوب بود مسئول آتلیه نقاشی شدم. بعد از گذشت مدتی روابط عمومی و مجله راه انداختیم. در دانشگاه فارغ التحصیل رشته معماری با درجه ممتاز شدم. آقای دکتر شاهی پیشنهاد دادند که به خارج بروم و مدرک دکترا را بگیرم که به علت ازدواج نروفتم. در سال ۵۳ به شهرداری رفتم و به آقای مؤید علایی نامه ای دادم برای اینکه در آنجا مشغول به کار شوم.

تمام دانشجویان من که فارغ التحصیل می‌شوند همه را دستاوردهای خود می‌دانم و لذت می‌برم.

وقتی برای تایید نامه به استانداری رفتم، استاندار گفت: باید در دفتر فنی استانداری مشغول به کار شوی. معمارها در آن زمان بیشتر در بخش دولتی بودند.

آقای مهندس نهال مسکن و شهرسازی بود، آقای مهندس پرویز طلائی در فرهنگ و هنر بود، آقای بیک زاده در تعاون بود و آقای کارگر در دفتر فنی بود که شهرداری یزد را ایشان کار کرده است.

آموزشکده فنی شهید صدوقی و مرکز تربیت معلم را کار کردیم.

ساختمان صنایع دستی میدان باهنر کار شرکت ایساکو آقای مهندس اشراقی بود.

در دفتر فنی هم مشغول بودم. سال ۵۶ پیشنهاد کار در شهرداری به من داده شد و شهردار یزد شدم.

تا قبل از پیروزی انقلاب یعنی سال ۵۷ استعفا دادم. تمایل به کار در دفتر فنی نزد آقای مؤید علایی را داشتم و مدتی را با ایشان کار کردم و در سال ۶۰ استعفا دادم و خود را بازخرید کردم و بعد از آن به صورت آزاد با چند نفر از مهندسین شروع به کار کردم. آقای قریشی که در نوسازی مدارس بودند، آقاس صابر طوسی که خانه دیهیمی را ایشان اجرا کرده و آقای مهندس شانگیز طراحی کرده است که فکر می‌کنم کار مهندسی با این گروه در یزد راه افتاده است.

خانه دکتر مرتاض که آقای مهندس ادب کار کرد، آقای برازجانی که ساختمان ثبت و دادگستری را کار کرد، آقای فیروزآبادی پسر عموی دکتر داوودی بودند که خانه ایشان و خانه عسکری کامران (ناباروری فعلی) را کار کرده است و یک ارمنی بوده به اسم ژورژ کشیشیان. من با توجه به اینکه آقای دکتر هاشمی نژاد در دانشگاه استاندم بود بیشتر سعی می‌کردم کارهایم ایرانی باشد. چند نمایشگاه نقاشی در تهران داشتم در سالهای تحصیلی در دانشگاه، در مسابقات نقاشی دانشگاهی شرکت کردم. تقریباً رشته های مختلف نقاشی را کار کردم و ۱۳ سال در هنرستان هنرهای تجسمی که توسط ارشاد راه اندازی شده بود تدریس کردم. رشته نقاشی و گرافیک را از سال تقریباً ۶۰،به مدت ۱۳ سال در مرکز آموزش عالی کار کردم و چندسالی هم در پیام نور تدریس داشتم و کلا کار تدریس را دوست داشتم. ابتدای راه اندازی سازمان نظام مهندسی یعنی دورهٔ اول من در آنجا بودم. یک دورهٔ رئیس سازمان و یک دوره رئیس شورای انتظامی، دو دوره رئیس ستاد برگزاری انتخابات سازمان و سالهای متوالی در گروه تخصصی معماری عضویت داشتم.



بانک صادرات شعبه چمران

بخوانند، بیاموزند و البته کار کنند. فرم فضا، ترکیب بندی، رنگ، حرکت با ریتم باید در همه اینها شناخت پیدا کند.

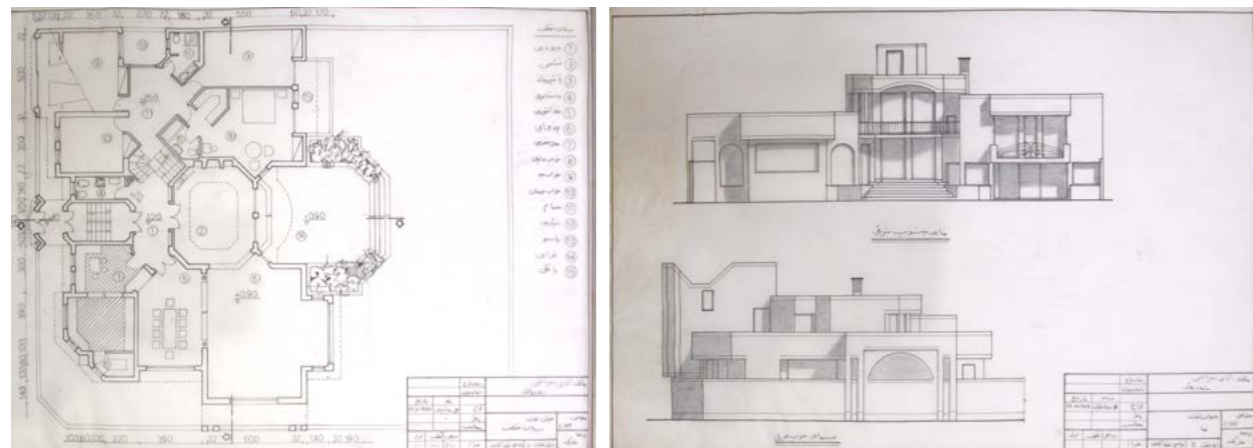
افراد ویژه و مهمی که در دوران کاری خود با آنها تجربه همکاری داشته اید (اعم از همکار، کارفرما یا مسئولین) یا آنها را در روند معماری و شهرسازی یزد تاثیرگذار می دانید معرفی نمایید؟

معماری یزد در دوره های مختلف تغییر کرده است. معماری تغییر کرده و از حالت سنتی قدیمی به امروزی تبدیل شده. من بارها گفته ام که زندگی کردن در خانه های قدیمی سخت بود، البته من خودم یک مدل خانه حیاط مرکزی که یکطرف باز بوده است را طراحی کرده ام و در آن سعی کردم که ارتباط فضایی ها درست باشد یعنی اشیخانه را جوری قرار داده ام که هم ارتباط با اندرونی داشته باشد و هم بیرونی. ورودی با پذیرایی و حال شروع می شود. مرحله بعد آشپزخانه بود و بعد جلو که می خواستم نور خوب بگیرد خواب ها را گذاشتم و وسط هم حوضخانه و باغچه که همه می توانستند از آن استفاده کنند. یک سری خانه هایی ساخته شده که تحولی در معماری ایجاد کرد و شد حال وسط این در تهران شروع شد و عده ای آن را دیدند و در یزد ساختند، بعد خانه بشارت ساخته شد که تحولی بود. شیشه های بزرگ در آن دوره وجهی از ساختمان را می گرفت و شاید همه این تجربیات هم به نفع انسانها نباشد. آن دوره گذشت ما آمدیم و سعی کردیم حالت اندورنی- بیرونی را ایجاد کنیم. مردم آشپزخانه OPEN می خواستند، گفتیم با فرهنگ ما همخوانی ندارد ولی به خاطر اصرار زیاد مردم آمدیم و برای OPEN یک آشپزخانه پخت گذاشتیم تا خانم خانه در آن راحت باشد. فرح دیبا در جنبش معماری نوین تأثیر زیادی داشت. هرگز کسی معماری را به ما دیکته نکرد. کارفرماهای ما هم شناخته شده بودند و توضیحات و توجیهات مشابه آنها جهت می داد.

لطفا آثار فاخر معماری معاصر یزد را از دیدگاه خود معرفی کنید؟ ملاک شما برای معرفی این ابنیه چه می باشد؟

کار آقای فیروزآبادی را من زیاد دوست دارم؛ که در صفائیه پشت هتل صفائیه واقع است. کار، کار قشنگی است و پرزانته دستی کرده که در حد یک تابلو است.

اگر بخواهم کار یک همکار را درست کنم و یا ادامه بدهم و یا تغییری در آن بدهم از همان ابتدای کار از طراح اولیه آن اجازه می گیرم و بدون



خانه قدیمی شخصی مهندس صادقان واقع در خیابان کاشانی



چگونه معماران باید کارفرمایان را جذب کنند و اهمیت و جایگاه کار خود را به آنها نشان دهند؟

مراجعه کنندگان متفاوتند. عده ای از روی شناخت می آیند، برای من اینگونه بوده که من برای کسی کار کردم و مشتری دیده و از روی آن آمده و از همین رو دیگر به من اعتماد دارد. شاید بهترین کار برای مهندسين تازه کار این باشد که اولین اثر خود را با سرمایه شخصی و یا سرمایه گذار به بهترین وجه ممکن بساز تا از روی آن مشتری جذب کند.

دلیل دیگر پرکار شدن من این است که من با مردم خوب تا می کنم و شاید از کسی که پول ندارد زیاد پول بگیرم.

من به مشتری احترام می گذارم و توانسته ام مشتری ام را توجیه کنم. من جزء اولین کسانی بودم که دیوار باربر را کنار گذاشتم و اولین کسی بودم که ساختمان اسکلت بتنی مسکونی را در یزد ساختم و اولین مسجد بتنی یعنی مسجد قبا در بلوار جمهوری کار من بود. من سعی کردم به روز کار کنم و مردم خوششان آمد. به روز کار کردم خیلی مهم است.

اولین کسی بودم که اولین سقف کوبیاکس را کار کردم و سقف کاذب کناف را نیز اول من کار کردم.

لطفا پروژه ها و آثار خود را به صورت اجمالی معرفی و درخصوص پروژه های مورد علاقه خود به طور تفصیلی توضیح دهید؟

در طول تقریباً ۴۲ سال کار خود پروژه های زیادی انجام داده ام. مسجد قبا را زیاد دوست دارم. بیمارستان سیدالشهداء قسمت تکمیلی بخش قدیمش را کار کردم و راضی هستم. مدرسه را زیاد کار کردم. مدرسه دخترانه واقع در پل نواب را کار کردم. در استان ها و شهرهای مختلف (شیراز، اصفهان، کرمان، رفسنجان و...) کار کردم. تقریباً ۱۵ سال هست که کار کامپیوتری شده و دیگر دستی انجام نمی شود. طراحی معماری واقعاً یک هنر است و من توصیه می کنم به دانشجویان فارغ التحصیل که مبانی هنرهای تجسمی را حتماً

دست آوردهای منحصر به فرد و بزرگ زندگی خود را چه می دانید؟

تمام دانشجویان من که فارغ التحصیل می شوند همه را دستاوردهای خود می دانم و لذت می برم. در مسابقات بین المللی فرانسه با موضوع طراحی ورودی شهر پاریس شرکت کردم که مهندس حائری زاده من را راهنمایی کردند. در سال ۷۳ موفق به دریافت دیپلم و مدال آکادمی بین المللی آرشیکتک شدم که بسیار برای من بارزش بود.

برخورد با کارفرما و مشتری بسیار مهم است. باید با مشتری صحبت کرد، خواسته هایش را شنید و آنچه که امکان دارد رعایت کرد و آنچه را که نمی توان انجام داد بتوانیم مشتری را متقاعد و راضی کنیم که نمی شود این کار را انجام داد و به نفع شما نیست.

لطفا تجربیات ویژه و نکاتی که در زمان کار حرفه ای خود داشته اید و به نظرتان راهگشای همکاران جوان تر می تواند باشد، را بیان کنید؟

برخورد با کارفرما و مشتری بسیار مهم است. باید با مشتری صحبت کرد، خواسته هایش را شنید و آنچه که امکان دارد رعایت کرد و آنچه را که نمی توان انجام داد بتوانیم مشتری را متقاعد و راضی کنیم که نمی شود این کار را انجام داد و به نفع شما نیست. ارتباط فضا در ساختمان و آسایش در خانه مهم است. ارتباط فضا و صمیمیت بسیار اهمیت دارد. اندرونی، بیرونی کردن، طرح درست، رنگ بندی مناسب و حتی طراحی داخلی ساختمان مهم است و باید رعایت شود. حتی در موردی طراحی مبلمان را من خودم انجام دادم.

اقلیم بسیار مهم است. اقلیم باید با محیط سازگار باشد. معماری باید ایرانی باشد. شهر ما معروف به شهر خشت خام است، پس باید متناسب با محیط و فرهنگ خود کار کنیم.

کسی می تواند تدریس کند که معمار حرفه ای هم باشد

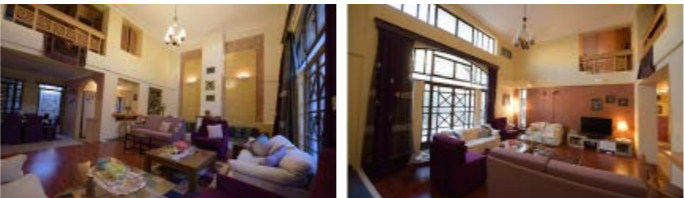


_____ مصاحبه با دکتر سید محمدحسین آیت اللهی

بود بروم و فکر می‌کردم که درآمد خوبی خواهیم داشت که کار کردم و موفق نبودیم. مجدداً برگشتم به همان شهری که بودم. شهر کوچک مذهبی در ایالت اوکلاهما. نهایتاً به رشته معماری علاقه مند شدم. این رشته را در ابتدا خوب نمی شناختم ولی بعد در شهر نورمن در دانشکده اوکلاهما مشغول به تحصیل شدم که با شهری که ساکن بودم دو ساعت فاصله داشت. لیسانس را آنجا گرفتم و بعد برای وارد شدن به دوره ارشد معماری باید یک پروسه را طی می کردیم در آنجا ۲ ساله ارشد بود که پس از دوره ۴ ساله که مجموعه کارهای دوره لیسانس را می‌دیدند و توانایی دانشجو را از طریق کارهای لیسانس به اضافه نمره و معدل کل تشخیص می‌دادند.به یاری خدا من هم پذیرفته شدم.

هر دانشگاه معماری در آمریکا به یک معمار ربط پیدا می‌کرد. معمار آن دوره که به آن دانشگاه مربوط بود، بروس گاف نام داشت که این معمار در رده رایت بود. در دوره کارشناسی ارشد بیشتر درخشیدم.توانستم همکاریاستاد شوم و در نتیجه شهریه کمتری پرداخت کردم.دوران لیسانس بسیار سخت بود ولی در دوران ارشد بسیار بهتر عمل کردم. تَر ارشدم طراحی ساختمان انرژی دانشگاه ایالتی اوکلاهما بود و از همان موقع علاقه مندی به مباحث مربوط به انرژی مخصوصاً سیستم های روشهای خود به خودی پیدا کردم. فوق لیسانس مدیریت بازرگانی هم همزمان گرفتم و همزمان هم کار می کردم. در واقع دو مدرک کارشناسی ارشد گرفتم و همزمان کار می‌کردم.

با توجه به علاقه مندی که به اوضاع و احوال ایران پیدا کرده بودم و شرایط انقلاب به محض فارغ التحصیل شدن به ایران برگشتم. با اینکه در آمریکا کار داشتم، شرکت داشتم و با دانشجویان خانه سازی می کردم ولی به محض فارغ التحصیل شدن در سال ۱۳۶۲ به ایران آمدم و در ایران هم همان موقع به یزد آمدم. تقریباً ده سال آمریکا بودم. وقتی به ایران آمدم دانشگاه های مختلفی من را خواسته بودند. دانشگاه بابل و دانشگاه کرمان که قرارداد همکاری هم با من بسته بودند که



خانه خورشیدی آیت اللهی با هدف صرفه جویی انرژی گرمایشی ۵۰، سرمایشی ۳۵ و آبگرم مصرفی ۶۰ در صد

می توانستم کار کنم. ولی من تصمیم گرفتم یزد باشم و شنیده بودم که قرار است دانشگاه یزد راه اندازی شود.وقتی آمدم هم خیلی سخت زندگی را شروع کردم. سرمایه های مالی هم که آمریکا داشتم را به ارز تبدیل نکردم چون اعتقاد داشتم کار خوبی نیست. به هر حال در آموزشکده شهید صدوقی تدریس کردم و با آقای مهندس مرجانی، آقای مهندس چرخکار و چند مهندس دیگر که حضور ذهن ندارم، همکاری بودیم. بعد از آن شرایطی پیش آمد که گفتم به تهران می روم.

همیشه ساختن را و با دست کار کردن و تجربه عملی داشتن را با عشق دنبال می کردم و فکر می‌کنم که این تجربه جزء بهترین لذت هایی است که یک معمار می‌تواند ببرد

در تهران به استخدام سازمان حج و اوقاف و امور خیریه درآمدم و نظارت چندین پروژه سنگین را به عهده گرفتم.نظارت زائرسرای حضرت معصومه قم را داشتم که ساعت ۴ صبح می رفتم و عصر بر می گشتم.در ورامین طرح هایی بود که اجرا می‌شد و نظارت می‌کردم. پروژه‌های اوقاف بودند و هم طراحی و هم نظارت انجام می‌دادم. بعد از آن بنا به پیشنهاد دامادمان تصمیم گرفتیم به گرگان برویم. در واقع یک سال و نیم تهران بودم و به خاطر جنگ و محدودیت هایی که داشتیم به گرگان رفتیم.یک پروژه خصوصی تجاری اداری بود که طراحی کردم و به مرحله ساخت که نزدیک شد و یک سال گذشته بود یعنی سال ۱۳۶۵ تصمیم گرفتم دوباره به یزد بیایم.

در یزد آقای مهندس وحدتی آن زمان شهردار بودند که از من خواستند به یزد بیایم و به ایشان کمک کنم. در شهرداری دفتر مطالعات و برنامه ریزی شهرداری را راه اندازی کردیم و من مسئول آنجا بودم و آقایانی که الان شخصیتی دارند و در جاهای مختلف شهر و شهرداری مسئول هستند در آن دفتر با هم همکاری بودیم. همفکری و نیروهای خوبی داشتیم و در واقع اتاق فکر شهرداری بود و دوران طلایی شهرداری

یزد همان موقع بود. مدیریت آقای وحدتی و کمکی که ما می‌توانستیم بکنیم باعث شده بود که ارگان ها خیلی به هم نزدیک شوند. میراث فرهنگی، شهرداری، مسکن و شهرسازی و استانداری اینها همه با هم خیلی همدلی می کردند و مسائل شهر را خیلی خوب حل می‌کردند. دوران خیلی خوبی بود.

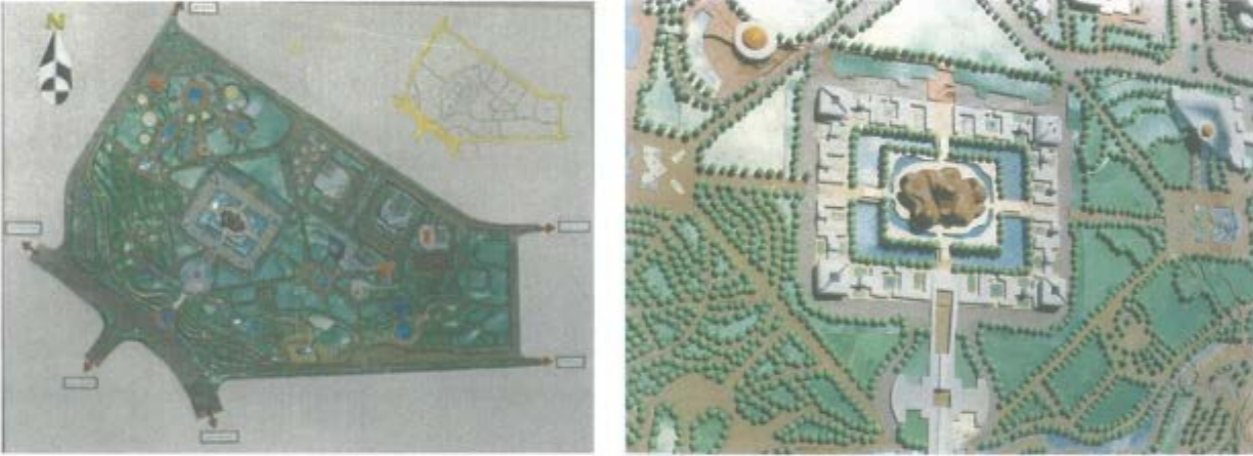
دو سه سالی آنجا بودم تا اینکه در سال ۱۳۶۷ دانشگاه یزد شروع به کار کرد. از همان ابتدا دو رشته ای که راه اندازی شد، رشته عمران و رشته معماری بود. دانشکده معماری یزد آن زمان چهارمین دانشکده در زمینه معماری بعد از تهران، شهید بهشتی و علم و صنعت و اولین دانشکده معماری خارج از تهران بود که راه اندازی شد. من از همان ابتدا مسئولیت دانشکده را داشتم و علی الخصوص با همّت آقای دکتر شاهی و دکترمحمد رضا اولیا و محبت خانواده مرحوم رسولیان به خاطر وقف خانه فAMILی خودشان، دانشکده را در این محل راه اندازی کردیم. در سال ۱۳۶۸ بیست دانشجوی ارشد پیوسته پذیرش کردیم و تفاهم نامه ای هم با دانشکده دانشگاه شهید بهشتی بستیم و اساتید به‌نام آن دانشگاه به ما کمک کردند. آقای دکتر غفاری و آقای دکتر ندیمی خیلی کمک کردند تا این رشته در یزد راه اندازی شود و من هم از آن زمان تا کنون در دانشکده فعال بودم.

در سال ۱۳۷۳ برای دکترا و بورس خارج از کشور از چند دانشکده خوب پذیرش داشتم حتی از کشور انگلیس که دانشگاه خوبی هم بود ولی تصمیم گرفتم بورس را تبدیل به داخل کنم و در دانشگاه تهران همراه دکتر اولیا و با مرحوم آقای شرافت و بیست دانشجوی دیگر شروع به تحصیل در مقطع دکترا کردیم. ما یک دوره بعد از آقای دکتر حناچی بودیم. سال ۱۳۸۰ این مقطع را تمام کردم ولی از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ در یزد، هم در سیستم های مدیریتی و هم تدریس و پژوهش مشغول بودم. بعد از سال ۱۳۸۰ معاون دانشکده یا مدیر گروه یا مسئول دانشکده بودم و همیشه مسئولیتی داشته ام.

در سال ۱۳۹۱ هم در هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان انتخاب شدم و ریاست سازمان را حدود یک سال به عهده داشتم.

دستاورد بزرگ و منحصر به فرد خودتان، چه در زمینه حرفه ای و چه در زمینه زندگی چه می‌دانید؟

من همیشه علاقه مندی به طراحی و معماری و حرفه داشتم و اعتقاد داشتم و دارم که کسی می تواند تدریس کند که معمارحرفه ای هم باشدو در طراحی و نظارت چند ساختمان بزرگ را مشارکت داشته باشد. اساساً در شرکت مهندسین مشاور هم جزء ضروریات است. آن زمان که ما مسئول دانشکده بودیم برای گزینش اساتید اول امتحان می گرفتیم. یعنی با همکاری اساتید، دانشگاه شهید بهشتی از اساتیدی که می خواستند وارد



پارک و فضاهای تفریحی ورزشی مارکار

باید کار می‌شد را کار می‌کردیم و هم پروژه های خاص. در پروژه های خصوصی خانه زیاد طراحی کرده ام. به خصوص برای پزشکان که به سراغ من می آمدند. منزل مرحوم بامشاد که خدا رحمتشان کند و مرد بسیار شریفی بودند، منزل دکتر صدر و منزل دکتر فرید، منزل دکتر محمد ناظمیان، منزل دکتر تقی نسب، منزل مرحوم دکتر حمید رفیعی و... . ساختمان های اداری- تجاری و فرهنگی هم مدیر پروژه بودم، از جمله ساختمان اداری استاندارد، بهزیستی، فرمانداری اردکان، انرژی اتمی و... . کتابخانه مرکزی یزد، فرهنگسرای بهمن و آزاد شهر و تعدادی دیگر از جمله کارهایی است که انجام داده ام.

در دو سال گذشته هم مجری یک طرح پژوهشی- طراحی- اجرایی کوچکی بودم که با حمایت مالی دانشگاه یزد و شرکت برق منطقه ای یزد اخیراً تکمیل شده و آماده تحویل می باشد. این پروژه که در سایت اصلی دانشگاه یزد ساخته شده است، می تواند به عنوان نمونه کاملی از معماری سبز قلمداد گردد که با معیار های لید برای کسب گواهی نقره تلاش شده است و از مهندسين عزيز درخواست دارم با هماهنگی با دانشکده و دانشگاه یزد از پروژه بازدید داشته باشند.

هم اگر فرصتی پیدا کنم در حوزه ساخت خیلی بیشتر دوست دارم وارد بشوم. از اینکه الان می بینم در این دانشکده و در دانشکده های دیگر مقوله کسب تجربه در محیط کار و محیط کارگاه اجرا نمی شود، متأسف هستم. دانشجویان باید وارد محیط کار عملی بشوند و این بیشترین کمبودی هست که با آن مواجه هستند. در این دانشکده ما داریم تلاش بسیار زیادی می‌کنیم که دانشجویان با محیط کار و ساختن آشنا و درگیر بشوند. ولی باز می بینم وقتی وارد سیستم مشاورین می شوند با مسائل ساخت خیلی آشنا نیستند.

مهمترین توصیه‌ای که می توانم بکنم این است که از هر فرصتی استفاده بکنند یا باید این فرصت را به وجود بیاورند. بین مقطع لیسانس و ارشد کار بکنند. بروند مجانی در محیط های کارگاهی کار بکنند و کار را یاد بگیرند. این توصیه ای هست که می‌توانم به جوان ها بکنم و بیشترین خلأ را همین می دانم. بعد از آن باید بگویم معمار شدن زمان طلب می کند. هنوز من خودم را معمار به آن معنای واقعی نمی دانم. معمار در قدیم از بچگی همراه یک معمار، بزرگ می شد و با مصالح آشنا و بعد اوستا و بعد از آن معمار می شد. حالا این مسیر کوتاه و فشرده شده در چهار سال تحصیلی و نمی‌توان آن شخص را معمار تلقی کرد. تا زمانی که شرایط را به وجود نیابرد و در محیط کار نکند معمار شدن حاصل نمی شود.

چند نمونه از پروژه و کارهای خودتان را به صورت اجمالی نام ببرید و معرفی کنید؟

سیستم مشاوره ما گرید داشت و هم مشاوره هایی که از بودجه عمرانی



ساختمان سبز در دانشگاه یزد

نیمه کاره رها کردم. در یک زمین محدود بود که مسلط به دو درّه و جنگل و بسیار زیبا بود. منزلی که خودم برای خودم در یزد در منطقه اکرم آباد ساختم هم خیلی خوب و راحت بود. مسائل ساخت و ساز را در آن دقیقاً رعایت کرده بودم و در واقع بخشی از طراحی خانه براساس پنجره ها آورده شده از ساختمان نیمه کاره در گرگان صورت گرفت. در زمینه جفت و جور کردن خودم را مسلط می دانم که خودش بخشی از خلاقیت تلقی می شود.

سال ۱۳۶۵ شرکت یزد بنا را راه اندازی کردیم و از آنجا دیگر به صورت جدی وارد طراحی شدیم و سال ۱۳۶۸ اولین مشاور یزدی را در یزد که دارای درجه بندی از سازمان برنامه بود داشتیم. پیشنهاد مرحوم حمیدیا بود که همیشه می گفتند چرا در یزد مشاور نداریم و مجبوریم از مشاوران تهرانی استفاده کنیم. پروژه های بزرگ عمرانی دولتی و خصوصی زیادی انجام دادیم. من چون بحث تدریس را انتخاب کردم زندگی ام به زندگی حرفه‌ای و آکادمیک تقسیم شد. در زندگی آکادمیک از خودم و فعالیت‌هایی که در حوزه دانشگاهی داشتم راضی هستم. دروسی که تدریس می کنم هم در حوزه درس تئوری و هم در حوزه درس تئوری کارگاهی بوده و مخصوصاً درس مربوط به انرژی و طراحی. در بعضی از طراحی ها تقریباً ثابت بودم که الان درس ثابتی که دارم طراحی یک ارشد به اضافه ی روانشناسی محیط، همساز با اقلیم و مباحثی در حوزه روش تحقیق است.

تجربیات ویژه و نکاتی که در زمینه کار حرفه‌ای با آنها برخورد داشتید و می تواند راهگشای همکاران جوانتر باشد را بگویید؟

من خودم خلأ بزرگی را در زمینه ساخت احساس می‌کردم. علیرغم اینکه تجربه های زیادی داشتم و خانه هایی که می ساختم در جزء به جزء اش وارد بودم و در نظارت هم تا حدی درگیر بودم فکر می کنم کمبود داشتم و هنوز هم این کمبود را احساس می‌کنم. هنوز

بشوند، امتحان اسکیس می‌گرفتیم و توانایی آنها را مورد سنجش قرار می دادیم. در یک دوره چهار ساله این اقدام انجام شد. من خودم هم توسط اساتید دانشگاه شهید بهشتی گزینش شدم و تجربیات من را دیدند و مورد تایید آنها قرار گرفتیم.

بنابراین معمار بودن جزء ضروریات تدریس بود. الان مشکل این است که خیلی از دانشکده های ما این گزینش را ندارند. من تجربه حرفه ای در آمریکا داشتم. در یک شرکت مهندسی مشاور کار می کردم. به عنوان کسی که طرح های یک معمار بزرگتر را دنبال می‌کرد و سابقه ساختن هم در آنجا داشتم. مخصوصاً تجربه کار با چوب را که در دانشکده در آمریکا آموزش دیده بودم و در عمل هم ساختمان های مسکونی چوبی را می آوردیم و اسکلت می کردیم و بعد از بازسازی با قیمت مناسب می‌فروختیم و به سراغ ساختمان بعد می رفتیم. بنابراین یک تجربه ای که همیشه دارم این است که با ساخت وارد شدم. تجربیاتی که در آمریکا داشتم و بیشترین وسیله ای که با خودم از آمریکا به ایران آوردم وسایل نجاری بود و هنوز هم با آنها کار می کنم و لذت می برم. بنابراین همیشه ساختن را و با دست کار کردن و تجربه عملی داشتن را با عشق دنبال می کردم و فکر می‌کنم که این تجربه جزء بهترین لذت هایی است که یک معمار می‌تواند ببرد و هنوز هم می‌خواهم یاد بگیرم و فرصت پیدا کنم می‌خواهم در این زمینه باز هم کسب تجربه کنم.

سال ۱۳۶۸ اولین مشاور یزدی را در یزد که دارای درجه بندی از سازمان برنامه بود داشتیم. پیشنهاد مرحوم حمیدیا بود که همیشه می گفتند چرا در یزد مشاور نداریم و مجبوریم از مشاوران تهرانی استفاده کنیم.

از سال ۱۳۶۲ که وارد ایران شدم وارد طراحی هم شدم. در یزد فرصتی پیدا نشد که دفتر داشته باشیم ولی در تهران در محیط اداری با همکارانم کار طراحی انجام می دادم و تیم داشتیم و عملاً بعد از آن هم وارد حوزه اجرا می شدیم. در گرگان هم یک ساختمانی را طراحی می کردم و در حوزه نظام مهندسی آنجا نیز وارد شدم. آن موقع تازه نظام مهندسی ها داشتند شکل می گرفتند. آنجا یک خانه برای خودم هم ساختم و متأسفانه

طراح، همیشه آزادی عمل ندارد!



مصاحبه با مهندس محمدرضا شاه حسینی

بین المللی انجام می‌داد همکاری داشتیم.

طراح همیشه آزادی عمل ندارد به خصوص وقتی در شرایطی قرار می‌گیرید که هر چه زودتر باید ساختمان به صورت عملگر دی و فیزیکی نیازها را برآورده کند.

نهایتاً در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ به ایران برگشتم و به یزد آمدم. چند سال در یزد زمان برد تا جا بیفتم و بتوانم دوباره با دوستان ارتباط برقرار کنم و در زمینه‌های مختلف فعالیت داشتم. اگر بخواهم دسته‌بندی بکنم از سال ۱۳۶۹ با اولین شرکت مشاوره دارای گرید و رتبه که شرکت مشاور یزد بنا بود همکاری داشتم و این همکاری تا سال ۱۳۹۱ ادامه داشت. فعالیت حرفه‌ای و کارهایی که در مشاور انجام دادم کارهای گروهی بود. ساختمان‌ها و پروژه‌های مختلف اعم از معماری، شهرسازی و نظارت که همکاری با سایر دوستان و اساتیدی که همکار بودیم تجربه بسیار مفید و ارزنده‌ای بود و زمینه ایجاد شد که با دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد شروع به همکاری کردم. مدت‌ها به عنوان معاون عمرانی بیش از

خانه ظروفی



طراحی شد ولی تغییراتی در همه این سال‌ها انجام شد و بخشی قرار شد تبدیل به تجاری شود. اولین فاز الان چیزی هست که ما می‌بینیم و تکمیل شده با تغییراتی که حاصل شد. پروژه دیگری که مقیاس آن نسبتاً بد نبود پروژه مسکن‌های مهر در بلوار مدرس بود که حدود ۱۰۰۰ واحد را بنده مستقیماً در طراحی بودم و فاز یک و دو را انجام دادیم و اجرا شده است. پروژه مسکونی ۵۰۰ واحدی که مربوط به بنیاد مسکن و بنیاد بتن به صورت اشتراکی بود را طراحی کردیم و اجرا شده است.

پروژه‌های دیگر هم به صورت بلوک‌های آپارتمانی واحدهای مسکونی که به صورت ویلایی بود در منطقه بلوار جمهوری و صفاییه کار کرده‌ام.

در مورد سابقه تان در سازمان نظام مهندسی ساختمان توضیح دهید؟

من از سال ۱۳۶۹ عضو سازمان بودم. عملاً قانون نظام مهندسی از سال ۱۳۷۵ مصوب شد و اولین دوره از آن زمان حساب می‌شود. در سال ۱۳۶۹ نظام مهندسی داشتیم ولی از سال ۷۵ قانون نظام مهندسی تصویب شد. بعد از تصویب قانون، دوره‌های انتخابات نظام مهندسی و هیئت مدیره‌ها بر اساس قانون از سال ۱۳۷۵ بود و من از دومین دوره یعنی در سال ۷۸ عضو هیئت مدیره بودم و به طور پیوسته تا دوره پنجم یعنی ۴ دوره متوالی عضو هیئت مدیره بودم. در سازمان افت و خیزها و فعالیت‌های مختلفی داشتیم. در دوره پنجم هم باز کارهایی را داشتیم و افتخار این را هم داشتیم که یک دوره هم عضو اصلی شورای مرکزی بودم. الان هم در دوره هفتم مجدداً در خدمت دوستان در نظام مهندسی هستیم.

عضویت در پست‌ها و شوراهای مختلف دیگر هم داشته‌اید؟

در شورایی خارج از سازمان عضویت خاصی نداشتم. به غیر از مسابقات در مورد اسکان کویر یا بعضاً در مورد بعضی از پروژه‌ها خیلی محدود به عنوان داور دعوت شده بودم ولی نه جای دیگر عضو شورای دیگری نبودم. در خود قالب سازمان نظام مهندسی در گروه‌ها یا کمیته‌ها و کمیسیون‌های وابسته عضو بودم.

دست‌آورد منحصر به فرد زندگی خود را چه می‌دانید چه در زمینه حرفه‌ای یا زندگی؟

دست‌آوردی که ادعای خاصی داشته باشم، ندارم ولی در مجموع وقتی به عقب نگاه می‌کنم می‌بینم که توفیق نسبی داشتیم به لحاظ کمیت و شرایط موجودی که در پیش رو بوده از خودم راضی هستیم.



پلی کلینیک بافق

۱۰۰ هزار متر مربع ساختمان آموزشی، خوابگاهی و فضاهای رفاهی را طراحی و مدیریت اجرا داشتیم. ساختمان‌هایی در دانشگاه آزاد و مدارس سما و شهرستان‌هایی مثل ابرکوه و اردکان کار کردم که تجربه بسیار مفیدی بود. ضمن اینکه به موازات مسائل علمی و هیئت علمی، مستقیماً در ارتباط با کار اجرا بودم.

قبل از آن هم در خارج از کشور خصوصاً وقتی در وزارت مسکن در استرالیا بودم، سیستم طوری بود که همان تیمی که طراحی می‌کردند تا اجرا و تمام شدن ساختمان کنار کار بودند و این بسیار تجربه مفیدی بود. خوشبختانه با آن تجربه‌هایی که داشتم اینجا که آمدم در دانشگاه آزاد اسلامی به این سمت و سو رفتم که به موازات ارتباط با مسائل علمی و دانشگاهی همزمان در مسائل حرفه‌ای خودم که طراحی در شرکت مشاور بود فعالیت داشتم. در پست معاون عمرانی دانشگاه هم مستقیماً در مسئله اجرا درگیر بودم و سال‌های سال ساختمان‌های متعدد ساخته شد که البته محدودیت‌هایی هم داشت. مثل محدودیت بودجه، محدودیت زمان و کیفیت.

طراح همیشه آزادی عمل ندارد به خصوص وقتی در شرایطی قرار می‌گیرید که هر چه زودتر باید ساختمان به صورت عملگر دی و فیزیکی نیازها را برآورده کند. فعالیت دیگری که داشتم و به نوعی برای خودم هم تجربه مفید بود و اهمیت داشت همکاری با مشاوره سکنا بود. تعداد زیادی از بناهایی که در سایت دانشگاه دولتی یزد (پردیس اصلی) موجود است را شرکت مشاوره طراحی می‌کرد و بنده به عنوان نماینده آنها در یزد، در طراحی و در امر نظارت و اجرا مشارکت داشتم. در حدود ۴ یا ۵ سال، بیش از ۵۰ هزار مترمربع از بناهای آنها را مشارکت کردم که علاوه بر طراحی در اجرای نما و متریال هم فعال بودم و باتوجه به نوع معماری خاصی که دارند، ساختمان‌های خوبی هم شدند. تجربه بسیار مفید و ارزنده‌ای برای من بود.

جدا از این فعالیتها پروژه‌های متعددی در مقیاس بزرگ مثل واحدهای مسکونی یا تجاری و یا آپارتمانی در یزد هم کار کردم که خارج از کار گروهی بوده است. یکی از پروژه‌هایی که به لحاظ وسعت و نگاهی که خود کارفرما داشت با همه افت و خیزها و مسائل خاص خودش در آن همکاری داشتم، پروژه بزرگی بود که حدود ۲ هزار واحد آپارتمان داشت، پروژه اسکان کویر در شرکت اسکان که وابسته به بنیاد مستضعفان است. در صفائیه چهار راه پژوهش به عنوان مدیر پروژه بودم و حدود ۳۷۰ واحد اجرا شد و حدود بیش از ۲ هزار واحد است که ۲۶ هزار هکتار اراضی آنها

رضایت مردم در طراحی ها، شرط سخت توفیق در معماری



مصاحبه با مهندس مهدی حماسی

لطفاً سال شمار زندگی خود را با تکیه بر وقایع مهم، تحصیلات و دوره شناسی تفصیلی حرفه ای خود بیان کنید؟

سال ۱۳۵۱ کنکور دادم و رشته برق قبول شدم اما برای من راضی کننده نبود و دوباره در سال ۱۳۵۲ با توجه به اینکه برای رشته پزشکی هم نمره آوردم ولی دومین انتخاب من معماری دانشگاه علم و صنعت بود که از قبولی در آن خیلی خوشحال شدم. توی دانشگاه هم تقریباً موفق بودم. این رشته را دوست داشتم و این رشته را شروع کردم و بالاخره کمی زمان برد تا فارغ التحصیل شدم. بعد از فارغ التحصیلی یک سال در اداره زمین شهری کار کردم. آن موقع سازمان امور اراضی بود و بعد از اینکه قرارداد یک ساله من تمام شد و خیلی راحت می توانستم استخدام شوم، دیدم اگر استخدام شوم گرفتار میز و امضا می شوم و از رشته خودم و کار خودم دور می شوم. این بود که در سال ۱۳۶۰ دفتر تأسیس کردم و شروع کردم به کار خود را انجام دادن یعنی طراحی و نظارت و ساخت و ساز. کمی به هزینه خودم می ساختم و مابقی را با مشارکت مشتریان و ارباب رجوعی که داشتم. پروژه هایی می گرفتیم، نقشه هایی می کشیدیم، نظارت می کردیم تا تمام می شد و وقتی می دیدم که روی صفحه کاغذ نقشه ای کشیده می شود و بعد به صورت سه بعدی پیاده می شد خیلی لذت می بردم. شاید بالاترین لذت من از همان اول هم پول نبود اما خیلی وقت می گذاشتم تا چیز خوبی پیاده شود. تا الان دارم به صورت آزاد کار می کنم. چندتا دانشگاه را به مدت چندین سال (۱۶-۱۷) سال فقط به صورت حق التدریسی کار کردم. دانشگاه شهید

صدوقی قصد استخدام مرا داشتند اما من قبول نکردم و گفتم می خواهم به صورت آزاد کار کنم و فقط کار خودم را انجام دهم. اما حق التدریس دانشگاه خودمان پولی به ما نمی دادند فقط چون دوست داشتم چیزی که خود آموخته بودم به بچه هایی که می خواستند توی دانشگاه چیزی بیاموزند و آمده بودند درس بخوانند از جاهای مختلف به اینها انتقال بدهم. تا رسیدم به جایی که سه سال پیش حس کردم این بچه ها آمدند برای گرفتن نمره، دیگر از معماری فاصله گرفتند این بود که دیگر حق التدریس و درس دادن را کنار گذاشتم و همین رشته خودم را ادامه دادم. همچنین سه دوره اول سازمان نظام مهندسی عضو هیأت مدیره بودم.

در پیش نویس قانون هم نقشی داشتید؟

پیش نویس قانون سازمان نظام مهندسی هم بله. سالی که زلزله رودبار اتفاق افتاد همان موقع بود که قانون سازمان نظام مهندسی را می خواستند بنویسند. پیش نویس آن را نوشته بودند، از طرف مسکن و شهرسازی اصفهان دعوت شده بودیم از سراسر ایران، چند روزی آنجا بودیم. جلسات پی در پی برگزار می شد و موارد را یکی یکی بررسی می کردند و به تصویب می رسید.

دست آوردهای منحصر به فرد و بزرگ زندگی خود را چه می دانید؟

با کارهایی که انجام دادم مردم راضی بودند و من خیلی تشویق شدم و این کار را ادامه دادم و الان هم هرجایی که جایم را عوض می کنم بالاخره مرا پیدا می کنند. خانه های بسیاری ساختیم. هتل ساختیم. هتل تهرانی کار من است. درمانگاه ایران مهر را ساختیم. بزرگ ترین دستاورد برای معماری فقط خواسته های مردم است، درک کردن خواسته های مردم و همان را اجرا کردن و پیاده کردن است. به خصوص یزدی ها که خواسته های به خصوصی دارند و با شهرهای دیگر خیلی فرق می کنند.

در بحث طراحی آپارتمان در خیلی از محافل که صحبت می شود آقای مهندس حماسی را جزء شروع کنندگان می دانند و پر تعدادترین کارها را به شما نسبت می دهند. سابقه ای در ذهنتان هست که اولین کار آپارتمانی تان را کی طراحی کردید؟ اولین بار در یزد آپارتمان سازی کی شروع شد؟

در استان یزد سال ۷۳ بود که هیچ جای یزد اصلاً مجوز آپارتمان نمی دادند. در صفائیه یک زمین مثلث شکلی بود که خریدم و مجوز خانه سه طبقه گرفتم و اینجا را آپارتمان کردم و جریمه هایش را هم دادم. اولین کسی بودم که آپارتمان را ساختم. سال ۷۳ شروع شد و سال ۷۵ پایان کار آن هست و تمام شد و دو سال طول کشید و این اولین جایی بود که در یزد من آپارتمان ساختم.

لطفاً تجربیات ویژه و نکاتی که در زمان کار حرفه ای خود داشته اید و به نظرتان راهگشای همکاران جوان تر می تواند باشد، را بیان کنید؟

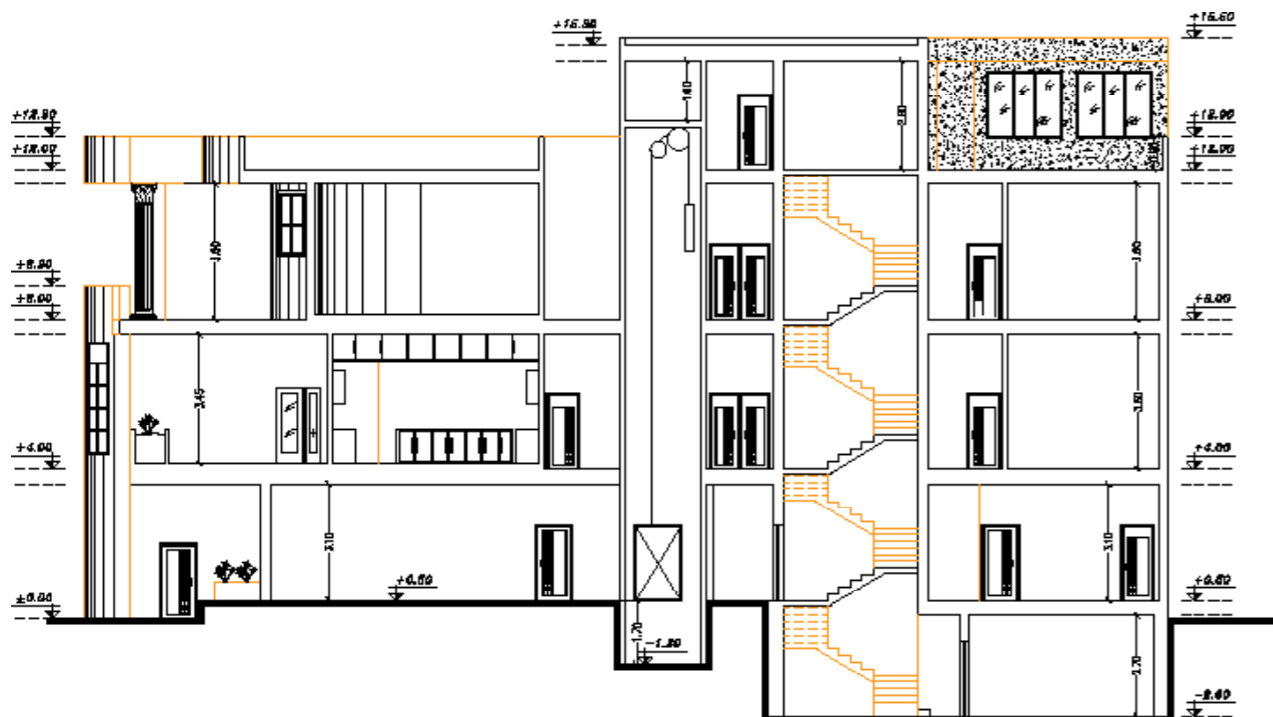
عرض کردم خدمتتان که اولاً رضایت مردم در هر چیزی خیلی مهم هست. شما مثلاً شب می خواهید بروید فست فود بخورید، سؤال می کنید که کجا خوب است؟ هر کاری که می خواهید انجام دهید با پرسش می گوئیم که کجا بهترین است؟ من همیشه سعی می کردم که رضایت مردم را در

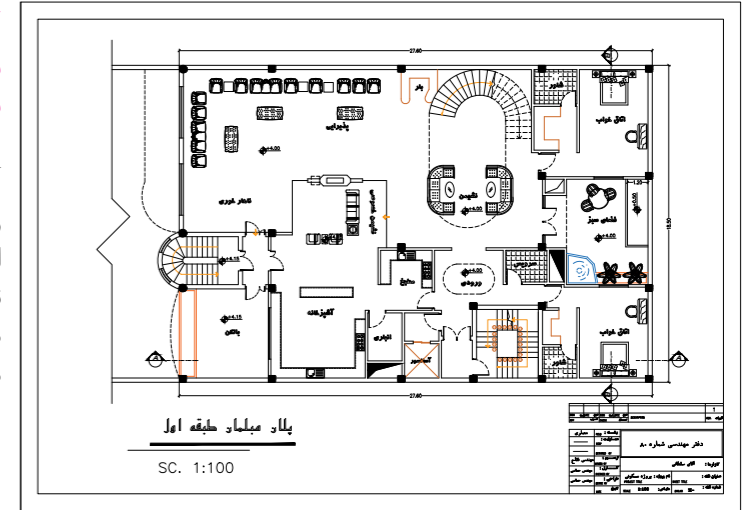
طراحی هایمان جلب کنم. این اصل را از موفقیت در معماری و بهینه کردن روز به روز آن است. در معماری اول کار ما خیلی سخت بود؛ باید طراحی می کردیم، نظارت می کردیم، مخصوصاً اوایلی که اسکلت را کسی قبول نداشت سال ۵۹ بود که من در یزد بودم و سقف تیرچه را مردم سؤال می کردند که بسازیم یا نسازیم و چه باید بکنیم؟ مردم را تشویق می کردم و می گفتم خوب است و از تیرآهنی به تیرچه تشویق می کردیم. اولین کسی بودم که می گفتم اسکلت دیوارها و سقف و حتماً آخرین سقف و دیوارهای اطراف را جهت کاهش اتلاف انرژی حتماً عایق کنند.

در یزد مردم دو دسته هستند.. عده ای هستند که واقعاً ریشه مذهبی دارند که فضا را کاملاً تفکیک شده می خواهند، در داخل ساختمان، خیلی محرم و نامحرم برایشان مهم است و خیلی ها هم هستند که این مسائل برایشان اهمیتی ندارد.

لطفاً پروژه ها و آثار خود را بصورت اجمالی معرفی و درخصوص پروژه های مورد علاقه خود به طور تفصیلی توضیح دهید؟

مجتمع شهاب یکی از پروژه هایی است که ساختیم، خودمان ساختیم و تقریباً ۸۲ واحد هست. درمانگاه ساختیم و یکی از چیزهایی که خیلی خیلی دوست داشتم و برای مردم یزد پیاده شد و چیزی که من واقعاً تشویق کردم اما ساختمان نیمه کاره ماند، ساختمان





بزرگ کتابخانه آقای دکتر جوادی در بلوار شهیدان اشرف بود. خیرش آقای دکتر جوادی بودند. یک کتابخانه خیلی بزرگی هست شاید بزرگترین کتابخانه یزد هم می توانیم بگوییم هست که خود من طراحی و نظارت کردم و ساختم. آقای دکتر جوادی را از تهران دعوت کردیم و تشویق کردیم و اینجا را ساختم (چون ایشان ابتدا یک پولی را دادند و کار نیمه تمام ماند) و بعد دوباره با همت ایشان کار به اتمام رسید. به کمک خیر این کار، آقای دکتر جوادی آپارتمان های زیادی را ساختم. مسجدهای مختلف در سطح شهر با حمایت ایشان ساخته شد. الان دو تا مسجد داریم می سازیم، مسجد حضرت خدیجه که بانیان خیر آن آقایان منتظری هستند و انتهای بلوار جمهوری الان در حال ساخت است.

شما از سابقه ورود آرشیکتک ها به یزد (اولین افراد و بناهایی که توسط مهندسان معمار طراحی و ساخته شدند) چه می دانید؟

راهکار یک معمار برای اینکه یک کار را درست انجام دهد چیست؟ یک معمار خوب باید حرف خود را بزند و مطابق با استانداردهای روز دنیا پیش رود و همراه با زمانه پیش رود. هر معمار طراحی می کند، نظارت می کند اما طراح خیلی مهم است.

من سال ۵۹ یا ۶۰ که آمدم یک نفر معماری که نمی دانم از کجا آمده بود که فقط یک آلونک می ساختند، و یک سقفی می زدند و در آن زندگی می کردند و هیچ وجه احساس آرامش نمی کردند. اگر دیده باشید ساختمان های قدیمی که ۳۵-۳۶ سال پیش ساخته شده؛ یک هال مرکزی، تمام درها توی هال باز می شد. هیچ کس احساس امنیت نمی کرد. همان هال هم نشیمن بود، یک اتاق ال می گذاشتند. افتخار می کردند یک پاسیو بزرگ داریم؛ که اصلاً غیربهداشتی بود. آشپزخانه به همین منوال بود. می دیدیم در نشیمن نشستیم و درب سرویس باز می شود از طرف هال. یک احساس بدی به افراد دست می داد و احساس ناامنی داشتند و به این ترتیب شروع کردیم به اصلاح نقشه ها با همکاران آن دوره آقای مهندس صادقان که جلوتر از من بودند که یک موقع یعنی سال ۵۶ شهردار یزد بودند- که مهارت داشتند در طراحی و همچنین آقای مهندس مویدعلائی که ایشان به رحمت خدا رفتند و در کارشان بسیار دقیق بودند.

آقای مهندس شما ساخت را تا چه اندازه در طراحی مهم و دخیل می دانید؟ آیا فردی که یک طرحی را می دهد باید در اجرا و نظارت هم وارد باشد؟

من فکر می کنم طرحی که ریخته می شود حتماً باید تا آخر کار دخالت داشته باشند. خیلی ها می آیند دیزاین را می بینند، طراحی برایشان انجام می شود و اگر روی این کار نظارت نداشته باشید شاید کار را درست انجام ندهند و کار را خراب کنند. شاید اصلاً سنگی را که مناسب داخل ساختمان نیست کار کنند و همین باعث می شود که شاید کار خراب شود.

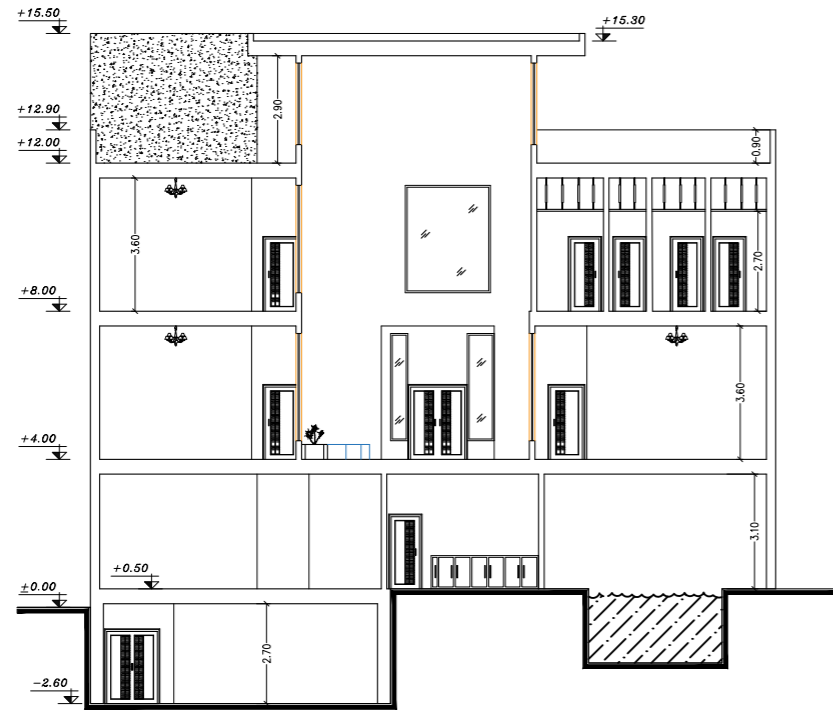
سادگی در روابط فضایی و فضاهای بزرگ می تواند شاخصه ای باشد در معماری یزدیها. فضای بزرگ برای یزدیها خیلی اهمیت دارد.

افراد ویژه و مهمی که در دوران کاری خود با آنها تجربه همکاری داشته اید (اعم از همکار، کارفرما یا مسئولین) یا آنها را در روند معماری و شهرسازی یزد تاثیرگذار می دانید معرفی نمایید؟

مهندسی که تازه از دانشگاه بیرون می آید حالت کتاب را دارد که یک چیزهایی را به صورت نقشه کشیده است. اما چیزی که می خواهد اجرا شود متفاوت است. به نظر من یک مهندس نباید تعصب داشته باشد. یک کارگر ساده بنایی ممکن است یک کاری را سر پروژه انجام دهد که بسیار جالب است و از چیزی که در ذهن مهندس بوده بهتر است. یک معمار خوب از عوامل اجرایی کارگاه و یا حتی ایده های خود کارفرما آموزش می گیرد. مهندس معمار پله های اول آموزشش را در دانشگاه و پله های بعدی را از مردم و عوامل اجرایی کارگاهی با استفاده از متریکال های روز و با شناخت درست طی می کند.

به نظر شما در شرایطی که معماری ایده آل و مصالح درست از نظر معماران یک چیز است و با معماری و مصالحی که عموم مردم در حال استفاده از آن هستند تفاوت دارد راهکار برای معماران چیست؟

در درجه اول رسانه های عمومی به کرات و به واسطه این چنین مصاحبه های تخصصی باید مردم و حتی معماران را از مضرات معماری بد و استفاده از مصالح غیراقلیمی و نامناسب مطلع کنند. البته باید بپذیریم که نمی شود با وجود رسانه ها و شبکه های اجتماعی و فراوانی که مردم می بینند آنها را محدود کرد. به نظرم معمار باید در عین حالی که همراه مردم و زمانه پیش می رود، حرف خود را بزند و پیشنهادات خود را به کارفرما بدهد و درست و غلط ها را به او بگوید. به طور مثال من مخالف شدید نمای کامپوزیت هستم یا به نظرم سنگ به مقدار خیلی کم می تواند با آجر ترکیب شود به شرط آنکه به درستی



اسکوپ شود.

از مصالح جدید هم چوب را مردم زیاد می پسندند که به نظرم به شرط آنکه در ارتفاع کارشود و در جبهه ای که کمتر نورگیر است، بلامانع است.

لطفا آثار فاخر معماری معاصر یزد را از دیدگاه خود معرفی کنید؟ ملاک شما برای معرفی این ابنیه چه می باشد؟

دبیرستان ایرانشهر که آن زمان با طراحی آلمانی ها ساخته شده. مسجد برخوردار یزد که طراحی بسیار دقیق و مرتبی دارد. حتی برای سایز فرش آن فکر شده است. مسجد رسولپان با دهنه خیلی زیادی که دارد و پوشش سقف کاذب و با متریکال تقریباً جدید ساخته شده است.

به نظر شما ملاک های یک معماری خوب در شهر یزد (با توجه به سابقه تاریخی، فرهنگی و محیط اجتماعی و طبیعی آن) چیست؟

یکی از ملاک ها در نظر گرفتن شرایط اقلیمی یزد، شرایط آب و هوایی و حتی جهت جغرافیایی آن که خیلی در طراحی ها، ساخت و سازها مهم است. یکی دیگر از چیزهای مهم مصالح می باشد، هم در کلفت کاری و هم در نمکاری که مصالح هم به اقلیم بر می گردد و باید با آن همساز باشد.

جامعه یزدیها (یعنی اخلاق یزدیها) چه چیز خاصی را در معماری طلب می کند؟

در یزد مردم دو دسته هستند. عده ای هستند که واقعاً ریشه مذهبی دارند که فضا را در داخل ساختمان کاملاً تفکیک شده می خواهند، خیلی محرم و نامحرم برایشان مهم است و خیلی ها هم هستند که این مسائل برایشان اهمیتی ندارد. الان کمی گروه دوم دنباله رو روز شدند. چیزهایی را بیرون دیدند و اینجا می خواهند پیاده کنند.

آیا سادگی در روابط فضایی و فضاهای بزرگ می تواند شاخصه ای در معماری یزدیها باشد؟

فضای بزرگ برای یزدیها خیلی اهمیت دارد. شاید شما ببینید دو نفر در یک فضای ۳۰۰ متری زندگی می کنند که زمستان باید به فکر گرم کردن آن و تابستان به فکر خنک کردن آن باشند ولی تقسیم فضاها برای اینکه زندگی در آن راحت باشد در آن پایدار است. فضای خصوصی را از فضای عمومی جدا می کنند، زندگی در این فضاها راحت تر است اما این فضاهای بزرگ من فکر می کنم که هیچ جای دنیا اینطور نیست. انقدر در زمین های بزرگ با بنای زیاد، تعداد کم زندگی می کنند که در یزد تراکم جمعیت مانند روستاها می باشد. چندین سال پیش تر مسئولان مسکن و شهرسازی می گفتند اخلاق یزدیهای جدید هم هست که باعث شده در فضاهای بزرگ و با تعداد کم زندگی می کنند.



یک معمار تصمیم گیرنده مطلق نیست ...



مصاحبه با مهندس محمدحسین مسعودی

باشد. به هرحال پروژه هایی که انجام دادم همیشه درگیرش بودم و به طراحی بسنده نکردم و در زمینه اجرا و بازخوردی که به زندگیم می دهد مؤثر باشد.

لطفا تجربیات ویژه و نکاتی که در زمان کار حرفه ای خود داشته اید و به نظرتان راهگشای همکاران جوان تر می تواند باشد، را بیان کنید؟

آدم نباید صفر و صد باشد. در حقیقت معماری یک بنا یا یک اثر معماری که فقط معمار به وجود نمی آورد. به هرحال افراد ذینفع و ذی نفوذ در آنها زیاد هست. یک معمار تصمیم گیرنده مطلق نیست، در حقیقت معمار هماهنگ کننده نظرات است. یعنی یک معمار خوب معماری نیست که تمام نظرات خودش را روی طرحش پیاده کند بلکه باید تأثیر تمام عواملی که قاعدتا باید تأثیر بگذارند اعم از محیط، افراد ذی نفوذ و کارفرماها و افراد ذینفع باید در کار دخالت داشته باشند و اینها جزء طراحی هستند. یعنی تعاملی که با این افراد یا محیط دارید جزیی از طراحی هست. طراحی فقط خط کشیدن نیست. فکر می کنم تیمی یا گروهی کار کردن خیلی مهم است. منتها یک معمار باید در رأس باشد و انسان به تنهایی نمی تواند هیچ کاری انجام بدهد. فرض کنید یک معماری که در تعامل با مهندسين ديگر طراحی نکند یا در تعامل با مهندسين سازه و تأسیسات و شهرساز.... خودش را مبرا بداند و فکر کند یک کاری انجام بدهد و آنها موظفند طراحی کنند، این ضعیف از کار در می آید. به هرحال کانسپت معماری که دارد شکل می گیرد تمام این عوامل تأثیر دارد و این گروه هستند که کار را پرورش می دهند و می سازند از قدم اول نه از وسط کار.

یعنی شما اگر بخواهید یک پروژه را از صفر تا صد

تعریف کنید. باید از همان لحظه اول همکارهایمان را انتخاب می کنیم. فرمت کارمان همین است. شما گزارشی را که اول تهیه می کنید در واقع تصمیمات کلانی را می خواهید بگیرید. یک مثال ساده: شما ساختمانی که می خواهید و یک مجموعه ای را طراحی کنید از ابتدا باید سیستم سازه ایش را تصمیم گیری کنید حالا با توجه به نیاز و حتماً با مشاوره با همکارانتان همان لحظه اول. شما فرض بگیرید وقتی یک سیستم سازه پیشنهاد شد و در گزارش آمد و کارفرما آن را تصویب کرد براساس آن طراحی انجام می شود. حالا اگر فرض بگیرید تأسیسات یک ساختمانی چیلر هست یا اسپیلیت، این دو تا طراحی هایشان خیلی متفاوت می شود. میزان داکتها متفاوت است، موتورخانه اش متفاوت است و یا نوع سازه اش. بالاخره ببینید هر کسی در کاری که انجام می دهد نظری دارد. اگر شما بخواهید نظر آنهایی که در کار دخالت دارند ندیده بگیرید کار خوب در نمی آید. یعنی حتی اگر که دارد کار می کند این هم خودش باید علاقه مند به کار شود و اگر نظری دارد در کار توجه شود. همینطور که ساختمان هم دارد ساخته می شود به هرحال بنا و کارگر هم می خواهند اعمال نظری بشود. این است که می گویم معماری فقط نشستن و خط کشیدن نیست. بالاخره یک گروه خیلی وسیعی که از ابتدای شروع طراحی و صحبت با کارفرما تا آن موقع که ساختمان ساخته می شود همه دارند فعالیت می کنند. تمام اینها می توانند در طراحی مؤثر باشند.

لطفا پروژه ها و آثار خود را بصورت اجمالی معرفی و درخصوص پروژه های مورد علاقه خود به طور تفصیلی توضیح دهید؟

تغییر کاربری یک سری ساختمان و درمانگاه کوثر صفائیه، طرح کارخانه جنوب (طرح احیاء، تغییر کاربری به مجموعه فرهنگی- تفریحی)، اداره کار و امور اجتماعی، آپارتمان های شقایق صفائیه، سرای مسعودی که یک انبار گندم را تبدیل به یک مجموعه تجاری کردیم، گودال شهریار (تغییر کاربری به مسکونی) که طرح آن تهیه و تصویب شد ولی اجرا

نشد، خوان دوحده (که برای دفتر گرفته شد و مرمتش کردیم برای دفتر که بعد هم فروخته شد)، دارالقرآن که در یاسوج ساخته شد، کارخانه مقواسازی در شهرک صنعتی که ساخته شد، ساختمان شهرداری ناحیه ۲ و ۳ که البته با تغییراتی ساخته شد، یک مجموعه آپارتمان سازی در خلف باغ که در اداره مسکن رد شد و اجرا نشد و طرح خوبی بود؛ در چهار طبقه بود و تمام واحدها به صورت آپارتمانی که ۹۰ متر آپارتمان و ۶۰ متر حیاط در طبقات. گذرها و پیاده روها همه مسقف بود بعضی وقتها ماشین ها زیر سقف ها رد می شدند که آن هم بخاطر کمبود فضای سبز قبول نکردند. طرح بازسازی ساختمان اداری سنگ آهن بافق هست. مهمانسرای برق ده بالا، استخر سرپوشیده بافق هست که تابستان ها می تواند سقفش کنار برود و زمستان ها سقف دارد. که احتمالاً در مرحله اجراست. مهمانسرای شماره ۱ چغارت یا هتل نیکان بافق، کارخانه فولاد غدیر در شهرک آهن شهر، سرای خوان کهنه، میدان میوه و تره بار یزد و موزه ایرانشهر در محدوده مدرسه ایرانشهر.

خودتان به کدام پروژه تان احساس تعلق دارید؟

سرای خوان کهنه که در حقیقت چالشی داشتیم، اجازه آن را از میراث گرفته بودند که با اصرار ما طرح مرمتش را قبول کرده بودند و خوشبختانه نتیجه داد. در صورتی که خراب کردنش خیلی مشکل بود. مهمانسرای چغارت به خاطر گفتگویی که با کارفرما داشتیم توانستیم او را راضی کنیم که طراحی ۳۰۰ خانه سازمانی به ما واگذار

شده بود ما تبدیل کنیم به یک مجموعه ای به صورت مهمانسرا. سرای مسعودی را ما با یک هزینه کم تبدیل کردیم به یک مجموعه تجاری موفق.

شما از سابقه ورود آرشیتکت ها به یزد (اولین افراد و بناهایی که توسط مهندسان معمار طراحی و ساخته شدند) چه می دانید؟

نسبت به این سوال خیلی ذهنیت ندارم. وقتی ما به یزد آمدیم تقریباً هیچ کاری با طراحی انجام نمی‌شد. به عنوان مثال مرحوم آقای مهندس مؤید علایی، مثلاً ساختمان استانداری را خاطر هم هست که یک اتود اولیه زده بودند و همان اتود را شروع کرده بودند به ساختن. عملاً اکثر کارها بدون طرح بود. آن موقع که من در جهاد یزد بودم بیمارستان مهریز را طراحی کردم دو تا مدرسه در مهریز طراحی کردم و مثلاً از تیرچه بلوک دومین دفعه در یزد استفاده کردیم. اولین تیرچه بلوک که در یزد استفاده شد ساختمان مخابرات در خیابان امام بود و دومی از ما بود که دستگاه برقی آن را آوردم و در بیمارستان مهریز و بافق استفاده کردیم و همین طور در مدرسه.

کارهایی که انجام دادم سعی کردم همیشه منطقی باشد و کار بردی. به هر حال پروژه هایی که انجام دادم همیشه درگیرش بودم و به طراحی بسنده نکردم و در زمینه اجرا و فیدبکی که به زندگیم می دهد مؤثر باشد.

جمع معماری استان در آن زمان چند نفر بود؟

خیلی کم بودند. آقای آیت اللهی قبل از ما یزدبنا را تشکیل داده بودند. مهندس شاه حسینی. آقای طلایی در شهرداری کار می‌کردند و تقریباً اولین کار بزرگی که مشاور ما انجام داد و کاغذی هم بود نه مکانیزه، پایانه بار یزد بود. پروژه ای بود که فاز یک و دو داشت و محاسباتش کامل انجام شده بود. تقریباً اولین کاری که به این صورت انجام می‌شد کاری بود که توسط دفتر مشاور ما انجام شد. قبل از آن به این صورت که طرح و فاز دو و نقشه های اجرایی داشته باشد روال نبود مگر اینکه از تهران و سیستم‌های دولتی آورده باشند.

مشاورینی که تشکیل شده بودند در حوزه کشوری انجام می‌شد و در حوزه ی یزد خیلی بازاری نداشتند. کارها را می‌بردیم تهران یا اصفهان تصویب می‌کردند.

افراد ویژه و مهمی که در دوران کاری خود با آنها تجربه همکاری داشته اید (اعم از همکار، کارفرما یا مسئولین) یا آنها را در روند معماری و شهرسازی یزد تاثیرگذار می دانید معرفی نمایید؟

در یزد ما از آن زمانی که تا حالا کار کردیم اگر خواسته باشم یک کارفرمای خوب نام ببرم مسئولین بخش فنی سنگ آهن بافق بودند. آن هم یک زمانی که آدم های بسیار فهیم و باتجربه بودند و بقیه کمتر به این قضایا بها می‌دهند. افرادی هم که با آنان همکاری می‌کردیم دوستان در دفتر مشاوره مان آقای مهندس صالحی هستند، آقای نقصان محمدی، آقای یزدانفر که یک زمانی خیلی فعال بودند و کارهای خوبی در یزد انجام دادند. آقای آیت‌اللهی از اول فعال بودند و کارهایشان



اداره کار و امور اجتماعی - سه راه تعاون

یعنی از لحاظ عناصر معماری و معیارهای معماری مناسب است و آن فاکتوری که شما لحاظ می‌کنید در عین اینکه عملکرد خوبی هم دارد؟

من خودم مدرسه ایرانشهر را خیلی علاقه دارم. از خیلی لحاظ خیلی برای من این ساختمان آموزنده است. خودم هم یکی از کارهایی که آنجا انجام دادم تکمیل ساختمان آن است. طراحی موزه مدرسه ایرانشهر هست که تمام آن هم زیر زمین انجام می‌شود و به ظاهر مدرسه اصلاً دست نمی‌خورد. طرح هم مصوب هست منتها بودجه‌اش تامین نشد. البته کنار آن یک موزه جانورشناسی است که آن هست. زیر زمین را توسعه داده ایم به زیر محوطه، توسعه موزه است.

به نظر شما ملاک های یک معماری خوب در شهر یزد (با توجه به سابقه تاریخی، فرهنگی و محیط اجتماعی و طبیعی آن) چیست؟

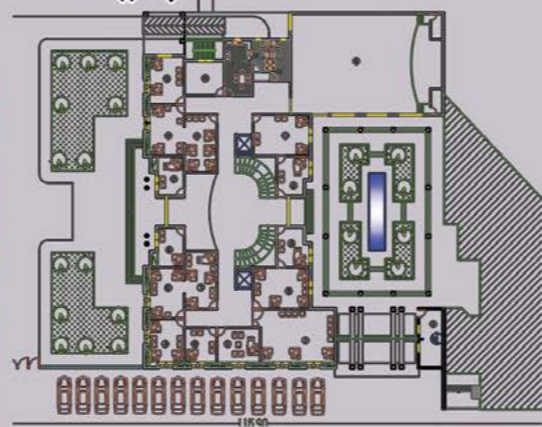
به نظر اثری مناسب هست که از محیط اش، از مکان اش، از جامعه اش و از ساخت و ساز های اطرافش مؤثر باشد. این معمولاً ما به اصطلاح معماری زمینه گرا می‌گوییم و همیشه سعی می‌کنیم که یک اثر با زمینه خودش متناسب باشد ولی از اثر غافل هستیم که یک اثر که به وجود می‌آید چه تأثیری در این زمینه می‌گذارد یعنی مؤثر بودن، یعنی فقط نمی‌تواند متأثر باشد از اطراف اش، از محیط اش و باید مؤثر باشد. یکی از روش‌های احیا، همین تأثیری هست که یک اثر معماری می‌تواند در یک مجموعه بگذارد. موضوع دیگر اینکه بالاخره از تمام ابعاد مختلف بتواند جوابگو باشد. مثلاً شما نمی‌توانید بگویید یک اثر اقتصادی است یا یک اثر فرهنگی است. به نظرم یک مجموعه اقتصادی حتماً باید جنبه‌های فرهنگی آن را هم در نظر بگیریم یا یک مجموعه فرهنگی حتماً باید جوابگویی اقتصادی هم داشته باشد. یعنی ما هیچ وقت یک مجموعه تک بُعدی نداریم. شما فرض بگیرید مدرسه می‌سازید. مدرسه، هیچ گونه اقتصادی نیست ولی به نظر من یک دید اقتصادی هم می‌شود روی آن داشت، ما یک نوع سرمایه‌گذاری می‌کنیم روی جوان هایمان و روی تربیت جوان‌ها.

شاید من بتوانم بگویم مدرسه می‌تواند از لحاظ قیمت زمین شهری قیمت زمین های مجاور را کم می‌کند، من ساختمان را طوری بسازم که تأثیر آن را هم ببینم؟

این هست، ببینید ما همان توجیهات اقتصادی که برای پروژه‌هایمان می‌دهیم همین‌ها را اینجا هم می‌بینیم. این زمین چند است؟ چقدر هزینه می‌خواهد؟ و چند می‌توانیم بفروشیم؟ اما فقط این را می‌بینیم ولی اینها بعدهای خیلی وسیع تری دارد. شما فرض بگیرید پروژه‌ای را سر میدان امیرچخماق اجرا می‌کنید این پروژه ممکن است که چیزی به وجود نیاید که مثلاً قابل فروش باشد و تامین مخارج کند. ممکن است درآمد آن از طریق ارگان های دولتی جذب شود. فرض بگیرید کسبه آنجا منتفع بشوند و بعد اداره دارایی مالیاتی که از آنها می‌گیرد بودجه آن غیر مستقیم برگردد برای دولتی که برای این جذب نکرده است. کسی این بعد را نگاه نمی‌کند. وقتی ما می‌گوییم کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت در حقیقت این است. ما وقتی که یک جایی را رونق می‌دهیم رونق ممکن است مستقیم نباشد. ما معمولاً اگر توجیه اقتصادی مان در کوتاه مدت جواب ندهد آن را رها می‌کنیم در صورتی که مثلاً چرا بخش‌های فرهنگی مان ضعیف است؟ برای اینکه هیچ موقع انتفاع کوتاه مدت جواب نمی‌دهد. به نظر من باید ابعاد مختلفی که هست جوابگو باشد اگر نباشد این پروژه عمری نمی‌کند. یعنی در حقیقت نمی‌گیرد و خوب کار نمی‌کند و بالاخره مشکل پیدا می‌کند.

مسابقه طراحی ساختمان مسکن انقلاب اسلامی استان یزد

بنیاد



پلان طبقه اول

معماری باید بومی و سازگار با اقلیم باشد



مصاحبه با مهندس سید حمید جلیلیان

پروژه های زیادی را کار کردم و همه آنها مورد علاقه من بوده است. از نظر خودم شاخص ترین آنها دانشکده نساجی دانشگاه یزد، دانشکده فنی دانشگاه آزاد، یک سری آپارتمان بود

در زمینه خانوادگی، خانواده ام بزرگترین دستاورد زندگی من می باشد و در زمینه حرفه ای هم تمام کارهایی که تا الان انجام داده ام همه را با عشق و علاقه انجام داده ام.

لطفا تجربیات ویژه و نکاتی که در زمان کار حرفه ای خود داشته اید و به نظرتان راهگشای همکاران جوان تر می تواند باشد، را بیان کنید؟

معماری برای مهندسین جوان فقط طراحی نیست. حتماً مدتی را در کارگاه باشند و در کنار طراحی حتماً نظارت کارگاهی و طراحی را بیاموزند. از تجربیات مهندسین معمار دیگر استفاده کنند و مطالعه را در کنار کارهایشان فراموش نکنند. نظارت کارگاهی داشته باشند و مسائلی که در کارگاه پیش می آید را حتماً مدنظر بگیرند.

آیا شما به عنوان یک معمار باور دارید که تنها با نگاه هنری به معماری به عنوان یک طراح نمی شود انتظار کسب درآمد داشت؟

با توجه به اینکه معماری هنوز جایگاه خود را به درستی

لطفا سال شمار زندگی خود را با تکیه بر وقایع مهم، تحصیلات و دوره شناسی تفضیلی حرفه ای خود بیان کنید؟

سوم دی ماه ۱۳۳۴ در تهران متولد شدم. در سال ۱۳۵۲ دیپلم خود را در رشته طبیعی در دانشگاه زاکرس تهران گرفتم. در سال ۵۵ فوق دیپلم در رشته طراحی صنعتی گرفتم و همان سال پس از دریافت پذیرش از دانشگاه فیلپین عازم آنجا شدم و پس از گذراندن ۲۱۷ واحد در سال ۶۲ در رشته معماری فارغ التحصیل شدم و به ایران برگشتم و با توجه به مهاجرت خانواده از تهران به یزد در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یزد به عنوان مسئول واحد معماری و مسئول شهر مشغول به کار شدم. تا سال ۶۷ این همکاری ادامه داشت و در سال ۶۷ استعفا دادم و به صورت خصوصی دفتری را تأسیس کردم و مشغول به کار معماری و نظارت شدم. در سال ۷۴ به مدت دو سال به عنوان ناظر معماری در پروژه خوابگاه دانشگاه یزد با مهندسین مشاور همکاری داشتم و پس از آن به مدت ۴ سال به عنوان مسئول واحد معماری حوزه معاونت عمران دانشگاه یزد در کنار مهندس ترابی و مهندس شاهی بوم و نظارت معماری کلیه پروژه های دانشگاه یزد را انجام دادم. از سال ۸۵ تا ۹۴ نظارت معماری آپارتمان های ۴۰۰ واحدی نظام مهندسی را داشتم. از سال ۶۸ تاکنون در کنار مسئولیت های نامبرده شده کارهای اداری، تجاری، مسکونی، طراحی و نظارت را انجام داده ام. در حال حاضر مسئول دفتر مهندسی ساختمان شماره ۱۴ و مشغول به کار هستم. در نظام مهندسی از بدو تأسیس آن جزء گروه مؤسس نظام مهندسی بوم. تقریباً در تمام گروه های تخصصی بوده ام.

دست آوردهای منحصر به فرد و بزرگ زندگی خود را چه می دانید؟

شما از معمارانی بودید که زیاد در مسابقات شرکت کردید لطفا تجربیات خود را در این خصوص بیان کنید.

اولین مسابقه، مسابقه طراحی دانشگاه آزاد زارچ بود که شرکت کردم و نفر اول شدم سال ۱۳۶۷ که اولین کار من بعد از بنیاد مسکن بود. یکی از مسابقاتی که شرکت کردم و واقعاً فکر می کنم که یک مقدار قابل تأمل است و یکی از مشکلاتی است که هنوز در شهر ما حل نشده طراحی در بافت قدیم بود. یک مسابقه در بافت محله ی تل برگزار شد و من ایده هایی داشتم که نقشه های آن هم موجود است و آن مسابقه را شرکت کردم. مسابقه ورودی دانشگاه اصفهان را شرکت کردم که در بین پانصد و چند طرحی که داده بودند؛ طرح من جزو بیست طرح برتر شناخته شد. مسابقه سر در ورودی صدا و سیما بود که برنده و در سال ۷۰ اجرا شد، همچنین در مسابقه ساختمان نظام مهندسی مشهد شرکت کردم.

شما از سابقه ورود آرشیوتکت ها به یزد (اولین افراد و بناهایی که توسط مهندسان معمار طراحی و ساخته شدند) چه می دانید؟

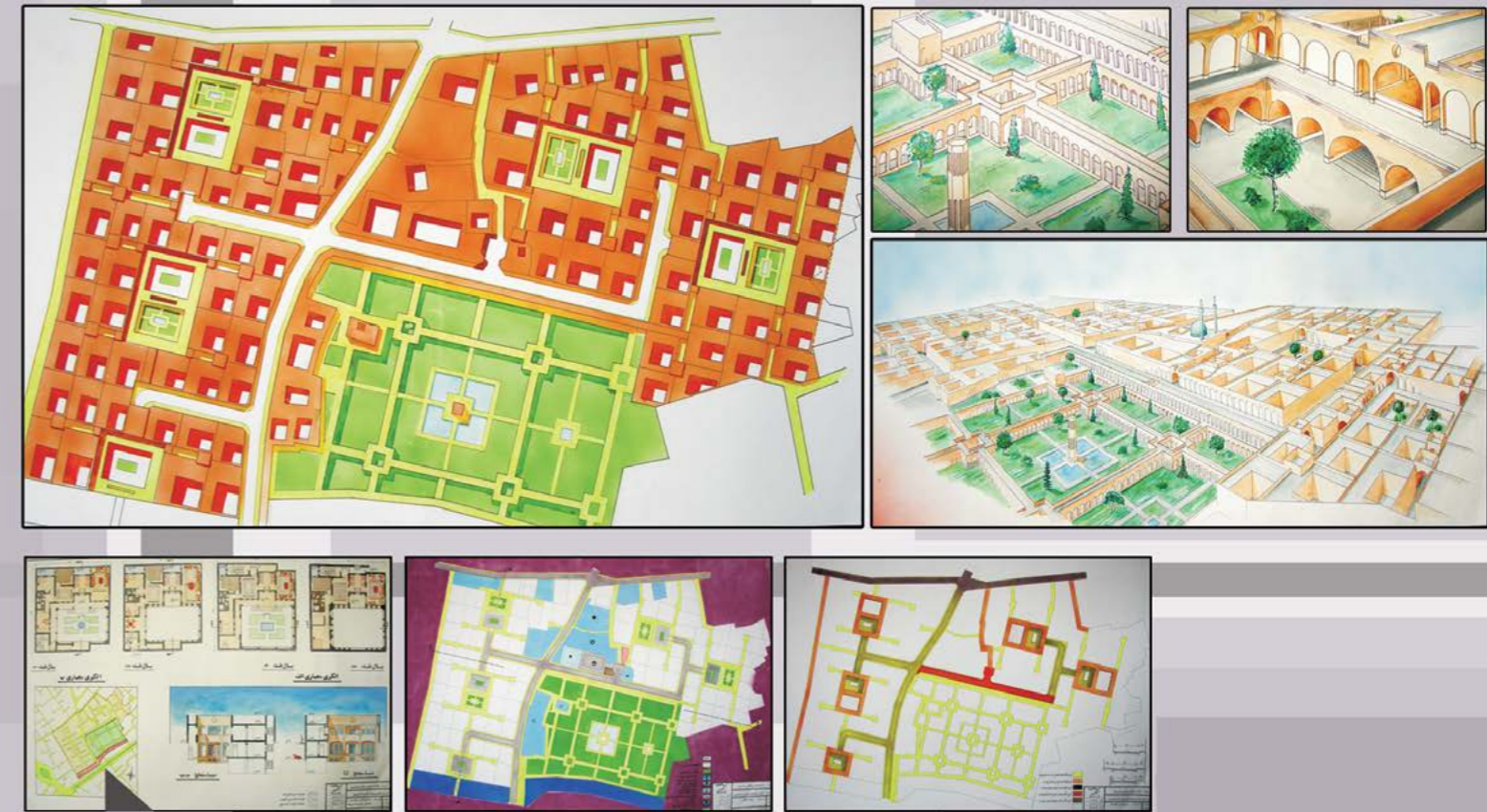
در محیط ما پیدا نکرده درست می فرمایید، اگر فقط به خاطر کسب درآمد از معماری استفاده نمودیم هرگز موفق نخواهیم شد؛ چون معماری یک هنر و یک عشق است و هیچ وقت عشق قرار نیست درآمدی برای کسی داشته باشد.

لطفا پروژه ها و آثار خود را بصورت اجمالی معرفی و در خصوص پروژه های مورد علاقه خود به طور تفصیلی توضیح دهید؟

پروژه های زیادی را کار کردم و همه آنها مورد علاقه من بوده است. از نظر خودم شاخص ترین آنها دانشکده منابع طبیعی دانشگاه یزد، دانشکده نساجی دانشگاه یزد، دانشکده فنی دانشگاه آزاد و یک سری آپارتمان بود. یکی از پروژه هایی که علاقه زیادی به آن دارم مرمت مرکز فرهنگی دانشگاه یزد است که همان استانداری سابق بود. یکی دیگر از پروژه ها که مورد علاقه ام است ساختمان دانشگاه پیام نور اردکان است. اولین طراحی من ساختمان اداری بنیاد مسکن فعلی است که بدون استفاده از تیرآهن ساخته شده و در آن من دهنه هفت متر را با استفاده از قوس اجرا کردم. جو کاری بیرون جو مناسبی نبود و هنوز هم ما خیلی به فرهنگ سازی در معماری نیازمندیم شاید کوتاهی از ما معماران بوده، شاید هم فرهنگسازی ضعیف بوده اما من همیشه کار را به صورت مشاوره و مشورتی در پروژه ها با کارفرماها کار می کنم و کار حالت تحمیلی ندارد.

معمار باید خود طراحی را انجام دهد، خود نظارت کند و حتی در مرحله اجرا شرکت داشته باشد

مصاحبه با مهندس علی محمد زارع بیدکی



از سال ۵۹ تا حالا هم طراحی و نظارت نظام مهندسی و شهرداری به عنوان معمار پایه ۱ انجام می دهم. کارهایی که من کردم همه به صورت آزاد بوده. هر ۴-۵ سال یک بار موضوعی عوض شده؛ پیمانکار، سرپرستی کارگاه، کلینیک ساختمانی، آپارتمان سازی و... ولی یکسری کارهایی است که امروز در جامعه با آیین نامه خیلی اختلاف دارد. یعنی اگر خواسته باشید به عنوان یک مهندس به کار ادامه دهید و مسئول باشید خیلی با ضوابط آیین نامه ها اختلاف دارد. داربست فلزی را مثال می زنم. ما یک مدت داربست فلزی داشتیم، فاصله داربست فلزی براساس آیین نامه با فاصله ای که آزاد است حدود سه برابر قیمت محاسبه می شود. یعنی اگر شما با ۱۰۰۰ تومان، داربست فلزی خواسته باشید طبق آیین نامه ها باید ۴۰۰۰ تومان محاسبه شود. اینها خیلی مشکل است. هیچ کدام از داربست فلزیها که می بینید استاندارد نیست. ما اجباراً رها کردیم. از ترس، چون ما خودمان می دانستیم اشتباه هست آن را رها کردیم.

دستاوردهای منحصر به فرد و بزرگ زندگی خود را چه می دانید؟

البته اینکه مشکلات بود و علیرغم مشکلات فراوان و جنگ توانستیم آن موقع درس بخوانیم. مثل حالا نبود. همیشه تعطیلات و اعتصاب. یک بار می رفتیم سر کلاس، دانشگاه تعطیل می شد. آن زمان ساکن تهران بودم. ترم جدید که بود باید می آمدم یزد. دوست هم نداشتم کارمند باشم. مدتی ۴-۵ سالی هم کارمند زمین شهری بودم. بهترین کار در قسمت معماری و ساختمان این است

لطفاً سال شمار زندگی خود را با تکیه بر وقایع مهم، تحصیلات و دوره شناسی تفضیلی حرفه ای خود بیان کنید؟

متولد مرداد ۱۳۳۴ هستم. ۱۳۵۲/۷/۱ وارد دانشگاه علم و صنعت شدم. به خاطر مسائل انقلاب و انقلاب فرهنگی سال ۵۹ فارغ التحصیل شدم. خدمت سربازی در جبهه جنگ واحد فنی مهندسی بودم. نقشه ای برای منطقه بود، آنجاها را رنگ می کردیم ببینیم دشمن کیست و دوست کجاست؟ ارتفاعات کجا هستند و... یکی دیگر از مهندسان معمار هم به نام هرندی همراه من بود. بعد از جنگ از سال ۶۱، سه سال در مناطق زلزله زده کرمان تا سال ۶۴ پیمانکار بودم.

سال ۶۴، ۵ سال توی اداره زمین شهری کارشناس و مسئول فنی شهرسازی بودم. بعد از سال ۷۱، سرپرست کارگاه ساختمان بیمارستان شهدای کارگر بودم که تجربه خیلی خوبی بود. تا پایان سال ۷۴ فقط کار من معماری بود.

آن زمان نقشه ها را همه مشاورها تهیه می کردند مشاور نقشه ها را تهیه و از تهران به اینجا آوردند.

بعد از سال ۷۴ آمدم ۴-۵ مورد آپارتمان شروع کردم که ببینیم چگونه است. ساختمان ها فایده نداشت و ولش کردم. بعد دیگه رفتیم در کار معاملات و بازرگانی و کار ساختمانی. دو تا شرکت زدیم؛ یکی شرکت بازرگانی ساختمانی نوین در تهران و دیگری هرم سرا در یزد. کاری که توی این قسمت کردم کلینیک ساختمان هرم بود ولی استقبال خوبی نشد. ایده این بود کلینیک ساختمانی هرم زیر نظر مهندسان معمار باشد تا مردم بتوانند اشکالات کارشان را ببینند و هم اینکه مصالح جدید را به آنان معرفی کنیم.

می خواستیم که در مورد عیب های ساختمان اگر کسی سوالی دارد زنگ بزند و بپرسد. مصالح جدید و تکنیک های جدید از همین مسیر به مردم معرفی گردد ولی زیاد استقبال خوبی نشد.

ولی کار نابی بود، به تازگی دوباره عده ای شروع کرده اند چندتا کلینیک ساختمانی درست کرده اند اما حدود سال ۸۰ خوب استقبال نشد.

به نظر شما ملاک های یک معماری خوب در شهر یزد (با توجه به سابقه تاریخی، فرهنگی و محیط اجتماعی و طبیعی آن) چیست؟

معماری سازگار با اقلیم باشد. معماری بومی باشد. در کنار طراحی خوب باشد و نگاهی به مصالح نو داشته باشیم. روی مصالح هم کارکنیم و معماری که واقعاً ماندگار باشد.

تنها ساختمان با ارزشی که من سراغ دارم ساختمان راه آهن می باشد. آرشیتکت آن آقای مهندس مؤید علایی بودند که به رحمت خدا رفتند.

افراد ویژه و مهمی که در دوران کاری خود با آنها تجربه همکاری داشته اید (اعم از همکار، کارفرما یا مسئولین) یا آنها را در روند معماری و شهرسازی یزد تأثیرگذار می دانید معرفی نمایید؟

من با اولین کسی که کار کردم آقای مهندس ترابی بودند که در دوره ریاست آقای دکتر جلیل شاهی اولین ریاست دانشگاه یزد بودند. آن موقع رئیس بنیاد مسکن بودند و بعد معاونت عمرانی استانداری و بعد معاونت عمرانی دانشگاه یزد را داشتند. آقای مهندس محمد رسولیان مدیرعامل مهندسیین مشاور طرح و کاوش تهران بودند، با ایشان افتخار همکاری داشتم. آقای دکتر محمدرضا قانعی مدیرعامل مشاور پلشیر اصفهان بودند، ایشان هم از افراد تأثیرگذار در زندگی من بودند.

لطفاً آثار فاخر معماری معاصر یزد را از دیدگاه خود معرفی کنید؟ ملاک شما برای معرفی این ابنیه چه می باشد؟

راه آهن یزد، مهم ترین فاکتور انتخاب این بنا به عنوان یک اثر فاخر معماری معاصر که بعد از این همه سال هنوز نیاز به بازسازی و توسعه ندارد و آینده نگری بسیار خوبی هم در آن به کار رفته است فرمی کاملاً ایرانی دارد که در ذهن می ماند.



بیمارستان سیدالشهداء (ع) - خیابان امام خمینی (ره)

معمار باید جامعه شناسی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ مردم را خوب بداند



مصاحبه با مهندس محمود جلالیان

سال ۷۴ مهریادین را تأسیس کردم. از سال ۸۰ به کانادا رفتم و سال ۸۸ برگشتم.

دست آوردهای منحصر به فرد و بزرگ زندگی خود را چه می دانید؟

یافتن امکان مشارکت در کارهای بزرگ در سال های اولیه شروع کار رسمی و کسب تجارب مفید در این رابطه، و ایجاد دفتر فنی وزارت ارشاد در تهران خیلی به من کمک کرد. با انجام پروژه های بزرگ و پروژه های فرهنگی و هنری، زمینه های مختلف معماری را آزمایش کردم و این را یکی از علاقه های من و دستاوردهای خودم می دانم. در هر سه زمینه مشاوره، اجرا و نظارت هم در ایران و هم در کانادا کار کردم. زمینه سابقه رسمی در زمینه مهندسی مشاور را دارم. مجموعه کارهایی که در کانادا انجام دادم از نظر تراکم، فشردگی کار، تعداد پروژه ای که انجام دادم با کارهایی که در ایران انجام دادم قابل مقایسه نیست. در کانادا بعد از سه سال و نیم کار کردن در دو شرکت، ۱۷ پروژه کار کردم که از صفر تا صد کار را انجام دادیم و در این سه سال و نیم از این ۱۷ پروژه فقط سه تای آن انجام نشد. یک مرکز بزرگ فرهنگی، مذهبی در تاجیکستان بود که به زور خود را وارد این کار کردم.

لطفاً تجربیات ویژه و نکاتی که در زمان کار حرفه ای خود داشته اید و به نظرتان راهگشای همکاران جوان تر می تواند باشد، را بیان کنید؟

لطفاً سال شمار زندگی خود را با تکیه بر وقایع مهم، تحصیلات و دوره شناسی تفصیلی حرفه ای خود بیان کنید؟

متولد شهریورماه ۱۳۳۵ یزد هستم. دبستان و دبیرستان را در شهر یزد گذراندم. دبستان محمدی و بعد دبیرستان رسولیان تا پایان کلاس نهم. دو سال آخر دبیرستان را در تهران گذراندم. سال ۱۳۵۳ دیپلم گرفتم و همان سال هم دانشگاه تهران قبول شدم. کنکورها خیلی سخت شده بود و هر دانشگاهی برای خود یک کنکور سراسری جدا می گرفت. من یادم هست که دقیقاً پنج کنکور دادم. معماری دانشگاه تهران، تجسمی دانشگاه تهران و معماری دانشگاه ملی امتحان دادم. همچنین دانشگاه پهلوی سابق شیراز رفتم فیزیک محض امتحان دادم. دانشگاه صنعتی شریف در رشته مکانیک امتحان دادم. می توان گفت در زمینه کار اجرایی شاید ۱۵ یا ۱۶ تا کارهایی که خودم طراحی کردم در مرحله اجرا هم از صفر شرکت داشتیم و انجام دادم. سنگ، کاری، کاشی کاری و کارهای ظریف را خودم انجام می دهم. سال ۵۳ وارد دانشگاه شدم. سال ۵۹ که چند روز بعد از آن انقلاب فرهنگی شد توانستم فارغ التحصیل شوم. بعد از آن طی مراحل رفتم به آمریکا شهر تگزاس و دانشگاه ایالتی تگزاس برنامه ریزی شهری و منطقه ای خواندم. البته یک فوق لیسانس جدا بود. تقریباً چند واحد مانده بود که به ایران برگشتم و در سال ۱۳۶۲ ازدواج کردم و دیگر برنگشتم که ادامه بدهم. همزمان با آن به اتفاق یکی از دوستان هم دوره خود دفتر فنی وزارت ارشاد را در تهران ایجاد کردیم. دفتر فنی بود که داخل خود وزارت خانه ایجاد شده بود. زمان وزارت آقای خاتمی. شاید سه سال آخر جنگ بعد از آن یک امکانی و بودجه ای فراهم شد تا ما مراکز فرهنگی و هنری در مراکز استان ایجاد کنیم که تقریباً در ظرف دو سال و نیم تا سه سال ۲۲ مرکز فرهنگی هنری طراحی کردیم. از بین ۲۲ تا فقط دو تای آن ساخته نشد و ۲۰ تای آن ساخته شد. کتابخانه امام علی(ع) یزد نمونه ای از این پروژه ها بود که انجام شد.

(از اولین پروژه های آرشیفتکتی). من خودم کارهای آقای مهندس مؤید علایی را بسیار می پسندم.

افراد ویژه و مهمی که در دوران کاری خود با آنها تجربه همکاری داشته اید (اعم از همکار، کارفرما یا مسئولین) یا آنها را در روند معماری و شهرسازی یزد تاثیر گذار می دانید معرفی نمایید.

آقای مهندس رضوانفر اولین رئیس سازمان نظام مهندسی، آقای مهندس فلاحیان معاون مسکن و شهرسازی که تلاش بسیاری می کردند. آقای دکتر نورمحمدزاده، آقای دکتر آیت اللهی

لطفاً آثار فاخر معماری معاصر یزد را از دیدگاه خود معرفی کنید؟ ملاک شما برای معرفی این ابنیه چه می باشد؟

ساختمان شهرداری و ساختمان استانداری کارهای بسیار خوبی بودند. رعایت الگوهای بومی، ایجاد سایه روشن مناسب در ساختمان ملاک من برای انتخاب این بنا هاست.

به نظر شما ملاک های یک معماری خوب در شهر یزد (با توجه به سابقه تاریخی، فرهنگی و محیط اجتماعی و طبیعی آن) چیست؟

در حال حاضر مشکل بزرگی که ما داریم بافت تاریخی یزد است. تاکنون کسی راه حل و ایده مناسبی برای این قضیه ارائه نداده است. منظور برخوردی است که با بافت تاریخی ما می شود. باید کسی با مشاوره پیدا شود که بتواند فکری برای این قضیه بکند. کسانی که ادعای نگهداری بافت تاریخی را دارند هیچ طرحی برای ماندگاری این بافت های قدیمی ندارند. چون این بافت ها و ساختمان های قدیمی نه برای زندگی قابل استفاده و مناسب است و نه چیز دیگری؛ ما باید در ماندگاری و نگهداری این بافت ها تلاش کنیم.

کسانی که ادعای نگهداری بافت تاریخی را دارند هیچ طرحی برای ماندگاری این بافت های قدیمی ندارند. چون این بافت ها و ساختمان های قدیمی نه برای زندگی قابل استفاده و مناسب است و نه چیز دیگری؛ ما باید در ماندگاری و نگهداری این بافت ها تلاش کنیم.

که کار به صورت گروهی انجام شود. یعنی یک نفر تکی نمی تواند. باید مشارکتی انجام شود. سرمایه می خواهد، کارهای ساختمانی سرمایه می خواهد.

لطفاً تجربیات ویژه و نکاتی که در زمان کار حرفه ای خود داشته اید و به نظرتان راهگشای همکاران جوان تر می تواند باشد، را بیان کنید؟

فقط کار گروهی و علمی، خود شهرداری قانون گریز شده، اگر اینها را قانونمند می کردند، قانونی می کردند و می گفتند ساختمان باید توسط خود مهندس ساخته بشود خیلی بهتر بود. معمار باید خود طراحی را انجام دهد. نظارت کند و حتی در مرحله اجرا خود شرکت داشته باشد، باید کلیه کار و نبض کار دست معمار باشد. الان متأسفانه اینطور نیست و مهندسیین معماران ما نظارت کافی بر روی کار ندارند.

لطفاً پروژه ها و آثار خود را به صورت اجمالی معرفی و در خصوص پروژه های مورد علاقه خود به طور تفصیلی توضیح دهید؟

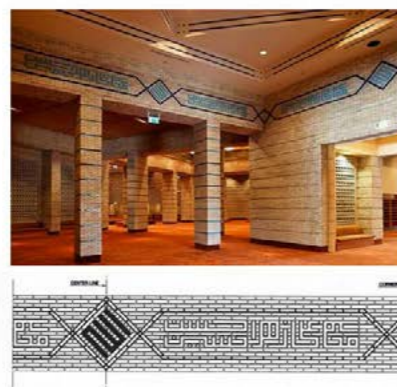
یکی از کارهای مورد علاقه من و بهترین پروژه من منطقه زلزله زده کرمان بود که تقریباً ۲۷ واحد بود و بعد از زلزله به دعوت شهرداری کرمان در سال ۵۷ انجام دادم. کنار بیمارستان شهدای کارگر، واحدهای آپارتمانی زیادی هم ساختم مثلاً در محله ساعت مارکار که با سرمایه خودم ساختم. یک هتل آپارتمان هم در مشهد در حال اجرا دارم که طراحی آن با خودم بوده. مسجد مهر را در مهریز نیز کار کرده ام.

شما از سابقه ورود آرشیفتکت ها به یزد (اولین افراد و بناهایی که توسط مهندسان معمار طراحی و ساخته شدند) چه می دانید؟

مثلاً ما در پزشکی دکتر مجیبیان، دکتر مرتاض، دکتر فروزان نیا را داریم. در معماری آقای مؤید علایی، مهندس صادقیان، آقای مهندس حماسی



ورودی اصلی مجموعه در روز



گوشه هایی از فضاهای راهلی مجموعه همراه با نقوش و بافتنهای آجری



کتابخانه امام علی (ع)

و این طرح ناتمام مانده است. ساختمان طاق سپهر؛ این ساختمان در طول جنگ ساخته شده و طراحی و اجرای آن هم با خود من بوده است و بر مبنای معماری اصیل ساخته شده است و طراحی بسیار ساده و سنتی دارد. طاق سپهر (ساختمان طاق سپهر) در سال های ۶۰ تا ۶۸ ساخته شد و تاکنون پابرجاست. همچنین خانه کوچکی است در صفائیه که خودم طراحی کردم و نظارت و اجرای آن هم با خودم بوده و این خانه یکی از آثار دوست داشتنی من است.

شما از سابقه ورود آرشیوتکت ها به یزد (اولین افراد و بناهایی که توسط مهندسان معمار طراحی و ساخته شدند) چه می دانید؟

مدرسه ایرانشهر و بانک ملی مرکزی ابتدای مسجد جامع کارهای زیبایی در یزد است، کارهایی که در دوران رضاشاه ساخته شده بسیار قابل بحث و زیباست.

افراد ویژه و مهمی که در دوران کاری خود با آنها تجربه همکاری داشته اید (اعم از همکار، کارفرما یا مسئولین) یا آنها را در روند معماری و شهرسازی یزد تاثیرگذار می دانید معرفی نمایید؟

مؤثرترین افرادی که کارشان، حرفشان و همکاریشان به صورت حرفه ای بر آدم اثر می گذارند اساتید دانشگاه بوده اند که می توانم نام ببرم. از ایشان مرحوم استاد پیرنیا، مهندس دیبا... بیشترین چیزی که از معماری به ما آموختند آقای اشنایدر و آقای دیبا بودند. آقای مهندس پرویز احمدی و مرحوم مهندس علوی که از هم شاگردیها و هم دوره های خودم بودند و بسیار اثرگذار

نفس معماری، به عنوان هنری جامع، یک مجموعه چیزها را با خود دارد. یک معمار باید جامعه شناسی بداند، اقتصاد بداند، باید از سیاست روز آگاه باشد، باید از فرهنگ مردمی که برایشان کار می کند آگاه باشد. به خاطر این جامع بودنش، یک معمار نیاز به اطلاعات عمومی جامع دارد. اگر بخواهیم جنبه هنری معماری را در نظر بگیریم فرقی با بقیه هنرمندا این است که بقیه هنرمندا می توانند با اندک هزینه ای کار خود را انجام دهند. اما یک معمار به عنوان یک هنرمند معمار باید امکانات زیادی داشته باشد تا بتواند یک اثر هنری خود را به نمایش بگذارد. عوامل مهم، مقدار زیاد پول هست، سرمایه هنگفت داشته باشد و یک سرمایه گذار و یک سرمایه دار یک معمار را ساپورت کند. برای یک هنرمند معمار، هم وقت و زمان، انرژی و سرمایه زیادی صرف یک اثر هنری می شود. باید سازش ها و نرمش ها داشته باشد یا با بسیاری از متغیرها مثل متغیر فرهنگ و اقتصاد، هماهنگ باشد. یک معمار خوب، معماری است که بتواند یک تصمیم خوب بگیرد علاوه بر اینکه می داند اگر صبر کند می تواند تصمیم بهتری بگیرد. تجربه در این رشته و استفاده از تجربیات دیگران در این رشته ارزشمندتر از بقیه کارهای زندگی است. تجربه و انتقال تجربه بسیار مهم است. اگر بخواهیم در رشته معماری تجربه کسب کنیم باید خودمان را درگیر این رشته کنیم و کار کنیم. چند سال تجربه تدریس در دانشگاه آزاد تهران و یزد داشتم. قدرت تمرکز افکار هم در این رشته مهم است. یک معمار باید بتواند افکار را منظم و قانونمند کند.

لطفا پروژه ها و آثار خود را به صورت اجمالی معرفی و در خصوص پروژه های مورد علاقه خود به طور تفصیلی توضیح دهید؟

نزدیک به ۴۵ تا ۴۶ پروژه من عمدتاً در زمینه های فرهنگی، هنری، مذهبی و همچنین سایت های معماری صنعتی، سایت های بزرگ ترابری و مسکن به بهره برداری رسیده. محبوب ترین پروژه من که اصلاً اجرا نشده است بنای یادمان شهر یزد است، بنای وحشی بافقی است



دید پرنده از مجموعه در شب

مقاله:

بیرون از المپ

نقدی بر سیر حرفه ای یک معمار (فرزاد دلیری)*



مهندس بهنام سلطانی

کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران

زندگی می کنند؟».

– «مساله ای که به نظر من شاید بسیار مهم است اهمیت دادن به نما و ظاهر ساختمان هاست که متأسفانه شهرداری و هیچ سازمانی در این کشور کاری به آنچه بر سر نمای ساختمان می آورند ندارد.»

ساز و کار اقتصادی که فرزاد دلیری در آن درگیر شد و شرایط سیاسی- اجتماعی که تهران در آن قرار داشت اما به گونه ای دیگر وضع را برای او رقم زد. فرزاد دلیری اینک یک ضد نماد(?) است. او از یک معمار فارغ التحصیل ۲۳ ساله از علم و صنعت آغازید اما اینک تبدیل به یک ضدنماد شده است. حتی دلالت هایی که از شنیدن نام او در ذهن شکل می گیرد ورای کارهای اوست. چیزی به گستردگی ساختمان های ۵ طبقه ی معمولی و شلوغ نواب و شرق تهران که یک اوستای افغان مهاجر می سازد تا همان چناران پارک خود او که گویا کعبه ی آمال بازاریان و سرمایه داران تهرانی است.

فرزاد دلیری درست یا غلط تبدیل شده به یک ضد معماری و دقیقاً از همین منظر دیالکتیکی است که قابل ستایش است. البته او چنان که خود ادعا می کند نئوکلاسیک را درست طراحی میکند و مدرن را هم می شناسد! او در ۱۳۷۴ (۴۱ سالگی) همچون بسیاری از نسل جدید معماران امروزی ما امیدوار بود. کجا و کی؟ در پایتخت و در دولت سازندگی. آنجا که بسیاری از قوانین شهری داشت نضج می گرفت و او نیز به این مسائل حساس بود و از آن کلاف پیچ در پیچ ساختمان سازی کلافه بود و به دنبال راه برون رفتی از آن می گشت.

متأسفانه اما دلیری در همین نقطه منجمد شد. و شاید بدتر. دقیقاً در لحظه ای که داشت تلاش می کرد که اوج

نوشتن از فرزاد دلیری به نوعی نوشتن از یک مجموعه است. یک مجموعه مطول اقتصادی-اجتماعی که به همان اندازه که کارهای فرزاد دلیری برای ما معماران در این ما به زودی شک خواهیم کرد! - عجیب می نماید فهم مناسبات اقتصادی-اجتماعی این مجموعه نیز گنگ و نامفهوم است. دلیری متولد تهران در ۱۳۳۳ است و می توان دوران حرفه ای او را به دو بخش عمده تقسیم نمود:

* در رشته معماری و طراحی شهری در ۱۳۵۶ از علم و صنعت فارغ التحصیل می شود. در یک بازه زمانی ۱۵ ساله شروع به کار طراحی و اجرا و نظارت می کند در همین دوره است که در ۱۳۶۳ اولین اثرش خانه گلغام را می سازد. در ۱۳۷۴ نام او در کنار مهرداد خلیلی فرد به رکوردداران برج سازی در تهران گره می خورد. در ۱۳۷۴ زمانی که هنوز ۲۰ برج بیشتر نساخته!، مصاحبه ای از او در مجله آبادی دیده می شود که می توان از او انتظار یک معمار تاثیرگذار داشت. معماری که از ضوابط نداشته ساختمان های بلند در ایران می گوید و از تلاشش برای رسیدن به یک مجموعه قوانین مدون تطبیق یافته با فضای معماری ایران با مطالعه سیستم های سازه ای بلند مرتبه در کتاب ها و فیلم ها و... در همین دوره است که معماری دلیری پایه پای همزاد دیگر خویش یعنی قوانین نامنسجم شهری و ساختمانی در بحبوحه ی جنگ و سازندگی بعد از آن- نضج می گیرد.

* ۲۰ سال بعد و در ۱۳۹۳ مجله معمار از او مصاحبه ای می کند که نمی توان کوچکترین ردی از آن تاثیرگذاری مورد انتظار سال ۱۳۷۴ از او یافت. زمانی که تعداد کارهای طراحی و نظارت شده توسط وی به بیش از ۳۰۰ می رسد. دوران انجماد، یخ زدگی و پردشدگی.

فرزاد دلیری به هنگام تولد خویش و هنگامی که از المپ خویش ساخته معماران رانده نشده بود امیدوار بود. در مصاحبه سال ۱۳۷۴ فرزاد دلیری با مجله آبادی می توان از گفتار او امیدواری یک نیروی نوپا و سرحال و سازنده را دید:

-«معلوم نیست ساکنان آپارتمانها و کودکان آنها چگونه در این برج ها

بودند. معمارهای سنتی یزد به جز استاد خلیل کارگر که واقعاً بسیار چیز از ایشان آموختم که در قید حیات هستند استاد حسین جلالی زاده، استاد محمد جلالیان، استاد علی اکبر مجیبیان، استاد محمد مجیبیان و بقیه مرحوم شدند و کارخانه اقبال را به عنوان یکی از قشنگ ترین، عملی ترین و بهترین نمونه های معماری سنتی اولیه ایران می توان نام برد.

لطفا آثار فاخر معماری معاصر یزد را از دیدگاه خود معرفی کنید؟ ملاک شما برای معرفی این ابنیه چه می باشد؟

میدان شهید بهشتی، کارخانه اقبال یزد، زایشگاه بهمن واقع در خیابان کاشانی به خصوص سردر بیمارستان. سبکی که در معماری زمان رضاشاه در یزد پذیرفته نسبت به همان ساختمان های رضاشاهی که مثلاً در اصفهان اجرا شده، یا مثلاً در تهران اجرا شده ما می بینیم که چقدر با هم تفاوت دارند. از زمان رضاشاه به این طرف یک اثر خوب را می توان نام برد و آن هم ایستگاه راه آهن یزد هست، ملاک من برای معرفی این آثار این است که یک خطی همه اینها را به هم وصل می کند. ساختمان های رضاشاهی در استان یزد میدان شهید بهشتی، دبیرستان ایرانشهر و مابقی کاملاً مشخص است که یک سبک خاصی در آن به کار رفته. از لحاظ تزئینات نما، شکل فاخرتر آن سردر زایشگاه بهمن، باز نمونه فاخرتر آن سردر کارخانه اقبال کار شده. ساختمان های رضاشاهی یزد کاملاً سبک آن ها فرق می کند و دارای یک کلاسیک خاصی هستند که مثلاً با نمونه های ساختمان رضاشاهی اصفهان فرق می کند. ملاکی که

به نظر شما ملاک های یک معماری خوب در شهر یزد (با توجه به سابقه تاریخی، فرهنگی و محیط اجتماعی و طبیعی آن) چیست؟

قانونمند کردن یک معمار غلط است. نمی توان یک معمار را مجبور به استفاده از یک سری وسایل و مصالح نمود و مثلاً از یک سری تجهیزات منع نمود. کسی نمی تواند قانون برای معماری وضع کند مثلاً بگوید نمای کلاسیک اروپایی ممنوع! من با این موافق نیستم. قانون وضع کردن برای یک معمار به هیچ وجه درست نیست.

*این نوشته پیش تر در مجله الکترونیکی «کوبه» به طبع رسیده و با اندکی ویرایش و اصلاح برای این ویژه نامه آماده شده است



ساختمان چناران پارک (منبع: <http://farzaddaliri.com>)



برج تجاری فرشته (منبع: <http://farzaddaliri.com>)

هایی خواهند توانست زبانه کشید. یعنی معمارانی که توانایی باز اندیشی در تولید معماری - در ترازوی که دلیری در آن طرح می ریزد و خط می کشد- را دارند و برای آن برنامه ارائه می دهند. اینجاست که به نظر من اتخاذ چنین رویه ای - چه خودآگاه باشد و چه ناخودآگاه یا نیمه خودآگاه!- توسط دلیری او را با دو فرد قابل ستایش دیگر در معماری ایران نیز پیوند می زند. دهنده ی تنها: نادر خلیلی و دهنده امدادی (مشارکتی) تازه نفس و خوش فکر دیگری به نام پویا خزائلی. دو فردی که از نظر من هر دو بر این دوگانه ی کاذب سنتی در تفکر معماری ایران شوریدند و قواعد خویش را به سهم خویش بر آن وارد آوردند و می آورند. اما بگذارید منظورم از تراز تولید که از آن سخن می گویم را نیز روشن تر کنم. پیوند فرزاد دلیری و نظام اقتصادی در منظومه ساختمانی و معماری ایران در کجا قابل ردیابی است؟ فرزاد دلیری را می توان فرزند نامشروع نظام تولید معماری و نظام اقتصادی ایران خواند. تمایل این پدرهای بازاری پرمایه - بخوانید کارفرما- همین زنان خوش خط و خال و آرایش کرده اند- همان معماری نئوکلاسیک یا لوکس دلیری. در واقع نظام اقتصادی محافظه کار نمی تواند چیزی جز این بطلبد. محافظه کاری مالی او - که در قالب پناه بردن به سرمایه گذاری در بخش مسکن نمود یافته- نمی تواند رخ نشان دهد مگر در قالب ساختمان های نئوکلاسیکی که جواب خودشان را- انگار به صورتی تاریخی- پس داده اند. دقیقاً همینجا و در یک فرآیند مداوم انتخاب شوندگی - توسط کارفرمای محافظه کار اقتصادی- است که نطفه دلیری در معنای مذمومی که ما می شناسیم شکل گرفته است. این جا معمار انتخاب می شود. فرزاد دلیری از ۱۳۷۴ اگر چه به ظاهر و بنا به گفته خودش نمی خواست - قصد داشت تاثیرگذارتر از اینی که هست باشد- بیش از حد انتخاب شد. معماری که در تمام مسیر طرح ریزی اش بنا به سلطه محافظه کارانه

دیکانستره سخن می گویم. من بر این باورم که این وضع خیلی هم دیکانستره نیست. این ها همه درگفت و گوی با ساختار های فرهنگی- اقتصادی درک ناشدنی معاصر و مکمل آنهاست. اما از این معیار های درون-المپی هم که بگذریم می توان فرزاد دلیری را به عنوان یک انگیزه بنیادین در تحرکات معمارانه خودمان نیز موثر بدانیم. پرسشی بنیادگرایانه که ما معماری را چه میبینیم؟ آیا منظور ما از معماری در منظومه های مختلف دانشگاهی، بازار، مهندسیین مشاور و دفاتر با کلاس شخصی یکی است یا تولیدات این ها با هم فرق می کند؟ آیا برای این ها سلسه مراتبی قائلیم؟ اگر منظور ما از معماری تولید معماری و فرآیندهای وابسته به آن است نمی توانیم به همان سیاقی که به فرزاد بند کرده ایم به آن دسته ای که نشستند اند داخل دفترشان و چند رندر به اسم معماری به کارفرما می دهند هم بیچیم؟ به نظر من یک چنین سلسه مراتبی از بندکردن های



بی اساسی را می توان در لایه های مختلف معمار کشور تقریباً به همین ترتیب جست: می گویم بی اساس از این جهت که در تمام نقد هایی که به دلیری شده چسبیده ایم به ظاهر کار های او و زود رفته ایم سراغ قضاوت های اخلاقی مان در رد یا توجیه کارهای او. یعنی مرز میان بررسی علمی، زیبایی شناسی و اخلاقی را در این میان گم کرده ایم. در حقیقت نمی دانیم وقتی از فرزاد دلیری حرف می زنیم داریم یک ساختار در هم تنیده و از نظر من یک کلاف سر در گم اقتصادی- فرهنگی را نقد می کنیم نه یک شخص را. فرزاد دلیری این هنر را داشته که چنین سیلی محکمی را به گوش دیگر نمایندگان معماری کشور بزند که هی! تصور تو از تولید معماری چیست و این تصور در چه فضای ایزوله ای شکل گرفته است و حتی یک مرتبه بالاتر: اصولاً آیا می دانی تولید معماری در ترازوی که من قرار دارم یعنی چه؟ فرزاد دلیری آیین تمام نمای تقابل دوگانه کاذبی است که برای ما در دانشگاه تولید کرده اند. دوگانه (معمار-خدای المپ نشین و کارفرمای نفهم) و همین موضوع است که ما را می آزد. ما ها آزار می بینیم چون سرمان را کرده ایم در مجله معمار و مفهوم معماری را تقلیل داده ایم به آثار و تصاویر متعال و ارزشمند چاپ شده در آن. معماری همان هایی است که جایزه می برد. این جاست که دلیری قواعد جاری بر این دوگانه را به هم ریخته و میانی غالب ارزشگذاری ما در تراز های دیگر- از نظر ما بالاتر- تولید معماری را به هیچ می گیرد. من بر این باورم که از خاکستر قضاوت های بی اساسی که ما دلیری را در آن سوزانده ایم شعله

بگیرد فکر و خط و دست و کاغذ او همه مجاله و منجمد شد. او به جای تغییر وضعیت و تلاش برای اصلاح آن به معلول آن تبدیل شد. چرا؟ طعم خوش پول؟ البته که او خود حکایت دیگری می کند. (نگاه کنید به قیاس خودش با دوستش در مجله معمار). اینک در ۱۳۹۳ (۶۰ سالگی) دلیری آن ویژگی های مثبت جوانی و میانسالی خویش را فراموش کرده. دلیری شده است دلیری منهای امید و نیاز به تغییری که در ۱۳۷۴ به دنبال آن بود و به نظرم دقیقاً از همین زاویه است که می توان به او حمله کرد.

پس اینک باید دانست که اگر از فرزاد دلیری ناراحتیم، در واقع از یک وضعیت منجمد ۲۳ ساله ناامیدیم. و البته از این که چگونه این منش و رفتار حرفه ای او برای این مدت توانسته در نظام ساخت و ساز و تولید معماری کشور نقش بازی کند و خودمانیم! دست بالا را نیز داشته باشد. هر چه هست برای ما بالانشین ها نباید یک معمار مطرود دست بالا را داشته باشد! قبل از رانده شدن از این المپ، فرزاد دلیری بر ران اقتصادی رانتیر نفتی دولتی خوب پرورده شده و جا خوش کرده بود. اما آیا اینک و در این ۲۰ سال انجماد زمان طرد شدن ش از جامعه المپ نشین معماری کشور فرا نرسیده؟ بله. می توان دلیری را نافرمان امید. یا نامعمار و بر المپ

خویش تکیه زد. اما واقعیت این است که او در کارگاهی به بزرگی تهران و اینک تا دویی و ترکمنستان و ازبکستان- به برج سازی مشغول است. در این پرسپکتیو دلیری دقیقاً آن نقطه گریزی است که نشان می دهد جایگاه رانده شدگان نظام پرورش معمار در ایران به کجا ختم می شود. او حد نهایی آن است و از همین رو قابل تقدیر است. چون اگر چه زیبایی دست و پنجه و ظرافت های حقنه شده ی تک بعدی معماران جایزه بگیر داخل المپ را ندارد، مهارت هایی دارد که آن های دیگر ندارند. دلیری اما یک مشکل دیگر نیز دارد. این رانده شدگی او عملاً او را از ابزار هایی که می توانست وقتی در داخل المپ بود می داشت دور کرده است. احترام حرفه ای از جانب هم صنفان و رفتار مورد انتظار حرفه ای در قبال آثار خویش. این چنین او پس از هر گونه نفوذ به حوزه زیبایی شناسی- فضایی- تزئینات و هر نظام دیگری از معماری که منجر به برانگیختن قضاوتی در معماران المپ نشین شود وامانده است. به همین دلیل هم هست که حتی اگر کارهای سبک او را نتیجه طبیعی وضعیت های فرهنگی- اقتصادی ببینیم نمی توان برای کارهای غیرنئوکلاسیک او توجیهی تراشید. یک حجم شیشه ای نا جور که وسط هوا و زمین مانده و با یک رفتار غیر حرفه ای رها شده است. نوارهای طویل کامپوزیت راست کارهای اداری که اولین پاسخی است که به یک ذهن بازاراندیش متبادر میشود و گاه به اشاره های نئوکلاسیک سنگی او ختم می شوند. فرم های گرد ناتمام این ور و آن ور که انگار گذاشته شده اند روی کارها تا دهان کارفرما را برای رسیدن به خواسته های فرمی اش ببندند. نوعی تمایل به تقارن در کارهایی که تقارن انگار باید قیاحت داشته باشد. گرایش به قاب بندی های که ما آن ها را در کارهای آجری و سنتی می توانیم زیبا ببینیم اما اینجا و در یک برج اداری- تجاری چه؟ و اخیراً هم که ملغمه ای از ساختمان های یاد آور برج های دویی که اندکی معماری سبز هم درونشان چپانده شده است. این ها همه رفتارهای ناتمام معماری اوست. می بینید! انگار دارم از یک وضعیت

معرفی بناهای شاخص معاصر یزد

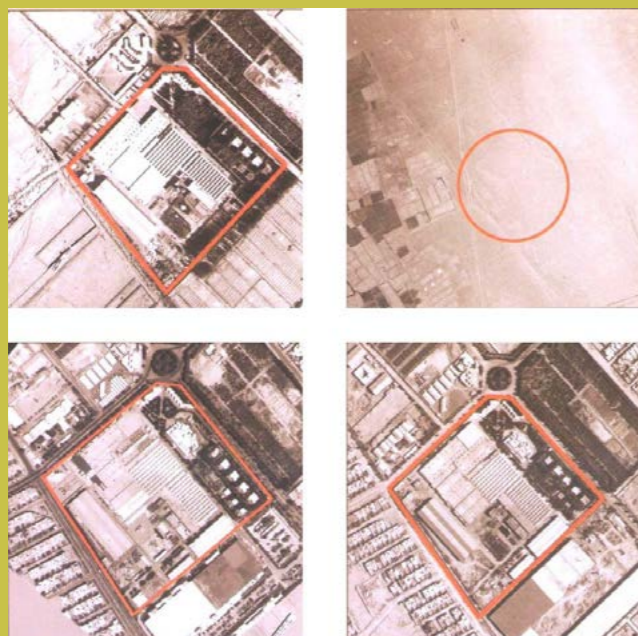
مسجد یزدباف*

مهندس مژگان پاک چشم
کارشناس ارشد معماری

اطلاعات بنا:

- * موقعیت: یزد، بلوار کارگر، نبش میدان یزدباف
- * معمار: مهندسان مشاور سطح و صنعت
- * کارفرما: شرکت عمرانی یزدباف
- * زمان ساخت: اوایل دهه شصت
- * نوع کاربری: مذهبی
- * سازه: اسکلت بتنی

در شمال غربی شهر یزد به مرکزیت میدان یزدباف، مجموعه صنعتی یزدباف قرار دارد که متشکل از کارخانه، شرکت تعاونی و مجموعه مذهبی آن است. کارخانه یزدباف در سال ۱۳۳۵ با مدیریت حاج میرزا محمدتقی رسولیان و همکاری آقایان رضا حکیم زاده، محمود ریسمانی و مدیر فنی کارخانه مهندس محمد طاهری آغاز بکار کرده است. این کارخانه با الگویی نظیر کارخانه های سعادت نساجان، دست بافان، جنوب، آقا و افشار، با مصالح بومی و به روش طاق-تویزه ای و نورگیرهای هلالی شکل، رو به جانب شمال برای تامین نور و تهویه فضای داخلی سالن های کارگاهی برپا شده است. البته در سایر ساختمان های کارخانه نظیر بناهای اداری و انبار، از مصالح جدید (تیرآهن) استفاده شده است.



تصویر ۱: از بالا راست؛ عکس هوایی سال ۱۳۳۵، ۱۳۵۶، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۷

* نوشته حاضر دستاورد پروژه «شناسایی و مستندسازی آثار هم پیوند با زمینه در معماری معاصر یزد» است که توسط شرکت بازآفرینی شهری ایران در سال ۱۳۹۴ به مدیریت مهندس سید منصور سیدعلاقه بند انجام گرفت.



و چیزی مثل «فرآیند پرورش سلیقه ی کارفرما»-که کامران افشار نادری در نقد وی می نویسد- انگار برای وی تعریف نشده است. مساله هم همینجاست. دلیری با لایه ای از کارفرما در حال گفت و گو است که پرورش برایشان مفهوم تمام شده و کنار گذاشته شده ای است. دلیری از یک معمار شروع کرد و در عرض سالهای وارونگی اقتصادی به یک کارفرمای معمارنا بدل گشت. همان چیزی که منتهای مورد غضب معماران المپ نشین است. با این حال دلیری را می توان زنگار آینه تمام نمای معماران معاصر ما دانست. دقیقا به همین دلیل که طرف دیگر دوگانه معمار-کارفرما را گرفته است. همو که این جمله را فریاد می زند که: «از المپتان پایین بیایید و دست از قضاوت های اخلاقی تان بردارید قبل از آن که برج های من -که برج های کارفرمایانم- شما را محصور و خفه کنند.»

نظام سرمایه توان انتخاب از او دریغ شده باشد را نمی توان معمار در معنای المپی آن -یعنی آفریننده معماری یا کشف کننده آن- فرض کرد. دلیری در ۱۳۹۳ می گوید نیازی به توجیه کارفرما نیست و ما نمی توانیم بر سر سلیقه کارفرما با او بجنگیم. شاید با تساهل بتوان چنین حرفی را در همان ۱۳۷۴ که سازندگی داغ بود از او پذیرفت اما اینک و بعد از گذر از دوره های مختلف فرهنگی و اقتصادی آیا همچنان می توان بر آن رای ماند؟

دلیری اما یک راه فرار و گریز نیز دارد و آن دقیقا همان برندی است که نام او ایجاد کرده. از پی سرچ واژه «ساختمان لوکس» در اینترنت می توانید تاثیر حضور اسم او را در لوکس شمردن یک ساختمان حس کنید. این رانده شده می تواند با دم هفائیسیتوستیک خودش مفهوم و تلقی عمومی از معماری لوکس را بچرخاند. اینک او برند است و حق انتخاب دارد اما خود نمی داند و شاید نمی تواند. او بی که بیش از حد به انتخاب شدن شرطی شده است. همینجاست که این دوگانه کارفرما-معمار این بار به صورت تمام قد در قامت یک معمار محافظه کار خودش را نشان می دهد. یعنی نظام محافظه کار اقتصادی باز تولید معمارانه خویش را در دلیری صورت خواهد بخشید. همان آفتی که گریبان کارفرمایان مسن بازاری خودش را گرفته بود اینک به او نیز سرایت کرده



تصویر ۷: مسجد یزد باف- جبهه شرقی

پوشش بیرونی مجموعه در تناظر با بناهای اطراف خود از مصالح بومی آجر در ترکیب با قاب های بتنی است. همچنین از اندود گچ در فضاهای داخلی و پنل های بتنی در فرش کف محوطه بهره گرفته شده است. سیستم ساخت نیز که بر پایه تیر و ستون بتنی می باشد، در داخل مجموعه بصورت نیمه نمایان در سقف و بدنه اجرا شده که در تقسیمات فضایی و القاء حس جدید بودن به نسبت مساجد رایج پیش از خود یاری رسانده است.

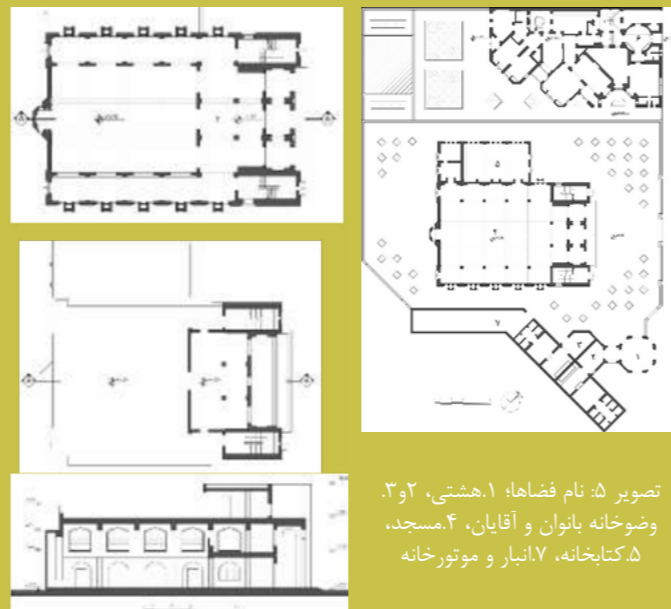
در مجموع شکل کلی حجم میانی به سبب نظم حاکم در اجزا و عناصر و تک مصالح بودن آن، واجد تعادل بصری و هم رنگ با بافت اطراف خود است. این مجموعه فارغ از هرگونه تقلید فرمی از بناهای مذهبی در فرآیندی خلاقانه تنها برپایه تناسبات صحیح، سادگی و مفاهیم معماری گذشته برپا گردیده است.

در انتها وظیفه خود می دانم از کلیه همکاران و مجموعه های صنفی و حرفه ای به دلیل همکاری صمیمانه با نگارنده در فرآیند شناخت مجموعه تشکر ویژه نمایم.



تصویر ۸: از بالا به پایین؛ داخل مسجد- مسجد یزد باف- جبهه جنوب

برای ورود به مسجد پس از عبور از هشتی نیمه باز و خوش تناسب، وارد محوطه ای مفروش با گیاهانی منظم و منفرد می شویم که در میانه خود یک حجم خالص معکب مستطیل-آجری را جای داده اند. بواسطه رواق های شمالی این حجم، مخاطب به درون مسجد راه می یابد. فضایی کاملا یکپارچه و ساده که در محور قبله خود یک محراب آجر کاری شده دارد. تاکید بر محراب هم در داخل با تغییر مصالح در بدنه و هم در حجم بیرونی با برجسته ساختن آن از جمله تمهیدات طراح جهت نزدیک ساختن بنا به مفاهیم مانا نه عناصر مرسوم در معماری مساجد است. گستردگی و یکپارچگی فضای داخلی مسجد همراه با تناسبات، نظام تقسیمات سقف، بازشوها و ستون های اطراف آن، فضا را در عین سادگی، انسانی و خودمانی ساخته است. همچنین دسترسی به نیم طبقه های موجود در مسجد که در زمان ازدحام جمعیت و برگزاری مراسم استفاده می شود، از طریق دو دستگاه پله تعبیه شده در دو سمت ورودی انجام می شود. این دو برج پله علاوه بر نقش کارکردی، نقشی زیبایی شناسانه در صورت بنا، جهت تثبیت و تحکیم ورودی، دارند.



تصویر ۵: نام فضاها؛ ۱.هشتی، ۲و۳. وضوخانه بانوان و آقایان، ۴.مسجد، ۵.کتابخانه، ۷.انبار و موتورخانه

جبهه شرقی مسجد در پیوند با کاربری های دیگر، همچون آشپزخانه و کتابخانه بوده که این مهم برای انطباق با جهت نور مطلوب در نظر گرفته شده است؛ لیکن ورودی اصلی کتابخانه در محوطه مسجد پیش بینی شده است. در جبهه مقابل، جبهه غربی، طراح برای تعدیل نور غرب نیز از تکرار آهنگین المان های عمودی در ترکیب با مشبک هایی آجری استفاده کرده است.



تصویر ۶: مسجد یزد باف- جبهه غربی

با توجه به موقعیت قرار گیری مسجد، ورود به بنا از دو سمت داخل میدان (با عبور از فضای متناسب و نیمه باز هشتی) و داخل خیابان عمود بر میدان اتفاق می افتد. مرز محوطه مسجد با خیابان مذکور تنها به وسیله نرده هایی تعریف شده که برخلاف مساجد محصور رایج، سبب گستردگی و امتداد درون به بیرون و بالعکس شده است. طراح، بنای مسجد را بدون هیچ گونه اسراف در تعریف فضا به سمت قبله جانمایی کرده است. وی هدف خود در طراحی را، دستیابی به فضایی مطلوب در یک واحد صنعتی بدون صرف هزینه های غیر ضروری بیان می کند که علاوه بر کارکرد مذهبی برای گردهم آیی کارگران نیز مورد استفاده قرار می گیرد. لازم به ذکر است، کارکرد بنا مطابق با زمان تعطیلی و تغییر شیفت کارگران می باشد.



تصویر ۴: از بالا به پایین؛ رواق های شمالی، ورودی وضوخانه، هشتی ورودی مسجد، نمای کلی از مجموعه

بخش مذهبی مجموعه یزدباف در اوایل دهه شصت توسط مهندسان مشاور سطح و صنعت در همجواری با کارخانه و در نیش میدان طراحی و ساخته شده است. این بخش شامل سه حوزه فضایی، خانه امام جماعت در شرقی ترین قسمت مجموعه، ترکیب منسجم مسجد و کتابخانه در مرکز سایت و نهایتا بخش وضوخانه و هشتی ورودی در جبهه غربی آن است.



تصویر ۲: موقعیت بنا

خانه امام جماعت پس از ساخت مسجد در دو طبقه همکف و زیرزمین برپا شده است که طراح برای دریافت نور مطلوب، از یک طرف ساختار کلی بنا را به سمت جنوب چرخانیده و از طرفی دیگر با جانمایی یک نارنجستان مرکزی محاط به آشپزخانه، نشیمن و فضای خواب و نیز تعبیه یک حیاط شمالی در ابتدای ورود به خانه، به این مهم دست یافته است. صورت و سیرت خانه در هم آهنگی با مسجد است به عبارتی نزدیکی موتیف ها و شکل هشتی ورودی، سیستم ساخت مشابه و مصالح یکسان همگی گواه تفکری واحد است.



تصویر ۳: از بالا به پایین؛ حیاط شمالی خانه امام جماعت، نارنجستان مرکزی



آلترناتیو شماره ۶- بافت مدرن

تمام گزینه‌های ارائه شده سعی در پیوند این ایستگاه‌ها با شهر و شریان‌های حرکتی دارند. گاه این ایستگاه‌ها در داخل پارک‌ها یا لبه اصلی معابر شهری قرار گرفته است و عبور تعمودی از آنها سعی در اشاره به فرهنگ آب و مصرف آن است. مکان قرارگیری ایستگاه‌های برداشت آب، بنا به ماهیت بافت همجوار و بافت اجتماعی منطقه متفاوت خواهد بود و این روند یکسان سازی (تیپ سازی) در حوزه‌های شهری آفتی است که امروزه بسیاری از شهرهای امروزه درگیر آن هستند. در طراحی و ارائه گزینه‌های ایستگاه برداشت آب سعی در ایجاد نمادی شهری مربوط به مفاهیم آب شده است لازم به ذکر است که برای ارتقای جلوه‌های ظاهری ایستگاه‌ها در شب، نورپردازی ویژه‌ای برای این بناهای شهری طراحی شده است. اضافه کردن عملکردی تحت فضایی برای آشامیدن آب توسط عابران که یاد آور سقاخانه‌های تاریخی باشد نیز می‌توان به این مجموعه اضافه گردد که عملاً در گزینه‌های ارائه شده در پوسته بیرونی خود دارای این توانایی هستند. ماهیت معماری ایستگاه برداشت آب در سه منطقه ارائه شده کاملاً متفاوت است و نمی‌توان با یکسان سازی آن نیازهای اطراف آن را تأمین کرد، از این رو این مشاور سعی در ارائه سه گزینه برای هرکدام از مناطق ارائه شده بافت تاریخی، بافت میانی و بافت مدرن شهری دارد و در حقیقت این پاسخی است به بسیاری از مسایل اجتماعی و کالبدی. برای شهری به مانند شهر جهانی یزد، بهترین راه حل اینست که بر روی نقشه‌ای تمام نقاط ساخت ایستگاه‌های برداشت آب مشخص و برای هر کدام به صورت جداگانه تصمیم سازی و طراحی گردد، زیرا شرایط سایت طراحی در تمام نقاط این شهر یکسان نیست.

بافت تاریخی:

در طراحی بافت تاریخی می‌توان به الگوی اجتماعی کوچک اشاره کرد. کوچه همواره فضایی سیال برای ترکیب عناصر شهری مختلف و اتفاقات آن است. هدف از ساخت ایستگاه در بافت تاریخی صرفاً برداشت آب نیست، در طول روز عابران با عبور از کوچه سباباط دار ایستگاه برداشت آب در ارتباطی نزدیک و اجتماعی به گفتگو می‌پردازند، پیش بینی فضاهایی

آلترناتیو ۳- مخصوص بافت میانی با الهام از چهار سوی بازارهای تاریخی و طاق چهار بخشی اما با مصالحی مدرن (بتن) است.



آلترناتیو شماره ۳- بافت میانی

آلترناتیو ۴،۵،۴ مخصوص بافت مدرن با استفاده از شیشه به عنوان مصالحی مدرن و آجر چینی به عنوان نمادی از معماری تاریخی است. سازه در تمامی این گزینه‌ها به صورت هویدا است و سعی در نورگیری از سقف به سان بازارهای تاریخی شده است.



آلترناتیو شماره ۴- بافت مدرن



آلترناتیو شماره ۵- بافت مدرن

معرفی پروژه برتر: مسابقه طراحی ایستگاه برداشت آب شرب شهر یزد

_____ مهندسان مشاور سیزان،
_____ خوانش معماری و شهر



فراخوان مسابقه معماری طراحی ایستگاه برداشت آب در اسفند ماه ۱۳۹۷ توسط شرکت آب و فاضلاب استان یزد اعلام گردید. پایان فراخوان و آخرین فرصت ارسال آثار تا نیمه خرداد ماه ۱۳۹۸ تمدید گردید که ۳۵ عدد طرح از میان ۱۵ طراح (شرکت کننده) به دبیرخانه این مسابقه ارسال گردید. هدف از برگزاری این مسابقه، طراحی ایستگاهی برای عرضه آب آشامیدنی تصفیه شده به ساکنان شهر یزد است. ایستگاهی در خور معماری تاریخی یزد و نشان دادن به ارزش والای آب در سه بافت متفاوت شهری یزد. این مشاور با ارسال ۶ طرح توانست رتبه اول این مسابقه معماری را کسب کند.

معماری تاریخی ایران به صورت عام و معماری یزد به شکلی خاص همواره ترکیبی از عناصر و عملکردهای مختلف شهری است، نمونه آن را می‌توان از پیوند بازار، آب انبار، مسجد، کاروانسرا و دیگر عناصر عملکردی دانست. در همه این موارد وجه مشترک آنها فضایی برای ایجاد کنش متقابل نمادین و فضایی اجتماعی است، به عنوان مثال آب انبارها در گذشته علاوه بر تأمین آب نقش مهمی در برآوردن روابط اجتماعی داشته‌اند، از این رو است که معمولا در یک بدنه چهارسوی بازارهای تاریخی آب انبارها جلوه‌گری می‌نمایند، چهار سو فضایی و آوردگاهی برای حضور مردم است.



آلترناتیو شماره ۱- بافت تاریخی

آلترناتیو ۲- مخصوص بافت میانی با الهام از عناصر تشکیل دهنده درب‌های خانه‌های تاریخی و ارسی است.



آلترناتیو شماره ۲- بافت میانی

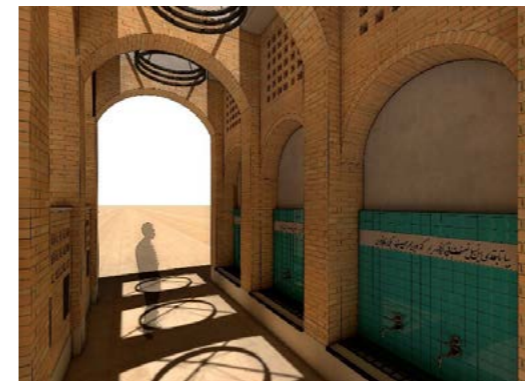
حالی که با محدودیت منابع آبی روبرو شده‌ایم و لازم است تا آب شرب به صورت مجزا در اختیار شهروندان قرارگیرد، می‌توان از این فرصت طلایی استفاده نمود تا جایگاه‌های برداشت آب مدرن، همان نقش آب انبارها را ایفا نمایند. این مشاور حین پیشنهاد چند گزینه طراحی توصیه می‌نماید به سبب بعد اجتماعی و فرهنگی این موضوع شرکت آب و فاضلاب استان یزد ضمن اجرای جایگاه‌های برداشت آب، موضوع بازسازی و استفاده از آب انبارهای موجود در بافت تاریخی را مد نظر قرارداده و ضمن زنده شدن این آثار تاریخی ارزنده، هزینه‌های تملک زمین اجرای جایگاه برداشت جدید را به حداقل برساند. ضمناً پیشنهاد می‌گردد در عوض استفاده از واژه «جایگاه برداشت آب» که بیشتر عبارتی فنی است، از نام سقاخانه یا آب انبار که برای مردم ملموس‌تر است استفاده گردد. در پاسخ به فراخوان طرح جایگاه برداشت آب، این مشاور موضوع را در شش گزینه به شرح زیر پیشنهاد می‌نماید:
آلترناتیو ۱- مخصوص بافت تاریخی با استفاده از عناصر معماری سنتی و بازآفرینی کوچه‌های سباباط دار همجوار آن که نام این کوچه سباباط دار را آب گذارده‌ایم.

برای نشستن در بیرون از مجموعه سعی در این پیوند اجتماعی دارد همان گونه که در گذشته وجود پیرنشین در ورودی خانه های تاریخی به این منظور بوده است. این بنا که به سان یک کوچه به بافت تاریخی اضافه گردیده است سعی در پیوند خود با ظاهری از بافت تاریخی (آجر و یا کاه گل) دارد. نام این گذر ساباط دار را به سان نام بسیاری از نام گذرها در بافت تاریخی آب نهادیم.



گذر شاه ابوالقاسم- تعاملات

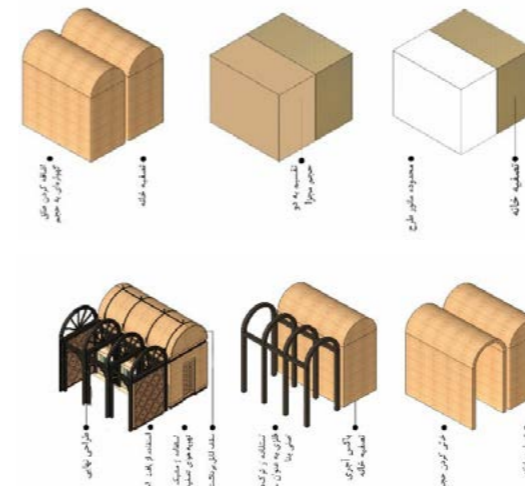
کوچه میرقطب- تداوم زندگی



آلترناتیو شماره ۱- بافت تاریخی

بافت میانی:

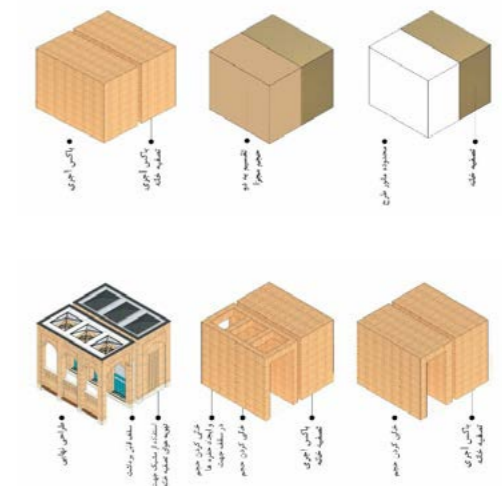
در طراحی بافت میانی در حد فاصل بافت تاریخی و مدرن سعی در ارایه زبان معمارانه ای از این دو گفت و گو است. استفاده از قوس های تاریخی سعی در به یادآوری معماری تاریخی دارد اما با مصالحی نوین. استفاده از تقسیمات فرد و فرم های پردالی که یادآور درب های ارسی در خانه های تاریخی یزد است این امکان را فراهم کرده است که بتوان با همان نحوه باز و بسته شدن درب های ارسی، در هنگام شب امنیت مجموعه را تأمین کرد. استفاده از بتن با همان فرم های آشنا که نظیر آن را در چهار سوی بازارهای تاریخی اطراف میدان خان یزد می توان دید و مشبک های تاریخی اما با مصالحی نوین سعی در ارتباطی میان دو محله مدرن و تاریخی دارد.



روند طراحی آلترناتیو شماره ۲- بافت میانی



آلترناتیو شماره ۲- بافت میانی



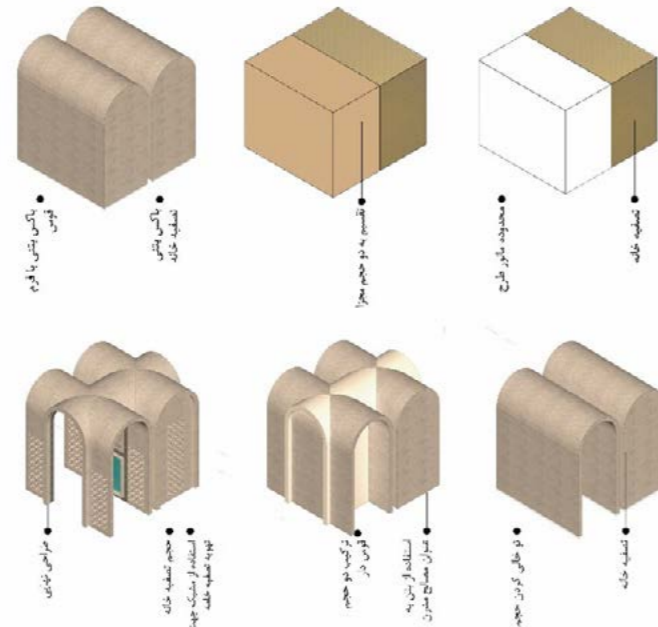
روند طراحی آلترناتیو شماره ۱- بافت تاریخی



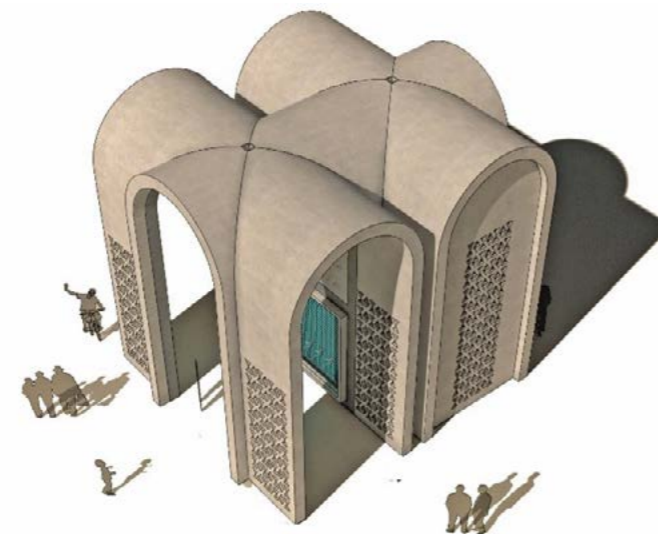
آلترناتیو شماره ۱- بافت تاریخی

بافت مدرن:

بافت شهری جدید و مدرن همانند همجواری های خود تلاشی برای ارایه امکانات و تکنولوژی های به روز را دارد. در ارایه سه گزینه در طراحی برای این بافت، استفاده از آجر با الگویی از معماری تاریخی و تلفیق آن با سازه های فلزی و شیشه سعی در به روز رسانی از مفاهیم آب را داراست. آجر نماد ساختمان های آب انبار و شیشه نمادی از آب به صورت مفهومی است. گاه این ترکیب کاملاً خالص است مانند یک مکعب خالص شیشه ای و گاه ترکیب این دو مصالح سعی در به یادآوری این مفهوم شکل گرفته است. در میان این مکعب های شیشه ای و آجری در محل برداشت آب کتیبه هایی با خط نستعلیق یادآور کتیبه ها در ورودی و پاشیرهای آب انبارها در گذشته است. بسته بودن کامل این ایستگاه ها علاوه بر دارا بودن امنیت کامل، این امکان را به مجموعه اضافه می کند که بتوان هوای داخل مجموعه را با سیستم های سرمایشی و گرمایشی کنترل نمود. (برای بافت مدرن ۳ آلترناتیو ارایه گردیده است).



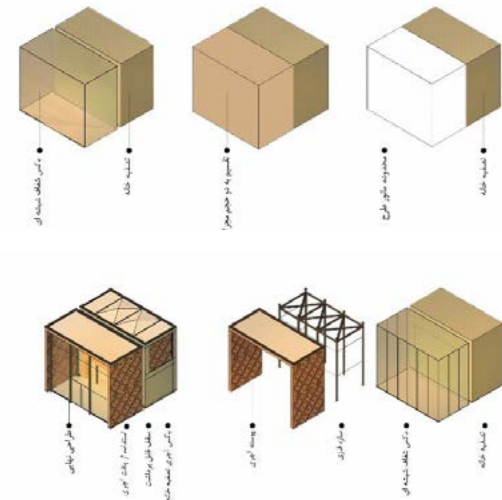
آلترناتیو شماره ۳- بافت میانی



آلترناتیو شماره ۳- بافت میانی



آلترناتیو شماره ۳- بافت میانی



روند طراحی آلترناتیو شماره ۴- بافت مدرن



آلترناتیو شماره ۴- بافت مدرن

پیوند فرهنگی:

قرارگیری کتیبه در آب انبارهای تاریخی چه به صورت شعر و چه به صورت نام واقف و سال ساخت و ... همواره یکی از مهمترین شاخصه‌های آب انبارها بوده است. کتیبه‌های خط نستعلیق در تمامی گزینه‌ها با شعری با مفهوم استفاده درست از آب نشان از ارزش بالای آب در فرهنگ سنتی دارد و سعی شده است تا نسبت به بازآفرینی و ارتباط نمادهای تاریخی و آبی در گذشته اقدام گردد. (شاعر ناشناس)

بیا تا قدر این نعمت بدانیم که در بحران بی آبی نمایم
بیا از بهر حفظ آن بکوشی وجود آب را ارزش شماریم
از این سرمایه خوب الهی برای نسل خود باقی گذاریم

سهولت استفاده از نگاه کاربران:

برداشت آب می‌تواند به صورت پدال باشد که دیگر نیازی به دست زدن به شیر به لحاظ مسایل بهداشتی و عنصری تزئینی و گران قیمت نیست و دیگر اینکه می‌توان با قرارگیری واسطه‌ای پلاستیکی به مانند نی (مختص به هر فرد) در حد فاصل سر شیر برداشت و ظروف برداشت آب مراجعین قرار گیرد، این روش برداشت جلوگیری از آلوده شدن سر شیر با سطح لبه ظرف‌های برداشت آب است. اگرچه این مورد در هنگام تصمیم نهایی برای ساخت نیاز به تحقیق و ساخت نمونه‌های واقعی دارد و درک درستی از مسایل بهداشتی دارد.

ورودی ایستگاه و خودپرداز:

ورودی اصلی مجموعه منوط به محل قرارگیری ایستگاه برداشت آب خواه در مجاورت معابر اصلی شهری یا در داخل بافت شهری می‌تواند متفاوت باشد. به عنوان مثال دیوارهای طراحی شده در بناها می‌توانند تغییرات جزئی داشته باشند تا بر حسب شرایط محل با ورودی آن مطابقت داشته باشند. از دیگر موارد پیش بینی شده در پروژه‌ها قرارگیری دیوارهایی جهت نصب دستگاه‌های پرداخت وجه است، بنا به ماهیت ورودی در هر گزینه محل قرارگیری این دستگاه‌ها می‌تواند متفاوت باشد.



آلترناتیو شماره ۶- بافت مدرن

توجه به محیط زیست:

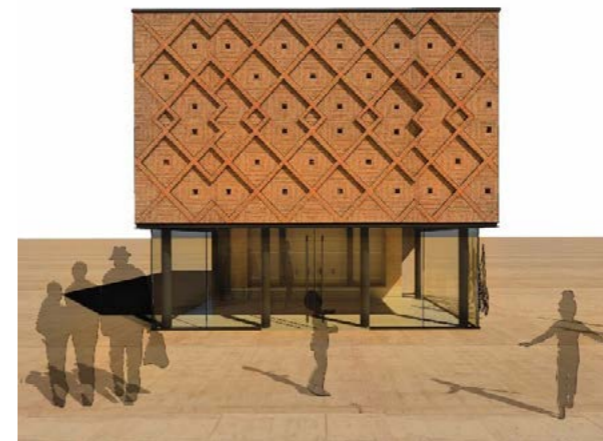
در تمامی شش گزینه ارائه شده، آجرهای سنتی دست ساز به عنوان یک مصالح بوم‌آورد و دوستدار محیط زیست مد نظر بوده است و این یکی از شاخصه‌های اصلی در پیوند با معماری سنتی است و مسأله بازیافت مصالح مطرح است. اگرچه وجه استفاده از مشبک و یا فخرالمدین از آجر در تمامی گزینه‌ها مشترک و سعی در بازآفرینی این بعد از آجر مطرح بوده است. استفاده از بام مجموعه جهت قرارگیری سلول‌های فتوولتائیک جهت تولید برق مجموعه از دیگر موارد پایداری و انطباق با طبیعت است.

استفاده مجدد از پساب و فضای سبز:

همان طور که بازیافت مصالح یکی از موارد مربوط به معماری پایدار است، تمام پساب‌های تولید شده چه در سطح مکان برداشت آب حاصل برای شست و شو و آب حاصل از سر ریز شدن ظرف‌ها و چه در سطح زمین ایستگاه جمع‌آوری و وارد تانکی جهت ذخیره‌سازی و بهره‌برداری بهتر نظیر پارک‌های اطراف و یا انتقال آن به مکانی دیگر است. این بازیافت آب همواره سعی در فرهنگ‌سازی استفاده بهینه از آب را دارد. در طرح‌های تکمیلی، ایجاد فضای سبز و آبیاری آن با پساب ذخیره شده قابل بررسی است.



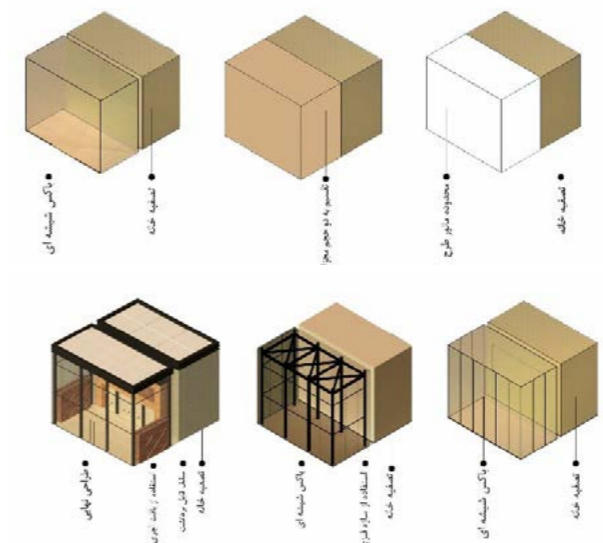
آلترناتیو شماره ۳- بافت میانی



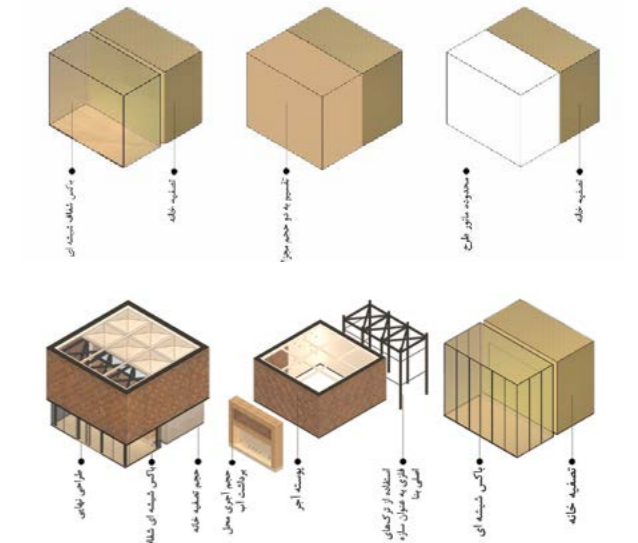
آلترناتیو شماره ۵- بافت مدرن



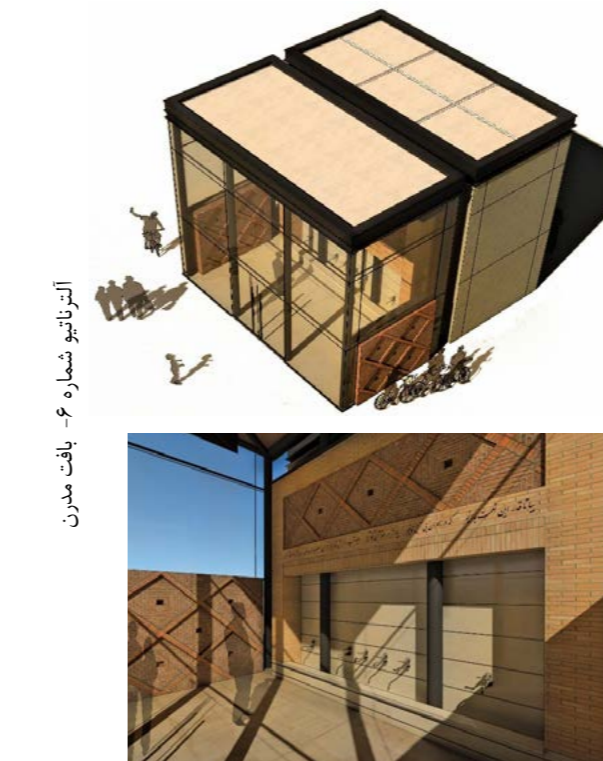
آلترناتیو شماره ۴- بافت مدرن



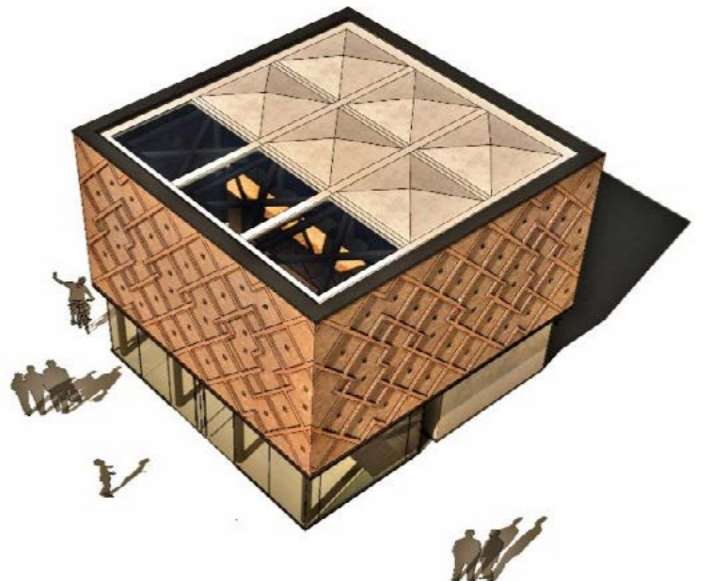
روند طراحی آلترناتیو شماره ۶- بافت مدرن



روند طراحی آلترناتیو شماره ۵- بافت مدرن



آلترناتیو شماره ۶- بافت مدرن



آلترناتیو شماره ۵- بافت مدرن

کارفرما: شرکت آب و فاضلاب استان یزد (آبفا)
طراحان: پدram و نازلی جعفریگی
طراحان سازه: حسام الدین جعفریگی، مریم جاش پور
همکاران طراحی: سمیرا سالاری، راضیه اکبری مدلینگ و رندرینگ: سمیرا سالاری
تاریخ فراخوان و پایان: اسفند ۱۳۹۷- نیمه خرداد ماه ۱۳۹۸
کسب رتبه: اول
هیئت داوران: آقای دکترعلی اصغر سمسار یزدی، آقای دکتر محمد حسین آیت‌اللهی، آقای دکتر محسن عباسی هرفته و آقای مهندس مجتبی فرهمند



پیش نویس پیشنهادی راهنمای تهیه و ترسیم نقشه‌های معماری ویرایش دوم - نسخه پیشنهادی

گردآورنده و ویرایشگر:
مهندس احسان نوری

هیئت نظارت:
کمیسیون تخصصی معماری سازمان نظام مهندسی
ساختمان استان یزد

ویرایش دوم - خرداد ۱۳۹۸

بخش اول: کلیات

- بررسی و رعایت شرایط اقلیمی و جهت گیری سایت و توجه به تفاوت جهت شمال جغرافیایی و ثبیتی
- بررسی و رعایت تأسیسات شهری و نحوه ارتباط آنان به سایت جهت در نظر گرفتن جایگاه آنان در پلان
- هماهنگی اولیه با مهندس سازه در جهت انتخاب سیستم سازه مناسب با نظر مالک
- هماهنگی اولیه با مهندس مکانیک جهت انتخاب تأسیسات گرمایشی و سرمایشی مناسب با نظر مالک.

- قبل از شروع طراحی انجام موارد ذیل الزامی است:
- مطالعه و پیاده سازی دستور تهیه نقشه صادر شده توسط شهرداری یزد
 - مطالعات میدانی و بازدید از سایت طراحی و برداشت از آن (تهیه نقشه توپوگرافی در صورت ناهموار بودن سایت و یا نقشه برداری از سایت با نظر طراح بر عهده کارفرما می باشد).
 - مصاحبه با مالک یا مالکین جهت اطلاع یافتن از نیازهای آنان
 - بررسی و رعایت همجواری‌ها و معابر دسترسی به سایت.

مقدمه

در برهه کنونی که سیل عظیم ساخت و سازها در شهر مشاهده و متأسفانه میزان زیادی از آن بدون داشتن حداقل استانداردهای طراحی و زیبایی شناختی در حال شکل گیری است، بی‌شک نقش معماران و اهمیت رسالت خطیر آنان و پرداختن به جنبه‌های کمی و کیفی معماری، روز به روز برهمگان آشکارتر می‌گردد.

با توجه به این مهم گروه تخصصی معماری سازمان نظام مهندسی ساختمان استان یزد با درک شرایط کنونی و با هدف ارتقاء کمی و کیفی نقشه‌های تهیه شده و رسیدن به حداقل استانداردهای طراحی، واقعی کردن خدمات مهندسی، حفاظت از حقوق مهندسان معمار و مسئولیت های آتی ایشان اقدام به تهیه این راهنما که بی‌شک جایگاهش در میان اسناد طراحی خالی بوده، نموده است.

((راهنمای تهیه و ترسیم نقشه های معماری))، می‌بایست به عنوان خطی مشی معماران محترم در طراحی‌های آتی قرار گیرد. البته موارد ذکر شده که با مطالعه ضوابط و مقررات تهیه و ترسیم نقشه‌های معماری دیگر استان‌ها و کتب معتبر معماری و نظرات جمعی از همکاران با سابقه استخراج شده است، مبنایی اولیه می‌باشد و در هر زمان قابل نقد و ویرایش است.

شایان ذکر است این راهنما صرفاً به عنوان راهنمایی بر طراحی و کنترل نقشه، بوده و کلیه اسناد و مدارک قانونی بالادست بر آن اولویت دارد. همچنین تمامی ضوابط و مقررات ملی که پس از تاریخ ابلاغ این دفترچه به تصویب برسد مبنای اجرا خواهد بود و در ویرایش های آتی اصلاح خواهد شد.

ضخامت های پیشنهادی خطوط در مقیاس ۱/۱۰۰

| ضخامت خط | عنوان لایه |
|----------|---|
| ۰/۵ | - ضخامت لایه سفتکاری دیوارها و کلیه سطوح برش خورده |
| ۰/۲۵ | - ضخامت لایه خطوط دید، نماها، سکوها، لبه ها و پله ها |
| ۰/۱۵ | - ضخامت لایه نازک کاری دیوارها، خطوط ندید، خط چین، درب و پنجره ها، اندازه گذاری، نوشته ها و ... |
| ۰/۰۹ | - ضخامت لایه مبلمان |
| ۰/۰۵ | - ضخامت لایه هاشور، کفسازی، گیاهان و ... |

بدیهی است که ضخامت های فوق متناسب با مقیاس های مختلف قابل تغییر می باشد



رعایت نکات زیر در زمان تهیه نقشه‌ها الزامی است:

- تکمیل جدول مشخصات نقشه‌ها بطور کامل و ذکر عنوان پروژه، عنوان نقشه، شماره نقشه، مقیاس، تاریخ ترسیم، کد نوسازی، شماره پلاک ثبتی، نام کارفرما، نام طراح و ترسیم کننده، محل مهر و امضای طراح، مسئول دفتر، مهندس ناظر، کنترل کننده و شهرداری

- استفاده از شیت‌ها در قطع **A3** (در صورتی که ابعاد شیت از **A3** بزرگتر باشد باید تا زده شود و خط تا مشخص گردد).

- رعایت ضوابط ارائه نقشه‌ها اعلام شده توسط سازمان نظام مهندسی ساختمان استان یزد.

- رعایت ضخامت خطوط با توجه به ماهیت آنها و رعایت استانداردها و علائم نقشه‌کشی

- در تهیه نقشه‌ها خطوط سفتکاری ترسیم گردد و در اندازه گذاری اندازه‌ها از سفتکاری تا نازک کاری مشخص شود. ولی بایست اندازه‌های در نظر گرفته شده برای ابعاد مفید فضاها و راهروها با در نظر گرفتن نازک کاری باشد.(مثلا برای اتاق خواب به جای ابعاد ۳ در ۴ ابعاد ۳/۱۰ در ۴/۱۰ یا برای عرض راهرو بجای ۱/۱۵ عرض ۱/۲۵ در نظر گرفته شود).

- ترسیم نقشه‌ها در سیستم متریک و تعداد رقم اعشار گرد شده تا دو رقم اعشار در نظر گرفته شود.

- از فونت‌های فارسی اتوکد در تهیه آلبوم و نوشتن نام فضاها و نیز عنوان نقشه‌ها و اطلاعات دیگر استفاده شود.

- ترتیب ارائه نقشه‌ها به صورت ذیل باشد:

صفحه ۱: جلد نقشه‌های معماری

صفحه ۲: فهرست نقشه‌ها و جدول مساحتها

صفحه ۳: صفحه توضیحات عمومی معماری

- صفحات میانی شامل:

- * پلان گذربندی و پلان موقعیت
- * پلان‌های اندازه‌گذاری طبقات از زیر زمین به بالا
- * پلان مبلمان طبقات از زیرزمین به بالا
- * پلان خرپشته
- * پلان شیب بندی بام
- * حداقل دو برش عمود بر هم
- * کلیه نماها
- * دیتیل‌های مورد نیاز

- تمام صفحات بایست به تایید مهندس طراح معماری و دفتر طراحی رسیده باشد و دارای تاریخ ترسیم (به صورت کامپیوتری) و محل تایید مسئول کنترل ترسیم نقشه‌ها و تاریخ کنترل (به صورت دستی) باشد.

- کلیه قسمتهای صفحات آلبوم بایست تایپ شده باشد(غیر از مهر و امضا) - در نظر گرفتن مطالب ارائه شده در مبحث نوزدهم در طراحی ساختمان‌ها الزامی است. «جهت‌گیری ساختمان، حجم و فرم کلی ساختمان، جانمایی فضاهای داخلی، جداره‌های نورگذر و سایبانها، اینرسی حرارتی جداره‌ها، تعویض هوای فضاها و ...»

- نمایش شمال جغرافیایی بر روی کلیه نقشه‌ها الزامی است.

- رعایت کلیه موارد مرتبط با مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی ساختمان از جمله مبحث ۳، ۴، ۱۵، ۱۹ و ۲۱ الزامی است.

بخش دوم: جزئیات طراحی و ترسیم نقشه‌های معماری

۱- جلد نقشه‌های معماری

حاوی آرم سازمان، شماره دفتر طراحی، عنوان آلبوم

نقشه‌های معماری مرحله اول، نام کارفرما، نام طراح معماری، تاریخ تهیه نقشه‌ها

۲- فهرست نقشه‌ها و جدول مساحت‌ها

الف- فهرست نقشه‌ها به صورت جدول حاوی عنوان نقشه و شماره صفحه

ب- جدول مساحت‌ها شامل مساحت طبقات مسکونی، پارکینگ سرپوشیده، پارکینگ روباز، پارکینگ میهمان، انبار، لابی و مشاعات، پله و آسانسور، بالکن و جمع کل.

۳- توضیحات عمومی معماری

طبق فرمت تهیه شده توسط کمیسیون تخصصی معماری سازمان

۴- پلان گذربندی و پلان موقعیت

الف: ارائه کروکی موقعیت زمین طبق دستور تهیه نقشه شهرداری یا عکس هوایی به روز با آدرس دهی از خیابان اصلی و نمایش همسایگی‌ها در مقیاس ۱/۲۰۰۰

ب: پلان موقعیت زمین با نمایش پلان بام ساختمان طراحی شده، مشخص نمودن میزان پیش آمدگی همجواری‌ها و عرض گذر همجوار با اندازه‌گذاری کامل در مقیاس ۱/۲۰۰ الی ۱/۵۰۰

ج: نمایش جهت شمال جغرافیایی و ثبتی و قراردادن شمال نقشه‌ها به سمت بالا یا راست شیت

د: مشخص نمودن میزان عقب نشینی زمین پس از رعایت بر اصلاحی با اندازه‌گذاری

ه: ضمن رعایت موارد ذکر شده در بند ۱ در خصوص نقشه‌های گروه (ج) و (د) که به صورت مجتمع‌های مسکونی می‌باشند رعایت موارد ذیل الزامی است:

- مشخص نمودن فاصله بلوک‌های ساختمانی با یکدیگر و با حصار، با اندازه‌گذاری

- در طراحی مجموعه‌های مسکونی جهت‌گیری بلوک‌ها و بازشوهای واحدها به گونه‌ای در نظر گرفته شود تا مسائل مربوط به نورگیری مناسب و کوران هوا لحاظ گردد.

- مشخص نمودن شبکه‌های دسترسی و پارکینگ‌های فضای باز

- رعایت ضوابط همجواری و اشرافیت در بلوک‌های ساختمانی

- رعایت فاصله مناسب بلوک‌های ساختمانی

- رعایت ضوابط آتش‌نشانی در خصوص حداقل فاصله بلوک‌ها و شبکه‌های دسترسی

- ترسیم فضاهای پر و خالی و طراحی فضاهای سبز و پیشروی ساختمان با اندازه‌گذاری

۵- پلان‌های اندازه‌گذاری

الف: پلان‌ها بایست دارای عنوان، شماره، مقیاس ۱/۱۰۰ و جهت شمال باشد.

ب: ترسیم ستون‌گذاری و نمایش آکس‌ها و محور ستونها با اندازه‌گذاری،

نمایش محل باد بندها یا دیوارهای برشی و ابعاد دقیق ستون‌ها با هماهنگی نقشه‌سازه

ج: نمایش محل داکتهای تاسیسات، محل عبور لوله فاضلاب پشت بام و نورگیرها با هماهنگی نقشه مکانیک

د: کدگذاری طبقات، پاگردها، ورودی‌ها، فضاها و کلیه اختلاف سطوح

ه: اندازه‌گذاری کلیه دیوارها و بازشوها از سفتکاری تا نازک کاری به صورت کامل با هدف سهولت در پیاده‌سازی زمان اجراء، همچنین عنوان فضا‌ها و مساحتشان نوشته شود.

و: خط جهت نمایش دید برش در تمامی پلان‌ها نشان داده شود.

ز: نمایش دقیق پله‌ها طبق ضوابط ترسیم پله و جهت بالا رفتن آن همچنین نمایش رمپ‌ها با ذکر درصد شیب رمپ

ح: کنترل ابعاد تیرها در راه پله و آسانسور و عدم کاهش عرض مفید آن‌ها

ت: نمایش اتاق تاسیسات و موتورخانه با ابعاد هماهنگ شده با مهندس مکانیک

ی: اندازه‌گذاری درز انقطاع، پیش‌آمدگی‌ها و مساحت و ابعاد نورگیرها و چاهک آسانسور الزامی است.

ک: رعایت مبحث ۳، ۴ و ۱۵ مقررات ملی ساختمان در طراحی ورودی‌ها، تعداد، ابعاد مناسب و موارد مرتبط با آشنشانی راه پله و آسانسور الزامی است.

ل: در نظر گرفتن حداقل ۵ سانتی‌متر لغاظ پشت درب دستشویی جهت باز شدن مناسب آن الزامیست.

م: دیوار جدا کننده بین واحدها و دیوار راه پله باید در مقابل حریق و صوت عایق باشد.

ن: پنجره‌ها و جهت باز شو درب‌ها باید در پلان‌ها نمایش داده شود.

۶- پلان‌های مبلمان

الف: پلان مبلمان کامل کلیه فضاها بخصوص با توجه به نیاز تاسیسات (توجه ویژه به چیدمان آشپزخانه و سرویس‌ها) و پارکینگ

ب: محل قراردادن تلویزیون در سالن نمایش داده شود.

ج: ترسیم محل قرارگیری کنتور انشعابات اصلی (آب، برق، گاز)، محل قرارگیری صندوق پست، محل قرارگیری پمپ آب (در صورت نیاز) و شماره گذاری پارکینگ‌ها و انباریها الزامی است.

د: نمایش محل پارکینگ و جهت دسترسی خودرو‌ها به پارک (فضای پارک یک خودرو ۳×۵ متر و برای دو خودرو ۵×۵ متر و برای سه خودرو ۷/۵×۵)

ه: نمایش دقیق ورودی‌ها با جزئیات مربوطه. پیشنهاد می‌گردد در فضای داخلی ورودی فضای جاکفشی توکار برای هر واحد و فضای مجزایی برای آستانه و پیش‌ورودی در نظر گرفته شود.

و: کلیه فضاهای سکونتی به ویژه هال و خواب‌ها باید دارای نور و تهویه طبیعی بوده و در کلیه خواب‌ها کمد با عمق مناسب در نظر گرفته شود.

ز: کنترل عدم قرار گیری و برخورد چاه سرویس ایرانی و کلیه لوله‌ها و رایزرها با تیرها. همچنین درب سرویس‌ها در تمام مسیر بازشو نباید با روشویی برخورد داشته باشد و محور کاسه توالت به سمت قبله نباشد.

ح: جانمایی سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی تاثیر گذار در معماری (مثل محل کولر در بالکن‌ها، داکت‌های تاسیساتی و ...)

ت: طراحی فضای باز حیاط با نمایش مسیرها، فضای سبز و سپتیک (در صورت وجود)

ی: تفکیک مسیر حرکت پیاده و سواره در طراحی فضای باز و پیلوت ساختمان‌ها با نمایش‌های مربوطه.

ک: نمایش پلان‌های معکوس (سقف کاذب، اختلاف سطوح در سقف، وجود نورگیر، Void)

ل: عدم تداخل خطوط معماری و سازه و رعایت اندازه و

مقیاس درست مبلمان مثل خودروها، سرویس ها و … الزامی است.

۷– پلان خرپشته

الف: ضخامت دیوار جانپناه بام، جانپناه نور گیر ، پله های دسترسی به پشت بام و اتاق آسانسور به نمایش گذاشته شود.

ب: نورگیرها، محل کانالهای تاسیساتی و رایزرهای مربوطه و نیز محل کولرها یا سیستمهای پیشنهادهی تاسیساتی دیگر به نمایش گذاشته شود.

ج: شیب بندی بام، محل کفشورها و نردبان دسترسی به خرپشته مشخص گردد.

د: اکیدا توصیه می گردد از جانمایی مخازن آب و آتشنشانی روی سقف خرپشته پرهیز گردد و این مخازن روی بام اصلی قرار گیرد.

ه: کنترل عدم قرارگیری تاسیسات مثل کولر، دودکش ها و غیره در نمای اصلی ساختمان.

و: نمایش آکس بندی ها و فواصل آنها و خط دید برش الزامی است.

۸– پلان بام

الف: نمایش شیب بندی بام خرپشته و بام ضمن مشخص نمودن محل کفشورها

ب: مشخص نمودن محل داکت ها و رایزرهای تاسیساتی

ج: مشخص نمودن محل نردبان پشت بام و حفاظ لازم در اطراف بام خرپشته به صورت زده فلزی یا مصالح مناسب دیگر

د: نمایش محل استقرار تاسیات گرمایشی و سرمایشی بر روی پشت بام

ه: نمایش آکس بندی ها و فواصل آنها و خط دید برش الزامی است.

۹– برش ها

الف: ترسیم حداقل دو برش عمود بر هم، یکی از مقاطع از محل پله‌ها و آسانسورها و ترجیحاً محل مقطع دوم به گونه ای در نظر گرفته شود که تفاوت ارتفاعات و کدها در پلانها بطورکامل معرفی گردد. خط برش اول طوری تنظیم شود که از اولین پله عبور کرده و بیشترین پله را در دید خود داشته باشد.

ب: برای ترسیم برش خطوط سفتکاری در نظر گرفته شود لیکن برای ابعاد مفید فضا، فضاها با در نظر گرفتن نازک کاری بزرگتر در نظر گرفته شود. همچنین استفاده از ضخامت مناسب و هاشور منطقه های برش خورده شده و نمایش درها و پنجره ها الزامی است.

ج: نمایش کدهای ارتفاعی در برش ها (طبقات– پاگردها– اختلاف سطوح– دست اندازه‌های بام و تراس و …) الزامی است.

د: رعایت عمق مناسب برای چاهک آسانسور و ترسیم در برش‌ها الزامی است.

ه: نمایش شیب‌ها با ذکر درصد شیب در برش‌ها الزامی است.

و: نمایش کلیه سقف‌های کاذب و کف‌های کاذب در برش‌ها الزامی است.

ز: نمایش دیوارهای حیاط در برش‌ها طولی الزامی است.

ح: نمایش محور ها (آکس‌ها) در برش‌ها الزامی است.

ت: کلیه برش‌ها با مقیاس حداقل ۱/۱۰۰ و در قطع حداقل **A3** ارائه گردند.

ی: اندازه گذاری ارتفاعی در مقاطع انجام شود.

ک: ترسیم جان پناه تراس ها ، پشت بام و راه پله ها بر اساس ضوابط الزامی است.

۱۰– نما ها

الف: تمامی نماهای قابل رویت از بیرون ساختمان بایست ترسیم شود.

ب: مشخص نمودن کدهای ارتفاعی کفهای تمام شده،

اکابه پنجره ها و روی دست انداز بام ها و نمایش آکس

ستونها و فواصل بین آنها در نما الزامی است

ج: کد گزاری نما برای نمایش جلو و عقب بودن صفحات نما الزامی است.

د: جنس مصالح نما مشخص و نحوه چینش آنها در نما اعلام گردد. رعایت نسبت مصالح در نما طبق ضوابط

طرح تفصیلی الزامی است

ه:ترسیم جان پناه های تراس ها، پشت بام و راه پله ها بر اساس ضوابط الزامی است.

و: مشخص نمودن نوع و ابعاد درب و پنجره در نما و در صورت نیاز ارائه دتایل (ضمن رعایت موارد مباحث ۴

و ۱۹) الزامی است.

ز: اندازه گذاری کامل نما با توجه به سطوح مختلف و تغییر مصالح با مقیاس مناسب الزامی است.

ح: ایجاد سایه‌بان و فضای پر و خالی با توجه به مبحث ۱۹ الزامی است.

ت: توجه به خط زمین و آسمان در نما الزامی است.

ی: داشتن ازاره در پای نما با ارتفاع متناسب الزامی است.

ک: کلیه نماها با مقیاس حداقل ۱/۱۰۰ و در قطع حداقل **A3** ارائه گردند.

ل: جزئیات اجرایی نما و تصویر سه بعدی نما در صورت تقاضای کارفرما یا مراجع ذی صلاح به صورت جداگانه با تعرفه جداگانه تهیه خواهد گردید.

۱۱– دیتیل های مورد نیاز

الف: نمایش حداقل یک وال سکشن در مقیاس حداقل ۱/۵۰ (در وال سکشن به نمایش وال پست ها، عایق های حرارتی و موارد مطرح در مبحث ۱۹ ، آبچکان لب پنجره ها و پشت بام، ارتفاع مناسب جان پناه و پنجره ها توجه گردد.)

ب:نمایش مقطع جزئیات دیوارها در پلان در مقیاس حداقل ۱/۵۰

ج: دیتیل نحوه اتصال دستگاه پله به سازه و شروع دستگاه پله و ارتفاع جان پناه و نوع آن مشخص گردد.

د: هرگونه دیتیل به تشخیص طراح که در صورت مبهم بودن بخشی از طرح مورد نیاز است.

 [Instagram.com/nezammohandesi_yazd](https://www.instagram.com/nezammohandesi_yazd)
 t.me/yazd_ceo
 www.yazdnezam.ir

